

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

be27de22c633b7ecfc748db2effa2f8e897817d34a59f233a23c4e4aeeae945

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

بصیرت - تعداد فیش : 254 ، تعداد مقاله : 1

بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین 1393/09/06

دومین پایه که در کنار این هست که مکمل پایه اول است، عبارت است از بصیرت، روشن‌بینی. یعنی چه؟ یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها؛ بصیرت است. همیشه با یک سلاح نمی‌شود مبارزه کرد. در همه میدانها با یک سلاح نمی‌شود رفت. کدام سلاح را به کار بیندازیم؟ دشمن کجا است؟ بارها من عرض کرده‌ام اینهایی که بصیرت ندارند - مثل این بیچاره‌هایی که در فتنه گرفتار شدند - مثل کسانی‌اند که در تاریکی شب، در مه غلیظ، در غبار می‌خواهند مخالفی را، دشمنی را بزنند؛ خب نمی‌دانند دشمن کجا است؛ یکی از اولین شرایط جنگهای نظامی، اطلاعات است؛ بروید اطلاع کسب کنید و ببینید دشمن کجا است. اگر بدون اطلاع رفتید، شما ممکن است جایی را بزنید که دوست آنجا است؛ کسی را بزنید که با شما دشمن نیست و به دشمن کمک کنید؛ گاهی این‌جوری میشود. اگر بصیرت نبود، میشود این؛ که فرمود: **العالمُ یَرمَانه لِا تَهْجُمُ عَلَیْهِ اللّوایسُ**؛ (۸) شبها و نادانی‌ها و نفهمی‌ها به کسی که عالم به زمان خود است، هجوم نمی‌آورند؛ می‌فهمد چه کار باید بکند. اگر این نبود، مشکل به‌وجود خواهد آمد، حتی اگر آن احساس مسئولیت هم باشد.

بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین 1393/09/06

بعضی‌ها احساس مسئولیت داشتند در دوران مبارزات اما نمی‌فهمیدند این را کجا خرج کنند؛ جایی خرج میکردند که به ضرر حرکت عظیم مبارزاتی امام بزرگوار بود؛ بعد از انقلاب هم همین‌جور؛ تا امروز هم همین‌جور است. بعضی‌ها احساس دارند، احساس مسئولیت میکنند، انگیزه دارند اما این انگیزه را غلط خرج میکنند؛ بد جایی خرج میکنند؛ اسلحه را به آنجایی که باید، نشانه نمی‌گیرند؛ این بر اثر بی‌بصیرتی است. حالا ما چند سال پیش در قضیه‌ی فتنه گفتیم بصیرت؛ بعضی دهن‌کجی کردند که بصیرت! بله، بصیرت؛ بصیرت که نبود، هرچه که مسئولیت و انگیزه بیشتر باشد، احساس بیشتر باشد، خطر بیشتر است؛ اطمینانی دیگر نیست به این آدم بی‌بصیرت و بدون روشن‌بینی که دوست را نمی‌شناسد، دشمن را نمی‌شناسد و نمی‌فهمد کجا باید این احساس را، این نیرو را، این انگیزه را خرج کند. این پس شد رکن دوم که بسیار بسیار لازم است. اگر این رکن دوم نباشد، امر به معروفش هم اشتباهی درمی‌آید، جهادش هم اشتباهی درمی‌آید، امر مورد اهتمامش هم دچار خطا میشود، و به کج‌راه می‌افتد. رحمت خدا و رضوان خدا بر امام بزرگوار که همه‌ی این چیزها را فکر کرد؛ آن چشم تیزبین و روشن‌بین، آن بصیرت الهی، بدون اینکه درس سیاست در جایی خوانده باشد، از کسی فراگرفته باشد، همه‌ی آن چیزهایی را که در این زمینه لازم بود، از خدای متعال الهام گرفت؛ به آن قلب پاکیزه الهام شد. امام هم بسیج را درست کرد، هم جهت را نشان داد. امام فقط نگفت حرکت کنید، راه بیفتید، احساس مسئولیت کنید، بسیجی باشید؛ نه، گفت که چه کار کنید. به ما گفت هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید. این یعنی جهت دادن؛ یعنی یاد دادن که چه کار کنید، کدام طرف بروید، کجا را نشانه بگیرید؛ این را به ما یاد داد.

در دوران جنگ، در هشت سال دفاع مقدس، مکرر گفت: جنگ در رأس امور است. ماها مسئول بودیم در کشور - بنده رئیس‌جمهور بودم، یکی دیگر مسئول دیگری بود - هزار جور کار داشتیم. مأمور و مسئول وقتی که این‌همه کارهای اجرایی دوروبرش هست، گاهی غفلت میکند، [اما] امام راه را نشان داد به همه - به مسئولین، به مردم، به جوانها - [که] جنگ در رأس امور است. همین هم بود. جهت داد به همه که بروید سراغ این کار؛ این مهم است.

بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین 1393/09/06

پایه فکری، در درجه اول، آن احساس مسئولیت است که این عقیده فکری بسیار مستحکمی است برای شما که میخواهید در عرصه‌ی بسیج حرکت بکنید، و شرط لازم که پایه دوم محسوب میشود، بصیرت است؛ از این دو چیز یک لحظه نباید غفلت کرد. آن احساس مسئولیت - یعنی برای خدا، صبراً و احتساباً؛ (۹) پروردگارا، من این کشف علمی را میکنم، این مطالعه را میکنم، این کار هنری را خلق میکنم، این مبارزه را میکنم، این عمل اقتصادی را انجام میدهم، این کمک را به زید میکنم، این مبارزه را با عمرو میکنم، برای تو؛ چون از من مسئولیت خواسته‌ای - این احساس مسئولیت و احساس تعهد الهی؛ بعد هم آگاهی؛ بدانیم کجا هستیم، جای ما کجا است، جای دشمن کجا است، دشمن کیست، با دشمن با چه سلاحی باید مبارزه کرد. این هم رکن دوم، با این نگاه، هم دایره‌ی بسیجیان مشخص میشود، هم عرصه‌های فعالیت بسیج روشن میشود.

بیانات در هشتمین مراسم دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش 1393/08/26

اگر ایمان نباشد، بصیرت نباشد، عزم راسخ نباشد، نگاه بلندمدت به انتهای صفوف دشمن نباشد، تعداد جمعیت یا کثرت عده و عده‌ی نظامی و تجهیزات، سرنوشت‌ساز نخواهد بود.

بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری 1393/06/13

ما به مسائل جهانی و مسائل منطقه‌ای و از جمله مسائل کشورمان، باید نگاه کلان و جامع داشته باشیم؛ این نگاه کلان، به ما معرفت و بصیرتی را عطا میکند که اولاً موقعیت خودمان را، جایگاه خودمان را، ایستگاه خودمان را در وضع کنونی بازیابی کنیم و بفهمیم در چه وضعی قرار داریم؛ بعد هم به ما تعلیم میدهد که برای آینده چه باید بکنیم.

در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته‌ی اساسی برخورد میکند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است؛ این را انسان می‌فهمد و مشاهده میکند.

بیانات در محفل انس با قرآن 1393/04/08

قرآن کتاب معرفت است، کتاب نور است. **وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ زِيَادَةٌ أَوْ نُقْصَانٌ زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٌ فِي عَمَى**؛ این کلام منسوب به امیرالمؤمنین است؛ فرمود: هرکسی که با قرآن نشست، از این نشست که برخاست، یا هدایتی در او افزون شده است یا بی‌معرفتی و کوری‌ای از او کم شده است. یک افزایشی و یک نقصانی در او به‌وجود می‌آید، افزایش در هدایت و نقصان در کوری، نقصان در گمراهی، یعنی گمراهی انسان کم میشود. هدایت انسان، آگاهی انسان افزایش پیدا میکند؛ نشست و برخاست با قرآن این‌جوری است؛ این البته با توجه و تدبّر در قرآن حاصل میشود. قرآن را باید با توجه خواند؛ توجه داشته باشیم که صرف تشکیل این اصوات مطلوب نیست؛ با توجه به معانی، با توجه به مرادفات قرآنی باید قرآن را خواند؛ اگر این شد، آن وقت جامعه‌ی اسلامی راه خودش را پیدا میکند. **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ**؛ از ظلمات خرافات، از ظلمات گمراهی‌ها، از ظلمت ترس، از ظلمت توهمات، انسان خارج میشود «إِلَى النُّورِ»؛ نور هدایت، نور معرفت، نور تقرب به پروردگار، نور انس با پروردگار. اینها خصوصاتی [است] که با نشستن با قرآن و انس با قرآن برای انسان به‌وجود می‌آید و ما به این احتیاج داریم؛ امت اسلامی امروز به این احتیاج دارد. جامعه‌ی اسلامی امروز با چالشهای جدی روبرو است؛ مکرر عرض کردیم توجه به چالشها به معنای این نیست که ما احساس کنیم که دشمن قوی است و بر ما غلبه پیدا خواهد کرد؛ این‌جور نیست. جامعه‌ی اسلامی با چالشها مواجه است و مواجهه‌ی با چالشها یک فرصتی است برای اینکه اسلام بتواند از مراحل سیر تاریخی حرکت به‌سوی اعتدالی مورد نظر، ان‌شاءالله یک پله‌ی دیگر، یک حرکت دیگر، یک مرحله‌ی دیگر پیش برود؛ امروز این‌جوری است. ما در دوره‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از بیداری اسلامی، دنیای اسلام را در حال غفلت میدیدیم؛ امروز دنیای اسلام در حال آگاهی است. حوادثی هم که در دنیای اسلام رخ میدهد، به کمک آگاهی امت اسلامی می‌آید؛

ما را آگاه‌تر میکند، روشن‌تر میکند، وظایف ما را برای ما مشخص‌تر میکند. دشمنان اسلام از این بصیرت مؤمنین و امت اسلامی بی‌مناکند؛ ما این بصیرت را باید روزبه‌روز تقویت کنیم؛ اولین مرحله همین است که این چالشها را بشناسیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفیرای کشورهای اسلامی 1393/03/06

دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به روی آوردن به اندیشه، روی آوردن به فکر، عادت کردن به اندیشیدن، مسائل را درست فهمیدن، درست تحلیل کردن. دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه دشمن امت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم. گاهی دیده شده است که مجموعه‌ای از ما مسلمانها با دشمنان خودمان همدست شدیم برای زدن دوستان خود، برای زدن برادران خود! خب، این به ما لطمه میزند، این امت اسلامی را دچار آشفتگی میکند، دچار ضعف میکند؛ این ناشی از نداشتن بصیرت است. امروز دنیای اسلام به این بصیرت احتیاج دارد، به این تدبیر و اندیشه احتیاج دارد، به اثاره‌ی دافان عقول احتیاج دارد: وَ تَبَيَّرُوا لَكُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ. نیاز مهم دیگر دنیای اسلام اتحاد است؛ باید از اختلافات جزئی، اختلافات سلیقه‌ای، اختلافات عقیدتی عبور کرد و امت واحد تشکیل داد: إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ آتَاكُمْ قَاعًا دُونَ؛ خدای متعال این‌جور میفرماید. اعتقاد به قرآن، اعتقاد به پیامبر، اعتقاد به خدای واحد، اعتقاد به کعبه‌ی واحد و قبله‌ی واحد، درمقابل داشتن جبهه‌ی واحد دشمن، اینها کافی نیست برای اتحاد دنیای اسلام؛ چرا عده‌ای نمیفهمند؟ چرا عده‌ای این حقایق روشن را درک نمیکنند؟ هدف آمریکا و جبهه‌ی غربی‌ها از ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی چیست؟ چرا این را فکر نمیکنند؟ رژیم صهیونیستی غاصب - که امروز بزرگ‌ترین بلیه‌ی دنیای اسلام وجود این رژیم است - باید بتواند با آسودگی زندگی کند، بر مشکلات خودش فائق بیاید، بر عوامل نابودکننده‌ای که بحمدالله در ارکان آن رژیم غاصب وجود دارد فائق بیاید؛ این نمیشود مگر اینکه سر مسلمانها را بند کنند، بین آنها اختلاف بیندازند، مسائل کوچک را برای آنها بزرگ کنند.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام 1393/02/31

جوانان عزیز! آینده مال شما است؛ افقا را شما باید فتح کنید و فتح خواهید کرد؛ خودتان را آماده کنید، خودتان را بسازید. در این دانشگاه سعی کنید علم را، تحقیق را، بصیرت را، آموزش‌های رزمی را - تکیه میکنم بر روی آموزش‌های رزمی - یکایک افراد [بیاموزند]. بحمدالله استعدادها خیلی خوب است، توانایی‌ها خیلی خوب است، میتونید کارهای بزرگ را انجام بدهید؛ خودتان را برای انجام کارهای بزرگ در آینده‌هایی که ان‌شاءالله چندان دور نباشد آماده کنید.

بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام 1393/01/31

سعی کنیم آنچه را به‌عنوان مضمون و محتوا در شعر خودمان می‌گنجانیم، هر کلمه‌ی آن آموزنده باشد. فرق نمیکنند؛ گاهی مصیبت است، گاهی مدح است؛ همه‌ی اینها میتواند جوری انتخاب بشود که آموزنده باشد. در دوران شور انقلاب و هیجان انقلاب، در محرمی که آخرین محرم دوران طاغوت بود و محرمی بود که بلافاصله بعد از محرم و صفر، پیروزی انقلاب اتفاق افتاد، هیئات مذهبی در شهرهای مختلف، نوحه‌هایی را میخواندند که هر یک از این نوحه‌ها به‌قدر یک خطابه‌ی بلند و بلیغ، مردم را روشن میکرد و آگاه میکرد و بصیرت میداد. باید همیشه همین‌جور باشد؛ نوحه‌ها را [پرمحتوا کنید]. این کاری که نوحه‌خوان انجام میدهد، کار بسیار جذاب و جالبی است.

بیانات در یادمان شهدای شرف کارون 1393/01/06

دشمنان میخواهند قضیه‌ی دفاع مقدس از یادمان برود، فداکاری‌ها از یادمان برود، شخصیت‌هایی را که در این فداکاری‌ها نقش آفریدند یا نشناسیم یا از یاد ببریم، این‌جور میخواهند. بعضی میخواهند آن دوران را تخطئه کنند، آن آدمها را تخطئه کنند، آن جهت‌گیری را و آن مسیر را که امام بزرگوار و حکیم و بنده‌ی بصیر الهی آن مسیر را معین کرده بود تخطئه کنند؛ برای اینکه میدانند که هر ذره‌ای و هر نقطه‌ای از این حوادث، برای ملت ایران فراموش نشدنی است و تأثیرات بزرگ سازنده‌ای دارد.

بیانات در یادمان شهدای شرف کارون 1393/01/06

این حرکت راهیان‌نور را مغتنم بشمرید؛ از شما برادران و خواهران عزیزی که از راه‌های دور به این نقطه آمدید و بخشی از مجموعه‌ی عظیم حرکت راهیان‌نور را تشکیل دادید هم تقدیر و تشکر میکنم و امیدوارم ان‌شاءالله همه‌ی شما ماجور باشید و همه‌ی شما ان‌شاءالله با دست پُر و همراه با تجربه‌آموزی و بصیرت و همراه با انوار معنوی الهی ان‌شاءالله از این منطقه جدا بشوید.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال 1392/12/29 ۱۲۹۲

گذشت سالها و تبادل سالهای گوناگون برای ما باید موجب تجربه و بصیرت باشد؛ از گذشته درس بگیریم و به آینده با چشم باز و دل آگاه نظر کنیم و برای آینده تصمیم بگیریم. من از خداوند متعال درخواست میکنم که به همه‌ی ایرانیان عزیز ما در این سال جدید، تن سالم، روح شاداب، امنیت روانی، آرامش روحی و پیشرفت و تعالی و سعادت مرحمت کند. و امیدوارم خداوند متعال به جوانان ما نشاط و پویایی، و به مردان و زنان ما همت و اراده و عزم مستحکم و درست، برای پیمودن راه‌های پرافتخار، و به کودکان ما خرسندی و تندرستی، و به خانواده‌های ما امنیت و محبت و الفت عنایت کند.

پیام شفاهی به تشکل‌های دانشجویی انقلابی 1392/11/23

شما افسران جوان جنگ نرم هستید و عرصه‌ی جنگ نرم، بصیرتی عمّارگونه و استقامتی مالک‌اشتروار میطلبید؛ با تمام وجود، خود را برای این عرصه آماده کنید.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی 1392/10/29

دستگاه‌های استخباری اعم از آمریکا و دیگران، ۲۵ سال است علیه نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، آنچه از دستشان بر آمده است، انجام داده‌اند؛ علی‌رغم آنها ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی روزبه‌روز قوی‌تر، ریشه‌دارتر، مقتدرتر و دارای نفوذ بیشتر شده است و ان‌شاءالله این استحکام، این استقرار، این قوت بیشتر خواهد شد. در دنیای اسلام هم انسان میبیند که امروز آگاهی نسلها، آگاهی جوانها نسبت به اسلام و آینده‌ی اسلام بیش از گذشته است و در بعضی جاها بمراتب بیش از گذشته است؛ البته دشمن تلاشهایی میکند، اما ما با دقت و بصیرت که نگاه کنیم، خواهیم دید این موج حرکت اسلامی ان‌شاءالله رو به پیش است.

بیانات در دیدار مردم قم 1392/10/19

آن روزی که جوانهای قم از طلبه و غیرطلبه و افسار گوناگون و مردم مؤمن آمدند در کوچه و خیابان قم و به دفاع از امام، به دفاع از حقیقت، به دفاع از پرچم برافراشته‌ی مبارزه‌ی علیه طاغوت و در مقابل گلوله‌های مزدوران رژیم طاغوت قرار گرفتند و خونشان روی آسفالتهای خیابان ریخته شد، هیچ‌کس از آن مردم و از حول‌وحوش آن مردم هرگز گمان نمیکرد که این حادثه چه اثری خواهد گذاشت. احساس تکلیف کردند، نیروی خودشان را و آنچه داشتند روی دست گرفتند، آمدند میدان. [مردم قم] فکر میکردند که نوزده دی منشأ این تحوّل عظیم زنجیره‌ی مبارزات و اعتراضات بشود و منتهی بشود به خیزش بزرگ عمومی مردم و کار را تمام کند؟ مردم قم فکر میکردند کاری که دارند میکنند این‌قدر برکت داشته باشد؟ فکر نمیکردند؛ اما: وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ. عامل پیروزی این است که يك جماعتی - در يك مقیاس بزرگ، يك ملّتی - ایمان درستی داشته باشد، و این ایمان راسخ باشد، و این ایمان با بصیرت همراه باشد، و این ایمان و بصیرت با عمل و اقدام همراه باشد؛ اینها وقتی روی هم گذاشته شد، نصرت قطعی است. آنجایی که شما می‌بینید مؤمنینی هستند و نصرت پیدا نمیکنند، به خاطر این است که یا ایمان ضعیف است، یا ایمان غلط است - ایمان به چیزی است که نباید به آن مؤمن بود - یا ایمان همراه با بصیرت نسبت به مسائل جهان و مسائل حول‌وحوش خودشان نیست. نداشتن بصیرت مثل نداشتن چشم است؛ راه را انسان نمیبیند. بله، عزم هم دارید، اراده هم دارید، اما نمیدانید کجا باید بروید. ما که این همه در باب قضیه‌ی حوادث تُه دی روی بصیرت تکیه کردیم و بعضی‌ها خوششان نیامد، به خاطر این است؛ اگر بصیرت نبود، همان ایمان ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند. کسی که علم ندارد، بصیرت درست ندارد به آنچه پیرامون او دارد میگردد، گاهی اوقات میشود که راه را عوضی طی میکند؛ همه‌ی نیروی او نه فقط هدر میرود، بلکه به کج‌راهه او را میرساند و میکشاند؛ پس بصیرت لازم است. عمل صالح بر اساس ایمان، ایمان راسخ و ایمان درست، ایمان همراه با بصیرت، و تدابیر و استقامت، اگر چنانچه بود، پیروزی قطعی است. اینهایی که پیروز نمیشوند، یکی از اینها را ندارند؛ یا ایمان نیست، یا ایمان درست نیست، یا استقامت نیست، یا بصیرت نیست؛ در نیمه‌راه بار بار بر زمین گذاشتن است؛ طبعاً به نتیجه نمیرسند. ملت ایران این شرایط را فراهم کرد؛ ایمان او درست بود، چون راهنمای او راهنمای صادقی بود، راهنمای ماهر و خبیری بود؛ يك فقیه آگاه به مسائل جهان، و بریده‌ی از مطامع و منافع مادّی شخصی، و آگاه به کتاب و سنت؛ راه را به

مردم نشان میداد، مردم هم با بصیرت حرکت کردند؛ فهمیدند که چه کار باید بکنند؛ آن کار را انجام دادند، و کَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ حالا هم همین‌جور است.

بیانات در دیدار مردم قم 1392/10/19

آنچه برای ما مهم است این است که ما در رفتار خودمان، در گذشته‌ی خودمان تأمل کنیم و از ضعف‌های خودمان و از قوت‌های خودمان درس بگیریم؛ امروز هم همین است. کسی توهم نکند که آن کسانی که در مقابل انقلاب اسلامی با همه‌ی قوا ایستاده بودند، امروز منصرف شده‌اند؛ نه، امروز هم ایستاده‌اند؛ منتها هر دشمنی اگر چنانچه ناچار شد، عقب‌نشینی میکند؛ اگر مجبورشان کردید و وادارشان کردید به عقب‌نشینی، ناچار عقب‌نشینی میکنند؛ اما از دشمنی منصرف نمیشوند؛ امروز مسئله در دنیا این است. دشمن را باید شناخت، جبهه‌ی دشمن را باید شناخت، لیکن دشمن را نباید جدّی گرفت، نباید فریفته‌ی آن شد، هدف را نباید فراموش کرد؛ هدف جمهوری اسلامی عبارت است از رسیدن به آرمان‌های اسلام، یعنی سعادت مادّی و معنوی بشر، یعنی پیشرفت در امور زندگی مادّی و معنوی. این هدف را نباید فراموش کرد، باید دنبال کرد و باید یقین داشت که با ایمان راسخ، با ادامه‌ی راه، با بصیرت در امور پیرامونی و مسائل جاری، با بصیرت نسبت به دشمن و بصیرت نسبت به میدان عمل و جبهه‌ی مبارزه، پیروزی قطعی است؛ این را بایست توخه داشت. اینکه بنده مکرر عرض میکنم افق دید نظام جمهوری اسلامی، افق روشنی است، به‌خاطر این است؛ چون بحمدالله مردم ما، جوانان ما، مرد و زن ما، هم دارای ایماند، هم دارای بصیرتند، هم دشمن را می‌شناسند، هم اهل کار و اهل عمل و اهل ابتکارند.

پیام به کنگره عظیم حج 1392/07/22

امت اسلامی امروز بیش از هر چیز به انسان‌هایی نیاز دارد که اندیشه و عمل را در کنار ایمان و صفا و اخلاص، و مقاومت در برابر دشمنان کینه‌ورز را در کنار خودسازی معنوی و روحی، فراهم سازند. این یگانه راه نجات جامعه‌ی بزرگ مسلمانان از گرفتاری‌هایی است که با آشکارا به دست دشمن و یا با سستی عزم و ایمان و بصیرت، از زمان‌های دور در آنها فروافتاده است.

بی‌شک دوران کنونی، دوران بیداری و هویت‌یابی مسلمانان است؛ این حقیقت را از خلال چالش‌هایی که کشورهای مسلمان با آن روبه‌رو شده‌اند نیز بروشنی میتوان دریافت. درست در همین شرایط است که عزم و اراده‌ی متکی به ایمان و توکل و بصیرت و تدبیر، میتواند ملت‌های مسلمان را در این چالش‌ها به پیروزی و سرافراز برساند و عزّت و کرامت را در سرنوشت آنان رقم زند.

پیام به کنگره عظیم حج 1392/07/22

ما به توانایی ملت‌ها و قدرتی که خداوند حکیم در عزم و ایمان و بصیرت توده‌های مردم فرار داده است، از اعماق دل باور داریم و آن را در بیش از سه دهه در جمهوری اسلامی ایران، به چشم خود دیده و با همه‌ی وجود خود آزموده‌ایم؛ همت ما، فراخوان همه‌ی ملت‌های مسلمان به این تجربه‌ی برادرانشان در این کشور سرافراز و خستگی‌ناپذیر است.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی 1392/06/26

هیچ کس در چشم این دشمنان منفرتر از چهره‌ی درخشان و آفتاب فروزان امام بزرگوار ما نبود؛ برایش احترام قائل بودند، اما از ته دل دشمنش بودند؛ به‌خاطر اینکه ایستاده بود، به‌خاطر اینکه امام با دو خصوصیت بی‌نظیر «بصیرت کامل» و «قاطعیت تمام» - هم خوب میدید و درست میفهمید، هم قاطع می‌ایستاد - سدّی بود در مقابل پیشرفت اینها و در مقابل ناخن زدن و نیش زدن و ضربه زدن اینها؛ لذا با او دشمن بودند.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1392/06/14

صف‌بندی‌هایی وجود دارد در دنیا و در بسیاری از این صف‌بندی‌ها ما یک طرف قضیه هستیم؛ باید ببینیم طرف مقابل ما کیست؟ چیست؟ چرا دشمنی میکند؟ ما چرا در مقابل او مقاومت میکنیم؟ اینها را با یک نگاه کلان باید دید. فرمود: «أَقَمْنِ يَمَشِي مَكِيًّا عَلَى وَجْهِهِ أهدى أَمَن يَمَشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ معنای «سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» همین است که با چشم باز، با بصیرت، با بینش، با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب، ببینیم که هدف چیست و راه [رسیدن] به این هدف چیست و واقعیت‌هایی که در سر راه ما وجود دارد، اینها چیست؟ با توخه به اینها تصمیم‌گیری کنیم و حرکت بکنیم.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها 1392/05/15

یک جبهه‌ی دشمن عنودی در مقابل نظام جمهوری اسلامی در میان قدرتهای دنیا وجود دارد. آیا این جبهه‌ی عنود و لجاج در دشمنی با جمهوری اسلامی، مشتمل بر اکثر کشورهای دنیا است؟ ابتدا؛ آیا مشتمل بر اکثر کشورهای غربی است؟ ابتدا؛ این مربوط به چند کشور قدرتمندی است که به خاطر دلالت خاصی با نظام جمهوری اسلامی و با اقتدار نظام جمهوری اسلامی مخالفند و کارشکنی میکنند؛ یکی از کارشکنی‌ها، همین کارشکنی در زمینه علمی است. بعضی از دوستان گفتند «دیپلماسی علمی»، «دیپلماسی دانشگاهی»؛ بنده هم اعتقاد به این دارم، تشویق هم کرده‌ام؛ اما توجه داشته باشید که طرف مقابل روی این نکته بخصوص توجه دارد، روی این نکته برنامه‌ریزی میکنند. بر روی همین نقطه‌ی «دیپلماسی علمی» برنامه‌ریزی میکنند و اهداف خودشان را دنبال میکنند. اگر با توجه، با آگاهی، با بصیرت، کار انجام بگیرد، ما کاملاً موافق هستیم. از پیشرفت علمی ما هم راضی نیستند. بخشی از این کارهایی که امروز در زمینه تحریم و امانت اینها مشاهده میکنید، مربوط به همین است که نمیخواهند جامعه‌ی ایرانی به این اقتدار درونزا دست پیدا کند؛ که اقتدار علمی، یک اقتدار درونزا است.

متن حکم تنفیذ یازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران 1392/05/12

با سپاس به درگاه خداوند حکیم و قدیر و درود بر پیامبر گرامی و خاندان مکرمش، آغاز دور تازه‌ئی از زنجیره‌ی خدمت و مسئولیت سنگین اجرایی در کشور را، به ملت بزرگ ایران تبریک میگویم و در برابر الطاف کریمانه‌ی الهی که کمک و هدایتش، عزم و توان و کامیابی در ایجاد حماسه‌ئی دیگر را به این ملت بخشید، جبهه‌ی خشوع و شکر بر زمین می‌سایم.

ملت ایران مفتخر است که مسیر مردمسالاری اسلامی را در دوره‌های پی‌درپی با انگیزه و نشاط، پیموده و این درخت سرسبز و ثمربخش را در هر دوره، سرافرازتر و ریشه‌دارتر کرده است. در این نوبت نیز ملت ایران، با آگاهی و بصیرت، میدان را با حضور مبارک خود مزین ساخت و به دشمنان که برای دلسرد کردن مردم از هیچ تلاش سیاسی و تبلیغاتی فروگذار نکرده بودند، پاسخی قاطع و پرمعنی داد. مشارکت گسترده مردم و برگزیدن منتخب شایسته‌ئی که آزمون بیش از سه دهه خدمت به نظام جمهوری اسلامی را در کارنامه خود نگاشته و از دوران مبارزات انقلابی تا دهه‌ها پس از پیروزی انقلاب، از سنگر روحانیت به مقاومت در برابر دشمنان انقلاب پرداخته است، پیام‌هایی روشن به همه رسانید؛ پیام وفاداری خدشه‌ناپذیر به انقلاب؛ پیام اعتماد و امید به نظام جمهوری اسلامی؛ پیام اعتماد به روحانیت شجاع و پیشرو؛ و اعتماد به خدمتگزارانی که با همت و ابتکار خود، برآند که بر موفقیتها افزوده و از مشکلات بکاهند.

بیانات در دیدار دانشجویان 1392/05/06

در انتخابات سال ۸۸، آن کسانی که فکر میکردند در انتخابات تقلب شده، چرا برای مواجهه‌ی با تقلب، اردوکنشی خیابانی کردند؟ چرا این را جواب نمیدهند؟ صد بار ما سؤال کردیم؛ نه در مجامع عمومی، نخیر، به شکلی که قابل جواب دادن بوده؛ اما جواب ندارند. خب، چرا عذرخواهی نمیکند؟ در جلسات خصوصی میگویند ما اعتراف میکنیم که تقلب اتفاق نیفتاده بود. خب، اگر تقلب اتفاق نیفتاده بود، چرا کشور را دچار این ضایعات کردید؟ چرا برای کشور هزینه درست کردید؟ اگر خدای متعال به این ملت کمک نمیکرد، گروه‌های مردم به جان هم می‌افتادند، میدانید چه اتفاقی می‌افتاد؟ می‌بینید امروز در کشورهای منطقه، آنجائهایی که گروه‌های مردم مقابل هم قرار میگیرند، چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ کشور را لب یک چنین پرتگاهی بردند؛ خداوند نگذاشت، ملت هم بصیرت به‌خرج دادند.

بیانات در دیدار دانشجویان 1392/05/06

باید واقعیتها را به معنای واقعی کلمه دید، نه آنچه که به عنوان واقعیت القاء میشود. شما جوانها خیلی خوب میدانید؛ در جنگ‌های روانی که امروز در دنیا معمول است، یکی

از کارها الفای واقعیت‌های غیر واقعی است؛ چیزهایی را به عنوان واقعیت القاء میکنند که واقعیت ندارد؛ شایعه درست میکنند، حرف میزنند، که واقعیت نیست؛ اگر چنانچه کسی چشم باز و بینا نداشته باشد، دچار اشتباه میشود. اینکه ما میگوئیم بصیرت، به خاطر این است. یکی از کارکردهای بصیرت همین است که انسان واقعیتها را آنچنان که هست، ببیند. در تبلیغات گاهی يك واقعیتی را از آنچه که هست، چندین برابر بزرگتر نشان میدهند؛ در حالی که بعضی از واقعیت‌های دیگر را اصلاً نشان نمیدهند.

بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان قوه قضائیه 1392/04/05

معنای حضور مردم این بود که به سرنوشت کشور علاقه‌مندند؛ به نظام جمهوری اسلامی، که این انتخابات جزو ارکان و متون آن است، علاقه‌مندند؛ به دستگاه‌های برگزارکننده انتخابات - چه مجری، چه ناظر - اعتماد دارند و امیدوار به حرکت مستمر پیش‌روندهی کشورند. این مسئلهی اعتماد، نکتهی بسیار مهمی است. در کنار هوشمندی مردم، بصیرت مردم در این حضور، اعتماد عمومی هم نکتهی بسیار مهمی است. جالب اینجا است که ما به مردم عزیزمان عرض کردیم که خب مردم نظامشان را دوست میدارند، می‌آیند رأی میدهند؛ اما اگر احياناً کسی هم هست که با نظام اسلامی خیلی دل صافی ندارد، اما برای کشور خودش و منافع کشور اهمیت قائل است، او هم نباید. لابد بعضی‌ها از این مجموعه بودند و آمدند. این نشان‌دهندهی چیست؟ نشان‌دهندهی این است که حتی کسانی که طرفدار نظام هم نیستند، به نظام اعتماد دارند؛ آنها هم میدانند که نظام جمهوری اسلامی منافع کشور را و عزت ملی را میتواند حفظ کند و از آن دفاع کند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی 1392/03/17

امروز برای مسلمانها، اتحاد و اتفاق، همدلی و همکاری، جزو فوری‌ترین و ضروری‌ترین است. ما دعوت میکنیم از همهی کشورهای اسلامی، از همهی دولتهای اسلامی، بصیرت را به کار بگیرند؛ ببینند که در مقابل کی قرار دارند؛ در شناخت دشمن اشتباه نکنند، در شناخت نقشه‌های دشمن اشتباه نکنند؛ بفهمند دشمن دنبال چیست و بدانند که سعادت ملتشان در چیست.

بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی 1392/03/14

در باور به مردم، امام بزرگوار، ملت ایران را به معنای حقیقی کلمه میشناخت. امام اعتقاد داشت که این ملت، ملتی است با ایمان عمیق، باهوش و شجاع؛ که اگر پیشوایان لایقی در میان آنها پیدا شوند، این ملت میتواند مثل خورشید در میدانهای مختلف بدرخشد؛ امام این را قبول داشت. اگر يك روز عنصر نالایقی مثل شاه سلطان حسین موجب شد که ملت ایران در لاک خود فرو برونند، اما در روز دیگری، مرد شجاعی مثل نادرقلی - بدون آن القاب و عناوین - وقتی در میان مردم ظاهر میشود و با شجاعت، پیشوائی مردم را به عهده میگیرد، این ملت میتواند میدان حرکت افتخارآمیز خود را از دهلی تا دریای سیاه گسترش دهد؛ این را امام در تاریخ دیده بود، نظائر آن را مشاهده کرده بود و اعتقاد و ایمان به این مطلب داشت؛ ملت ایران را میشناخت، به ملت ایران اعتماد داشت. ایمان عمیق مردم که در زیر اندوهای ساخته و پرداخته‌ی دنیاطلبان مخفی و پنهان شده بود، امام بزرگوار این ایمان عمیق تغییرناپذیر را شکوفا کرد؛ غیرت دینی مردم را برانگیخت و ملت ایران الگوی استقامت و بصیرت شد.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی 1392/03/08

مردم هم در کشور ما بحمدالله آگاهی و هوشیاری دارند. نمیخواهیم تملق بیجا بگوئیم؛ اما حقیقت قضیه این است که آشنائی ذهنی مردم ما با مسائل سیاسی، از متوسط کشورهای دنیا در سطح عالم بالاتر است. آنطور که ما اطلاع داریم از وضع کشورها - که برای ما گزارش میکنند و از منابع آشکار و منابع پنهان به دست می‌آید - چه کشورهای اروپائی، چه کشورهای آمریکائی، چه کشورهای آسیائی، مردم آگاهی‌های مختلفی دارند، کم و زیاد دارد، يك متوسطی دارد؛ اما آگاهی مردم ایران و بصیرت مردم ایران در مسائل سیاسی، از متوسط جهانی بالاتر است. نمیخواهیم ادعای معصومیت کنیم برای آحاد مردم، اما این ادعای قابل قبولی است و واقعی است؛ نگاه میکنند، بصیرت دارند، تشخیص میدهند.

بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان 1392/02/18

پیشرفتهای ملت ایران در این سه دهه، متناسب با سی سال نیست؛ يك نمونه‌اش پیشرفتهای علمی است که مجامع جهانی چاره‌ای ندارند که به آنها اعتراف کنند؛ که اعتراف هم کردند. سرعت پیشرفت علمی ما سیزده برابر متوسط جهانی است؛ این شوخی است؟ در عین حال با این سرعت پیشرفت، ما هنوز از لحاظ علمی عقبیم. ببینید ما چقدر عقب بودیم! با اینکه بیش از ده برابر متوسط سرعت جهانی داریم حرکت میکنیم، هنوز عقبیم. پس این سرعت را باید حفظ کرد. این بخشی است که دشمن اعتراف میکند؛ يك بخشهایی هم هست که دشمن نباید اعتراف کند، اعتراف هم نمیکند؛ در زمینهی سیاسی همین جور است، در زمینهی اجتماعی همین جور است، در زمینهی سازندگی کشور همین جور است، در زمینهی آگاهی و بصیرت عمومی همین جور است؛ اینها را دشمنان ما در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان مصلحت نمیدانند بگویند، که مبدا ملت ما را تشویق کنند به پیشرفت این کار.

بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات 1392/02/16

اتکاء جمهوری اسلامی و اقتدار جمهوری اسلامی به دل‌های مردم است، به عواطف و احساسات مردم است، به خرد و اندیشه و بصیرت مردم است. اگر در طول سی و چند سال، با این همه تلاش توانستند جمهوری اسلامی را متزلزل کنند، به خاطر این است؛ والا این دنیای مادی، این دنیای مستکبر، این قدرتهای ظالم و بی‌رحم و خبیث، مگر ممکن بود بگذارد يك نظامی با این داعیه‌هایی که نظام جمهوری اسلامی دارد، زنده بماند؟ می‌بینید با کشورهایی که نهضتی در آنها به نام اسلام راه افتاده، چه میکنند؛ زیر فشار میگذارند، خواسته‌های خودشان را به زور بر آنها تحمیل میکنند، آنها را وادار میکنند. در جمهوری اسلامی این کارها نشد؛ توانستند. دشمن میخواهد خواسته‌های خود را بر جمهوری اسلامی تحمیل کند، جمهوری اسلامی را سربه‌فرمان خود قرار دهد؛ و این در صورتی میتواند اتفاق بیفتد که جمهوری اسلامی ضعیف باشد. با حضور مردم، جمهوری اسلامی قوت میگیرد؛ نمیخواهند این اقتدار باشد؛ لذا در همهی انتخابات‌های ما، در طول این سالها، قبل از هنگام انتخابات، تبلیغات دشمن علیه انتخابات شروع شده؛ یعنی قبل از آنکه مسئولین ما و رسانه‌های ما و مطبوعات ما شروع کنند برای انتخابات کار کردن، دشمن طراحی کرده است و شروع کرده است؛ این دفعه هم همین جور است.

ما اطلاع داریم که این دفعه هم رسانه‌های رسمی و شناخته شدهی دشمن - که هر وقت توانستند، علیه جمهوری اسلامی کار کردند - از مدتی پیش دارند طراحی میکنند، برنامه‌ریزی میکنند، برنامه‌سازی میکنند، برای اینکه دل مردم را نسبت به انتخابات سرد کنند؛ شروع هم کرده‌اند، منتها برنامه‌ریزی‌شان خیلی وسیع‌تر از این حرفها است؛ میخواهند مردم پای صندوق نیایند؛ میخواهند مردم در ادارهی کشور و مدیریت کشور سهیم نشوند؛ میخواهند مردم در صحنه نباشند؛ لذا تلاش میکنند. اگر حضور مردم نباشد، آنها براحتی میتوانند تهاجم خودشان را چندین برابر کنند. حضور مردم است که به نظام اسلامی و به کشور عزیز ما مصونیت میبخشد. حضور مردم است که عوامل قدرت و قوت را در درون ما تقویت میکند؛ علم ما پیشرفت میکند، بصیرت ما پیشرفت میکند، سازوکارهای مدیریت ما پیشرفت میکند - همچنان که در طول این سالها پیشرفت کرده است - این به خاطر حضور مردم است، به خاطر انگیزه‌های مردم است؛ میخواهند این انگیزه‌ها نباشد، لذا سعی میکنند انتخابات را بی‌روتق کنند.

ابلاغ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش 1392/02/10

سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ...

5- اهتمام به تربیت و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بویژه در:

5-1- ارتقاء معرفت و بصیرت دینی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان و تلاش برای ارتقاء معنوی خانواده‌ها.

بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی 1392/02/09

آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیسم را در یکی از حساسترین کشورهای این منطقه بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگر پی‌درپی فرا خواهد رسید؛ و فرا رسید.

واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف میکنند، همه در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده

حقیقتاً حضور آذربایجان و تبریز و دیگر شهرهای آن منطقه، در همه‌ی دورانهای گذشته‌ی ما، از صد سال، صد و پنجاه سال قبل تا امروز، در حرکت ملت ایران، تعیین‌کننده بوده است. امروز هم همین جور است. شماها هستید که با همت خودتان، با غیرت خودتان، با ایمان خودتان، با عزم راسخ خودتان، توانسته‌اید عزت این کشور و این ملت را در مقابل دشمنان حفظ کنید. هر روز هم که گذشته است، جلوه‌ی آذربایجان در عرصه‌های گوناگون بیشتر شده است. سی و پنج سال از ۲۹ بهمن سال ۵۶ میگذرد. آذربایجان، امروز از جهت ایمان، استقامت، بصیرت و ایستادگی، حتی از آن دوران مهم و سرنوشت‌ساز هم جلوتر است. این همه توطئه، این همه بدخواهی برای جدا کردن احساسات بعضی و بخشهای مختلف این ملت، اثرش درست بعکس بوده است. شما بودید که توانستید همیشه پیشگام و پیشرو باشید. در واقع شما هستید که لنگر آرامش این کشورید.

این، ملت ایران است. هر سال بیست و دوی بهمن، ملت ایران ضربه‌ای بر دشمنان وارد میکند؛ مثل بهمنی بر سر دشمنان و مخالفان فرود می‌آید. امسال هم این بهمن فرود آمد. بنده لازم میدانم مجدداً - که اگر تا صد بار هم تکرار شود، زیادی نیست - از ملت ایران به خاطر این حضور پرشکوه و عزتمندانه سپاسگزارم. در مقابل این احساس، در مقابل این بصیرت، انسان باید تعظیم کند. این، ملت ایران است.

دشمنان در مقابل این وضعیت، دچار انفعالند؛ این را من به شما عرض بکنم. برخلاف آنچه که وانمود میشود که آنها در موضع فعال قرار دارند، نه، اینجور نیست؛ دشمن در مقابل ملت ایران در موضع انفعال است. ملتی با عزم راسخ، با بصیرت، با ایمان، میدانند چه میخواهد، راه را هم بلد است، سختی‌ها را هم با شجاعت تمام تحمل میکند؛ در مقابل این ملت، اسلحه‌های گوناگون سیاسی و نظامی و امنیتی و اقتصادی کُند است؛ لذا دشمن در حال انفعال است. دشمنان چون در حال انفعالند، حرکات غیر منطقی میکنند.

این حرفی که من امروز زدم و از بعضی از مسئولان و سران کشور گله‌گزارم، موجب نشود که حالا یک عده‌ای راه بیفتند، بنا کنند علیه این و آن شعار دادند؛ نه، بنده با این کار هم مخالفم. اینکه شما یک نفر را به عنوان ضد ولایت، ضد بصیرت، ضد چه، مشخص کنید، بعد یک عده‌ای راه بیفتند علیه او شعار بدهند، مجلس را به هم بزنند، بنده با این کارها هم مخالفم؛ این را من صریح بگویم. این کارهایی که در قم اتفاق افتاد، بنده با اینجور کارها مخالفم. آن کارهایی که در مرقد امام اتفاق افتاد، بنده با اینجور کارها مخالفم.

شما نگاه کنید به کشورهایی که انقلاب کردند، ببینید اینها سالگردهای انقلاب را چگونه برگزار میکنند؛ خیلی حدت کنند، بعد از دو سال، سه سال، سالگرد انقلاب به این است که یک عده‌ای آنجا بایستند، یک عده هم بیایند جلوی اینها رژه برونند؛ مانند نیروهای مسلح و امثال اینها. اینجا کار روی دوش خود مردم است؛ مردم، خود را صاحبان انقلاب میدانند، که هستند؛ صاحبان کشور میدانند، که هستند. اینکه ما از یکایک مردم تشکر میکنیم - که وظیفه‌ی بنده و امثال بنده است که واقعاً تشکر کنند - نه به معنای این است که نسبت ما به انقلاب، نزدیکتر از نسبت مردم است، لذا از مردم تشکر میکنیم که انقلاب را کمک کردید؛ نه، انقلاب مال خود این مردم است، کشور متعلق به همین مردم است، نظام جمهوری اسلامی متعلق به این مردم است. حُسن کار و هنر بزرگ و برجسته این است که مردم این را میدانند؛ با شجاعت، با بصیرت، با موقع‌شناسی، از این داشته‌ی خود، از این ثروت عظیم خود، که مایه‌ی عزت و استقلال آنهاست، حمایت میکنند؛ درست در همان جایی که باید حضور خودشان را نشان دهند، نشان میدهند؛ که ملاحظه کردید دیروز در تهران، در سراسر ایران، مردم با همه‌ی وجود آمدند وارد این میدان شدند؛ این خیلی پدیده‌ی عجیبی است، این خیلی حادثه‌ی مهمی است. ما به خیلی از پدیده‌ها عادت کرده‌ایم؛ همچنان که به طلوع خورشید عادت کرده‌ایم و خیال میکنیم که این یک چیز حتمی است، لذا به اهمیت آن توجه نمیکنیم. خیلی اهمیت دارد که بعد از گذشت سی و چهار سال از اولین بیست و دوی بهمن، اینجور مردم در صحنه حاضرند، اینجور می‌آیند؛ مرد، زن، پیر، جوان، جاهای مختلف، قشرهای مختلف، همه جور، همه جا، همه کس، حضور پیدا میکنند؛ این واقعاً بزرگترین نعمت الهی است که اگر انسان بتواند همه‌ی عمر را برای این شکر کند، باز هم نمیتواند از ادای شکر الهی بریاید. و همچنین از یکایک مردم باید تشکر کنیم؛ حقیقتاً کار بزرگی انجام دادند، بوقت و بجا. درست در همان وقتی که دشمنان این ملت، دشمنان استقلال این ملت، دشمنان عزت این ملت انتظار داشتند که مردم به ندای انقلاب و ندای جمهوری اسلامی پاسخ ندهند، و جدائی بین مردم و نظام اسلامی و اسلام را مشاهده کنند، مردم با حضور خودشان دشمن را ناکام کردند، دشمن را مأیوس کردند. البته در تبلیغات، دشمنان سعی میکنند به رو نیاورند، اما میفهمند. این چیزی را که شما دیروز دیدید در صحنه‌های عظیمی که مردم آفریدند، آنها هم می‌بینند، میفهمند و تحلیل میکنند؛ لذا به نتیجه میرسند که نمیشود با این ملت مواجه شد.

دشمن اذیت میکند، آزار میکند، اما جز اذیت و آزار کاری از او برنمی‌آید. عرض کردم چند روز قبل از این، خدای متعال می‌فرماید: «لَنْ يَضْرُوكَ إِلَّا اَذًى»؛ کار آنها این است که به شما آزار برسانند، اما نمیتوانند جلوی شما را سد کنند، نمیتوانند راه شما را ببندند. این همه آمریکایی‌ها در طول این سی سال علیه ملت ایران رجزخوانی کردند، هرچه در توان داشتند گفتند، کردند، تبلیغ کردند، امپراطوری خبیث رسانه‌ای را علیه ملت ایران به کار گرفتند؛ نتیجه این شده است که امروز ملت ایران به فضل الهی از همیشه شادابتر، عازمتر، جازمتر، فعالتر، شکوفایی بیشتر در عرصه‌های مختلف را دارد مشاهده میکند؛ سعی آنها این بوده است که ملت را از نظام جمهوری اسلامی، از انقلاب جدا کنند. هر سال در 22 بهمن، ملت ایران با حضور خودشان در این عرصه‌ی نمایش عمومی ملی و انقلابی، دشمن را ناکام کردند؛ سعی‌شان این است که ملت را جدا کنند. وزیر خارجه‌ی بی تجربه‌ی قبلی آمریکا صریحاً گفت که ما این تحریمها را برای این میگذاریم که مردم ایران را در مقابل نظام جمهوری اسلامی قرار بدهیم؛ ملت ایران جواب آنها را در حرکات خود، در راهپیمایی‌های خود داده‌اند و خواهید دید در روز 22 بهمن، ملت ایران با حرکت کوبنده‌ی خود، یکبار دیگر دشمن را ناکام خواهند کرد. ... حُسن کار این است که ملت بصیر است، بیدار است، معنای کار دشمن را میفهمد، حرکات دشمن را جهت‌یابی میکند؛ میفهمد چرا دشمن این سیاست را اتخاذ کرده است، نقطه‌ی مقابل او حرکت میکند، بر داشته‌های خود پافشاری میکند، حضور خود را در این عرصه‌ی عظیم عزت ملی نشان میدهد، خودش را نشان میدهد، حضور خودش را اثبات میکند؛ این حُسن قضیه است. بصیرت عمومی مردم در مقابل تبلیغاتی که دشمنان میکنند - بیشتر از همه آمریکایی‌ها و صهیونیستها - راه را اشتباه نمیکند، دچار آن اشتباهی و خطایی که دشمن در پی آن است که ملت ایران دچار آن بشود، دچار نمیشوند؛ این حُسن قضایای عظیم ملی و کلان ما است.

ما با کشورهایی که حرکت توطئه‌آمیز علیه ایران نداشتند و ندارند، مذاکره کردیم، قرار داد بستیم، ارتباط برقرار کردیم؛ ملت ایران اهل مسالمت است؛ ملت ایران اهل حلم است؛ وحدت ملت ایران در خدمت منافع عمومی بشریت است؛ امروز آنچه که ملت ایران انجام میدهد برای منافع ملی، برای منافع امت اسلامی و برای منافع بشریت است. و بدون تردید کمک الهی پشت سر ملت ایران است. مردم ایران با این بصیرت، با این عزم راسخ، با این ایستادگی‌ای که در این راه روشن خود نشان دادند و ان‌شاءالله همیشه این را دنبال خواهند کرد، خواهد توانست نه فقط ملت ایران را، ان‌شاءالله امت اسلامی را به اوج قله‌ی افتخار برسانند. راهش این است که این بصیرت را حفظ کنیم؛ راهش این است که اتحاد خودمان را حفظ کنیم؛ راهش این است که مسئولین کشور مصالح کشور را حفظ کنند.

دانشجویان عزیز شما جوانان، مدیران آینده‌ی کشورید. ایران فردا، با ثروت عظیمی از اندوخته‌های علمی و عملی، باید به دست مدیرانی بزرگ و لایق، اداره شود و گامهای

بلند و پرشتاب بسوی چشم‌اندازهای ترسیم شده را، با همت و ایمان و بصیرت و شجاعت امثال شما بردارد. شما و همه‌ی جوانان و فرزندان عزیز ملت ایران در هر نقطه‌ی جهان، باید خود را برای نقش‌آفرینی در این تراز، آماده کنید.

بیانات در دیدار مردم قم 1391/10/19

یک مسئله‌ی دیگر این است که به مردم گفته شود، تلقین شود که انتخابات سلامت لازم را ندارد. البته بنده هم تأکید میکنم که انتخابات باید سالم برگزار شود؛ منتها این راه دارد. در جمهوری اسلامی، در قوانین ما، راه‌های قانونی بسیار خوبی برای حفظ سلامت انتخابات پیش‌بینی شده است. البته کسانی بخواهند از طرق غیر قانونی عمل کنند، خب به ضرر کشور میکنند؛ کما اینکه در سال 88 از راه‌های غیر قانونی وارد شدند، کشور را دچار هزینه کردند، برای مردم اسباب زحمت درست کردند، برای خودشان هم اسباب بدبختی و سرشکستگی در زمین و در ملاً اعلی شدند. راه‌های قانونی خوبی وجود دارد. بله، بنده هم اصرار دارم که انتخابات باید با سلامت کامل، با رعایت امانت کامل انجام بگیرد. مسئولین دولتی و مسئولین غیر دولتی که در کار انتخابات دست‌اندرکارند و مسئول هستند، همه باید طبق قانون، با دقت کامل، با رعایت کمال تقوا و پاکدستی عمل کنند تا انتخابات سالمی پیش بیاید؛ و مطمئناً هم چنین خواهد شد.

یکی از راه‌ها هم این است که سعی کنند در ایام انتخابات، سر مردم را به یک چیز دیگری گرم کنند؛ یک حادثه‌ای پیش بیاورند، یک ماجرائی درست کنند؛ یک ماجرای سیاسی، یک ماجرای اقتصادی، یک ماجرای امنیتی. البته این هم جزو نقشه‌های دشمن است، اما بنده مطمئنم که ملت ایران بسیار بصیرتر و باهوش‌تر از این است که با یک چنین ترفندهای خصمانه‌ی دشمنان یا عوامل دشمنان فریب بخورد؛ نه، ان‌شاءالله انتخابات به اذن‌الله، به حول و قوه‌ی الهی، به فضل پروردگار، انتخابات خوب و پرشوری خواهد شد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی 1391/09/21

یکی دیگر از مسائل مهم، حفظ پشتیبانی‌های مردمی است؛ نباید از مردم منقطع شوند. مردم توقعاتی دارند، نیازهایی دارند. قدرت حقیقی هم در اختیار مردم است. آنجائی که مردم اجتماع میکنند، آنجائی که مردم همدل میشوند، آنجائی که یک مردم همدل و همجهتی پشت سر مسئولان و رهبران کشور می‌ایستند، آنجا جانی است که آمریکا و بزرگتر از آمریکا هم هیچ غلطی نمیتوانند بکنند. مردم را باید حفظ کرد، باید نگه داشت؛ و این از عهده‌ی شماها برمی‌آید؛ از عهده‌ی روشنفکران، نویسندگان، شاعران، علمای دین. از همه مؤثرتر، علمای دین هستند که وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارند؛ برای مردم تبیین کنند، روشن کنند که چه می‌خواهند، تبیین کنند که در کجای این راه قرار دارند، تبیین کنند که موانع چیست، دشمن کیست؛ مردم را آگاه و با بصیرت نگه دارند، آن وقت هیچ صدمه‌ای نمیتواند وارد شود.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح «صالحین» 1391/09/01

این کاری هم که الان در مجلس محترم شورای اسلامی هست، این هم یکی از همان مسائلی است که یک جنبه‌ی تحسین و تمجید درش هست. این را من عرض بکنم؛ شما برادران و خواهران عزیز و ملت عزیز ما توجه داشته باشید؛ اینی که از مسئولان کشور سوال بکنند، حالا یا از رئیس جمهور یا از سایر مسئولان اجرائی، این از دو جهت کار مثبتی است؛ یکی اینکه نشان میدهد که نمایندگان مردم در قوه‌ی مقننه احساس مسئولیت میکنند نسبت به مسائل کشور؛ این مثبت است. جنبه‌ی دیگر این است که مسئولان کشور با اعتماد به نفس و با شجاعت قابل تحسین میگویند آماده هستند که بیایند توضیح بدهند، این سئوالات را بیان کنند؛ این هم مثبت است. هم مسئولان قوه‌ی مقننه‌ی ما به وظیفه عمل میکنند، هم مسئولان قوه‌ی مجریه ما نشان میدهند که به صحت عمل خودشان و صداقت خودشان اطمینان دارند و اعتماد دارند. انسان چه میخواهد دیگر، از همه بهتر، این است. حالا این کار اتفاق افتاده است؛ یعنی مجلس میگوید میخواهد بپرسد، این احساس وظیفه است؛ دستگاه دولتی میگوید میخواهد با اعتماد به نفس پاسخ بدهد و از عهده‌ی پاسخ برمی‌آید - که این را به ما هم گفتند - این هم قابل تحسین هست؛ هر دو قضیه خوب است، لکن من معتقدم که این دو نقطه‌ی مثبت تا اینجا انجام گرفته، از اینجا به بعد دیگر ادامه پیدا نکند. همین جا تمامش بکنند؛ همین جا تمام کنند قضیه را. مجلس یک امتحان خوبی داده است، یک امتحان خوبی مسئولین اجرائی داده‌اند؛ این امتحان، امتحان خوبی بود. مردم هم با بصیرتند، مردم میفهمند، تشخیص میدهند. ادامه‌ی این کار همان چیزی است که دشمنان میخواهند؛ دوست میدارند این دو قوه را در مقابل هم قرار بدهند؛ یک عده‌ای تحت تأثیر احساسات از این طرف، یک عده‌ای تحت تأثیر احساسات از آن طرف، یک عده‌ای قلمها و وسائل تبلیغ را در روزنامه و در پایگاه اینترنتی و غیره به کار بگیرند و یک فضای شلوغی درست کنند. نه، کشور احتیاج دارد به آرامش. همه‌ی مسئولین، چه مسئولین تقنینی، چه مسئولین قضا، چه مسئولین اجرا، برای اینکه کار خود را انجام بدهند، آرامش لازم دارند، مردم هم آرامش را دوست دارند. آنچه که وظیفه‌ی مجلس بود، انجام گرفت؛ دولت هم در مقابل آنچه که وظیفه‌ی مجلس است، اعتماد به نفس لازم را نشان داد؛ این از هر دو طرف خرسند کننده است. از حالا من از آن برادران و مجموعه‌ی چند ده نفری در مجلس که این کار را شروع کردند، تقاضا میکنم قضیه را تمام کنند و نشان بدهند عملاً هم مسئولین دولتی، هم مسئولین قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه که بیش از همه چیز به وحدت این ملت و آرامش کشور احترام میگذارند.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان 1391/08/10

از سال 32 تا الان که نزدیک سال 92 هستیم - یعنی در طول حدود شصت سال - یک مبارزه بین ملت ایران از یک طرف، و دولت مستکبر آمریکا از طرف دیگر، به راه افتاده؛ این چیز کوچکی نیست، این خیلی حادثه‌ی مهمی است. تا امروز کی پیروز این میدان است؟ این در خور تأمل است. وقتی ما فهمیدیم که در اینجا آن که پیروز شده است، اراده و تصمیم قاطع یک ملت همراه با ایمان و توکل به خداست، این درسی میشود برای همه‌ی ملتها؛ این یک اصلی میشود در همه‌ی تحولات تاریخی؛ فلسفه‌ی جدید تاریخ، مبتنی بر اصول اسلامی، با نگاه کردن به این حادثه، به بار می‌نشیند، تدوین میشود و مورد قبول همه قرار میگیرد؛ و این واقعیت اتفاق افتاده است؛ یعنی ملت ایران در تمام این مدت و تا امروز، پیروز این میدان عظیم است. به چه دلیل؟ به طرف ایران نگاه کنید؛ دلیلش این است که اینها میخواستند انقلاب را از بین ببرند، اما انقلاب ماند؛ انقلاب نه فقط ماند، بلکه روزبه‌روز قوی‌تر شد. امروز نسل جوان ما که در زمان انقلاب نبوده است، در دوره‌ی جنگ تحمیلی نبوده است، امام را ندیده است، با همان انگیزه و با همان عزم و تصمیمی درس میخواند، کار میکند، زندگی میکند و نفس میکشد که جوان دوران انقلاب با آن عزم و تصمیم، انقلاب را به وجود آورد. اینها نشانه‌های بارز زنده بودن انقلاب است.

علاوه‌ی بر همه‌ی اینها، نظام اسلامی را ملاحظه کنید؛ نظام اسلامی استحکام پیدا کرد، ریشه دوانید، حرف خودش را به دنیا منتقل کرد، ملتها را در مقابل عظمت خود وادار به اذعان و اعتراف کرد، خود را در چشم ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان بزرگ کرد. امام بزرگوار ما حتّی در چشم دشمنان خود، یک شخصیت عظیم و عالی‌رتبه است. ملت ایران به عنوان یک ملت پولادین، یک ملت مقاوم، یک ملت مؤمن، یک ملت با بصیرت، در دنیا معرفی شده است و در کشور، نظام اسلامی توانسته کشور را متحول کند.

ایرانی که امروز شما می‌بینید، ایران دوران قبل از انقلاب نیست. ایران دوران قبل از انقلاب، یک کشور عقب‌مانده بود؛ یک کشور فراموش شده بود؛ یک ملت بی‌ابتکار بود. با این همه استعداد، با این همه موارث تاریخی، با این فرهنگ غنی، این ملت هیچ بروز و ظهوری نه در صحنه‌ی علم دنیا داشت، نه در صحنه‌ی سیاست دنیا داشت، نه در صحنه‌ی فناوری دنیا داشت، نه حرف نوئی برای دنیا داشت، نه ابتکاری در زمینه‌ی مسائل منطقه و مسائل دنیا داشت؛ تابع محض بود. در داخل کشور، بجز یک مناطق معدودی که مورد توجه مسئولان و سردمداران رژیم بود، بقیه‌ی مناطق کشور دچار ویرانی و دچار نابادانی بود. امروز از یک گوشه‌ی کشور یک خیر نابسامان میرسد، همه حساس میشوند. آن روز اغلب نقاط کشور، آنجوری بود؛ نابسامان بود، مردم زندگی نداشتند، آب نداشتند، برق نداشتند، جاده نداشتند، از وسائل زندگی برخوردار نبودند. آنهایی که میدانستند، با حسرت نگاه میکردند؛ بسیاری هم اصلاً نمیدانستند چه خبر است؛ در نکتت زندگی میکردند. ایران امروز این پیشرفت‌ها را دارد؛ این کارها، این ابتکارات، این بروز جوانها در میدان علم و سازندگی و حضور قوی در همه‌ی بخشها، این حرفها آن زمان وجود نداشت. کشور پیش رفته؛ این پیروزی است. انقلاب زنده ماند، نظام روزبه‌روز بارورتر و ریشه‌دارتر شد، ملت روزبه‌روز آگاهی‌اش بیشتر شد. آن مقداری که امروز شما جوانهای دبیرستانی و نوجوانهای دوران تحصیل، از مسائل دنیا میفهمید، سرتان میشود، تحلیل میکنید، آن روز خیلی از روشنفکرها این مقدار نمیفهمیدند؛ این مقدار برایشان قابل فهم نبود. امروز بصیرت و آگاهی و تحلیل سیاسی و عمق در مسائل در کشور همگانی شده. ما پیش رفتیم؛ در زمینه‌ی مادی پیش رفتیم، در زمینه‌ی معنوی پیش رفتیم؛ این توجهات معنوی، این حضور در عرصه‌های معنوی.

دیدید در هفته‌ی گذشته در سرتاسر کشور مراسم دعای عرفه چه خبر بود. چه کسانی در مراسم دعای عرفه بودند؟ همه جوان. ایام اعتکاف یک جور، ماه رمضان یک جور، ایام محرم یک جور، عزاداری یک جور، شادی یک جور. آن عرصه‌ی علم، این عرصه‌ی مذهب، آن عرصه‌ی سیاست و بصیرت.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان 1391/08/10

چالش‌های ما با استخبار جهانی تمام که نشده است - تمام هم نخواهد شد، عیبی هم ندارد - چالش و زورآزمایی، برای یک ملت ورزش است و او را روزبه‌روز قوی‌تر میکند؛ ما با این چالش‌ها قوی می‌شویم؛ لیکن باید مراقب بود، فهمید که چالش هست، فهمید که حریف چه کار می‌خواهد بکند، فهمید که راه مقابله‌ی با حریف چیست. اگر اینها را نفهمیدیم، اگر دچار نفهمی شدیم، اگر دچار راحت‌طلبی شدیم، اگر از بی‌ثبات و واضحات غفلت کردیم، شکست می‌خوریم؛ خدا که با کسی خویشاوندی ندارد، اگر ایستادید - همچنان که تا امروز ایستاده‌اید - و متکی به خدا و دین خدا بودید، قطعاً پیروز می‌شوید؛ اما اگر ما نایستیم، اگر به شرایط لازم یک مبارزه‌ی با این عظمت توجه نکنیم، خب معلوم است که خدای متعال به ملت‌های تنبل، به ملت‌های سرگرم مسائل حقیر، توجهی نمی‌کند. لطف خدا، عنایت خدا، پشتیبانی خدا شامل ملت‌هایی می‌شود که بایستند، بفهمند، بصیرت داشته باشند، تشخیص بدهند، حرکت کنند.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج 1391/08/04

ویژگی شعائر حج، در آمیختگی دنیا و آخرت و آمیختگی فرد و اجتماع است. کعبه‌ی بی‌پیرایه و پرشکوه؛ طواف جسمها و دلها بر گرد یک محور استوار و ابدی؛ سعی و تلاش مداوم و منظم میان یک مبدأ و منتهای؛ کوچ همگانی به عرصه‌های رستاخیزی عرفات و مشعر، و حال و حضوری که دلها را در این محشر عظیم، صفا و طراوت میبخشد؛ هجوم همگانی برای مقابله با نماد شیطان؛ و آنگاه همگامی همه، از همه جا و همه رنگ و همه گون، در همه‌ی این مراسم پرمرواز و لبریز از معنی و نشانه‌های هدایت... ویژگی‌های انحصاری این فریضه‌ی پرمعنی و پرمضمون است.

چنین مراسمی است که هم دلها را با یاد خدا پیوند میزند و خلوت دل آدمی را به نور تقوا و ایمان روشن میسازد، و هم فرد را از حصار خودی بیرون آورده و در جمع متنوع امت اسلامی حل میکند؛ هم لباس پرهیزگاری را که حافظ جان او از پیکانهای زهرآلود گناه است، بر او میپوشاند، هم روحیه‌ی تهاجم به شیطانها و طاغوتها را در او برمی‌انگیزد. در اینجا است که حج‌گزار، هم نمونه‌ای از دامنه‌ی گسترده‌ی امت اسلامی را به چشم می‌بیند و به ظرفیت و توانائی آن پی‌میرد، و هم به آینده امید می‌بندد، و هم برای نقش‌آفرینی در آن احساس آمادگی میکند، و هم نیز اگر توفیق و کمک الهی را دریابد، بیعتی دوباره با پیامبر عظیم‌الشأن و میناقی مستحکم با اسلام عزیز میبندد و برای اصلاح خود و اصلاح امت و اعلاء کلمه‌ی اسلام، عزمی راسخ در خود می‌آفریند.

این هر دو - یعنی اصلاح خود و اصلاح امت - دو فریضه‌ی تعطیل‌ناپذیر است. راهکارهای آن، با ژرفنگری در وظائف دینی و بهره‌گیری از خردورزی و بصیرت، برای اهل تدبیر و تأمل، دشوار نیست.

اصلاح خویش، از مبارزه با هوسهای شیطانی و کوشش برای پرهیز از گناه آغاز میشود؛ و اصلاح امت، از شناخت دشمن و نقشه‌های او، و مجاهدت برای بی‌اثر کردن ضربه‌ها و خدعه‌ها و دشمنی‌های او، و آنگاه از پیوند دلها و دستها و زبانهای آحاد مسلمان و ملت‌های اسلامی، سامان میگیرد.

بیانات در دیدار نخبگان و مسئولان استان خراسان شمالی 1391/07/25

امروز کشور نیاز به کار و تلاش دارد؛ عزیزان من! مسئولان بخش‌های مختلف! برگزیدگان فشرها! این را باید به مجموعه‌ی آحادی که از شما حرف‌شنوی دارند، یا تحت مدیریت شما دارند تلاش میکنند، هم به زبان، هم به عمل، منتقل کنید؛ کشور احتیاج به کار دارد. باید کار کنیم، باید سخت کار کنیم؛ کار برنامه‌ریزی شده، کار منظم و مرتب، کار خوب.

هر وقتی که ما یک احساس ضعفی بکنیم، دشمنان سوگندخورده‌ی ما روحیه میگیرند؛ همچنان که هر وقت ما یک حرکت مؤثری را در سطح کشور مشاهده میکنیم برای حرکت دادن مردم و تشجیع مردم و بصیرت‌افزایی مردم، فوراً می‌بینیم یک تلاشی از سوی دشمن برای خنثی کردن این به وجود می‌آید. کسانی که مسائل بین‌المللی را، مسائل سیاسی را، مسائل خبری را، برخوردهای گوناگون بین‌المللی را رصد میکنند، این را بخوبی دریافت میکنند. هر وقت در کشور کار مهمی انجام میگیرد - مثلاً فرض کنید یک راهپیمائی بزرگ، یک انتخابات بزرگ، یک موفقیت بزرگ علمی و صنعتی، یک اقدام مهم و مؤثر در دولت - فوراً آنها سعی میکنند این کار را تحت‌الشعاع قرار دهند؛ یک جوری مسئله‌سازی کنند. همچنین اگر یک وقتی ما اظهار ضعف کنیم، اظهار خستگی کنیم، ملاحظه میکنید فوراً عکس‌العملش در دنیا این است: مخالفین نظام اسلامی و مخالفین اسلام روحیه میگیرند، احساس شعف میکنند؛ کأنه تازه نفس می‌خواهند حمله کنند. باید به اینها توجه داشت. این به ما می‌آموزد که اولاً کار و تلاش را هرگز از دست ندهیم؛ ثانیاً سعی کنیم روحیه کار، روحیه تلاش، روحیه امید را در همه‌ی کسانی که از ما میشوند، در حوزه‌ی کار ما هستند، تقویت کنیم، تزیق کنیم؛ این وظیفه است. هر سخنی که نشان‌دهنده‌ی یأس و خستگی و افسردگی و ملالت و اختلاف باشد، بلاشک به ضرر مصالح کشور است، به ضرر پیشرفت کشور است، به ضرر عزت ملی است.

در مقابله‌ی با دشمنان، دست ما پر است. توانائی‌های ما بالاست؛ نه به عنوان یک ادعا - نمی‌خواهیم رجز بخوانیم - بلکه اینها واقعیت دارد. مهمترین شاهد واقعیت این است که سی و سه سال است که مرتب دارند تیشه میزنند، سنگ میزنند، ضربه میزنند؛ اگر ما ضعیف بودیم، خب این درخت باید تا حالا خشک شده بود، باید تا حالا ساقط شده بود؛ چرا ده برابر رشد کرده است؟ چرا «توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها» شده است؟

بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی 1391/07/24

بسیج همزاد انقلاب است. شاید به یک معنا بشود گفت که حضور بسیجی مردم، خود موجب پیروزی انقلاب شد، یا موجب پدید آمدن انقلاب شد. جوانهای داوطلب، علاقه‌مند، قبل از انقلاب در همه جا - در همین شهر بجنورد که بنده اطلاع دارم - در عرصه‌هایی وارد شدند، ایستادگی کردند، حضور مؤثر پیدا کردند. این تلاشها در سرتاسر کشور جمع شد، شد حرکت عظیم انقلابی ملت ایران. بنابراین به این معنا، ولادت بسیج، قبل از ولادت انقلاب است؛ اما با پیروزی انقلاب، بسیج به شکل کنونی - که خصوصیات منحصربه‌فرد این پدیده‌ی شگفت‌آور را عرض خواهیم کرد - تولد یافت. بنابراین میتوان بسیج را همزاد انقلاب معرفی کرد.

خب، این پدیده، پدیده‌ی بی‌نظیری است. آیا ملت‌های دیگر، انقلاب‌های دیگر، حضور مردمی نداشتند، که شما می‌گوئید حضور بسیج یک پدیده‌ی بی‌نظیر است؟ چرا، در انقلاب‌های دیگر، در حوادث بزرگی که در کشورهای جهان به وجود آمده است، توده‌ی مردم حضور داشتند؛ منتها با تفاوت‌های بسیار عمیق و تأثیرگذاری. اگر تاریخ را نگاه کنید، می‌بینید دو انقلاب در این دو سه قرن اخیر در حد انقلاب ما در دنیا معروف است؛ یکی انقلاب کبیر فرانسه است، یکی انقلاب کمونیستی در شوروی است. در هر دوی اینها مردم بودند، اما حضور مردم در آن انقلابها - که پر حجم و انبوه هم بود - با حضور بسیجی در انقلاب ما متفاوت است. من حالا اندکی از خصوصیات حضور بسیجی را عرض میکنم.

اولاً این مجموعه‌ی عمومی مردمی از اول دارای سازماندهی بود؛ این یک خصوصیت منحصربه‌فرد است. این سازماندهی کمک کرد به این که این حرکت عظیم مردمی راه خودش را گم نکند. وقتی سازماندهی بود، یعنی هدایت در آن هست، بصیرت در آن هست، تمرکز در تصمیم‌گیری هست، اراده‌ی مردم هست؛ اما از تندروری، از زیاده‌روی، از کجروی، از خطاهای فاحش، جلوگیری میکند.

بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی 1391/07/24

یکی از مسائل مهم، مسئله‌ی بصیرت است. من به شما عرض بکنم؛ بصیرت در این دوران و در همه‌ی دورانها به معنای این است که شما خط‌درگیری با دشمن را تشخیص دهید؛ کجا با دشمن درگیری است؟ بعضی‌ها نقطه‌ی درگیری را اشتباه میکنند؛ خمپاره و توپخانه‌ی خودشان را آتش میکنند به سمت یک نقطه‌ای که آنجا دشمن نیست، آنجا دوست است. بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکاست، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که

شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست. من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمروئی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟ به چه مناسبت؟ در حالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام میکنند، در خدمت اسلام و در خدمت انقلابند. خط درگیری با دشمن را مشخص کنیم. گاهی هست که یک نفری در لباس خودی است، اما حنجره‌ی او سخن دشمن را تکرار میکند! خب، او را باید نصیحت کرد؛ اگر با نصیحت عمل نکرد، انسان با او باید حد و مرز تعریف کند؛ خط فاصل. جدا میشویم. اگر بناست شما با همان احساساتی که رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی دارد - ولو با یک ادبیات دیگری - بخواهی در مقابل جمهوری اسلامی بایستی و حرف بزنی، خب با رژیم صهیونیستی چه فرقی داری؟ اگر با همان منطقی که آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی عمل میکند، شما بخواهی با آن منطق با جمهوری اسلامی تعامل کنی، خب شما با آمریکا فرقی نداری. این مسئله جداست. اما یک وقت هست که نه، اینجوری نیست. ممکن است اختلافات، اختلافات عمیقی هم باشد، اختلافات بزرگی هم باشد، اما انسان دشمن را با غیردشمن نباید اشتباه کند؛ دشمن حساب دیگری دارد، غیردشمن حساب دیگری دارد. خط درگیری با دشمن را باید ترسیم کرد، مشخص کرد؛ این بصیرت می‌خواهد. بصیرتی که ما عرض میکنیم، این است.

یک عده‌ای از آن طرف می‌افتند، یک عده‌ای از این طرف می‌افتند. یک عده‌ای با دشمن هم معامله‌ی دوست میکنند، فریاد دشمن را هم نمیشناسند، چون از حنجره‌ی دیگری در می‌آید؛ یک عده هم از این طرف، هرکسی که اندک اختلاف سلیقه‌ای با آنها دارد، به حساب دشمن می‌گذارند! بصیرت، آن خط وسط است؛ آن خط درست است.

بیانات در اجتماع مردم شیروان 1391/07/24

آنچه که من مایلیم به شما برادران و خواهران عزیز شیروانی عرض کنم، این است که تلاش ملت عزیز ما و هوشمندی و آگاهی و بصیرت مردم عزیز ما در این استان و در سرتاسر کشور، موجب شده است که کشور ما از یک ثبات سیاسی مستحکم برخوردار باشد؛ این نعمت بزرگی است. قدرتمندان زورگو و تجاوزگر، یکی از سلاح‌هایشان این است که در کشورهایی بی‌ثباتی ایجاد کنند، که نمونه‌ی آن را شما مشاهده میکنید؛ هم در منطقه‌ی خودمان، و هم در مناطق دیگر این دنیا بزرگ. می‌بینید که قدرتمندان هر جا توانسته‌اند، هر جا در کشوری طمع‌ی ورزیده‌اند، برای اینکه سلطه‌ی خود را در آن کشورها و در آن مناطق مستحکم کنند، بین مردم آن کشور یا مردم آن کشور با کشور همسایه، بی‌ثباتی ایجاد کردند؛ ایجاد اختلاف کردند، ایجاد درگیری کردند، تا بی‌ثباتی در نظامها به وجود بیاید؛ از این بی‌ثباتی، کارخانجات اسلحه‌سازی استفاده کنند، کارتلها و تراستها و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی حاکم بر دستگاه سیاسی غرب استفاده کنند. امروز یکی از سیاست‌های دستگاه‌های استکبار، ایجاد بی‌ثباتی است. آن وقت در یک چنین شرائطی، نظام جمهوری اسلامی به برکت ایمان شما مردم، به برکت بصیرتی که به فضل الهی در ملت ما وجود دارد، توانسته است به کوری چشم دشمنان، یک کشور با ثبات و استقرار به وجود بیاورد.

خود اتحاد ملت پشتوانه‌ی این ثبات و استقراری هستند که در کشور وجود دارد؛ و البته متقابلاً بیشترین فایده‌ی این ثبات و استقراری که در نظام سیاسی کشور هست، متوجه و عاید خود مردم است. یک ملت اگر امنیت داشته باشند، ثبات سیاسی داشته باشند، از آرامش دستگاه‌های حاکمیت نظام برخوردار باشند، آن ملت فرصت پیدا خواهند کرد که در میدان‌های گوناگون، به مسابقه‌ی بزرگ بشری وارد شوند و پیشتاز باشند. امنیت و آرامش برای یک کشور، جزو مهمترین خواسته‌ها و مفیدترین عواید یک ملت است.

بیانات در اجتماع مردم شیروان 1391/07/24

ما در چند ماه بعد از این، مسئله‌ی انتخابات را داریم. تا قبل از انتخابات و در خود انتخابات، باید همت همه‌ی مسئولین این باشد که آرامش سیاسی کشور را حفظ کنند؛ نگذارند فضای سیاسی کشور، جنجالی و متلاطم شود؛ این جزو چیزهایی است که هوشمندی مسئولان کشور ان‌شاءالله باید بتواند این را تحقق ببخشد. البته مردم واقعاً هوشیار و بصیرند. انسان چه بگوید در قبال این هوشیاری و بصیرت مردم؟ عامه‌ی مردم همیشه به مصالح کشور با نظر درستی نگاه کرده‌اند؛ این تجربه‌ی ماست. در طول این سه دهه، هر جا مسئولیتی متوجه مردم بوده است، به بهترین وجه آن را انجام داده‌اند. دشمنان خواستند مردم را از میدان‌های لازم‌الحضور خودشان دور کنند، نتوانستند؛ خواستند مردم را دچار تشتت آراء کنند، اختلاف کنند، که گریبان یکدیگر را بگیرند، از مصالح کشور و پیشرفت کشور غافل شوند، نتوانستند. مردم از خودشان بصیرت نشان دادند. حقاً و انصافاً بصیرت مردم مثال‌زدنی است؛ این هم کار خداست. دلها دست خداست، اراده‌ها مقهور اراده‌ی الهی است. مردم مؤمنند، متوجه به حقایقند؛ سفارش ما بیشتر به مسئولین است، به سیاستمداران است، به مدیران گوناگون است؛ مراقب باشند دشمن نتواند این آرامش و طمأنینه‌ای را که به فضل الهی در کشور وجود دارد و دشمن سعی کرده این را به هم بزند و نتوانسته، به هم بزند؛ سعی کنند این آرامش و استقرار را حفظ کنند؛ نگذارند تلاطم به وجود بیاید. گاهی یک حرف، گاهی یک عمل نسنجیده، گاهی یک اقدام نابجا، موجب تلاطم در محیط سیاسی میشود؛ باید خیلی مراقب باشند.

بیانات در اجتماع مردم شیروان 1391/07/24

بحمدالله با لطف الهی، مردم ایران سرزنده و سرحال و بانشاط و در صحنه‌اند؛ حضور آنها یک حضور همراه با بصیرت و توأم با عزم و اراده‌ی راسخ است. دشمنان سعی میکنند مردم ایران را خسته و ملول و نومید نشان دهند. مردم با حرکات خودشان دارند نشان میدهند که دشمن دروغ می‌گوید؛ دشمن مغرضانه قضاوت میکند. البته متأسفانه بعضی از تربیون‌دارهای داخل هم بر طبق میل دشمن - نمیگوئیم عمداً؛ غفلتاً - حرف می‌زنند. بعضی‌ها خودشان خسته شده‌اند، می‌گویند مردم خسته‌اند! مردم خسته نیستند. مردم در میدان و در صحنه حاضرند؛ آماده‌ی کارند. باید میدان را برای مردم آماده کرد، باز کرد، آن وقت می‌بینید که مردم هر جایی که احساس کنند وظیفه‌ای وجود دارد، با چه انگیزه‌ای، با چه اهتمامی، با چه عزم راسخی وارد میشوند؛ همچنان که امروز هم وارد شده‌اند.

بیانات در اجتماع مردم اسفراین 1391/07/22

کشور ما، ملت ما در یک عرصه‌ی رویارویی بزرگی با موانع حضور دارد و در این عرصه‌ی رویارویی، کشور احساس ضعف نمیکند. ما احساس ناتوانی نمیکنیم؛ احساس قدرت و توانایی میکنیم؛ میدانیم که با تلاش میتوان همه‌ی این موانع را از بین برد. برخی از موانع، موانع طبیعی است؛ با این موانع طبیعی به شکلی باید برخورد کرد و با آنها زورآزمایی کرد. بعضی از موانع، موانع تحمیلی است، موانع سیاسی است، مشکلاتی است که دشمنان پیشرفت این کشور در برابر راه این مردم به صورت مانع ایجاد میکنند؛ با اینها به شکل دیگری باید برخورد کرد.

در این عرصه‌ی رویارویی و رزم انسانی و جنگ اراده‌ها، آنچه که میتواند تعیین‌کننده باشد، عبارت است از تصمیم و اراده و بصیرت و روشن‌بینی شما مردم عزیز. وحدت ملت ایران، اتحاد کلمه‌ی مسئولان کشور، همکاری دستگاه‌های مختلف، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌شناسی اتحاد مردم میتواند ما را به پیشرفتهای بیشتری برساند؛ میتواند آن چهره‌ای را که متناسب با این کشور و این ملت عزیز و با استعداد است، برای ما به وجود بیاورد.

بیانات در اجتماع مردم اسفراین 1391/07/22

این پیشرفتی که عرض کردیم، این آینده‌ی روشنی که ترسیم کردیم، این افق زیبا و شیوا و جذابی که در مقابل ماست، فقط در صورتی قابل تحقق است که ما هشیار باشیم، بیدار باشیم، متوجه باشیم، دچار غفلت نشویم، خیال نکنیم که حالا همه چیز روبه‌راه است؛ با خیال راحت فقط مشغول کارهای شخصی خودمان باشیم، از نگاه به آینده‌ی کشور غفلت کنیم.

یکی از خصوصیات که در مورد اسفراین نظر بنده را جلب کرد، شرکت بالای این مردم عزیز در انتخابات‌های گوناگون است؛ این خیلی مهم است. استان خراسان شمالی یکی از رتبه‌های بالای شرکت در انتخابات را دارد؛ آن وقت در استان خراسان شمالی، شهر اول در این منطقه، اسفراین است. حضور در انتخابات، آگاهی است؛ بصیرت است. حضور در پای صندوق رأی، یک کاری از سر بیکاری نیست؛ یک عمل است؛ یک عمل صالح است. من حالا در باب انتخابات ان‌شاءالله در این سفر، در دیدارهای دیگری که با مردم خواهم داشت، عریضی عرض خواهم کرد - وارد آن مقوله نمیشوم - اما خود اینکه یک مردمی، یک مجموعه‌ای در یک شهر، در یک استان و در کل کشور نسبت به آینده احساس وظیفه کند، نسبت به مدیریت کشور احساس وظیفه کند و بخواهد در آن دخالت کند و ورود در صحنه پیدا کند، چیز ارزشمندی است؛ این ضد آن غفلتی است که دشمن میخواهد بر ما تحمیل کند. این روحیه را باید حفظ کرد؛ روحیه‌ی حضور را، روحیه‌ی همکاری و تعاون را، به مناسبت مسائل اقتصاد، روحیه‌ی

مصرف داخلی را؛ که این هم یکی از مقولات مهمی است که در اینجا وارد آن مقوله نمیشوم.

بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر 1391/06/27

تبریک عرض میکنم فارغ‌التحصیلی شما جوانان عزیز و افسران پرنشاط و بانگیزه‌ی نیروهای مسلح در ارتش جمهوری اسلامی ایران را، و همچنین آغاز تحصیل و فراگیری در دانشگاه‌های نظامی را برای جوانانی که این راه را امروز آغاز میکنند. راه شما راهی پرافتخار است؛ راه شما راهی است که هر انسان آزاده‌ای با نگاه به آن، با آگاهی از آن، آن را در دل ستایش میکند؛ راه دفاع از آرمانهای بلند اسلامی که برای بشر یک نیاز حتمی و ضروری و حیاتی است. شما در این راه وارد شدید، آن هم در بخش حساس و پرخطر آن. نیروهای مسلح، نوک پیکان نظام اسلامی و الهی و تمدت الهی و اسلامی در مقابله‌ی با دشمنان، بدخواهان و کینه‌ورزاند. جوانان عزیز ما این میدان را با انگیزه، با عشق و علاقه، با آگاهی و بصیرت طی میکنند و افتخار دنیوی و اجر اخروی و الهی را حائز میشوند. عزیزان من! راه نورانی پربهرکتی است؛ قدر این راه را بدانید؛ در هر بخشی از نیروهای مسلح و از ارتش جمهوری اسلامی ایران مشغول فعالیت و خدمت هستید یا خواهید بود، آن را حسنه‌ای بدانید که خدای متعال برای آن به شما اجر خواهد داد و موجب نورانی شدن چهره‌ی شما در دنیا و آخرت خواهد بود.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» 1391/04/21

اولاً خوشامد عرض میکنم به همه‌ی شما خواهران عزیز، دختران عزیزم، بانوان نخبه‌ی سراسر کشورهای اسلامی؛ اینجا خانه‌ی شماست، متعلق به شماست و امیدواریم خداوند متعال، این اجلاس را، این دیدار را، برای امت اسلام مبارک فرماید.

این اجتماع شما به نظر من بسیار حائز اهمیت است. اجتماع بانوان نخبه از شرق و غرب دنیای اسلام، اهمیتی دارد بیش از اهمیت یک اجلاس برای بیداری اسلامی. این اهمیت از این جهت است که فرصت شناسایی یکدیگر، پیدا کردن یکدیگر برای بانوان نخبه‌ی دنیای اسلام، در این اجلاس فراهم شده است. و این بسیار مهم است. صد سال است که فرهنگ غربی به پشتوانه‌ی پول و زور و سلاح و دیپلماسی، سعی میکند فرهنگ غربی را و اسلوب زندگی غربی را بر جوامع اسلامی در میان زنان تحمیل کند. صد سال تلاش شده است برای اینکه زن مسلمان را از هویت خود بیگانه کنند. تمام عوامل اثرگذاری و قدرت به کار رفته است؛ پول، تبلیغات، اسلحه، فریبنده‌های گوناگون مادی، استفاده‌ی از غرائز طبیعی جنسی انسان؛ همه‌ی اینها را استخدام کرده‌اند برای اینکه زن مسلمان را از هویت اسلامی خود دور کنند. امروز اگر شما بانوی نخبه‌ی اسلامی تلاش کنید که این هویت را به زن مسلمان برگردانید، بزرگترین خدمت را به امت اسلامی و به بیداری اسلامی و به عزت و کرامت اسلامی کردید. این اجتماع میتواند گام بلند و مؤثری در این راه باشد. به نشستن دور یکدیگر و چند روز گفتگو کردن اکتفا نکنید و این دیدار را مقدمه‌ی یک حرکت بزرگ و ماندگار قرار بدهید که بر دنیای اسلام اثر بگذارد و میتواند اثر بگذارد. بیداری زنان، احساس شخصیت و هویت در میان بانوان، آگاهی و بصیرت در میان جامعه‌ی زن، تأثیرش بر روی بیداری اسلامی و عزت اسلامی یک تأثیر مضاعف است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» 1391/04/21

ما سی و سه سال است مواجهیم با دشمنی‌های استکبار. امروز جنجالهای جهانی و سر و صدای تبلیغات جهانی متوجه شده است به اینکه ما ایران را تحریم کردیم. آنها نمیفهمند و درک نمیکنند که سی سال است ما را در مقابل تحریم واکسینه کردند. ما سی سال است تحریمیم. ما واکسینه شدیم در مقابل تحریم. تحریم به ما ضربه نمیزند. ملت ایران ایستاد. ملت ایران با جان خود، با مال خود، با عزیزترین عزیزان خود در مقابل توطئه‌های دشمن ایستاد. امروز ما نسبت به سی سال قبل صد برابر قویتر و جلوتر هستیم. امروز ما در میدان علم، در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در مدیریت کشور، در بصیرت عمیق مردمی، بمراتب جلوتر هستیم از روزهای اول انقلاب و این در چالش با دشمنی دشمنان، برای ملت ایران حاصل شده است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» 1391/04/21

مطلبی دیگر در مورد نقش زنان در تحولات اجتماعی است؛ در انقلابها، در همین حرکت بیداری عظیم اسلامی. من به شما عرض کنم، اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد. در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی بدیل است و باید ادامه پیدا کند. زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناکترین میدانها و جبهه‌ها آماده میکنند و تشجیع میکنند. ما در دوران مبارزه با طاغوت در ایران و همچنین بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، برجستگی نقش زنان را به طور واضح و ملموس مشاهده کردیم و دیدیم. اگر در جنگی که هشت سال بر ما تحمیل شد، زنان ما، بانوان کشور ما در میدان جنگ، در عرصه‌ی عظیم ملی حضور نمیداشتند، ما در این آزمایش دشوار و پر محنت پیروز نمیشدیم. زنها، ما را پیروز کردند، مادران شهدا، همسران شهدا، همسران جانبازان، همسران اسرا و آزادگان ما؛ مادران اینها با صبر خود یک فضایی را در یک منطقه‌ی محدودی به وجود آوردند، که آن فضا جوانها را، مردان را، به حضور مصممانه تشویق میکرد؛ و این در سراسر کشور گسترده شد و گسترده بود. نتیجه این شد که فضای کشور ما یکسره فضای مجاهدت شد، فضای فداکاری و گذشت شد؛ گذشت از جان. و پیروز شدیم. امروز در دنیای اسلام هم همین است؛ در تونس، در مصر، در لیبی، در بحرین، در یمن، در هر نقطه‌ی دیگر. اگر زنها در صفوف مقدم حضور خودشان را تقویت کنند و ادامه بدهند، پیروزی‌ها یکی پس از دیگری نصیب آنها خواهد شد. در این هیچ تردیدی نیست.

پیام به مناسبت آغاز به کار نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی 1391/03/07

گشایش نهمین دوره‌ی قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی - به خواست خداوند حکیم و قدیر - پیام پرقدرتی است که ملت ایران، جهان معاصر را با آن مخاطب می‌سازد و حقایق ماندگاری را در حافظه‌ی افکار عمومی ملت‌ها ثبت می‌کند. پیروزی عزم ملتی بر حجم انبوه دشمنی‌ها، ساخت استوار و مستحکم نظام برخاسته از انقلاب اسلامی، نقش یگانه و بی‌بدیل ایمان و بصیرت در شکل‌دهی به مسیر زندگی و سرنوشت یک ملت و آن‌گاه، تصویر راستین از ملتی که برای نخستین بار مردم‌سالاری اسلامی را نه با زبان، که با مجاهدت دشوار خود به میدان آورده و دعوی انزوای دین از زندگی اجتماعی را باطل ساخته، از جمله‌ی این حقائق اثرگذار و ماندگار است.

بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور 1391/02/23

شما میدانید که ما به شما مداحان اخلاص داریم، شماها را دوست میداریم، کارتان را باارزش میدانیم؛ منتها این شرط بزرگ را من همیشه با مداحان داشته‌ام؛ شما هم اعلیتان جوانید، جای فرزندان ما هستید؛ نصیحت پدرا نه است، ان‌شاءالله دنبال کنید؛ شعر خوب، شعر پرمغز و البته شعر زیبا. خود هنر شعر اثر هم میگذارد. وقتی شعر خوب بود، وقتی استخوان‌بندی شعر، الفاظ شعر، خوب بود - شعر خوب، با مضمون خوب - تأثیرش بیشتر هم هست؛ بعلاوه که سطح ذهن مردم و فکر مردم را هم بالا می‌آورد. به جامعه نگاه کنید، ببینید جامعه به چه چیزی احتیاج دارد؟ اینها چیزهایی نیست که امروز برای امثال شما جوانها - که الحمدلله باسوادید، بافهمید، بابصیرتید - مخفی باشد. امروز مردم ما بحمدالله سطح فکرشان بالاست، ملت ما بلوغ فکری دارد؛ شما جامعه‌ی مداح هم همین جور. شما میدانید مردم به چه چیزی احتیاج دارند. امروز مردم به دین، به اخلاق، به ایمان راسخ، به بصیرت، به شناخت دنیا، به شناخت آخرت احتیاج دارند؛ همه‌مان احتیاج داریم. اینکه میگوئید فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در محشر وارد میشود، فضای محشر تحت تأثیر عظمت دختر پیغمبر قرار میگیرد، باید محشر را بشناسیم، قیامت را بشناسیم، هیبت جلال الهی را در محشر بدانیم؛ اینها معرفت میخواهد، اینها آگاهی میخواهد؛ قرآن هم پر است از بیاناتی که این معانی را به ما نشان میدهد. روایات هم همین جور. اینها را با زبان شعر، با همان هنری که در شما هست، بیان کنید.

بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور 1391/02/13

ملت ایران در صحنه است، آماده است، خوشبختانه با بصیرت است، موقع‌شناس است؛ بحمدالله دشمن‌شناس هم هست. در این سی و سه سال، دشمنهای خودمان را شناختیم؛ فهمیدیم چه کسانی هستند که گاهی ممکن است ریاکارانه و دروغ‌پردازانه تظاهر به دوستی هم بکنند، اما دشمنند. برای اینکه در این دنیای بزرگ، در این

کشمکش میان قدرتهای مادی دنیا، ملت ایران بتواند از حق خود دفاع کند، از آینده خود دفاع کند، از نسلهای بعدی دفاع کند، باید بیدار باشد، هوشیار باشد، در صحنه باشد؛ یکی از نمونه‌هایش همین انتخابات است، و البته نمونه‌های زیادی دارد.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1390/12/18

لازم میدانم قبل از آنکه مطالبی را عرض کنم که یادداشت کرده‌ام، از مردم عزیزمان تشکر کنم، تقدیر کنم، از آنها تجلیل کنم، به خاطر این حضور بموقع و بهنگام و بسیار اثرگذاری که در این انتخابات داشتند. حقیقتاً مردم عزیز ما سنگ تمام گذاشتند و در عرصه روبرویی با جبهه مخالفان و دشمنان کشور و دشمنان مردم، قدرت ناشی از ایمان و بصیرت را به میدان آوردند. هر کسی که بداند در طول این ماه‌های گذشته چه تلاشی از سوی دشمنان شد برای اینکه روز دوازده اسفند را کمرنگ و مضمحل کنند، بداند چقدر خرج کردند، چقدر استخدام کردند، چقدر طراحی کردند، چقدر در اتاقهای فکر جمله‌سازی کردند تا اینها را به ذهن مردم منتقل کنند و در عمل مردم تأثیر بگذارند، میفهمد که چقدر کار مردم کار بزرگی بود و حرکت، حرکت عظیمی بود.

انسان اولاً بایستی شکر خدا را بکند؛ چون از اوست، متعلق به اوست، ناشی از اراده الهی و رحمت و فضل پروردگار است. و آنگاه انسان باید با همه وجود از مردم تشکر کند؛ چون این رحمت الهی، بی‌سبب و بدون جهت به کسی، به ملتی، به امتی، به کشوری داده نمی‌شود. در دعا میخوانیم که: «اللَّهُمَّ اِنِّی اسئَلُکَ موجبات رحمتک». ما بایستی موجبات رحمت را فراهم کنیم، آن وقت باران فیاض و سیل‌آسای رحمت و فضل الهی بر سر ما خواهد بارید. مردم ما موجبات رحمت الهی را فراهم کردند. حضور مردم در صحنه، ایستادگی‌شان در مقابل هجمه دشمنان، بصیرتشان، اینها همه موجبات رحمت الهی بود. توفیق برآوردن این موجبات هم باز متعلق به خدای متعال است. هم از خدای متعال سپاسگزاریم و در مقابل او جبهه سپاس بر خاک میگذاریم، هم از مردم عزیزمان با همه وجود تشکر میکنیم و امیدواریم که خداوند پاداش کافی و کامل به مردم عنایت کند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1390/12/18

نکته دیگری که انسان در این انتخابات میدید و مشهود بود، بصیرت و تعالی فکری مردم بود. مردم با تحلیل وارد انتخابات شدند و رأی دادند؛ تحلیل داشتند. شما میدیدید از آن جوان رأی اولی تا آن مرد و زن کهنسال، هر کس از آنها سؤال میکرد که شما چرا رأی میدهید، یک تحلیلی پای آن می‌گذاشتند، یک دلیلی ذکر میکردند؛ صرف این نبود که خب، انتخابات است، باید بیائیم رأی بدهیم؛ نه، میگفتند برای چه می‌خواهیم رأی بدهیم؛ چون دشمن ما کمین کرده است، چون گرگهای گرسنه کمین کرده‌اند؛ که ان‌شاءالله بنده در یک گفتار دیگری تشریح خواهم کرد که چگونه اینها کمین گرفتند برای بلعیدن و دریدن، به خیال اینکه این برّه است و میشود دریدش؛ نمیدانند شیر است و نمیشود نزدیکش شد! مردم دیدند این جبهه را، دیدند دشمنی‌ها را، دیدند هدفگذاری دشمن و جبهه معاند را؛ لذا با بصیرت وارد شدند، با تحلیل وارد شدند؛ و این خیلی مهم است.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان 1390/11/26

ملت ایران احساس کرد که کشورش، نظامش، اسلام عزیزش به این حضور احتیاج دارد. یک جبهه دشمن عنود شریر که همه دستگاه‌های ارتباطی دنیا و رسانه‌های دنیا در مشت اوست و بسیاری از سیاستمداران دنیای غرب دست‌نشاندهی این جبهه شریر هستند، یعنی جبهه سرمایه‌داران، کارتل‌داران، تراست‌داران، کمپانی‌داران بزرگ، سرمایه‌داران خونخوار و صهیونیستها، شبکه‌ی صهیونیست جهانی که اغلب رسانه‌های دنیا و رسانه‌های فوق مدرن امروز مثل این کانالهای تلویزیونی و بیشتر از همه کانالهای اینترنتی در اختیار اینهاست؛ متعلق به آنهاست. اینها از مدتها قبل، از ماه‌ها قبل تبلیغات خود را روی این نقطه متمرکز کردند که ملت ایران نسبت به نظام، نسبت به اسلام، نسبت به هدفهای اعلام شده، سست شده است. این را هی تبلیغ کردند و به طور مداوم در بوقهای تبلیغاتی خودشان این حمله را تشدید کردند که به ملت عزیز ما بیاوراند این دروغ بزرگ را. هدف چی بود؟ هدف این بود که عملاً ملت شجاع ایران، ملت مؤمن ایران، ملت امتحان‌داده‌ی ایران در عرصه‌های سخت و بزرگ، سست بشود. وقتی ملت سست شد، کشور بی‌دفاع میشود؛ وقتی ملت در صحنه نبود، مسئولین تنها میمانند. هیچ مجموعه‌ی سیاسی‌ای در دنیا بدون پشتوانه‌ی ملتهای خودشان نمیتواند کار کنند، پیش بروند. اینها این غرض را داشتند. روی خصوص بیست و دوی بهمین تکیه کردند، انواع و اقسام حیل‌های تبلیغاتی را به کار بردند تا شاید بتوانند این صحنه‌ی حضور را خلوت کنند، خاموش کنند، بی‌رونی کنند؛ مردم این را فهمیدند. آنچه که انسان را به اعجاب وادار میکند، آنچه که انسان را در مقابل عظمت این ملت کوچک میکند که چقدر این ملت با عظمت است، همین بصیرت و موقع‌شناسی ملت ایران است.

این بصیرت بی‌نظیر مردمی، این موقع‌شناسی انسان را دچار اعجاب میکند. این است که ملت را نگه داشته است، این است که کشور را حفظ کرده است. ملت ایران فهمید که امروز دشمن این هدف را دارد؛ با عمل خود، توی دهن دشمن زد؛ با حضور خود، تبلیغات دشمن را خنثی کرد. نوجوان، جوان، پیر، کهنسال از کارافتاده، زن و مرد، در همه‌ی کشور آمدند توی عرصه و صحنه‌ی حضور. طبق گزارشی که به من دادند - گزارش موثق - اقلأ در هشتصد و پنجاه شهر کشور این تظاهرات با همین شکل گسترده وجود داشته است که تلویزیون قادر نیست این همه را نشان بدهد. این ملت ایران است، این بصیرت است، این موقع‌شناسی و حضور این ملت است. این ملت شکست نخواهد خورد. آنهایی که باید پیام را بگیرند، گرفتند. آنهایی که در مغزهای الکلی آفت‌دیده‌ی خود خیالاتی برای ملت ایران در سر می‌بختند، آنها فهمیدند در ایران چه خبر است. البته در تبلیغات سعی کردند نگذارند این حقیقت منعکس بشود، اما آنی که باید بفهمد، فهمید. دستگاه‌های اطلاعاتی دشمنان ما و سیاستگذاران اصلی در کشورهای معارض با جمهوری اسلامی، فهمیدند که ملت قهرمان ایران اینجور در صحنه است؛ این جور وسط میدان حاضر است.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان 1390/11/26

ان‌شاءالله انتخابات مجلس نهم پر شور، با احساس، با بصیرت، با حضور فراوان مردم انجام خواهد گرفت تا به توفیق الهی مجلس خوبی نصیب مردم بشود. نمایندگان خوبی ان‌شاءالله به انتخاب شما مردم بیابند و وارد این میدان کار بشوند، وارد این میدان خدمت بشوند.

بیانات در دیدار دیدار مسئولان نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی 1390/11/21

تولد انقلاب اسلامی در واقع یک ولادت جدیدی بود برای اسلام؛ در آن روزی که دنیای مادی و قدرتهای سلطه‌گر مادی با تلاشهای ده‌ها ساله تصور میکردند که بساط دین و معنویت را و بخصوص اسلام را از عرصه‌ی زندگی انسانها جمع کردند، در یک چنین شرائطی این صدای عظیم، این غریو بزرگ و ماندگار تاریخی در این کشور به وجود آمد، بلند شد؛ هم دشمنان را دهشت‌زده کرد، دشمنان اسلام را، دشمنان استقلال ملتها را، دشمنان بشریت را؛ هم دوستان هوشمند و انسانهای آگاه و با بصیرت را در همه‌ی دنیا امیدوار کرد. آن روزی که انقلاب اسلامی در ایران پدید آمد، هیچ کس در این دنیای بزرگ گمان نمیکرد که پرچم اسلام بتواند اینجور، آن هم در یک چنین منطقه‌ای، در یک چنین کشوری که به طور دربست در اختیار سلطه‌گران بود، به اهتزاز در بیاید و این حرکت اسلامی بماند، رشد پیدا کند، در مقابل دشمنی‌ها بتواند مقاومت کند؛ هیچ کس در اطراف دنیا فکر نمیکرد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی 1390/11/14

تشکر دوم، تشکر از ملت ایران است؛ وفاداری کردند، جوانمردی به‌خرج دادند، گذشت کردند، ایثار کردند، شجاعت نشان دادند، بصیرت به‌خرج دادند؛ حضور دائمی خود را در طول این سی و سه سال آنچنان حفظ کردند که این نهال با همه‌ی خطرها، با همه‌ی مشکلات، روزبه‌روز تومنودتر شد، بارورتر شد، بالنده‌تر شد. امروز مثل همان شجره‌ی طیبه‌ای که «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء»، در زمین زندگی بشریت ریشه دوانده است و ثمرات و آثار آن به‌طور متواتر نائل و واصل میشود.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی 1390/11/14

مردم اگر خودشان نامزدهای انتخاباتی را میشناسند، طبق تشخیص خودشان حتماً عمل کنند؛ اگر نمیشناسند، از افراد بصیر و متدین در گزینشهای انتخاباتی استفاده کنند.

خداوند متعال را سپاسگزاریم که نفسهای گرم و دل‌های بانشاط جوانان قم، به مناسبت نوزدهم دی، یک بار دیگر فضای این حسینیه را معطر کرد. یقیناً آگاهی و بیداری و بصیرت مردم عزیز قم و پاسخی که آنها با همه وجود خودشان به حوزه علمیه و به مرجع تقلیدشان دادند، یک حادثه‌ی ماندگار در طول تاریخ است و خواهد ماند.

ملت ایران این تجربه‌ی بزرگ را امروز در مقابل ملتهای دیگر قرار داده است؛ تجربه‌ی موفقیت‌ناشی از دو عامل بصیرت و صبر. بصیرت یعنی گم نکردن راه، اشتباه نکردن راه، دچار بیراهه‌ها و کجراهه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه‌ی خناسان و اشتباه نکردن کار و هدف. و صبر یعنی ایستادگی. نسلها دست به دست به یکدیگر تحویل میدهند. امروز به حول و قوه‌ی الهی نسل جوانی در کشور ما حضور دارد که دوران انقلاب را ندیده است، دوران جنگ را درست درک نکرده است، اما در عین حال با همان روحیه، با همان احساس، با همان انگیزه، با همان تصمیم قاطع، در میدان ایستاده است؛ این خیلی مهم است، این هنر انقلاب اسلامی است. باید عوامل این ایستادگی و این بصیرت را در میان خودمان تقویت کنیم.

یک روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که با شعب ابی‌طالب و محاصره‌ی اقتصادی مسلمانان، آنها را از پا بیندازند؛ اما نتوانستند. این روسیاهای بدمحاسبه‌گر خیال میکنند ما امروز در شرائط شعب ابی‌طالبیم. اینجور نیست. ما امروز در شرائط شعب ابی‌طالب نیستیم؛ ما در شرائط بدر و خیبریم. ما در شرائطی هستیم که ملت ما نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است؛ به آنها نزدیک شده است؛ به بسیاری از مراحل پیروزی، با سرافرازی دست پیدا کرده است. امروز مردم ما را از محاصره‌ی اقتصادی میترسانند؟ با این حرفها، با این ترفندها میخوانند مردم را از صحنه بیرون کنند؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ امروز میخوانند در اراده‌ی مسئولین اختلال ایجاد کنند؟ «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی»؛ این راهی است که با بصیرت انتخاب شده است، این راهی است که با مجاهدت باز شده است، این راهی است که با خون عزیزترینها هموار شده است. ما از این راه رفتیم، به قله‌هایی هم دست پیدا کردیم. ما متوقف نمیشویم، ان‌شاءالله پیش میرویم؛ ولی تا امروز هم به قله‌های بسیاری دست پیدا کرده‌ایم. جمهوری اسلامی، امروز کجا، بیست سال و سی سال قبل کجا؟ دشمنان جمهوری اسلامی، هیمنه و باد و بروت آن روزشان کجا، ضعف و انکسار امروزشان کجا؟ اینها نشانه‌هایی است که ملت ایران را تشویق میکند. خیر، در ادامه‌ی راه اسلام - که راه خداست، راه دین است، راه سعادت دنیا و آخرت است - اراده‌ی مسئولین همچنان مستحکم خواهد ماند؛ مردم هم امروز و در آینده، پای ثابت این حرکت عظیم خواهند بود.

در قضیه‌ی ۹ دی سال ۸۸ یک نکته اساسی است و آن نکته برمیگردد به هویت انقلاب و ماهیت انقلاب. یعنی همان روحی که حاکم بود بر اصل انقلاب ما و آن حضور عظیم بی‌نظیر تاریخی در سال ۵۷، همان روح در ماجرای ۹ دی نشان داده شد؛ کمالینکه در فضایی گوناگون دیگر هم نشان داده شده، لیکن در ۹ دی به شکل بارزی نشان داده شد؛ به طوری که جای انکار و تردید و تأمل برای هیچ کس از بدخواهان و دوستان و دشمنان و دیگران باقی نگذارد. آن روح چه بود؟ روح دیانت حاکم بر دل‌های مردم بود. پس اینجا ما دو تا عنصر در کنار هم داریم: یک عنصر، عنصر مردم است؛ که مردم در هر کشوری، در هر جامعه‌ای، اگر چنانچه همت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، میتوانند همه‌ی مشکلات را حل کنند. یعنی بزرگترین کوه‌ها در مقابل حضور مردم از بین می‌رود؛ میتوانند کوه‌های بزرگ را جابه‌جا کنند. این یک حقیقت آشکاری است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها آن را درست لمس نکردند، درک نکردند؛ ما این را لمس کردیم.

از آغاز حرکت از مدینه، بذ معرفت پاشیده شد - این یکی از خصوصیات حادثه‌ی عاشورا است - بذ بصیرت پاشیده شد. اگر مردمی، امتی از بصیرت برخوردار نباشند، حقایق گوناگون، کار آنها را اصلاح نخواهد کرد؛ گره از مشکلات آنها گشوده نخواهد شد. بنابراین اخلاص، موقع‌شناسی، پاشیدن بذ یک حرکت فزاینده‌ی تاریخی، از خصوصیات مهم عاشورا است. ماجرا فقط در ظهر عاشورا تمام نشد؛ در واقع از ظهر عاشورا یک جریان در تاریخ شروع شد، که همچنان رو به افزایش و گسترش است. بعد از این هم همین خواهد بود. امام حسین (علیه‌السلام) برای اعلامی کلمه‌ی حق و برای نجات خلق، همه‌ی داشته‌های خود را به میدان آورد. این برخی از خصوصیات است که انسان به طور کلی در ماجرای عاشورا میتواند ببیند و نشان بدهد.

بسیج سیاسی است، اما سیاست‌زده نیست، سیاسی‌کار نیست، جناحی نیست؛ بسیج مجاهد است، اما بی‌انضباط نیست، افراطی نیست؛ بسیج عمیقاً متدین و متعبد است، اما متعجب نیست، خرافی نیست؛ بسیج با بصیرت است، اما از خودراضی نیست؛ بسیج اهل جذب است - گفته‌ایم جذب حداکثری - اما اهل تسامح در اصول نیست؛ بسیج غیور است، پاسدار خطوط فاصل است؛ بسیج طرفدار علم است، اما علم‌زده نیست؛ بسیج متخلق به اخلاق اسلامی است، اما ریاکار نیست؛ بسیج در کار آبادکردن دنیا است، اما خود اهل دنیا نیست.

امام عزیز ما، آن مرد یگانه‌ی تاریخ ما، در مقابل طرح کاپیتولاسیون و مصونیت آمریکائی‌ها - که آن روز در ایران همه‌کاره بودند - ایستاد و به خاطر این اعتراض، روز ۱۳ آبان با حال غربت و تنهایی، به وسیله‌ی مزدوران آمریکا از ایران تبعید شد. در آن روز و در این تبعید، هیچ کس در کنار امام نبود. البته دل‌های مردم با امام بود؛ اما امام را از خانه‌اش ربودند و در غربت کامل، او را در روز ۱۳ آبان سال ۴۳ از ایران تبعید کردند. پانزده سال بعد - پانزده سال، زمان زیادی نیست؛ مثل برق میگذرد - فرزندان امام، یعنی جوانان انقلابی دانشجوی، در روز ۱۳ آبان رفتند لانه‌ی جاسوسی آمریکا در تهران را تسخیر کردند؛ آمریکا را از ایران تبعید کردند. ببینید فعل و انفعال حرکت مردمی متکی به اراده‌ی الهی و قدرت الهی، چه کار میکند. امام در آن غربت در تبعید ایستاد، با کمال استقامت راه را دنبال کرد و مردم را کم‌کم و بمرور آورد وارد صحنه کرد. امام مردم را بیدار کرد؛ احساس استقلال و آرمان‌خواهی همراه با مجاهدتی که در آن هیچ خوف و ترسی وجود ندارد، در مردم زنده کرد. مردم به میدان آمدند و انقلاب پیروز شد. مردم در انقلاب، شاه را از ایران راندند؛ در ۱۳ آبان، آمریکا را از ایران راندند. لذا امام فرمود: انقلابی بزرگتر از انقلاب اول. این یک عبرت است. یعنی یک ملت وقتی در راه درست، با هدایت صحیح و با بصیرت، ایستادگی و استقامت میکند، هیچ قدرتی در مقابل او تاب مقاومت ندارد. همه‌ی مانعها برداشته شد. این مسئله، محال به نظر می‌آید. حکومت سلطنتی دو هزار و پانصد ساله، آن هم با پشتیبانی همه‌ی قدرتهای مادی دنیا، از ایران برچیده شود؛ باورکردنی بود؛ اما اراده‌ی اسلامی و ایمانی ملت ایران به رهبری امام، این امر محال را ممکن کرد؛ این امر نشدنی، واقع شد. همه در مقابل چشمشان این را بوضوح دیدند و آن را لمس کردند. و از این بالاتر، پرچم تسلط ظالمانه‌ی متکبران‌های آمریکا از بام ایران پائین کشیده شد؛ زیر پای جوانهای مؤمن ما لگدال شد. این هم نشدنی به نظر میرسید. این هم یک کار ناممکن به نظر میرسید. تحلیل میکردند، مینوشتند که ایران اسلامی چون در مقابل آمریکا ایستاده است، پس قطعاً شکست می‌خورد و مجبور به عقب‌نشینی میشود. تحلیل‌های مادی این را میگفت، این را نشان میداد. خیلی از روشنفکر نمایان ما که خود را اهل تحلیل سیاسی و زیر و رو کردن حوادث و استنتاج از حوادث میدانستند، اینجور تحلیل میکردند. اما بعکس شد؛ اسلام پیروز شد، جمهوری اسلامی پیروز شد، آمریکا مجبور به عقب‌نشینی شد.

تحلیلگران - به قول خودشان - در اتاقهای فکرشان می‌نشینند مطالعه میکنند، بررسی میکنند، می‌بینند نقطه‌ی کانونی و مرکزی این حرکت، جمهوری اسلامی است؛ لذا متوجه شماها میشوند؛ متوجه جوانهای ما، متوجه مسئولان ما که محکم ایستادند و این راه را با جرأت، با قدرت، با توکل به خدا، با خوشبینی به آینده و با امید تمام دارند ادامه میدهند. آن وقت علیه ملت ایران توطئه میکنند؛ خب، بکنند. سی و دو سال است که دارند علیه ملت ایران توطئه میکنند. البته در هر توطئه‌ای، برای ملت ایران

زحمت‌افزایی کردند، اما ملت ایران پیروز شده است و پس از هر توطئه‌ای که خنثی شده، ملت ایران یک پله بالاتر رفته. ما را تحریم میکنند. ممکن است تحریم فشاری به وجود بیآورد، اما ملت ایران را یک درجه جلو میبرد؛ توانائی او را بیشتر میکند. به خیال خودشان علم و فناوری را بر روی جوانهای ایرانی بستند، اما جوانان ایرانی خودشان از درون خودشان جوشیدند. امروز در زمینه علم و فناوری، پیشرفت ما نسبت به گذشته، نمیشود گفت دو برابر و سه برابر است؛ دهه برابر است. مبارزه‌ی آنها به جانی نمیرسد. مبارزه‌ی با یک ملت بصیر، ملت بصور، ملت آگاه، ملتی که جوانانش متکی به خدا و پایدار در این راهند، به جانی نمیرسد؛ آنها شکست میخورند، اما ملت ایران پیروز خواهد شد.

بیانات در اجتماع مردم پاهو 1390/07/25

دینداری از خصوصیات این مردم بود، امروز هم هست. دو خصوصیت در منطقه‌ی پاهو وجود دارد که انسان را وادار به تحسین میکند: یک خصوصیت، خصوصیت دینداری است؛ پایبندی به معرفت دینی و مبانی دینی و شریعت. خصوصیت دوم، روشنفکری است. جوانان این منطقه - آنطوری که من اطلاع دارم و گزارشهای دقیقی را ملاحظه کردم - جوانان روشنفکری هستند. بخش مهمی از این امتیازات برمیگردد به این مرد عالم و مجاهد، این جناب ماموستا قادری؛ روحانی هم عالم و هم روشنفکر. اینجور روحانی‌ای در این دوره و در همه‌ی مقاطع حساس، به کار جماعت‌های مردمی می‌آید؛ آگاهانه، با بصیرت، مسائل را تشخیص بدهد، درک کند، بعد هم وسط میدان باشد. روحانی‌ای که کنار بنشیند، به مردم بگوید شما بروید حرکت کنید، اقدام کنید، راه به جانی نخواهد برد. آن روحانی‌ای موفق است که راه بیفتد، بگوید برویم؛ نه اینکه بگوید بروید. روحانی باید وسط میدان، جلوی مردم و اهل اقدام باشد. خوشبختانه ما نمونه‌های متعددی را در روحانیت منطقه‌ی کردی مشاهده کرده‌ایم و دیده‌ایم.

بیانات در اجتماع مردم پاهو 1390/07/25

امروز دنیا ملت ایران را به مسلمان‌هایی همراه با آگاهی و بصیرت و پیشگامی و پیشرفت در میدانهای مختلف میشناسد؛ این چیز کمی نیست. بخصوص امروز که حرکت‌های اسلامی در دنیای اسلام آغاز شده است، ملت ایران میتواند نقش ایفاء کند.

بیانات در اجتماع مردم پاهو 1390/07/25

من تأکید میکنم؛ همین روئیه‌ی آگاهی‌های دینی و فرهنگی که بحمدالله در پاهو به طور بارزی وجود دارد، باید ان‌شاءالله گسترش و ادامه پیدا کند؛ آگاهی دینی، آگاهی تاریخی، آگاهی اسلامی، بصیرت نسبت به واقعیت‌های جامعه. ملت ایران صبر کردند؛ شما صبر کردید، مقاومت کردید، مقاومت را از نسلی به نسل دیگر منتقل کردید؛ و اینها امروز اثر بخشیده است، امت اسلامی بیدار شده است. مستکبران خیال نکنند که میتوانند زنجیره‌ی این قیامها و بیداری‌های اسلامی را در منطقه از بین ببرند و خاموش کنند؛ ابدًا. بدون شک این حرکت بیداری ادامه پیدا خواهد کرد و آینده‌ی بهتری در انتظار این مردم است.

بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه 1390/07/24

نسل جوان، بار انقلاب را بر دوش داشته است و دارد و در آینده هم خواهد داشت. این مخصوص جوان دهه‌ی 60 نیست؛ جوان دهه‌ی 90 هم که شما هستید، بار سنگینی را بر دوش دارید. و من می‌بینم و مشاهده میکنم که بحمدالله جوان کشور ما، بخصوص جوانان دانشجو و تحصیلکرده، این بار را بخوبی پیش می‌برند و ان‌شاءالله به منزل خواهند رساند.

هم امروز که روز مجاهدت و ایستادگی و بصیرت و صبر در گذرگاه انقلاب است، و هم در آینده که مسئولیتها و مأموریت‌های زیادی در عرصه‌های مختلف بر دوش شما جوانان خواهد بود - در عرصه‌ی علمی، در عرصه‌ی سیاسی، در عرصه‌ی اجتماعی، در عرصه‌های دیپلماسی، در عرصه‌های اقتصادی و فنی و همه‌ی عرصه‌های زندگی - نقش جوانان برجسته است. پس شما، هم امروز مسئول و مشغول تلاش هستید، هم ان‌شاءالله در آینده چنین خواهد بود. بنابراین دیدار با جوانان، گفتن با آنان و شنیدن از آنان، دارای اهمیت است.

بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه 1390/07/22

وقتی ما می‌گوئیم همه جا بسیج هست، معنایش این نیست که از بسیج بیست میلیونی‌ای که امام گفت - یا ده‌ه‌میلیونی بعد از امام - غفلت کنیم؛ نه، نه؛ آن لازم است. با آرزوها و آمال و نگاه‌های بلندنظرانه‌ای که ملت ما دارد، آمادگی دفاعی لازم است و همیشه باید وجود داشته باشد؛ همراه با ابتکار، همراه با نوآوری. لذاست که ما از سازماندهی‌های بسیج کاملاً حمایت میکنیم. عمق فکر و بصیرت هم در این سازماندهی‌ها باید مورد ملاحظه قرار بگیرد. یعنی جوانان عزیز ما بدانند، آگاهانه حرکت کنند؛ بدانند دنبال چه هستند.

بیانات در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه 1390/07/21

جمهوری اسلامی است، مردم‌سالاری است؛ مردم‌سالاری اسلامی. مردم‌سالاری باید معنایی داشته باشد؛ معنای واقعی دارد، تعارف نیست. شهدا، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های آنها در این راه، بهترین آزمایش را دادند. این صبر عظیمی که خانواده‌های شهیدان نشان دادند، خیلی ارزش دارد. اگر خانواده‌ها بی‌صبری نشان میدادند، بی‌معرفتی نشان میدادند، بی‌بصیرتی نشان میدادند، فضای مجاهدت سرد میشد؛ دل‌ها مشتاق فداکاری و ایثارگری باقی نمی‌ماند. خانواده‌ها صبر نشان دادند. سال‌های متمادی از آن دوران دفاع مقدس گذشته است، اما باب شهادت بسته نشده؛ باز هم مشاهده میکنیم خانواده‌هایی داغدار عزیزانی میشوند که به مناسبت‌های گوناگون وادی شهادت بر روی آنها در باز میکند، آنها پر می‌کشایند و می‌روند. اگر این بصیرت و این صبر در ملتی باشد، بدون تردید این ملت قله‌ها را درخواهد نوردید.

ما در تشخیص هدف‌ها و تعیین راه به این هدف‌ها، هرگز دچار تردید نشدیم؛ در راه خودمان شک نکردیم؛ خدا را شکر میکنیم. خدای متعال هیچگاه دل‌های ما را خالی از نور امید نگذاشت. و در واقعیت دیدیم که این امیدها، امیدهای واهی نبود؛ امیدهای درستی بود. یک روزی بود که وقتی کسانی به صحنه نگاه میکردند، بظاهر هیچ چیز امیدبخشی در صحنه به چشم نمی‌آمد؛ اما مردمان بصیر - در رأس همه، امام بزرگوار - به ما امید میدادند، نوید میدادند. گاهی ما تعبداً گوش میکردیم، اما قادر به تحلیل نبودیم. تعبداً قبول میکردیم، بعد میدیدیم همین جور شد؛ بعد میدیدیم همین امید الهی، همین نوید آسمانی تحقق پیدا کرد. و امروز وقتی به تجربه‌ی سی و دو ساله‌ی انقلاب نگاه میکنیم، پی‌درپی موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی را می‌بینیم.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه 1390/07/20

یکی دیگر از چالش‌های بزرگ، همین چالش فشارهای اقتصادی و تحریمها بود. امروز سخن از تحریم می‌گویند؛ تحریم برای ما چیز تازه‌ای نیست. از سال اول پیروزی انقلاب، تحریم‌های یکجانبه از طرف آمریکا و کشورهای اروپائی شروع شد و در طول جنگ، این تحریمها و محدودیتها به اوج خود رسید. من یک وقتی گفته‌ام؛ ما می‌خواستیم از خارج از کشور سیم خاردار تهیه کنیم. کشوری که این سیم خاردار باید از آنجا عبور میکرد - شوروی سابق - اجازه نمیداد که این کالا از داخل خاک او عبور کند، بیاید ایران! حالا کالا نه کالای نظامی است، نه سلاح تهاجمی است؛ سیم خاردار است! اینقدر محدودیت علیه کشور ما به وجود آوردند. در همه‌ی زمینه‌های اقتصادی به دنبال ایجاد تحریم بودند؛ عرضشان هم این بود که ملت ایران را به زانو در بیاورند، نظام را به زانو در بیاورند؛ اما نظام جمهوری اسلامی به کمک صبر و بصیرت شما مردم، همه‌ی آن سیاست‌ها و سیاست‌گذاران را به زانو درآورد.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر 1390/06/09

تقوا یعنی مراقبت از خود برای حرکت در صراط مستقیم الهی؛ یافتن علم و معرفت و بصیرت، و بر اساس علم و معرفت و بصیرت، حرکت کردن. خوشبختانه جامعه‌ی ما در ماه رمضان از این افراد باسعادت‌ی که توانستند این برکات را کسب کنند، بسیار داشت.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر 1390/06/09

در خطبه‌ی دوم، یک اشاره‌ای بکنیم به وضع خودمان و وضع دنیا. اولاً لازم میدانم از ملت شریف و عزیزمان به خاطر حضور ارزشمند و باشکوه در راهپیمائی روز قدس تشکر و تقدیر کنم. من قابل نیستم که بخواهم از این ملت بزرگ تقدیر یا تشکر کنم؛ صاحب چیزی هم نیستم؛ متعلق به خود مردم است؛ برای خودشان کردند و درست قدم

برداشتند. ما لازم است خدا را شکر کنیم، به خاطر این بصیرت عمومی، این همت عمومی، این انگیزه‌ی گسترده‌ی در دل‌های زن و مرد مسلمان. امسال روز قدس، روز بسیار پرشکوهی بود. حوادثی که در منطقه اتفاق افتاده است، موجب شد برخی ملت‌های مسلمان دیگر هم امسال بیش از سال‌های گذشته در این آزمایش بزرگ، در این حرکت عظیم ضد استکباری همراهی کنند. امیدواریم خداوند متعال شرّ وجود صهیونیست‌های ظالم و خونخوار را از سر فلسطینیان و از سر منطقه کم و کوتاه کند.

بیانات در دیدار قاریان و حافظان و اساتید قرآنی 1390/05/11

به همین اندازه که ما یک قدم به سمت قرآن، به سمت معارف قرآنی برداشتیم - که آنچه که ما به سمت قرآن حرکت کردیم، واقعاً یک قدم هم بیشتر نیست - خدای متعال به ما عزت داده است، به ما حیات داده است، به ما آگاهی و بصیرت داده است، به ما قدرت و قوت بخشیده است. ملت ما امروز یکی از زنده‌ترین و قوی‌ترین ملت‌های دنیاست. استعداد متراکم و جوشان و آمادگی و مشاهده‌ی پی‌درپی پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف؛ امروز وضع کشور ما اینجوری است. ملت‌های دیگر هم ملت ما را تحسین میکنند.

دیدار کارکنان و خانواده‌های نیروهای دریایی ارتش و سپاه با رهبر انقلاب در بندرعباس 1390/05/01

ملت ایران در طول 33 سال گذشته، با وجود همه فشارها و توطئه‌های استکبار جهانی و عوامل آن‌ها، با ایمان، اتحاد و بصیرت خود به پیش رفته و دشمن را پشت سر گذاشته است.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران 1390/04/13

من در آخرین دیداری که با عزیزان سپاهی داشتم، یک نکته‌ای را عرض کردم که آن نکته مهم است؛ فقط اشاره‌ای میکنم و آن این است که گفتم نسل‌های متجدد سپاه، متبدل سپاه، نسل‌های آینده‌ی سپاه باید سعی کنند یک قدم جلوتر و بالاتر از نسل‌های گذشته بردارند. یعنی عالم رو به رشد است، رو به تکامل است؛ حرکت، حرکت تکاملی است، پس جا دارد اگر ما انتظار داشته باشیم، توقع داشته باشیم که جوان وارد شده‌ی در سپاه امروز، از لحاظ معرفت، بصیرت، آگاهی، فداکاری، آماده‌به‌کاری، درست کار انجام دادن، بجا کار انجام دادن، بهنگام کار انجام دادن - که اینها خصوصیات است که سپاه از خودش در طول این سال‌ها نشان داده است - یک قدم سپاه را از نسل گذشته بالاتر ببرد. به سپاه امروز که انسان نگاه کند، ببیند که کیفیت بالاست. این ممکن هم هست؛ نگوئید چطور چنین چیزی ممکن است. نه، کاملاً ممکن است. یعنی شما نگاه کنید به شرائطی که آن روز بود؛ جنگی وجود داشت و حضور دشمن در خاک ما؛ چه قبل از جنگ تحمیلی هشت ساله، حضور ضد انقلاب مسلح، چه بعد هم که جنگ شروع شد، خود این یک عامل و انگیزه‌ی قوی‌ای بود که آدم‌های بی‌تفاوت را هم حرکت میداد و می‌آورد داخل آن صحنه‌ی عجیب و پرشور. امروز آن جنگ نیست؛ یک جنگ ظریف‌تری هست و البته خطرناک‌تری. آگاهی از اعماق این جنگ یک توانایی بیشتر و هوشمندی بیشتری را میطلبد. اگر ما دیدیم امروز کسانی وارد این میدان هستند و تلاش میکنند و مبارزه میکنند و با بصیرت در وسط میدان می‌ایستند، پس جا دارد که بگوئیم این از لحاظ انگیزه، از لحاظ عمل، کمتر از او نیست. اگر بهتر عمل کند، بهتر هم هست. در آینده هم همین جور میتواند باشد؛ همت را این باید قرار داد.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران 1390/04/13

وقتی یک مجموعه‌ی زنده، پرنشاط، باطراوت، پیشرونده، بشدت پایبند به میانی و اصول و ارزش‌ها در نظام وجود دارد و دارد حرکت میکند و زنده است و همه جا را می‌بیند و آگاهی دارد و بصیرت دارد و تأثیر میگذارد، این قهرماً در پیشبرد مجموعه اثر تعیین کننده خواهد داشت - البته این مخصوص سپاه هم نیست؛ من این حرف را عیناً برای حوزه‌های علمیه هم میگویم، برای نهادهای دولتی هم میگویم، منتها اندازه‌ها و وزن اینها با هم یکسان نیست؛ هر کدام جایگاهی دارند، وزنی دارند. حالا فعلاً درباره‌ی سپاه صحبت میکنیم - و ما به این حرکت سازنده و پیشرونده و متکامل احتیاج مبرم داریم. یعنی اسلام، امروز نیازمند به این حرکت است.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران 1390/04/13

یک مسئله این است که اگر یک کسی یک حرف غلطی زد، آیا کسی باید به او جواب بدهد یا نه؟ خب، بله معلوم است. جواب دادن به حرف غلط، شیوه‌ی خودش را دارد، راه خودش را دارد، کار خاص خودش است. یک وقت هست که حالا که کسی یک حرف غلطی زد، ما بیانیتم مثلاً صدجا این حرف غلط را تابلو کنیم، شعار کنیم که آقا، فلانی این حرف غلط را زد، تا همه بدانند. این است که اشتباه است، خطاست. من با حرکت روشنگرانه از سوی هر کسی، از سوی هر نهادی، هیچ مخالفتی ندارم، بلکه علاقه‌مندم و معتقدم به مسئله‌ی تبیین. یعنی اصلاً جزو راهبردهای اساسی کار ما از اول، مسئله‌ی تبیین بوده است. تبیین لازم است؛ اما این معنایش این نیست که ما به اختلافات درونی، هی دامن بزنیم. مراقب باشید. این را همه باید مراقب باشند؛ بخصوص سپاه. سپاه مراقب باشد. در جریان‌های سیاسی، در جریان‌های گوناگون فکری و سلیقه‌ای مطلقاً مشتعل کردن فضا مناسب نیست. حالا شماها الحمدلله همه‌تان بصیرید، آگاهید، لابد از جریان‌ها خبر دارید و الان همین اوضاعی را که توی کشور هست، می‌بینید که متأسفانه این علیه آن، آن علیه این؛ و دستگاه‌های خارجی چه خوشحالی‌ای میکنند؛ تحلیل میگذارند رویش؛ بله، بینشان اختلاف افتاد، نابود شدند، از بین رفتند (!) آرزوهای خودشان را هی مرتباً تکرار میکنند. خب، پیداست که این مسئله نقطه‌ی ضعف ماست. نباید بگذاریم این نقطه ضعف ادامه پیدا کند یا افزایش پیدا کند. اینها را باید توجه داشت. حرکت، متین، مستدل و مستند باشد. اگر کسانی اختلاف‌نظرهایی دارند، با استدلال بیان کنند. عرض کردم، من معتقد به تبیین هستم. در دوران مبارزات هم، اختلاف ما با چپی‌ها و مارکسیست‌هایی که آن وقت مبارزه میکردند، سر همین بود که ما میگفتیم باید تبیین کرد، آنها به تبیین اعتقاد نداشتند؛ یک چیز دیگری میگفتند، یک تفسیر دیگری داشتند. کار انقلاب از اساس با تبیین، روشنگری، بیان منطقی، مستدل و دور از هو و جنجال بود. اگر هو و جنجال وارد شد، حرف منطقی را هم خراب خواهد کرد. ممکن است چهار نفر جذب شوند، اما چهار نفر آدم هوشمندتر دفع میشوند. این، حرف ماست؛ این، عرض ماست.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید میعت 1390/04/09

ما ملت ایران هم خوشحال و خوشوقتم از این که می‌بینیم ملت‌های مسلمان دارند حرکت میکنند و آزادی و کرامت خودشان را به دست می‌آورند. از آغاز پیدایش و پیروزی این انقلاب در ایران، مواضع انقلاب نسبت به مسائل منطقه، حرکت‌های منطقه، قیام‌های منطقه، روشن بوده است. هر جایی که حرکت بر ضد استکبار است، بر ضد صهیونیسم است، بر ضد دولت غاصب صهیونیستی در کشور عزیز فلسطین است، این حرکت، حرکت مقبول و مورد حمایت و تأیید ماست. هر جا حرکت علیه آمریکا است، علیه این دیکتاتوری بین‌المللی است - که امروز آمریکا یک دیکتاتوری بین‌المللی به وجود آورده است - هر جا حرکت علیه دیکتاتورهای داخلی است، برای احقاق حق ملت‌هاست، ما با آنها موافقیم.

باید همه هوشیار باشند؛ هم ما هوشیار باشیم، هم ملت‌ها هوشیار باشند؛ بدانند دسائس و حیل‌های دشمنان متنوع است، پیچیده است. بصیرت را معیار کار خودمان قرار بدهیم. ملت‌ها توجه داشته باشند؛ آمریکائی‌ها و صهیونیست‌ها و مزدوران‌شان و همراهان‌شان سعی میکنند انقلاب‌ها را منحرف کنند؛ کشورهایی را که در آنها بیداری به وجود آمده است، مورد توجه قرار میدهند؛ هرچه میتوانند، تلاش میکنند حرکت این ملت‌ها را منحرف کنند.

ملت مظلوم بحرین هم مثل ملت مصر است، مثل ملت تونس است، مثل ملت یمن است؛ آنجا هم قضیه همین است؛ تفکیک بین اینها معنا ندارد. ما می‌بینیم متأسفانه کسانی به جای اینکه به حرف دل ملت‌ها توجه کنند، راهی را میروند، حرکتی را میکنند که دشمنان این ملت‌ها این حرکت را دارند دنبال میکنند. امروز آمریکا برای شبیه‌سازی کاری که در مصر و در تونس و در یمن و در لیبی و امثال اینها انجام گرفته است، متوجه شده است که سوریه را - که در خط مقاومت است - دچار مشکل کند. ماهیت قضیه در سوریه با ماهیت قضیه در این کشورها متفاوت است. در این کشورها حرکت ضد آمریکا و ضد صهیونیسم بود، اما در سوریه دست آمریکا آشکار و مشهود است؛ صهیونیست‌ها دنبال قضیه هستند. ما نباید اشتباه کنیم. ما نباید معیار را فراموش کنیم. آنجائی که حرکت ضد آمریکا و ضد صهیونیسم است، آن حرکت، حرکت اصیل و مردمی

است؛ آنجائی که شعارها به نفع آمریکا و صهیونیسم است، آنجا حرکت انحرافی است. ما این منطق را، این بیان را، این روشنگری را حفظ خواهیم کرد.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان فوه قضائیه 1390/04/06

حادثه‌ی هفتم تیر یک محنت واقعی بود؛ حقیقتاً یک ضربه و یک حادثه‌ی تلخ و تکان دهنده‌ای بود برای کشور و برای نظام. در قلب دستگاه مدیریت کشور، شخصیتی مثل شهید مظلوم مرحوم آیه‌الله بهشتی و دیگر بزرگان، فعالان از فوه‌ی قضائیه، از مجلس شورای اسلامی، از دولت، از نخبگان سیاسی، از نخبگان علمی، یک چنین حادثه‌ای به وجود بیاید، یک چنین فاجعه‌ای رخ بدهد، واقعاً محنت بود. منتها در اینجا یک نکته‌ای وجود دارد که در طول تاریخ، این نکته قابل مشاهده و لمس است و آن این است که هرگاه ملتی، جماعتی، فردی در مقابل یک محنتی که بر آن جمع یا بر آن فرد یا بر آن ملت وارد میشود، صبر و بصیرت به خرج داد، آن محنت برای او تبدیل میشود به نعمت. راز پیروزی حق، پیروزی کلمه‌ی حق، انتشار حق، انتشار توحید در طول تاریخ در میان بشر همین نکته است. انبیای عظام الهی، و در مواردی ملت‌هایی که تحت حاکمیت این بزرگان بودند، این همه محنت را تحمل کردند؛ باید در طول تاریخ نامی از پیام پیغمبران نمانده باشد؛ باید فکر آنها، ایده‌ی آنها، راه آنها در زیر تندباد حوادث تلخ بکلی نابود شده باشد، در هم پیچیده شده باشد، از بین رفته باشد. شما می‌بینید بعکس است؛ یعنی هرچه تاریخ جلوتر آمده، پیام نبوتها در میان مردم، در افکار مردم، زنده‌تر شده است. رازش همین نکته است: صبر و بصیرت در مقابل محنتها.

مردم ما در قضیه‌ی هفت تیر این هنر را به خرج دادند؛ به جای اینکه ناامید شوند، به جای اینکه اعتماد به نفس خودشان را از دست بدهند، به جای اینکه از دشمن بترسند و در مقابل دشمن زانو بزنند، به جای ضعف و انکسار و انهزام، ملت ما به خاطر بصیرتی که داشتند و به طور دائم به وسیله‌ی امام بزرگوار در آنها تزریق میشد و در میان مردم دامن زده میشد، صبر کردند، ایستادگی کردند و موج را علیه دشمن برگرداندند.

من خبرهای هفت تیر را بعدها شنیدم. در آن روز هفت تیر و روزهای بعد از هفت تیر، من در حال عادی و معمولی نبودم - بیهوش و نیمه بیهوش بودم - لیکن وقتی شنیدم که آنچه اتفاق افتاده است، چه بوده است و مردم چگونه با آن برخورد کردند، حقیقتاً مثل یک ناطری که از بیرون نگاه میکند، شگفت‌زده شدم. مردم ما باید این را حفظ کنند. این را باید ما به عنوان یک درس - درسی که آن را عمل کردیم، آن را به تاریخ پس دادیم - حفظ کنیم.

برای ملتی مثل ملت ایران که با یک چنین هدف و الاثی - رسیدن به ارزشهای اسلامی و تحقق مبانی اسلام در جامعه و انتشار آن در عالم - وارد میدان شده است، قهرماً حادثه زیاد است. خوب، شما به اسلامی عمل میکنید که با ظلم مخالف است، با زور مخالف است، با زیر بار رفتن ملت‌ها در مقابل دشمنان و زورگویان مخالف است، حتی در مقابل زورگویی‌های دنیا نسبت به دیگران هم بی‌تفاوت نیست. در مقابل این مجرا و این حرکت، کی با شما مخالف خواهد شد؟ زورگویان عالم، ظالمین عالم، استعمارگران، مستبدان بین‌المللی، دیکتاتورهای ظالم و خشن؛ اینها همه در مقابل شما صف‌آرایی میکنند. اینها پول دارند، رسانه دارند، قدرت سیاسی دارند، قدرت تبلیغاتی دارند؛ لذا محنت درست میکنند. در مقابل اینها باید ایستاد. ملت ما این امتحان را داده و موفق هم شده است.

امروز نظام جمهوری اسلامی در مقایسه‌ی با هفتم تیر 1360 از لحاظ اقتدار، از لحاظ پیشرفت، از لحاظ توانائی‌های گوناگون، از لحاظ اعتبار بین‌المللی و ایجاد امید در ملت‌ها، از زمین تا آسمان تفاوت کرده است. این به خاطر همین ایستادگی ملت عزیز ما بوده است. پس این اصل را ما از حادثه‌ی هفتم تیر به یاد داشته باشیم که هرگاه محنت و سختی‌ای که بر ما تحمیل میشود، با صبر ما، با استقامت ما، با بصیرت ما مواجه شود، آن محنت تبدیل میشود به نردبانی برای عروج، برای ارتقاء و برای پیشرفت؛ و شد، ان‌شاءالله بعد از این هم خواهد شد.

بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره) 1390/03/14

دشمنان ما تصور میکردند با رحلت امام، آغاز فروپاشی این نظام مقدس کلید زده خواهد شد. آنها خیال میکردند امام که رفت، بتدریج این شعله خاموش خواهد شد، این چراغ خاموش خواهد شد. بعد، مراسم تشییع جنازه‌ی امام، آن احساسات مردم، آن حرکت عظیم مردم در حمایت از کاری که خبرگان کردند، اینها را مایوس کرد. یک برنامه‌ریزی ده ساله کردند - این تحلیل من است، این به معنای اطلاع نیست؛ تحلیلی است که قرائن آن را برای ما اثبات میکند - ده سال بعد امیدوار بودند که نتیجه بدهد. سال 78 که آن حوادث پیش آمد، آن کسی که این حوادث را خنثی کرد، مردم بودند. روز بیست و سوم تیر سال 78 مردم آمدند در خیابانها، توطئه‌ی دشمن را که سالها برایش برنامه‌ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند. آن روز گذشت. موج دوم، باز یک برنامه‌ریزی ده‌ساله بود تا سال 88. به نظرشان فرصتی به دست می‌آمد. به خیال خودشان زمینه‌ها را آماده کرده بودند. مطالباتی هم مردم داشتند - مردمی که وابسته‌ی به نظامند، وفادار به نظامند - فکر کردند از این مطالبات بتوانند استفاده کنند؛ لذا آن قضایای سال 88 به وجود آمد. دو سه ماه تهران را متلاطم کردند - البته فقط تهران را - دو سه ماه توانستند دل‌ها و ذهنها را به خودشان مشغول کنند. اینجا هم مردم آمدند توی میدان. بعد از آنکه باطنها ظاهر شد، در روز قدس مردم دیدند که اینها حرف دلشان چیست، در روز عاشورا فهمیدند که اینها عمق خواسته‌هایشان تا کجاست، مردم عزیز ما به میدان آمدند و حماسه‌ی نه دی را به راه انداختند. نه فقط در تهران، بلکه در سراسر کشور، میلیونها نفر در روز نهم دی، بعد هم بلافاصله در بیست و دوی بهمن آمدند توی میدان، غانله را ختم کردند. این، هنر مردم است. درود به مردم ایران. درود به ملت مؤمن و مبارز و بصیر و آگاه ایران. ان‌شاءالله به توفیق الهی، مردم همین راه را و همین خط را و همین آرمان را و همین عزم و همت را تا آخر ادامه خواهند داد.

بیانات در دانشگاه افسری امام حسین(ع) 1390/03/10

در طول این سالهای متماد - در این سی و دو سال - به برکت همان قاعده‌ی مستحکمی که انسانهای مؤمن به وجود آورده بودند، سپاه در صحنه‌های گوناگون حضور داشت و درخشید و خوب عمل کرد و تأثیر خودش را در روند حرکت انقلابی و رو به جلوی این جامعه برونشانی نشان داد. البته بعضی از آنها به فیض شهادت نائل آمدند، به افتخار شهادت رسیدند و دست یافتند، بسیاری هم بحمدالله زنده ماندند و نقش‌آفرینی کردند. لیکن مسائل کشور، نیاز کشور به نیروهای جهاد مبتکرانه و پرشور و برخاسته از بصیرت، روزبه‌روز رو به افزایش است.

بیانات در دانشگاه افسری امام حسین(ع) 1390/03/10

به موازات پیشرفت جامعه، به موازات پیشرفت فنون و علوم در دنیای بشری، و به موازات حرکت تکاملی طبیعی انسان، کار امروز شما از کار اسلاف خودتان در سی سال قبل، مهمتر، پیچیده‌تر، ظریفتر و نیازمندتر به دقت و ابراز توانائی‌ها و ابتکارهای ذاتی است. همچنان که امروز انقلاب ما و نظام برآمده‌ی از آن انقلاب، نسبت به سی سال قبل در مراتب بسیار بالاتری قرار دارد، مردان این نظام، مبتکران مجاهد در این نظام و در صفوف مقدم این نظام هم بایستی به همین نسبت جلوتر باشند، پیشتر باشند؛ عالمترا، مهذبتر، شجاعتر و بصیرتر از آن گذشته‌ی پرافتخار باشند. و همین هم هست.

من به شما عرض بکنم؛ امروز جوان مؤمن بصیر ما، به خاطر اوضاع و شرائطی که در حرکت تاریخی ملت ما و حرکت تاریخی جهان مشاهده میکند، از آن جوانان دوران اول انقلاب جلوتر است. در دوران اول انقلاب، آن کسانی که در میدان انقلاب جانفشانی میکردند، با انگیزه‌ی ایمان و اعتقاد به آینده‌ی روشن پیش میرفتند؛ اما جوان امروز آن آینده را دارد در مقابل چشم خود می‌بیند.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی 1390/03/08

باید حقیقتاً خدا را سپاسگزاری کرد بر این که تفضل کرده است و توفیق داده است که ملت ما در طول این سه دهه، همچنان فهم دقیق و روشن خود از خطکشی‌ها و

جناح‌بندی‌های جهانی و مضمون این جناح‌بندی‌ها و اهداف آنها را حفظ کند، بلکه روزبه‌روز به آن افزایش ببخشد. حقیقت هم این است که یکی از مشکلات و گرفتاری‌های ملت‌ها، نداشتن این آگاهی یا غفلت از آنهاست، که در تحولات عالم و در حوادث گوناگون به آنها ضرر میزند و سر پیچهای تند و سخت سیاسی، آنها را دچار اشتباه میکند. اگر جناح‌بندی‌های جهان، جناح‌بندی‌های بزرگ و کلان دنیا در عالم سیاست، در عالم اقتصاد، برای ملت‌ها روشن باشد، با آن آگاهانه بیندیشند، هدف‌ها را در این جناح‌بندی‌ها مدنظر داشته باشند، تیغ مستکبرین عالم کند خواهد شد. هدف از این تبلیغات وسیعی که شما ملاحظه میکنید - چقدر ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی، امروز در خدمت سیاست‌های مستکبرین است - عمدتاً غبارآلود کردن و ابری کردن فضا است، تا ملت‌ها نتوانند همین آگاهی را، همین بصیرت را به دست بیاورند، یا نتوانند حفظ کنند. ملت ما این را حفظ کرده است، و این جای سپاس فراوانی دارد.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی 1390/03/08

نوع کار دشمنان در این قضایای مهم و کلان و بین‌المللی اقتضاء میکند که یک کارهایی را بکنند، یک چیزهایی را بگویند، اظهاراتی را داشته باشند؛ لذا این تدابیر و سیاست‌های دشمنان در پرده نمیماند. میخواهند اختلاف ایجاد کنند. این اختلاف را به هر شکلی بتوانند، تریق میکنند؛ ما بایستی بیدار باشیم. اختلاف سلیقه، اختلاف نظر، اختلاف عقیده در مسائل سیاسی، نباید به چالش میان جناح‌های کشور، میان عناصر کشور منتهی شود. گناه بزرگ فتنه‌گران در سال 88 این بود که اگر خوشبینانه نگاه کنیم و بگوئیم اینها یک شبهه‌ای، خدشه‌ای در ذهنشان بود، این خدشه را به صورت ایجاد چالش برای نظام اسلامی مطرح کردند. این گناه بزرگ، قابل اغماض هم نیست؛ آثار آن هم همچنان در جامعه‌ی ما موجود است. البته ملت، ملت بیداری است. نصاب لازم در فهم و بصیرت این ملت موجب میشود که خیلی از این حوادث پوشیده بشود و بتدریج آثار آن زائل شود؛ لیکن اینها به خاطر همین، ضربه زدند. ایجاد دعوا، گریبان‌یکدیگر را گرفتن، ایجاد اختلاف عمیق، یکی از کارهای بسیار بد، بسیار بزرگ و نكوهیده است؛ این همان چیزی است که دشمن میخواهد.

بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (ع) 1390/03/03

یک بخش هم آگاهی‌ها و بصیرت‌بخشی‌های نسبت به مسائل زندگی است. البته من با این که در منبرهای مداحی، هی تعرض به این، بدگویی به آن بشود، موافق نیستم و اینها را دوست نمی‌دارم؛ اما بصیرت‌بخشی خوب است، آگاهی پیدا کنند. امروز ملت ما بر اثر بصیرت است که توانسته است بایستد. ملت ما میدانند علیه او چه توطئه‌هایی هست، چه کسانی توطئه میکنند، هدف از این توطئه‌ها چیست، از چه چیز ملت ایران ناراحتند؛ اینها را مردم ما میدانند. ملت ایران میدانند که روحیه‌ی ایمان، اسلام، آزادیخواهی، استقلال‌طلبی، ایستادگی در راه درست، دشمن را عصبانی کرده. مردم ما دشمن را هم میشناسند. شیوه‌های او را هم بتدریج همه‌مان یاد گرفتیم، فهمیدیم شیوه‌های دشمن چیست. این بصیرت خیلی چیز باارزشی است. اگر این بصیرت نبود، ملت ما نمی‌ایستادند. تبلیغاتی هم که دشمنان میکنند؛ چه آنهایی که خودشان مستقیماً تبلیغ میکنند، چه آنهایی که به زبان بلندگوها و بوق‌های اجاره‌ای‌شان میدهند و از زبان آنها پخش میکنند، هم‌ا‌ش در جهت این است که این بصیرت را از مردم بگیرند؛ امر را بر مردم مشتبه کنند؛ آنها را از ایمانشان، از اسلامشان، از ایستادگی‌شان در این راه، از معرفت درستشان نسبت به حوادث زندگی دور کنند. خب، یک برنامه‌ی مجلسی مداحی میتواند یک بخشی را به این اختصاص دهد. شعرش را پیدا کنید، جملاتش را انتخاب کنید. در یک لحظه‌ی مناسب، گاهی اوقات یک کلمه به قدر یک کتاب در دل‌ها اثر میگذارد. در دل‌ها اثر بگذارد. من می‌بینم که خوشیخانه امروز جامعه‌ی مداحان انصافاً در این جهت خیلی پیش رفته‌اند؛ حالا آن برنامه‌هایی که ما توفیق پیدا میکنیم بشنویم، یا اینجا برگزار میشود، یا بعضاً از تلویزیون می‌بینیم.

بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور 1390/02/14

یاد شهید عزیزمان، معلم برجسته و همیشه زنده و پایدارمان، مرحوم شهید مطهری را باید گرامی بداریم. من عرض بکنم؛ اینکه روز معلم را در سالگرد شهادت شهید مطهری قرار دادند، یک معنای نمادین و پرمغز و پرمضمونی دارد؛ چون حقاً و انصافاً مرحوم شهید مطهری یک انسان بزرگ و برجسته بود. زندگی او، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یک بصیرت کامل در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود. خدای متعال هم این مرد بزرگ را مأجور کرد، پاداش داد و شهادت را نصیب او کرد؛ در واقع او را زنده نگه داشت؛ «بل احياء عند ربهم». یک متخّر و تحصیلکرده‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، وقتی با کوله‌بار معرفت و دانشی که به طور عمیق آموخته است، می‌آید در دل محیط فرهنگ و تعلیم و تربیت عمومی و نسل جوان قرار میگیرد، اینقدر منشأ برکات میشود.

بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور 1390/02/14

فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه‌ی غرب آسیا که امروز ما در آنجا قرار داریم، حرکات بیداری‌ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپائی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. حرکت ملت ایران، امتداد و عمقش اینهاست؛ حرکت عظیمی است.

خب، اگر بخواهید این حرکت با همین شتاب و با همین رفتار تداوم پیدا کند و اثربخش باشد، بایستی خودمان را بسازیم. ما باید «کزیر الحديد» باشیم؛ مثل پاره‌های فولاد. ایمانمان را تقویت کنیم؛ بصیرتمان را زیاد کنیم؛ آگاهی‌مان را بیشتر کنیم؛ دانشمان را روزبه‌روز پیش ببریم؛ استعدادهایی را که خدای متعال در درون ما قرار داده، شکوفا کنیم؛ دست اتحاد و وحدتی که به هم دادیم، محکم نگه داریم، بفشریم؛ اینها لازم است.

الحمد لله ملت ما همین‌جورها دارند عمل میکنند، ملت ما دارند خوب پیش میروند؛ اما اگر شما نتوانستید این نسل رو به رشد را، نسل نواخته را به شکل درست تربیت کنید، این حرکت، سریع‌تر و پرشتاب‌تر پیش خواهد رفت. مطمئن باشید جمهوری اسلامی ایران به برکت همتهای بلند، به برکت ایمانهای فوی، به برکت انسانهای خوب و مؤمن و با اخلاصی که بحمد الله در کشور ما فراوان وجود دارند، خواهد توانست قلعه‌ها را یکی پس از دیگری فتح کند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران 1390/02/07

امسال سال جهاد اقتصادی است. جهاد اقتصادی متوجه یک نکته‌ی اساسی است در مسئله‌ی اداره‌ی کشور و مدیریت کشور؛ و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه‌ی با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسئله‌ی اقتصاد متمرکز شده است. نه اینکه عرصه‌های دیگر را فراموش کردند؛ نه، در زمینه‌ی فرهنگ و در زمینه‌ی امنیت و در زمینه‌ی سیاست و در همه‌ی زمینه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی آنچه از دستشان برمی‌آید، میکنند - حالا شکست میخورند، مطلب دیگری است؛ اما آنها تلاش خودشان را میکنند - لیکن تمرکز عمده‌ی آنها بر روی مسائل اقتصادی است. برای اینکه مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این هستند که در مسئله‌ی اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند. پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها جهادگونه، با همه‌ی توان، با همه‌ی وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت اینکه داریم چه کار میکنیم. سال جهاد اقتصادی معنایش این است.

بیانات در دیدار مردم استان فارس 1390/02/03

حقاً و انصافاً استان فارس و شهر شیراز یکی از قلعه‌های برجسته‌ی کشور ما و ملت ماست؛ قلعه‌ی برجسته‌ی نیروهای انسانی ممتاز، در علم، در ادب، در پیشرفت‌های گوناگون امور حیات اجتماعی، در مبارزات، در جهاد، در تدین. به تاریخ اخیر قبل از پیروزی انقلاب هم که نگاه کنیم، نام شیراز در حساسترین و حیاتی‌ترین قضایای اجتماعی ما برجسته است. فرض کنید در قضیه‌ی تاریخی تحریم تنباکو، که سرآغاز یک مبارزه‌ی مردمی و آگاهانه بر علیه تسلط غرب بود، نام میرزای شیرازی مطرح است؛ که اگر همان حرکت میرزای شیرازی (رضوان الله علیه) ادامه پیدا میکرد و سیاستمداران و نجبان کشور همان خط را دنبال میکردند، سرنوشته ایران غیر از آن چیزی میشد که اتفاق افتاد؛ ولی خب، استعمارگرها از غفلتها و از طمعها استفاده کردند، آمدند وسط، خط را قطع کردند. یا در قضیه‌ی جنگ‌های مردم عراق با استعمار انگلیس و دخالت انگلیسها، باز آنجا

هم اسم شیراز مطرح است. رهبر این حرکت عظیم، مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی - معروف به میرزای دوم شیرازی - این مرد بزرگ و عالم و مرجع تقلید بود. در خود فارس، علمای بزرگ، شخصیت‌های برجسته و انسان‌های والا بودند؛ چه در مبارزات دوران مشروطه، چه بعد از آن در دوران مبارزات انقلاب اسلامی، و چه در پیروزی انقلاب، و چه بعد از آن تا امروز. این، حالا باب مجاهدت است. البته «الجهاد باب من ابواب الجئنة فتحه الله لخاصة اوليائه». باب جهاد، باب کم‌اهمیتی هم نیست؛ در بهشت است، به روی همه هم باز نمیشود؛ به روی اولیاء باز میشود. این نشان میدهد که مردم مجاهد ما از اولیای خداوند هستند که این باب روی آنها باز شده است. اگر در زمینه علم وارد شویم، همین جور است. در حرکت علمی ممتاز بعد از دوران انقلاب - بخصوص در سال‌های اخیر - شیراز یکی از پیشروان است. در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی - در این حوادث دشوار و لغزگانه - مردم شیراز جزو آگاه‌ترین‌ها و با بصیرت‌ترین‌ها به حساب می‌آیند. گاهی حوادث سیاسی آنچنان پیچیده میشود که شبیه لغز میشود؛ باز کردنش کار هر کس نیست؛ اما می‌بینیم که مردم ما هوشیارند، بیدارند؛ و از جمله، مردم عزیز استان فارس جزو جلوترها و پیشروها هستند.

بیانات در دیدار مردم استان فارس 1390/02/03

عرض من به عناصر داخلی، به مردم دلسوز، به برادران و خواهرانی که در داخل با مسائل تبلیغاتی سر و کار دارند، این است که سعی کنند به این آشفتگی کمک نکنند. این که تحلیل بگذارند، یکی از آن طرف، یکی از این طرف، این علیه آن، آن علیه این، برای هیچ و بوج، چه لزومی دارد؟ نه، دستگاه بحمدالله دستگاه مقتدری است، مسئولین مشغول کارشان هستند، رهبری هم که بنده‌ی حقیر هستم با همه‌ی قنارت، خدای متعال کمک کرده، ما در مواضع صحیح خودمان محکم ایستاده‌ایم. تا من زنده هستم، تا من مسئولیت دارم، به حول و قوه‌ی الهی نخواهم گذاشت این حرکت عظیم ملت به سوی آرمان‌ها ذره‌ای منحرف شود. تا مردم عزیزمان اینجور با شور، با شعور، با بصیرت، با عزم راسخ در میدان هستند، لطف الهی شامل است؛ این را بدانید. تا ما توی میدان هستیم، سایه‌ی لطف الهی هست. ماها - من یک جور، شما یک جور، آن دیگری یک جور، چهارمی یک جور - اگر سراغ مسائل شخصی خودمان برویم و اهداف را فراموش کنیم، البته کمک الهی هم کم خواهد شد. اما امروز ملاحظه میکنید که مردم خوشبختانه در همه جای کشور در صحنه‌اند، در عرصه‌اند؛ مسئولین همین جور، قوای سه گانه بکلیت‌ها همین جور. قوای سه گانه - هم قوه‌ی مقننه، هم قوه‌ی مجریه، هم قوه‌ی قضائیه - واقعاً وارد میدانند؛ من دارم از نزدیک مشاهده میکنم، می‌بینم؛ دارند تلاش میکنند، دارند کار میکنند، دارند مجاهدت میکنند، عرفشان در می‌آید. کارها کارهای سنگینی است؛ کارهای کوچکی نیست.

بیانات در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش 1389/11/19

یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه‌ی میان آحاد ملت، تفرقه‌ی میان مسئولین، تفرقه‌ی میان بخش‌های گوناگون نظام، تفرقه‌ی میان نظام و مردم. این انسجام و یکپارچگی‌ای که انقلاب به ما داد، باید مثل یک ناموس مقدسی حفظ شود، از آن پاسداری شود. یکی از مهمترین کارهایی که در جنگ نرم دشمن وجود دارد - همیشه وجود داشته، امروز هم وجود دارد - این است که در این اتحاد یک تزلزلی ایجاد کنند، شکاف ایجاد کنند. برای این کار تلاش میکنند؛ بین شیعه و سنی اختلافات مذهبی ایجاد کنند، بین فارس و عرب و ترک و گُرد و دیگران اختلافات قومی ایجاد کنند، اختلافات منطقه‌ای ایجاد کنند، اختلافات سازمانی ایجاد کنند، اختلافات حزبی ایجاد کنند.

با همه‌ی اینها باید با توجه کامل مقابله کرد؛ یعنی همان چیزی که ما به آن می‌گوئیم بصیرت. بدانیم کجائیم. این سنگری را که امروز شما در آن حضور دارید، بشناسیم. فرق است بین آن سربازی که در یک سنگر حساسی قرار گرفته و میدانند که سنگر او چقدر حساس است، اهمیت کار خود و جایگاه خود را میدانند، و بین آن کسی که در همان سنگر است، اما نمیداند چقدر مهم است؛ خوابش میبرد، غفلت میکند، سنگر را رها میکند، در داخل سنگر با همسنگری‌اش دعوا میکند. بدانیم جایگاه ملت ایران چقدر حساس است.

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی 1389/10/19

خدا را شکر میکنم و خوشحالم از اینکه این دیدار با فاصله‌ی کمی از سفر قم اتفاق می‌افتد که مردم عزیز قم، جوانهای قم، مرد و زن قم، در آن سفر، نشانه‌های پابندی و وفاداری به اسلام را، به دین را، به نظام اسلامی را و نشانه‌های بصیرت را آنچنان بروز دادند که حتی دشمنان ملت ایران هم نتوانستند در مقابل آن ساکت بمانند و به آن اعتراف کردند.

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی 1389/10/19

استکبار، جبهه‌ی ضد اسلام، جبهه‌ی ضد ملت ایران از قم سیلی خورده است. یکی از مواردی که سیلی خورده، همین نوزدهم دی است. مردم قم زودتر از دیگران احساس تکلیف کردند، اوضاع را شناختند، مسئولیت را حس کردند و به میدان آمدند؛ اینها خیلی مهم است. هم شناختن اوضاع مهم است - بصیرت میخواهد - هم احساس تکلیف کردن مهم است؛ روح تعهد و ایمان میخواهد که انسان احساس تکلیف کند. بعضی هستند، می‌بینند حواشی تکان‌دهنده را، می‌بینند نقشه‌های دشمن را؛ اما احساس تکلیف نمیکند، تکان نمیخورند. بعضی هستند، می‌بینند که دشمن جبهه‌آرایی کرده است. خوب، وقتی دشمن جبهه می‌آورد، باید ما هم در مقابل، احساس تکلیف کنیم؛ این لازمه‌ی تعهد است، لازمه‌ی ایمان است. بعضی این احساس را ندارند. البته در ملت عزیز ایران این روحیه بود، با حرکت اسلامی و نهضت اسلامی تقویت شد، ریشه‌دار شد و در انقلاب خودش را نشان داد؛ لیکن جاها مختلف بودند. قمی‌ها جلو بودند. در نوزده دی احساس تکلیف کردند و آمدند توی میدان. خوب، میدان هم میدان آسانی نبود - میدان سختی بود - مواجهه‌ی با گلوله بود، مواجهه‌ی با سرکوب خشن دستگاه پلیس و امنیت رژیم طاغوت بود، به کسی رحم نمیکردند؛ اما قمی‌ها آمدند داخل میدان.

این بصیرت، این احساس تکلیف، این حضور در میدان، سیلی محکمی بود به دشمنان؛ همین بود که ناگهان پاسخش از تیریز بلند شد، از آن طرف در یزد بلند شد، از آن طرف در شهرهای دیگر بلند شد؛ لذا این حرکت عظیم که زمینه‌هایش را امام بزرگوار ما در طول چندین سال آماده کرده بود، به وجود آمد؛ این سیلی است. دشمن وقتی سیلی می‌خورد، کینه به دل میگیرد و مقابله میکند. حالا ما که میخواهیم خودمان را ارزیابی کنیم، باید محاسبه کنیم. وقتی دشمن در مقابل ما بشدت دندان نشان میدهد، ما باید احساس کنیم که پس توانایی‌های ما بالاست؛ میتوانیم به این دشمن ضربه بزنیم.

همین حرکتی که مردم عزیز قم در سفر چند روزه‌ی این بنده‌ی حقیر انجام دادند، حوزه‌ی علمیه انجام دادند، علما انجام دادند، جوانها انجام دادند، سیلی بر دشمن بود؛ دردشان آمد. آنها نشان دادند که در مقابل این قدرت‌نمایی، این بصیرت، این حضور همه‌جانبه‌ی مردم آسیب‌پذیرند؛ این برای ما ملت ایران درس است.

هر جایی که ما توانستیم درست بفهمیم، درست تشخیص بدهیم - یعنی همان بصیرت - و به دنبال آن احساس تکلیف کردیم، احساس تعهد و مسئولیت کردیم و وارد میدان شدیم، غلبه با ما بوده است؛ «فاذا دخلتموه فاتکم غالبون». وقتی با ایمان و با بصیرت وارد میدان مواجه شدید، غلبه با شماست، شما برنده هستید؛ چرا؟ چون طرف مقابل شما ایمان ندارد، دین ندارد، انگیزه‌ی عمیق معنوی ندارد. آن کسانی که عوامل میدانی او هستند، مزدورند، فریب خورده‌اند؛ خود نقشه‌دارها و صحنه‌گردانها هم که مردمان بی‌ایمانی هستند. وقتی با ایمان وارد میدان میشوید، شما برنده‌اید؛ این برای ملت ایران تجربه است.

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی 1389/10/19

ملت ایران یک راهی را شروع کرده است، در امتحانهای بسیاری پیروز شده است. امتحان جنگ تحمیلی، یک امتحان بزرگ بود؛ ملت در این امتحان پیروز شد. نه فقط پیروزی در جنگ - که آن بود - مهمتر از آن، پیروزی در معیارهای معنوی و الهی بود؛ چون صبر خود را نشان داد، ایثار خود را نشان داد، بصیرت خود را، فداکاری خود را، آمادگی خود را برای حرکت در راه خدا نشان داد. خدای متعال این ملت را ترقی داد و بالا برد، تا امروز. بعد از این هم همین است. دشمنانی که به مضاف ملت ایران می‌آیند، این حقایق را نمیفهمند و درک نمیکنند.

روز هشتم دی - که امروز مصادف با آن روز است - مردم گیلان این آگاهی را، این بصیرت را، این عزم را، این احساس نیاز به حضور در صحنه را زودتر از دیگران نشان دادند. اینها را باید حفظ کرد. سرمایه‌های اساسی یک ملت همین چیزهایی است که نشانه‌ی بصیرت، نشانه‌ی عزم، نشانه‌ی بیداری و آگاهی است؛ اینها را باید نگه داشت.

بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر 1389/09/04

بسیجی بودن ارکانی دارد. همه‌ی ما باید این ارکان را روزبه‌روز در خودمان تقویت کنیم جوانان عزیز! بارها گفتیم که در درجه‌ی اول، روحیه‌ی اخلاص و روحیه‌ی بصیرت است. این اخلاص و بصیرت روی هم اثر می‌گذارند. هرچه بصیرت شما بیشتر باشد، شما را به اخلاص عمل نزدیکتر میکند. هرچه مخلصانه‌تر عمل کنید، خدای متعال بصیرت شما را بیشتر میکند. «اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ خدا ولی شماست. هرچه به خدا نزدیکتر شوید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می‌بینید. نور که بود، انسان میتواند واقعیات و حقایق را مشاهده کند. وقتی نور نباشد، انسان واقعیات را هم نمیتواند ببیند؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ». وقتی طغیان جلوی چشم انسان را بگیرد، وقتی هوی‌های نفس - که طاغوت حقیقی‌اند و در وجود خود ما بدرت از فرعونند - جلوی چشم ما را بگیرند، وقتی جاهطلبی‌ها و حسادت‌ها و دنیاطلبی‌ها و هوی‌پرستی‌ها و شهوت‌رانی‌ها جلوی چشم ما را بگیرند، واقعیات را هم نمیتوانیم مشاهده کنیم.

دیدید بعضی‌ها نتوانستند واقعیات جلوی چشم را ببینند، نتوانستند تشخیص بدهند. در فتنه‌ی طراحی‌شده‌ی پیچیده‌ی سال 88 حقایق جلوی چشم مردم بود؛ نگذاشتند یک عده‌ای این حقایق را ببینند، بفهمند؛ ندیدند، نفهمیدند. وقتی در یک کشور فتنه‌گرانی پیدا میشوند که برای جاه‌طلبی خودشان، برای دست یافتن به قدرت، برای رسیدن به اهدافی که به صورت آرزو در وجود خودشان متراکم و انباشته کردند، حاضر میشوند به مصلحت یک کشور، به حقانیت یک راه پشت کنند و لگد بزنند؛ کاری میکنند که سردمداران غربی و دشمنان درجه‌ی یک ملت ایران به هیجان می‌آیند و سر شوق می‌آیند و از آنها حمایت میکنند، این یک حقیقت روشن است؛ این چیزی نیست که وقتی نور هست، انسان آن را نبیند؛ اما بعضی ندیدند، بعضی نمی‌بینند، بعضی درک نمی‌کنند؛ بعضی به خاطر ظلمت دل، حتی درک هم میکنند، اما حاضر نیستند به این فهم ترتیب اثر بدهند؛ اینها همه عوارض هوای نفس است؛ اینها همه نتیجه‌ی امر و نهی همان فرعون درونی ماست، همان فیل مست هوی و هوس است که شرع مقدس چکش از تقوا و ورع به دست مؤمن میدهد که بر سر این فیل مست بکوبد و او را آرام کند. اگر توانستیم این را در وجود خودمان آرام کنیم، آن وقت دنیا نورانی خواهد شد، همه چیز را می‌بینیم، چشم ما می‌بیند؛ اما وقتی هوی‌پرستی باشد، نمی‌بیند. شما که بسیجی هستید، جوان هستید، دل‌های شما پاک است، نورانی است، با صفای باطن خودتان میتوانید این روحیه را، این حالت را در خودتان تقویت کنید. بسیجی باصفاست، نورانی است.

عزیزان من! بسیجی شدید، مبارک است؛ اما بسیجی بمانید. ایستادگی در راه، مهم است. بسیجی ماندن متوقف به این است که دائم خودمان را مراقبت کنیم، مواظبت کنیم و از راه بیرون نرویم. ملت ایران کار بزرگی انجام داده است. کار بزرگ این است که دنیائی را که یکجا و چهاراسبه به سمت جهنم حرکت میکرد و میتاخت، یک نهیب زده است، یک بخشی را جدا کرده است. امروز جمعیت‌های عظیمی از مردم دنیا متوجه حقیقت شده‌اند و ملت ایران به عنوان پیش‌تاز و پیشرو، راه را تغییر داده است و مسیر را عوض کرده است. مسیر جوامع انسانی باید به سمت خدا باشد، باید به سمت بهشت باشد، باید به سمت حقیقت باشد. خوب، بدیهی است که شما ملت ایران این کار بزرگ را انجام داده‌اید. اهل باطل که ساکت نمی‌نشینند، آن کسانی که وجودشان وابسته‌ی به باطل و ناحق است، وابسته‌ی به ظلم است، وابسته‌ی به لگد زدن بر سر ملت‌هاست، اینها که آرام نمی‌نشینند که ملت ایران فریاد حقیقت و هدایت بدهد، دنیا را بیدار کند، بشریت را بیدار کند؛ اینها معارضة میکنند.

البته اگر ما ایستادگی‌مان را ادامه دهیم، این معارضة نهایت روشنی دارد؛ «و لَيَصْرَبُنَّ اللَّهُ مَن بِنَصْرِهِ». خدای متعال به تحقیق و بدون تردید نصرت را برای کسانی قرار داده است که به طرف حق حرکت میکنند و دعوت میکنند؛ و ما این را تجربه کرده‌ایم. سی سال است که دشمنان علیه ملت ایران دارند تلاش میکنند، کار میکنند؛ اما ملت ایران به برکت ایستادگی خود، به برکت ایمان خود، روزبه‌روز قوی‌تر شده است؛ دشمن هم روزبه‌روز ضعیف‌تر شده است. امروز قدرت ایستادگی ما از بیست سال پیش بیشتر است، از سی سال پیش بیشتر است؛ این تجربه‌ی ماست. پس نهایت این مبارزه، پیروزی اسلام و مسلمین است. اما باید توجه داشته باشید که درگیری و چالش وجود دارد؛ باید خودتان را آماده نگه دارید، خودتان را به‌روز نگه دارید، بصیرتتان را به‌روز نگه دارید، اخلاصتان را به‌روز نگه دارید، به‌روز بسیجی باشید و بسیجی بمانید؛ این رمز موفقیت ملت ایران و جامعه‌ی عظیم ایرانی است.

بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر 1389/09/04

سی سال است که دشمنان علیه ملت ایران دارند تلاش میکنند، کار میکنند؛ اما ملت ایران به برکت ایستادگی خود، به برکت ایمان خود، روزبه‌روز قوی‌تر شده است؛ دشمن هم روزبه‌روز ضعیف‌تر شده است. امروز قدرت ایستادگی ما از بیست سال پیش بیشتر است، از سی سال پیش بیشتر است؛ این تجربه‌ی ماست. پس نهایت این مبارزه، پیروزی اسلام و مسلمین است. اما باید توجه داشته باشید که درگیری و چالش وجود دارد؛ باید خودتان را آماده نگه دارید، خودتان را به‌روز نگه دارید، بصیرتتان را به‌روز نگه دارید، اخلاصتان را به‌روز نگه دارید، به‌روز بسیجی باشید و بسیجی بمانید؛ این رمز موفقیت ملت ایران و جامعه‌ی عظیم ایرانی است.

بیانات در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان 1389/08/26

در سال گذشته ملت ایران از یک امتحان عبور کرد، از یک فتنه عبور کرد. این معنایش فقط این نیست که حالا همه فهمیدند ملت ایران قوی است؛ بلکه معنای مهمتر آن این است که با این حرکت، با این قدرت بر عبور از فتنه و محنت، این ملت یک وضع جدیدی پیدا کرد؛ یک توانائی تازه‌ای در او به وجود آمد. تمام طول عمر انسان، قدم به قدم امتحان‌هاست. اگر ما بتوانیم بر هوای نفس خود غالب بیائیم، بتوانیم بصیرت خود را به کار بگیریم، بتوانیم موقع را بشناسیم، بدانیم کار لازم چیست و آن را انجام دهیم، این در ما یک مرتبه‌ی جدیدی از حیات به وجود می‌آورد؛ این یک تعالی است، یک ترقی است. بنابراین روز بیست و پنجم آبان که یک روز برجسته و یک نماد است، چنین حالتی را برای مردم اصفهان دارد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۲ آبان 1389/08/12

حالا شما یک تأملی بکنید؛ سال گذشته - سال 88 - در روز سیزده آبان یک جمعیت محدود نگویند آمدند توی خیابانهای تهران، علیه سیزده آبان شعار دادند، برای اینکه شاید بتوانند این مناسبت بزرگ را به لجن بکشند. البته آنها شکست خوردند، معلوم هم بود شکست می‌خورند - این واضح بود - اما ببینید پشت سر حرکت آنها چی بود؟ آنها با چی داشتند مقابله میکردند؟ با این نماد که پشت سر آن این مفاهیم بزرگ هست، مقابله میکردند. در واقع آنها با این مفاهیم مقابله میکردند. میخواستند هیمنه‌ی آمریکائی را بار دیگر زنده کنند. آنها میخواستند بر روی سلطه‌طلبی و دخالت‌طلبی آمریکا پرده بکشند. آنها میخواستند حرکت عظیم ملت ایران را در مقابل آن ظلم بزرگ زیر سؤال ببرند.

وقتی انسان میفهمد معنای سیزده آبان چیست، میفهمد آن کسانی که به خیال خودشان میخواستند سیزده آبان را خراب کنند، کی‌اند، چی‌اند و هدف‌هاشان چیست. این بصیرتی که ما تکرار میکنیم، تأکید میکنیم، این است. باید تأمل کرد، دقت کرد.

بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم 1389/08/04

ما باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. البته این برنامه‌ی بلندمدت جای طرحش اینجا نیست - مراکز فکر، کانونهای فکر، مراکز سیاسی و فرهنگی دنبال این حرف‌ها هستند و این کارها را باید بکنند و میکنند هم - آن چیزی که من در مجموعه میتوانم عرض کنم، این است که یک زمینه‌ی اساسی برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت هست که این را من بارها تذکر دادم، اینجا هم لازم میدانم یک قدری درباره‌اش بیشتر صحبت کنم و آن، مسئله‌ی بصیرت‌یافتن است.

در باب بصیرت، بنده در سال اخیر و قبل از آن خیلی صحبت کردم؛ دیگران هم مسائل زیادی گفتند؛ دیدم بعضی از جوانها هم کارهای خوبی در این زمینه انجام دادند. من میخوام روی مسئله بصیرت باز هم تأکید کنم. این تأکید من در واقع با این انگیزه است که شما که خودتان مخاطبید، خودتان میداندارید، کار بر دوش شماست، بروید سراغ کارها و برنامه‌ریزی‌هایی که با بصیرت‌یافتن ارتباط دارد؛ این نیاز مهم را تأمین کنید. بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قله‌نما و قطب‌نماست. توی یک بیابان انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند، ممکن است تصادفاً به یک جایی هم برسد، لیکن احتمالش ضعیف است؛ احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت، دچار مشکلات و تبعیهای زیادی شود. قطب‌نما لازم است؛ بخصوص وقتی دشمن جلوی انسان هست. اگر قطب‌نما نبود، یک وقت شما می‌بینید بی‌سازوبرگ در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ آن وقت دیگر کاری از دست شما برنمی‌آید. پس بصیرت، قطب‌نما و نورافکن است. در یک فضای تاریک، بصیرت روشن‌گر است. بصیرت راه را به ما نشان می‌دهد. البته برای موفقیت کامل، بصیرت شرط لازم است، اما شرط کافی نیست. به تعبیر طلبگی ماها، علت تامه‌ی موفقیت نیست. برای موفقیت، شرایط دیگری هم لازم است؛ که حالا بعد از ان‌شاءالله مجال شد و یادمان ماند، در آخر صحبت اشاره‌ای می‌کنم. اما بصیرت شرط لازم است. اگر همه‌ی آن چیزهای دیگر باشد، بصیرت نباشد، رسیدن به هدف و موفقیت، بسیار دشوار خواهد بود.

بصیرت را در دو سطح می‌توانیم تعریف کنیم. یک سطح، سطح اصولی و لایه‌ی زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا میکند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است؛ با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعه‌ی نظام‌مند است، یک مجموعه‌ی قانون‌مدار است، طبیعت هدفدار است؛ ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم، وجودمان، پیدایشمان و زندگی‌مان هدفدار است؛ بی‌هدف به دنیا نیامدیم. این، لازمه‌ی نگاه توحیدی است. معنای اعتقاد به وجود خداوند عالم و قادر این است. وقتی فهمیدیم هدفدار هستیم، آنگاه در جستجوی آن هدف برمی‌آئیم. خود این جستجو، یک تلاش امیدوارانه است. تلاش می‌کنیم آن هدف را پیدا کنیم. بعد که هدف را یافتیم، فهمیدیم هدف چیست، تلاشی شروع می‌شود برای رسیدن به آن هدف. در این صورت همه‌ی زندگی می‌شود تلاش؛ آن هم تلاش جهتدار و هدفدار. از آن طرف این را هم میدانیم که با نگاه توحیدی، هر گونه تلاش و مجاهدتی در راه هدف، انسان را قطعاً به نتیجه می‌رساند. این نتایج مراتبی دارد؛ یقیناً به یک نتیجه‌ی مطلوب می‌رساند. با این نگاه، در زندگی انسان دیگر یأس، ناامیدی، سرخوردگی و افسردگی معنی ندارد. وقتی شما میدانید وجود شما، پیدایش شما، حیات شما، تنفس شما با یک هدفی تحقق پیدا کرده است، دنبال آن هدف می‌گردید و برای رسیدن به آن هدف، تکاپو و تلاش می‌کنید. از نظر خدای متعال که آفریننده‌ی هستی است، خود این تکاپو هم اجر و پاداش دارد. به هر نقطه‌ای که رسیدید، در واقع به هدف رسیدید. این است که در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست. فرمود: «ما لنا الا احدى الحسنین»؛ یکی از دو بهترین در انتظار ماست؛ یا در این راه کشته می‌شویم، که این بهترین است؛ یا دشمن را از سر راه برمی‌داریم و به مقصود می‌رسیم، که این هم بهترین است. پس در اینجا ضرری وجود ندارد.

درست نقطه‌ی مقابل، نگاه مادی است. نگاه مادی اولاً پیدایش انسان را، وجود انسان را در عالم بدون هدف میدانند؛ اصلاً نمی‌دانند برای چه به دنیا آمده است. البته در دنیا برای خودش هدفهایی تعریف می‌کند - به پول برسد، به عشق برسد، به مقام برسد، به لذتهای جسمی برسد، به لذتهای علمی برسد؛ از این هدفها می‌تواند برای خودش تعریف کند - اما اینها هیچکدام هدفهای طبیعی نیست، ملازم با وجود او نیست. وقتی اعتقاد به خدا نبود، اخلاقیات هم بی‌معنی می‌شود، عدالت هم بی‌معنی می‌شود؛ جز لذت و سود شخصی، هیچ چیز دیگری معنا پیدا نمی‌کند. اگر انسان در راه رسیدن به سود شخصی پایش به سنگ خورد و آسیب دید، ضرر کرده، خسارت کرده. اگر به سود نرسید، اگر نتوانست تلاش کند، نوبت به یأس و ناامیدی و خودکشی و به کارهای غیر معقول دست زدن می‌رسد. پس بینید فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی، معرفت الهی و معرفت مادی این است. این، اساسی‌ترین پایه‌های بصیرت است.

با این نگاه، وقتی انسان مبارزه می‌کند، این مبارزه یک تلاش مقدس است؛ اگر جنگ مسلحانه هم بکند، همین جور است. اصلاً مبارزه بر اساس بدبینی و بدخواهی نیست. مبارزه برای این است که انسانیت - نه فقط شخص خود او - به خیر و کمال و رفاه و تکامل مقامات رفیع نائل شود. با این نگاه، زندگی چهره‌ی زیبایی دارد و حرکت در این میدان وسیع، یک کار شیرین است. خستگی انسان با یاد خدای متعال و با یاد هدف برطرف می‌شود. این، پایه‌ی اساسی معرفت است؛ پایه‌ی اساسی بصیرت است. این بصیرت خیلی چیز لازمی است؛ این را باید ما در خودمان تأمین کنیم. بصیرت در حقیقت زمینه‌ی همه‌ی تلاشها و مبارزات انسانی در جامعه است. این یک سطح بصیرت.

بجز این سطح وسیع بصیرت و لایه‌ی عمیق بصیرت، در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی‌بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه جوری می‌شود این بصیرت را پیدا کرد؟ این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می‌کند، تدبیر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امره تفکر فاعتبر»؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد - «و اعتبار فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود.

امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) در جای دیگر می‌فرماید: «فأتما البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر»؛ بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید، بیندیشد. هر شنیده‌ای را نمیشود به صرف شنیدن رد کرد یا قبول کرد؛ باید اندیشید. «البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر». تَطَر یعنی نگاه کند، چشم خود را نبندد. ایراد کار بسیاری از کسانی که در لغزشگاه‌های بی‌بصیرتی لغزیدند و سرنگون شدند، این است که نگاه نکردند و چشم خودشان را بر یک حقایق واضح بستند. انسان باید نگاه کند؛ وقتی که نگاه کرد، آنگاه خواهد دید. ما خیلی اوقات اصلاً حاضر نیستیم یک چیزهایی را نگاه کنیم. انسان می‌بیند منحرفینی را که اصلاً حاضر نیستند نگاه کنند. آن دشمن عنود را کار نداریم - حالا این را بعداً عرض خواهم کرد؛ «و جحدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلما و علواً» - بعضی‌ها هستند که انگیزه دارند و با عناد وارد می‌شوند؛ خوب، دشمن است دیگر؛ بحث بر سر او نیست؛ بحث بر سر من و شماست که توی عرصه هستیم. ما اگر بخواهیم بصیرت پیدا کنیم، باید چشم را باز کنیم؛ باید بینیم. یک چیزهایی هست که قابل دیدن است. اگر ما از آنها سطحی عبور کنیم، آنها را نبینیم، طبعاً اشتباه می‌کنیم.

من یک مثال از تاریخ بزنم. در جنگ صفین لشکر معاویه نزدیک به شکست خوردن شد؛ چیزی نمانده بود که بکلی منهدم و منهزم شود. حمله‌ای که برای نجات خودشان اندیشیدند، این بود که قرآن را بر روی نیزه‌ها کنند و بیاورند وسط میدان. ورقه‌های قرآن را سر نیزه کردند، آوردند وسط میدان، با این معنا که قرآن بین ما و شما حکم باشد. گفتند بیائید هرچه قرآن می‌گوید، بر طبق آن عمل کنیم. خوب، کار عوام‌پسند قشنگی بود. یک عده‌ای که بعدها خوارج شدند و روی امیرالمؤمنین شمشیر کشیدند، از میان لشکر امیرالمؤمنین نگاه کردند، گفتند این که حرف خوبی است؛ اینها که حرف بدی نمی‌زنند؛ می‌گویند بیائیم قرآن را حکم کنیم. ببینید، اینجا فریب خوردن است؛ اینجا لغزیدن به خاطر این است که انسان زیر پایش را نگاه نمی‌کند. هیچ کس انسان را نمی‌بخشد اگر بلغزد، به خاطر اینکه زیر پایش را نگاه نکرده، پوست خربزه را زیر پای خودش ندیده. آنها نگاه نکردند. آنها اگر می‌خواستند حقیقت را بفهمند، حقیقت جلوی چشمشان بود. این کسی که دارد دعوت می‌کند و می‌گوید بیائید به حکمت قرآن تن بدهیم و رضایت بدهیم، کسی است که دارد با امام منتخب مقرر الطاعه می‌جنگد! او چطور به قرآن معتقد است؟ امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب غیر از اینکه از نظر ما از طرف پیغمبر منصوب و منصوب بود، اما آن کسانی هم که این را قبول نداشتند، این مسئله را قبول داشتند که آن روز بعد از خلیفه‌ی سوم، همه‌ی مردم با او بیعت کردند، خلافت او را قبول کردند؛ شد امام، شد حاکم مقرر الطاعه‌ی جامعه‌ی اسلامی. هر کس با او می‌جنگد، روی او شمشیر میکشید، وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان بود که با او مقابله کنند. خوب، اگر این کسی که قرآن را سر نیزه کرده، حقیقتاً به قرآن معتقد است، قرآن می‌گوید که تو چرا با علی می‌جنگی. اگر واقعاً به قرآن معتقد است، باید دستپايش را بالا ببرد، بگوید آقا من نمی‌جنگم؛ شمشیرش را ببندازد. این را باید میدیدند، باید می‌فهمیدند. این مطلب مشکلی بود؟ این معضلی بود که نشود فهمید؟ کوتاهی کردند. این میشود بی‌بصیرتی. اگر اندکی تدبیر و تأمل میکردند، این حقیقت را می‌فهمیدند؛ چون اینها خودشان در مدینه اصحاب امیرالمؤمنین بودند؛ دیده بودند که در قتل عثمان، عوامل و دستیاران خود معاویه مؤثر بودند؛ آنها کمک کردند به کشته شدن عثمان؛ در عین حال پیراهن عثمان را به عنوان خونخواهی بلند کردند. آنها خودشان این کار را کردند، مقصر خودشان بودند، اما دنبال مقصر میگشتند. ببینید، این بی‌بصیرتی ناشی از بی‌دقتی است؛ ناشی از نگاه نکردن است؛ ناشی از چشم بستن بر روی یک حقیقت واضح است.

در همین قضایای فتنه‌ی اخیر، یک عده‌ای اشتباه کردند؛ این بر اثر بی‌بصیرتی بود. ادعای تقلب در یک انتخابات بزرگ و با عظمت می‌شود؛ خوب، این راهش واضح است. اگر چنانچه کسی معتقد به تقلب است، اولاً باید استدلال کند، دلیل بی‌یاد بر وجود تقلب؛ بعد هم اگر چنانچه دلیل آورد یا نیاورد، قانون راه را معین کرده است؛ می‌تواند شکایت کند. باید بازرسی شود، بازرسی شود؛ آدم‌های بی‌طرفی بیایند نگاه کنند تا معلوم شود تقلب شده یا نشده؛ راهش این است دیگر. اگر چنانچه کسی زیر بار این راه نرفت و قبول نکرد - با اینکه ما کمک‌های زیادی هم کردیم؛ مدت قانونی را بنده تمدید کردم؛ حتی گفتیم خود افراد بیایند جلوی دوربین‌های تلویزیون شمارش کنند - دارد تمرد میکند. ... توجه بفرمائید. مقصود این نیست که راجع به قضایای گذشته اظهار نظر کنیم؛ می‌خواهیم مثال بزنیم. پس بصیرت پیدا کردن، کار دشواری نیست. اگر شما نگاه کردید دیدید یک راه معقول قانونی‌ای وجود دارد و کسی از آن راه معقول قانونی سرپیچد و کاری میکند که برای کشور مضر است، ضربه‌ی به منافع ملت است، خوب، با نگاه عادلانه، با نگاه متعارف، با نگاه غیرجانبدارانه، معلوم است که او محکوم است؛ این یک چیز روشنی است، یک قضاوت واضحی است. پس ببینید مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی یک امر دشوار و ناممکن نیست. بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دام‌های گوناگون، از دوستی‌ها، دشمنی‌ها، هوای نفس‌ها و پیشداوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبیر کند، می‌تواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی همین تدبیر است؛ مطالبه‌ی همین نگاه کردن است؛ مطالبه‌ی چیز بیشتری نیست. و به این ترتیب میشود فهمید که بصیرت پیدا کردن، کار همه است؛ همه می‌توانند بصیرت پیدا کنند. البته بعضی نه به خاطر عناد، نه به خاطر بدخواهی، که گاهی غفلت میکنند. انسان با اینکه جان خودش را خیلی دوست دارد، اما گاهی ممکن است در حال رانندگی هم یک لحظه حواسش پرت شود، یک لحظه چرت بزند، یک ضایعه‌ی پیش بیاید. لغزشهایی که در این زمینه پیش می‌آید، اینها را نمیشود گناه دانست؛ اما اگر چنانچه تداوم پیدا کند، این دیگر بی‌بصیرتی است، این دیگر غیر قابل قبول است.

امروز کار عمده‌ی دشمن در جنگ نرم، غیاب‌رکنی در فضای سیاسی کشور است؛ این را توجه داشته باشید. امروز مهمترین کار دشمن این است. افرادی که در کار سیاسی و مسئله‌ی سیاسی واردند و مطلعند، میدانند امروز قدرت ابرقدرتها بیش از آنچه که در بمب هسته‌ای‌شان باشد، در ثروتهای انباشته‌ی در بانک‌هایشان باشد، در قدرت تبلیغاتی آنهاست، در صدای بلند آنهاست که به همه جا میرسد. شیوه‌های تبلیغاتی را هم خوب بلدند. در کار تبلیغات انصافاً پیشرفت هم کرده‌اند. امروز غربی‌ها - چه در اروپا، چه در آمریکا - در کار تبلیغات، شیوه‌های مدرن و بسیار پیشرفته‌ای را یاد گرفته‌اند و بلد شده‌اند؛ ما در این جهت عقیمیم. یکی از اساسی‌ترین کارهای آنها این است که تبلیغ کردن را بلدند. با این شیوه‌های تبلیغی، با جنجال، با فرستادن انبوه حرف‌های خلاف واقع، سعی میکنند فضای جوامع را دگرگون کنند و تأثیر بگذارند؛ باید به این نکته توجه داشت، باید این را مراقب بود. امروز وظیفه‌ی جوانهای ما از این جهت سنگین است. نه فقط خودتان باید حقیقت را تشخیص دهید، بلکه باید فضا و محیط پیرامونی خودتان را هم با بصیرت کنید و برای آنها هم قضا را روشن کنید.

بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم 1389/08/04

گاهی بصیرت هم وجود دارد، اما در عین حال خطا و اشتباه ادامه پیدا میکند؛ که گفتیم بصیرت شرط کافی برای موفقیت نیست، شرط لازم است. در اینجا عواملی وجود دارد؛ یکی‌اش مسئله‌ی نبود عزم و اراده است. بعضی‌ها حقایقی را میدانند، اما برای اقدام تصمیم نمی‌گیرند؛ برای اظهار تصمیم نمی‌گیرند؛ برای ایستادن در موضع حق و دفاع از حق تصمیم نمی‌گیرند.

بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم 1389/08/04

من می‌خواهم به شما جوانها عرض کنم؛ شما برای اینکه ایران اسلامی را بسازید، یعنی هم ملت و میهن عزیز و تاریختان را سربلند کنید، هم وظیفه‌ی خودتان را در مقابل اسلام با عظمت انجام دهید - که امروز اگر کسی برای سربلندی ایران اسلامی تلاش کند، هم به میهن خود، به ملت خود، به تاریخ خود خدمت کرده است، هم به اسلام عزیز که ماهی نجات بشریت است، خدمت کرده - باید بیدار باشید، باید هوشیار باشید، باید در صحنه باشید، باید بصیرت را محور کار خودتان قرار دهید. مواظب باشید دچار بی‌بصیرتی نشوید.

بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم 1389/08/04

جوان مسلمان ایرانی باید خود را آماده کند؛ خود را مجهز کند؛ در راه پیشرفت، به خدای متعال توکل کند؛ از خدا استمداد کند؛ با بصیرت پیش برود؛ در این صورت ساز و برگ متناسب را برای مواجهه‌ی با شیوه‌ی غلطی که در دنیا حاکم و رائج است، پیدا خواهد کرد و ان‌شاءالله به همه‌ی آرمانها و آرزوهائی که این انقلاب و اسلام ترسیم کرده است، خواهد رسید.

بیانات در دیدار بسیجیان استان قم 1389/08/02

اگر ما برای زنده بودن، فعال بودن، بارز بودن، هدف‌دار بودن، رو به جلو بودن این نظام هیچ دلیل دیگری نمیداشتیم جز حضور میلیونها جوان پرشور مؤمن صادق با بصیرت در سراسر کشور زیر عنوان بسیج، همین کافی بود برای اینکه نشان بدهد این نظام و این حرکت عظیم ملت ایران در برابر پیچیده‌ترین توطئه‌ها و خطرناک‌ترین حرکت‌های دشمن آسیب‌ناپذیر است. البته این شعار نیست؛ یک حرف متکی به استدلال منطقی است.

بسیج یکی از آیات قدرت الهی است که خدای متعال به آن بنده‌ی صالح، به آن مرد بزرگ، به آن شخصیت کم‌نظیر یا بی‌نظیر تاریخ اسلام بعد از ائمه (علیهم‌السلام) عطا کرد. فکر پردازش بسیج عمومی، بسیج مستضعفین که امام بزرگوار آن را مطرح کرد و عمل کرد و با همه‌ی توان پشت سر این فکر ایستاد، این نهال را آبیاری کرد تا تبدیل شد به شجره‌ی طیبه‌ای که «توتی اکلها کَلِّ حین باذن ربّها»، یکی از الطاف الهی نسبت به آن مرد بزرگ و آن بنده‌ی صالح و آن عبد خاشع پروردگار بود. چشم با بصیرت امام این نشانه‌های قدرت و اعانت الهی را میدید. عیب ماها این است که گاهی کمک‌های الهی را لمس میکنیم، اما آنها را درست نمی‌بینیم؛ تشخیص نمیدهیم که این چه کمک بزرگی است که خدا دارد به ما میکند؛ اما او میدید.

بیانات در دیدار بسیجیان استان قم 1389/08/02

آنچه که برای همه‌ی ما، برای همه‌ی بسیجیان عزیز، برای جوانها در هر نقطه‌ای از این عرصه‌ی عظیم که مشغول کار هستند، باید به عنوان شاخص مطرح باشد، عبارت است از این سه عنصر: بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه. این سه عنصر را همیشه با یکدیگر توأم کنید و در نظر داشته باشید. این عناصر سه‌گانه باید برای ما شاخص باشد؛ بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه.

آنچه که راه را مشخص میکند، بصیرت است. این سردار محترم و گرامی خیلی درست گفتند که بسیجیان در قبال پیچیدگی اوضاع توانسته‌اند در ذهن خود و فکر خود و شخصیت خود پیچیدگی ایجاد کنند و بشناسند؛ قضایای سال 88 این را نشان داد. ممکن بود خیلی‌ها اشتباه کنند و خیلی‌ها هم اشتباه کردند؛ اگرچه اکثر آن کسانی که اشتباه کرده بودند، به فاصله‌ی کمی اشتباه را تصحیح کردند؛ اما حرکت عظیم بسیج، این شاخص بصیرت و این پرچم بصیرت را برای خود حفظ کرد؛ اشتباه نکرد؛ همان طور که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) فرموده بود: «لا يعرف الحقّ بالرجال»؛ با چهره‌ها نمیشود حق را تشخیص داد. یک چهره‌ی موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمیتواند شاخص حق باشد. گاهی چهره‌ی موجهی مثل بعضی از صحابه‌ی پیغمبر راه را عوضی می‌روند، اشتباه میکنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت. جماعت جوان مؤمن گردآمده‌ی در زیر سقف بسیج و پرچم بسیج، این بصیرت را نشان دادند؛ نشان دادند با بصیرتند. بصیرت، عنصر اول است. در آینده هم باید همین جور باشد. قدرت تحلیل باید پیدا کرد، قدرت تشخیص باید پیدا کرد. امام - کسی که پدر همه‌ی این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت - فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو بخواهند گرداند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند؛ این حرف امام (رضوان الله علیه) است. او به ما یاد داد که راه را تشخیص بدیم، حرکت صحیح را تشخیص بدیم، نقشه‌ی دشمن را بفهمیم و بخوانیم تا بتوانیم بفهمیم کدام کار در جهت دشمن و در خط دشمن است و کدام کار در ضد اوست. پس بصیرت،

دشمن در یک برهه‌ای - که امروز هم دنباله‌هایش کم و بیش هست - در تبلیغات گوناگون جهانی، علیه بسیج متمرکز شد. آنچه توانستند، گفتند. بسیج را بمباران تبلیغاتی کردند، برای اینکه او را از چشم مردم بیندازند، اما نتوانستند؛ «يَقِئَ اللّٰهُ الْحَقَّ بَکَلْمَاتِهِ». خدای متعال نمیگذارد این حقیقت روشن پنهان بماند؛ لذا بسیج بحمدالله روزبه‌روز آبرویش در کشور ما بیشتر شده است. در سرتاسر کشور، جوانها در بخشهای مختلف، به بسیج به چشم یک هویت درخشنده‌ی باعظمت مظهر عزم و اراده نگاه میکنند؛ این را شما بسیجی‌ها بایستی تقویت کنید؛ این را با توجه به همان سه عنصری که گفته شد - عنصر بصیرت، عنصر اخلاص، عنصر عمل بهنگام و به اندازه - تقویت کنید. افراط نباید باشد، تفریط هم نباید باشد. توجه کنید که افراط هم همان اندازه ضرر میزند که تفریط. عمل نکردن یقیناً مضر است، عمل افراط‌آمیز هم به همان اندازه مضر است؛ مراقب باشید. شور انقلابی را اندکی نباید کاهش داد. انگیزه‌ی انقلابی باید روزبه‌روز در دل‌های من و شما افزایش پیدا کند. این کوه‌های گوناگون مشکلاتی که بر سر راه مستضعفین عالم قرار دارد، جز با قدرت عزم و اراده‌ی پولادین مؤمن برداشته نخواهد شد. هدف فقط سر و سامان دادن به وضع کشور نیست. دنیای اسلام، بلکه جامعه‌ی بشریت نیازمند کمک به آنها از سوی اسلام و امت اسلامی است.

مشکلات زیادی در سر راه هست؛ عزم و اراده لازم است، نگاه به دور دست لازم است. این عزم و اراده باید باقی بماند، این شور انقلابی باید روزبه‌روز افزایش پیدا کند. توسل و توجه به پروردگار، تمسک به اولیای الهی، راه عبادت، راه خشوع، راه تفکر بایستی به روی ما همیشه باز باشد؛ خودمان را از این راه تقویت کنیم. این شور انقلابی باید باقی باشد، اما مواظب باشید این شور و هیجان انقلابی با ارزش در جای خود مصرف نشود - نابجا مصرف نشود - این احتیاج به تأمل، تفکر، آگاهی و بصیرت دارد.

بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم 1389/07/29

امروز هم مرکز معرفتی دنیای اسلام، شهر قم است. امروز هم مثل همان دوران، قم قلب فعال و متحرکی است که میتواند و میباید خون معرفت و بصیرت و بیداری و آگاهی را در سرتاسر پیکر امت اسلامی پمپاژ کند.

بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم 1389/07/29

انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درک کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمیشود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مایوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم 1389/07/27

شهر قم شهر علم است، شهر جهاد است، شهر بصیرت است. بصیرت مردم قم یکی از آن نکات بسیار مهمی است که در طول این سی و چند سال همواره خود را نشان داده است. جالب است که پیدایش شهر قم هم ناشی بود از یک حرکت جهادی و توأم با بصیرت. یعنی خاندان اشعریون که آمدند این منطقه را محل سکونت خودشان قرار دادند، در واقع اینجا را پایگاهی کردند برای نشر معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ یک مجاهدت فرهنگی را در اینجا شروع کردند. اشعریون قبل از آنکه به قم بیایند، جهاد در میدان نبرد هم انجام داده بودند؛ جهاد نظامی هم کرده بودند؛ بزرگ اشعریون در رکاب جناب زیدبن‌علی (علیهما‌السلام) مبارزه کرده بود؛ لذا بود که حاجابن‌یوسف بر اینها خشم گرفت و اینها مجبور شدند بیایند و این منطقه را با تلاش خود، با بصیرت خود، با دانش خود، منطقه‌ی علم قرار بدهند. همین هم موجب شد که حضرت فاطمه‌ی معصومه (سلام‌الله‌علیها) وقتی به این ناحیه رسیدند، اظهار تمایل کردند که به قم بیایند؛ به خاطر بودن همین بزرگان اشعریون. آنها رفتند از حضرت استقبال کردند، حضرت را به این شهر آوردند و این بارگاه نورانی از آن روز و از بعد از وفات این بزرگوار در این شهر نورافشانی میکند. مردم قم که پدید آورنده‌ی این حرکت عظیم فرهنگی بودند، از آن روز پایگاه معارف اهل بیت را در این شهر تشکیل دادند و صدها عالم، محدث، مفسر و مبیین احکام اسلامی و قرآنی را به شرق و غرب دنیای اسلام فرستادند. از قم، علم به اقصای خراسان و اقصای عراق و شامات رفت. این، بصیرت آن روز مردم قم است؛ که پیدایش قم بر اساس جهاد و بصیرت شد.

در دوران معاصر ما هم عیناً همین مسئله اتفاق افتاد؛ یعنی قم پایگاه برترین معارف اسلامی و الهی شد و به برکت مجاهدت و بصیرت و حضور علمای بزرگ، سرچشمه‌ای در این نقطه جوشید که شرق و غرب دنیای اسلام از آن بهره‌مند شده‌اند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم 1389/07/27

در طول این سی سال بعد از پیروزی انقلاب، باز در همه‌ی مقاطع، این مردم مردمی هستند که با اخلاص، با صدق و صفا و با بصیرت مثال زدنی وارد میدان شدند. دشمن برای قم برنامه داشت، طرح داشت؛ اگر مردم قم بیدار نبودند، با بصیرت نبودند، طرحهای دشمنان درباره‌ی قم، طرحهای خطرناکی بود. بیداری مردم و حضور حوزه‌ی علمیه در این شهر موجب شده است که این شهر پایگاه بصیرت باشد.

مراجع بزرگی از زمان مرحوم آیه‌الله حائری - مؤسس حوزه‌ی علمیه - در این شهر حضور داشتند؛ مرحوم آیه‌الله بروجردی تا مراجع اخیر؛ مرحوم آیه‌الله گلپایگانی، مرحوم آیه‌الله اراکی، مرحوم آیه‌الله مرعشی، مرحوم آیه‌الله بهجت. امروز هم بحمدالله مراجع بزرگی در این شهر حضور دارند، فضلالی برجسته‌ای هستند؛ حوزه‌ی علمیه مایه‌ی برکت است و این شهر صادق و دارای بصیرت و مجاهد فی سبیل‌الله نشان داده است که قدر حوزه را میدانند، قدر روحانیت را میدانند، در هنگام لازم حضور خود را نشان میدهد. و این همان شهری است که به خاطر برخاستن آن مرد بزرگ دوران، حضرت امام خمینی، پایگاه و امید انقلاب است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم 1389/07/27

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع یک رفراوندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آن را از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه‌ی سال 88 کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبهای سیاسی و اجتماعی‌ای که میتواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم 1389/07/27

مسئله‌ی دیگر، تلاش جوانان برای بصیرت‌افزایی است. خود جوانها باید در این زمینه تلاش کنند. دشمن را باید شناخت، روشهای دشمن را باید شناخت؛ این کاری است که بر عهده‌ی خود جوانهاست.

بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی 1389/06/31

امروز در دنیا جوانهای همسن و سال شما در میان چه احساساتی، چه توهمات، چه فعالیت‌هایی دارند این دوران عزیز و گرانبها را میگذرانند؟ در پیشرفته‌ترین کشورها غبار ناامیدی، افسردگی، بی‌هدفی، روی زندگی زیبای جوانی را پوشانده است؛ بسیاری از جوانان فقط هدفشان رسیدن به آرزوهای کوچک و حقیر مادی برای خودشان هست؛ نه لذت خدمت به خلق را می‌جوشند، نه نیروی عظیم و کمیاب جوانی را در راهی که شایسته‌ی آن هست خرج میکنند؛ و بسیاری نه فقط هدفهای والا ندارند، بلکه اصلاً هدف ندارند و زندگی را به صورت روزمره، غرق در مادیات، غرق در شهوات زودگذر و افسرده کننده طی میکنند؛ از آن روح متلائی معنوی که یک جوان مؤمن و عاشق خدمت و متوجه به مبدأ عشق و زیبایی و حقیقت برخوردار است، آنها چیزی نمیفهمند. جوانی شما برای یک چنین انسانهایی - اگر چشم بصیرت داشته باشند - هم در خور غیبه خوردن است.

بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی 1389/06/31

عشق و ایمان، بصیرت و همت؛ اینها ستونهای اصلی است. عشق و ایمان، انسانی که ایمان ندارد، محوری برای حرکت خود نمیتواند تصویر کند. انسانی که از احساس عاشقانه و عمیق قلبی برخوردار نیست، نمیتواند این حرکت را ادامه دهد و استمرار بخشد. انسانی که همت ندارد، به کارهای کوچک، به فرازهای محدود اکتفاء میکند؛ چشم به برترین قله‌ها نمیدوزد. انسانی که بصیرت ندارد، راه را عوضی میرود؛ اگر عشق و ایمانی هم در او هست، آن را در راه غلط مصرف میکند، کجراهه میرود. عشق و ایمان، همت و بصیرت؛ اینها را انقلاب به مردم ما و جامعه‌ی ما داد؛ لذا انقلاب شد همان شجره‌ی طیبه‌ای که در قرآن از آن نام برده شده است: «ألم تر کیف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة».

بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی 1389/06/31

در یک مسیر وقتی که ما در پی آن هستیم که به محلی، به هدفی برسیم، اگر در راه سبزه‌زاری، یک چشمه‌ای، قهوه‌خانه‌ی خوبی پیدا شد و پامان سست شد و آنجا را هدف فرض کردیم، دلمان خوش شد به اینکه این لحظه را خوش بگذرانیم، هدف از یاد خواهد رفت؛ از راه خواهیم ماند. این بلای‌ی بود که بعضی آمد، دیگران را هم به خودشان قیاس کردند، گفتند انقلاب تمام شد، گفتند امام فراموش شد؛ اشتباه میکردند. انقلاب یک حقیقت خدائی است، متکی به ایمانهاست، متکی به احساسات عاشقانه است، متکی به بصیرت است. مگر تمام میشود؟ لذا من بارها گفته‌ام، الان هم میگویم: نسل جوان امروز ما که نسل سوم انقلاب است، از جوانان نسل اول اگر ایمانشان قوی‌تر نباشد، پرشورتر نباشد، بصیرتشان روشن‌تر نباشد، یقیناً عقب‌تر نیستند.

بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی 1389/06/31

امروز ما هم همتان، هم بصیرتمان، هم توانائی‌های گوناگونمان از سی سال قبل برابری است. هدایت انقلاب، روح انقلاب، جهتگیری انقلاب در ما کهنه نشده؛ چیزی که آنها امیدش را داشتند. شاهد و دلیل: همین جوانها. بهترین شاهدها همین شما جوانان عزیز هستید؛ این نسل پویا و بالنده‌ی با بصیرت و با همت و آگاه که در صحنه‌های گوناگون حاضر است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1389/06/25

این حوادث گوناگون، همچه‌های مختلف، همین حادثه‌ی ننگین اهانت به قرآن شریف و عزیز در کشور آمریکا، حوادث بیدار کننده است؛ اینها آن زنگهائی است که میخورد تا انسان در خواب غفلت فرو نرود، خواب انسان سنگین نشود، از پیرامون خود غافل نشود؛ این نعمت بزرگی است. ما در طول تاریخ و در طول انقلاب از اینگونه حوادث داشتیم و افراد مؤمن و بصیر و هوشیار از این استفاده کردند؛ از دشمنی دشمن‌ها استفاده کردند.

پیام تسلیت در پی هفتمین روز شهادت جمعی از مردم مومن زاهدان 1389/04/30

جمهوری اسلامی باذن‌الله تعالی اجازه نخواهد داد که آیدای استکبار جهانی زیر نام وهابیت و امثال آن، میان برادران مسلمان اختلاف‌افکنی کنند. دستگاه‌های مسئول حکومتی موظفند در هریک از قوای سه‌گانه برابر مسئولیت‌های خود با این دشمنان امنیتی و وحدت کشور با قاطعیت و جدیت مقابله کنند و فتنه‌گران را به سزای اعمال خود برسانند. مردم مؤمن و پاک‌نهاد نیز باید آرامش و بصیرت خود را حفظ کنند و با پرهیز از هر نوع حرکت بی‌رویه، مأموران و مسئولان کشور را در انجام وظائف خود یاری رسانند.

بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) 1389/04/05

آن روزی که قدرتها میتوانند آزادانه ملت‌های این منطقه را تهدید کنند، تحقیر کنند و هر وقت اراده‌شان تعلق گرفت، بیایند نیرو پیاده کنند و فشار بیاورند، سپری شده است. امروز ملت ایران به عنوان یک ملت مقتدر در دنیا شناخته شده است. مسئله، مسئله‌ی پول نیست، سلاح نیست، ابزارهای تبلیغات نیست که دشمنان ما هزار برابر ما این چیزها را دارند؛ مسئله، مسئله‌ی ایمان است، عزم راسخ است، بصیرت است، آگاهی یک ملت به شأن خود، به جایگاه خود و به حق خود است.

بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) 1389/04/05

شخصیت امیرالمؤمنین از لحظه‌ی ولادت تا هنگام شهادت، در همه‌ی این ادوار، یک شخصیت استثنائی است. ولادت او در جوف کعبه است - که نه قبل از آن حضرت و نه بعد از آن حضرت تا امروز چنین چیزی اتفاق نیفتاده است - شهادت آن بزرگوار هم در مسجد و محراب عبادت است. بین این دو نقطه هم، همه‌ی زندگی امیرالمؤمنین جهاد است و صبر لله است و معرفت است و زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همه‌ی خصلتهای نیک یک انسان و یک زمامدار است - انسان مشاهده میکند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئله‌ی بصیرت‌بخشی و بصیرت‌دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همه‌ی ادوار، این شجاعت بی‌پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشه‌ی مردم و ایمان مردم به کار رفته است. بصیرت است و حرکت در راه رضای الهی است.

بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) 1389/04/05

زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همه‌ی خصلتهای نیک یک انسان و یک زمامدار است - انسان مشاهده میکند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئله‌ی بصیرت‌بخشی و بصیرت‌دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همه‌ی ادوار، این شجاعت بی‌پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشه‌ی مردم و ایمان مردم به کار رفته است.

بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) 1389/04/05

امیرالمؤمنین اهل بصیرت دادن است. امروز ما به این بصیرت احتیاج داریم. امروز دشمنان دنیای اسلام، دشمنان وحدت اسلام، با ابزارهای دین وارد میشوند، با ابزارهای اخلاق وارد میشوند؛ باید هشیار بود. آنجائی که میخواهند افکار عمومی مردم غیرمسلمان را فریب بدهند، نام حقوق بشر را می‌آورند، نام دموکراسی را می‌آورند؛ آنجائی که میخواهند افکار عمومی دنیای اسلام را فریب بدهند، نام قرآن را می‌آورند، نام اسلام را می‌آورند؛ در حالی که نه به اسلام و قرآن اعتقاد دارند، نه به حقوق بشر اعتقاد دارند. این را امت اسلامی باید بداند.

بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) 1389/04/05

ملت ایران به برکت انقلاب، ملت هشیار است. بسیاری هستند. بسیاری از معضلات این کشور، با بصیرت مردم حل شده است. خیلی اوقات انسان مشاهده میکند که توده‌ی مردم حقایق را از بعضی از خواص و نخبانان بهتر می‌بینند و بهتر می‌فهمند؛ چون تعلقاتشان کمتر است. این از نعمتهای بزرگ است.

بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) 1389/04/05

ملت ایران میخواهند در زیر سایه‌ی اسلام، یک ملت سعادت‌مند، مرفه، باکمال، بااخلاق و دارای عزت و اقتدار باشند. ملت ایران در این راه حرکت کرده‌اند، پیشرفت کرده‌اند و کارهای بزرگی انجام داده‌اند. آنچه که امروز در وضع کنونی ما مشاهده میکنید - این پیشرفت‌ها، این توانائی‌ها، این امکانات فراوان، این مسجل شدن و حتمی شدن شعارهای اصلی انقلاب - اینها آسان به دست نیامده است؛ ملت ایران اینها را با توانائی‌های خودشان، با بصیرت خودشان به دست آوردند و به توفیق الهی این راه را ملت ایران ادامه خواهند داد. آینده متعلق به ملت ایران است. کید دشمنان و مکر بدخواهان نخواهد توانست این ملت را از این راهی که در آن حرکت میکند، منحرف کند. جوانهای ما امروز بصیرتشان بحمدالله بصیرت بسیار خوبی است. در عرصه‌های مختلف، جوانهای ما کارهای بزرگی را دارند انجام میدهند؛ این را بایستی روزبه‌روز بیشتر کرد. این ثبات قدم را، این ایستادگی را، این التمام و همبستگی ملی را بایستی روزبه‌روز بیشتر کرد. تمسک به شعارهای اسلام و تمسک به قرآن و تمسک به سیره‌ی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و به کلمات امیرالمؤمنین روزبه‌روز باید بیشتر شود.

بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها 1389/04/02

یک نواری از مرحوم چمران در مشهد دست ما رسید که این اولین رابطه و واسطه‌ی آشنائی ما با مرحوم چمران بود. دو ساعت سخنرانی در این نوار بود که توضیح داده بود

صحنه‌ی لبنان را که لبنان چه خبر است. برای ما خیلی جالب بود؛ با بینش روشن، نگاه سیاسی کاملاً شفاف و فهم عرصه - که توی آن صحنه‌ی شلوغ چه خبر است، کی با کی طرف است، کی‌ها انگیزه دارند که این کشتار درونی در بیروت ادامه داشته باشد - اینها را در ظرف دو ساعت در یک نواری ایشان پر کرده بود و فرستاده بود، که دست ما هم رسید. رفت آنجا و تفنگ دستش گرفت. بعد معلوم شد که نگاه سیاسی و فهم سیاسی و آن چراغ مه‌شکن دوران فتنه را هم دارد. فتنه مثل یک مه غلیظ، فضا را نامشخص میکند؛ چراغ مه‌شکن لازم است که همان بصیرت است. آنجا جنگید؛ بعد که انقلاب پیروز شد، خودش را رساند اینجا.

بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاهها 1389/04/02

اساتید بسیجی میتوانند در دل دانشجویان و در فضای ذهن آنها یک حضور معنوی و هدایتگر و آرامش‌بخش داشته باشند. نقش مهم ایجاد بصیرت - هم در خود مجموعه، هم در مجموعه‌ی مخاطب شما که دانشجویان هستند - یکی از کارهای بسیار مهم است. و بصیرت خیلی نقش ایفاء میکند.

بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاهها 1389/04/02

امیدوارم که خدای متعال همه‌ی شما را حفظ کند و موفق بدارد و روزبه‌روز بصیرت شما را بیشتر کند. و ان‌شاء‌الله شما را هم در جهاد علمی، هم در جهاد عملی، هم در جهاد بصیرت‌پراکنی - در محیط علم و محیط دانشگاه و همچنین در محیط جامعه - روزبه‌روز موفق‌تر کند.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) 1389/03/14

شاخص در انقلاب ما چیست؟ این خیلی مهم است. سی سال است که ما در جهت این انقلاب حرکت میکنیم. ملت ما بصیرت به خرج دادند، شجاعت به خرج دادند، حقاً و انصافاً لیاقت به خرج دادند. این انقلاب را سی سال است شما دارید جلو میبرید؛ اما خطر وجود دارد. دشمن انقلاب، دشمن امام بی‌کار نمی‌نشیند؛ سعی میکند این انقلاب را از پا در بیاورد. چه جور؟ با منحرف کردن راه انقلاب. بنابراین لازم است ما شاخص داشته باشیم.

بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور 1389/02/01

ما علی‌رغم دشمن، در همه‌ی عرصه‌ها، به توفیق الهی، به کمک الهی، به فضل الهی، پیش خواهیم رفت؛ این را بدانید. جوانهای ما تلاش میکنند. ان‌شاء‌الله ایمان روزافزون جوانها و بصیرت روزافزون ملت ما، هم بر این تهدیدها فائق خواهد آمد، هم بر ترندهای که برای به هم ریختن اوضاع داخلی کشور - از قبیل آنچه که در سال 88 دیده شد - به کار بردند، فائق خواهد آمد.

ملت ما ملت بصیری است، ملت باایمانی است. امیدواریم خداوند متعال به برکت ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة‌الله (ارواحنا فداه) روزبه‌روز بر این بصیرت بیفزاید و ملت ما را ان‌شاء‌الله در همه‌ی میدانها پیروز و سرافراز کند و شما جوانها ان‌شاء‌الله در آینده‌ی نه چندان دوری، عظمت کشورتان را، پیشرفت کشورتان را، و نیاز همین ابرقدرتها را به خودتان حس کنید و ببینید.

بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور 1389/02/01

خطبه‌ی فراموش نشدنی زینب کبری در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست، اظهارنظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه‌ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرایط بیان شده است. قوت شخصیت را ببینید؛ چقدر این شخصیت قوی است. در روز قبل در یک بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده‌اند، این جمع چند ده نفره‌ی زنان و کودکان را اسیر کرده‌اند، آورده‌اند در مقابل چشم مردم، روی شتر اسارت، مردم آمده‌اند دارند تماشا میکنند، بعضی هلهله میکنند، بعضی هم گریه میکنند؛ در یک چنین شرائط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع میکند؛ همان لحنی را به کار میبرد که پدرش امیرالمؤمنین بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار میبرد؛ همان جور حرف میزند؛ با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و معنا: «یا اهل الکوفه، یا اهل الغدر و الختل»؛ ای خدعه‌گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل‌بیت هستید؛ اما در امتحان اینجور کم آوردید، در فتنه اینجور کوری نشان دادید. «هل فیکم الا الصلّیف والعجب والشرّیف و الکذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید؛ در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده‌ی مقابله‌ی با فتنه بر بیایید، نتوانستید خودتان را نجات دهید. «مملکم کمثل الّتی نقضت غزلها من بعد قوّة انکاء»؛ مثل آن کسی شدید که پشم را میریسد، تبدیل به نخ میکند، بعد نخها را دوباره باز میکند، تبدیل میکند به همان پشم یا پنبه‌ی نریسیده. با بی‌بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشته‌ی خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابیگری؛ اما باطن، باطن پوک، باطن بی‌مقاومت در مقابل بادهای مخالف.

بیانات در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی 1389/01/22

بروید دنبال کارهای ابتکاری، بروید دنبال کارهایی که دنیا آنها را نیازموده و تجربه نکرده؛ در طراحی‌های عملیاتی، در طراحی‌های اطلاعاتی، در نوع برخورد با دشمن؛ فریب یک جور، تدبیر یک جور؛ اینها کارهای مهمی است. بخصوص من روی نوع سازماندهی نیروهای مسلح تأکید میکنم. خوشبختانه هم سپاه و هم ارتش در این صراط قدم برداشته‌اند، دارند فکر میکنند و کار میکنند. نوآوری در سازماندهی سنتی تا حالا وجود داشته - در سپاه جوری، در ارتش جوری - بروید دنبال کارهای ابتکاری. البته هر کار جدیدی مطلوب نیست. کار جدیدی که با ملاحظه‌ی کامل، دقت و آزمون همراه باشد، مطلوب است. دنبال کارهای ابتکاری بروید؛ همچنان که تا حالا هم در بخشهای مختلف نیروهای مسلح همین بوده؛ جهاد خودکفائی ارتش یک نمونه‌اش است، که از سی سال پیش چه کارهای بزرگی را انجام دادند. در سپاه، فعالیتها متعدد و فراوان در این زمینه‌ها وجود داشته. الحمدلله دستمان از تجربه‌های امیدبخش و امیدآفرین خالی نیست. آدم می‌بیند کارهای بزرگی را میشود انجام داد.

اینها عرائض ماست. ان‌شاء‌الله همه‌ی این چیزهایی که گفتیم و یا نگفتیم و جزو آرزوهای ماست، در برنامه‌های شما، در کارهای شما تحقق و تبلور پیدا کند و خودش را نشان دهد. خوب، همهی اینها یک روح هم دارد که آن روح عبارت از معنویت و بصیرت دینی و تعمیق اعتقادات دینی و باورهای دینی است که در کار برادران خوب و فعال و زحمتکش ما در عقیدتی - سیاسی‌ها به یک نحو، در نمایندگی‌های ولی‌فقیه در سپاه و جاهای دیگر به یک نحو، خودش را نشان میدهد. این برادران هم بایستی همین مسئله‌ی اولویتها و همین ابتکارها و همین راه‌های نو و همین همت مضاعف را به کار ببرند تا ان‌شاء‌الله روزبه‌روز ما بیشتر با ظواهر دینی و عمق عملی و اعتقادی در نیروهای مسلح همراه باشیم.

بیانات در منطقه عملیاتی فتح‌المبین 1389/01/11

جوانهای عزیز! همیشه همین طور است؛ همیشه عزم راسخ شما، هوشمندی و بصیرت شما، ایستادگی و قاطعیت و شجاعت شما میتواند همه‌ی دشمنان را هرچند بظاهر بزرگ و نیرومند باشند، به شکست بکشاند. امروز هم همین جور است؛ فردا هم همین جور است. ملت ایران اگر بخواهد به اوج سعادت دنیا و آخرت برسد - که میخواهد و ان‌شاء‌الله خواهد رسید - راهش عبارت است از شجاعت، بصیرت، تدبیر، عزم راسخ، اراده‌ی مستحکم از سوی زن و مرد؛ و همه‌ی اینها متکی بر ایمان، ایمان اسلامی. آن چیزی که ضامن این عزم و همت راسخ در رزمندگان ما بود، ایمان قلبی‌شان بود. دین را، خدا را، قیامت را، مسئولیت انسانی در مقابل خدا را باور داشتند؛ این باور در هر ملتی، در هر جامعه‌ای وجود داشته باشد، او را آسیب‌ناپذیر میکند؛ میتواند مقاومت کند.

بیانات در منطقه عملیاتی فتح‌المبین 1389/01/11

امروز هم در میدان علم، میدان سیاست، میدان تلاش و کار، میدان همبستگی ملی و میدان بصیرت، شما جوانها پایمردی خودتان را نشان دادید، ایستادگی خودتان را اثبات کردید. گاهی اوقات جنگ نظامی آسانتر از جنگ فکری است؛ آسانتر از جنگ در عرصه‌های سیاسی است. ملت ایران نشان داد که در جنگ عرصه‌های سیاسی و امنیتی، بصیرتش و ایستادگی‌اش از ایستادگی در جنگ نظامی کمتر نیست.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی 1389/01/01

«پیشرفت» و «عدالت» دو خواسته‌ای است که انسانها به آن نیازمندند. پیشرفت، یعنی از لحاظ علم و عمل و آنچه که در دنیا برای یک جامعه لازم است، به نتایج مطلوب برسد. عدالت هم یعنی میان انسانها تبعیض وجود نداشته باشد، بی‌عدالتی نباشد، ظلم نباشد. هر دو خواسته، جزو خواسته‌های اساسی و اصلی و دیرین بشریت است، که تا تاریخ بشر وجود داشته است، این دو خواسته، خواسته‌ی اصلی انسانها بوده است: پیشرفت و عدالت. این شعارها را میشود داد؛ مهم این است که کی میشود به این شعارها عمل کرد. ما در نظام جمهوری اسلامی، این دهه‌ی چهارم را هنگام مناسب برای عمل در جهت رسیدن به این دو شعار یافتیم. پیشرفت را میشود به معنای حقیقی کلمه به دست آورد؛ عدالت را هم با رشدی که در جامعه‌ی ما هست، با آگاهی و بصیرتی که مردم ما بحمدالله پیدا کرده‌اند، موانع را شناخته‌اند، اهداف را تشخیص داده‌اند، دوست و دشمن را امروز جوانهای ما تشخیص میدهند، اگر مسئولی در پی عدالت باشد، میتواند در جامعه‌ی ما مقدمات استقرار عدالت کامل را فراهم کند. البته این کار کوتاهمدت نیست، کار بلندمدت است..

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی 1389/01/01

قوی‌ترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم دی و بیست و دوی بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در بیست و دوم بهمن، کار عظیمی بود؛ نه دک هم همین جور. یکپارچگی ملت آشکار شد. همه‌ی کسانی که در عرصه‌ی سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آنها خوشبین هم بودند، تجدید نظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در بیست و دوی بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - یک فصل پرافتخار و پرعبرت برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد. آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه‌ی بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال 1389 / سال «همت مضاعف و کار مضاعف» 1389/01/01

در آغاز سال 88 مردم با حضور بی‌سابقه‌ی خود انتخاباتی را ساماندهی کردند که در تاریخ انقلاب ما - و البته در تاریخ طولانی کشور ما - سابقه نداشت و یک نقطه‌ی برجسته و اوج به حساب می‌آمد. در طول ماه‌های بعد از انتخابات هم مردم در امتحانی بزرگ، در حرکتی عظیم و سرنوشت‌ساز، حضور خود، اراده‌ی خود، ایستادگی خود، عزم ملی خود و بصیرت خود را نشان دادند.

تفسیر کوتاهی که از حوادث بعد از انتخابات در طول چند ماه می‌شود ارائه کرد، عبارت از این است که دشمنان کشور و دشمنان نظام جمهوری اسلامی بعد از گذشت سی سال، همه‌ی تلاش خود و توان خود و نیروهای خود را متمرکز کرده‌اند برای اینکه بتوانند این انقلاب را از درون شکست بدهند. ملت در مقابل این توطئه‌ی بزرگ، این حرکت خصمانه، با آگاهی و بصیرت و عزم و ایستادگی بی‌نظیری توانست دشمن را به شکست بکشاند. تجربه‌ای که در این هشت ماه بعد از انتخابات تا بیست و دوم بهمن بر این ملت و بر این کشور گذشت، تجربه‌ای پر از درس، پر از عبرت و حقیقتاً مایه‌ی سربلندی ملت ایران است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1388/12/06

چرا مردم امسال در بیست و دوی بهمن از سال گذشته گرم‌تر و متراکم‌تر آمدند؟ چون احساس خطر کردند؛ چون دیدند کسانی که بهانه‌ی مسئله‌ی انتخابات و مسائل بعد از انتخابات، دارند در اصل نظام خدشه به وجود می‌آورند، دارند معارضة میکنند، دارند پنجه به چهره‌ی نظام می‌زنند. رفتار خطرناک آنها این بود که نام امام و انقلاب و نظام را هم گاهی می‌آورند، اما حرفشان، عملشان، اقدامشان، تحریکشان، درست نقطه‌ی مقابل روش انقلاب و ممشای انقلاب و اهداف انقلاب است؛ مردم این را احساس کردند. اینکه مردم این را می‌فهمند و احساس میکنند، این بصیرت بالائی است، این خیلی مهم است؛ و اینکه مردم بعد از این احساس، اینجور وارد میدان میشوند، می‌آیند حضور خود را اعلام میکنند، این خیلی همت و عزم بالائی را نشان میدهد؛ اینها خیلی مهم است. ما باید اینها را ببینیم، باید قدر بدانیم و باید عاملش را بشناسیم. عاملش دینداری مردم است؛ عاملش همین ملاک اصلی در نظام اسلامی است؛ یعنی اطاعت از پروردگار عالم. این به نظر من اساسی‌ترین مسئله است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1388/12/06

باید دشمنی‌ها را شناخت. مشکل ما این است. اینکه بنده مسئله‌ی بصیرت را برای خواص تکرار میکنم، به خاطر این است. گاهی اوقات غفلت میشود از دشمنی‌هایی که با اساس دارد میشود؛ اینها را حمل میکنند به مسائل جزئی. ما در صدر مشروطه هم متأسفانه همین معنا را داشتیم. در صدر مشروطه هم علمای بزرگی بودند - که من اسم نمی‌آورم؛ همه می‌شناسید، معروفند - که اینها ندیدند توطئه‌ای را که آن روز غریزدگان و به اصطلاح روشنفکرانی که تحت تأثیر غرب بودند، مغلوب تفکرات غرب بودند، طراحی میکردند؛ توجه نکردند که حرفهایی که اینها دارند در مجلس شورای ملی آن زمان می‌زنند، یا در مطبوعاتشان مینویسند، مبارزه‌ی با اسلام است؛ این را توجه نکردند، مماشات کردند. نتیجه این شد که کسی که میدانست و می‌فهمید - مثل مرحوم شیخ فضل‌الله نوری - جلوی چشم آنها به دار زده شد و اینها حساسیتی پیدا نکردند؛ بعد خود آنها هم که به این حساسیت اهمیت و بها نداده بودند، بعد از شیخ فضل‌الله مورد تعرض و تطاول و تهتک آنها قرار گرفتند و سیلی آنها را خوردند؛ بعضی جانیشان را از دست دادند، بعضی آبرویشان را از دست دادند. این اشتباهی است که آنجا انجام گرفت؛ این اشتباه را ما نباید انجام بدهیم.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1388/12/06

انسان وقتی نگاه میکند، می‌بیند آگاهی مردم، بصیرت مردم، احساس مسئولیت مردم در قبال نظام اسلامی، حقیقتاً بی‌نظیر است. با این احساس مسئولیت، با این احساس آمادگی، یقیناً اگر امروز یک حادثه‌ای مثل حادثه‌ی دفاع مقدس در کشور ما پیش می‌آمد، کسانی که وارد میدان میشدند، از آن روز که در دفاع مقدس جوانهای ما می‌آمدند، بیشتر خواهد بود و کمتر نخواهد بود. انسان این را از این حرکت عظیم مردمی احساس میکند.

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان 1388/11/28

امام بزرگوار ما با اینکه با تبریز آشنائی نزدیکی نداشتند، اما مردم تبریز را خوب شناخته بودند. در آن قضایای فتنه‌ی اول انقلاب که در جاهای مختلف فتنه‌انگیزی شد، از جمله در تبریز، امام فرمودند که خود مردم تبریز جواب فتنه‌گران را خواهند داد، و دادند؛ همین‌جور شد. جز نیروی ایمان و غیرت و همت و آگاهی و بصیرت، چیز دیگری نمیتوانست آن فتنه‌ها و آن آتشها را خاموش کند.

امروز هم همین جور است. جوانهای عزیزی که امام را ندیدند، دوران دفاع هشت ساله را ندیدند، «باکری»ها را ندیدند، شخصیت‌های فداکار آن روز را که شهید شدند، ندیدند، اما با همان قدرت، با همان استقامت و با همان بصیرتی در صحنه حاضر میشوند که آن روز جوان تبریزی در بیست و نهم بهمن وارد میدان شد و در طول دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، در جبهه‌های مختلف از خود دلآوری و فداکاری نشان داد. امروز جوانهای ما همین جورند..

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان 1388/11/28

در قضیه‌ی بیست و دوم بهمن امسال که این معجزه‌ی عظیم الهی خود را نشان داد، این حضور عظیم مردمی چشمها را خیره کرد، دشمنان و مخالفان - چه مخالفان معاند، چه مخالفان غافل - جور دیگری فکر کرده بودند، نقشه‌ی دیگری طراحی کرده بودند، خیالات دیگری در سر داشتند. از مدتها پیش تلاش کردند، کاری کنند که حادثه‌ی بیست و دوی بهمن را که یکی از مظاهر حضور مردمی این انقلاب است، خراب کنند؛ چه در تهران، چه در شهرهای دیگر کاری کنند که به درگیری بین مردم بینجامد؛ این را پیش‌بینی کرده بودند. در حرفهایشان گفتند که روز بیست و دوم بهمن جنگ داخلی در ایران شروع خواهد شد! ببینید چه کار کرده بودند که انتظار داشتند در ایران جنگ داخلی بشود. بعضی اینجور میگفتند، بعضی هم امیدوار بودند که بتوانند چهره‌ی مخالفی علیه نظام جمهوری اسلامی در بیست و دوم بهمن نشان بدهند؛ اینجور وانمود کنند که مردم از انقلاب بریده‌اند، از نظام جمهوری اسلامی بریده‌اند، در مقابل آن قرار گرفته‌اند؛ اینجور فکر کرده بودند، اینجور حساب کرده بودند. ملت ایران با آگاهی خود، با بصیرت خود، با همت خود، با دست قدرت الهی که دل‌های آنها را بیدار کرد، به دهان همه‌ی این مخالفان مشت کوبیدند و حجت را بر همه تمام کردند.

دشمنان خارجی هم باید بیدار شده باشند. رئیس جمهور آمریکا و دیگرانی مثل او، هی دم از مردم ایران میزدند: «ما طرفدار مردم ایرانیم». «مردم ایران با نظام جمهوری اسلامی مخالفند». این حرفها را بارها تکرار کردند. ببینید اینها وقتی مردم ایران را روز بیست و دوی بهمین توی خیابانها دیدند، چه حالی شدند؟ خذلان الهی برای دشمن، از این بالاتر؟ رسوائی برای دشمن، از این بالاتر؟ یک عده هم در داخل، بعضی از روی غفلت، بعضی از روی بی‌عقلی، بعضی از روی عناد و دشمنی، هی علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه این حرکت کلی نظام حرف زدند؛ هی گفتند: مردم، مردم، مردم! خوب، این مردم، بیست و دوی بهمین نشان داد که مردم کجاچند، چه میخواهند، چه میگویند. غرّه شدند به توهمهایی که به آنها القاء شد. خیال کردند یا خودشان را به نادانی زدند که مردم از انقلاب دست شستند، مردم از امام دست شستند. روز بیست و دوی بهمین، آگاهی و بصیرت مردم، همت مردم، ایمان مردم و توفیق الهی که شامل حال مردم شد، پاسخ کوبنده‌ای به آنها داد.

پیام تشکر در پی حضور پرشکوه مردم در راهپیمایی 22 بهمن 1388/11/22

خسته مباد گامهای استوارتان، سربلند باد پرچم همت و آزادگی تان، درود خدا بر عزم راسخ و بصیرت بی‌همتایتان که همیشه در لحظه‌ی نیاز، صحنه رویارویی با بد دلان و بدخواهان را عرصه‌ی پیروزی حق میسازد و نمایشگاهی از عزت و عظمت می آراید.

و سپاسی از زرفای دل و جان، آفریننده‌ی هستی را که دست قدرت خود را در عزم و ایمان و بصیرت شما نمایان ساخت و در سی و یکمین سالروز تولد جمهوری اسلامی، نیرومندی و سرزندگی این نظام را که بر ایمان و اعتماد به نفس ملتی کهن تکیه زده است، بیش از همیشه به رُخ دشمنان کشید.

آیا سی و یک سال آزمون و خطای چند دولت متکبر و زورگو کافی نیست که آنان را از خواب غفلت بیدار کند و بیهودگی تلاش برای سیطره بر ایران اسلامی را به آنان تفهیم نماید؟

آیا حضور دهها میلیون انسان بصیر و پُر انگیزه در جشن سی و یک سالگی انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از «مردم» میزنند، به خود آورد و راه و خواست مردم را که همان صراط مستقیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و راه امام بزرگوار است، به آنان نشان دهد؟

بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی 1388/10/19

هر سال نوزدهم دی را همه‌ی ملت ایران، بخصوص مردم عزیز و با بصیرت قم، همچون یک مقطع تاریخی گویا و زباندار، به رخ مستکبران عالم میکشند. جا هم دارد؛ حقیقتاً هم حادثه‌ای مثل نوزدهم دی، به رخ دشمن کشیدنی است.

این حادثه از ابعاد مختلفی قابل توجه و تأمل است: هم بصیرت در این حادثه موج میزند، هم موقع‌شناسی، هم دشمن‌شناسی، هم مجاهدت و اقدام و فداکاری؛ اینها ابعاد این حادثه‌ی عظیمی است که در نوزدهم دی سال 56 - یعنی سی و دو سال قبل - به وقوع پیوسته است. از طرف دیگر، همین حادثه، مبدأ یک تحول، یک حرکت، یک جریان عظیم و جهت‌داری در ملت ایران شد. پس حادثه، حقیقتاً حادثه‌ی مهمی است. آن روز هم تأثیر گذاشت؛ امروز هم که شما یاد آن حادثه را و یاد شهدای روحانی و غیر روحانی آن حادثه را گرمی میدارید، باز تأثیر میگذارد؛ درس میدهد، بصیرت میدهد و جهت حرکت را به ما نشان میدهد.

روزهای سال، به طور طبیعی و به خودی خود همه مثل همنند؛ این انسانها هستند، این اراده‌ها و مجاهدتهاست که یک روزی را از میان روزهای دیگر برمیکنند و آن را مشخص میکنند، متمایز میکنند، متفاوت میکنند و مثل یک پرچمی نگه میدارد تا راهنمای دیگران باشد. روز عاشورا - دهم محرم - فی نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ این حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز جان میدهد، معنا میدهد، او را تا عرش بالا میبرد؛ این مجاهدتهای پاران حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز، این خطورت و اهمیت را میبخشد. روز نوزدهم دی هم همین جور است، روز نهم دی امسال هم از همین قبیل است. نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردمند که ناگهان با یک حرکت - که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دی قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته‌ی از بصیرت است، از دشمن‌شناسی است، از وقت‌شناسی است، از حضور در عرصه‌ی مجاهدانه است - روز نهم دی را هم متمایز میکنند.

مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم یک روز متمایزی شد. شاید به یک معنا بشود گفت که در شرایط کنونی - که شرایط عبارآلودگی فضا است - این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشت؛ کار بزرگی بود. هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر میکند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السلام) را می‌بیند. این کارها کارهایی نیست که با اراده‌ی امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همان طور که امام در یک موقعیت حساسی - که من بارها این را نقل کرده‌ام - به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذ بصیرت، آن مرد خدا.

بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی 1388/10/19

ببینید در جنگ صفین، امیرالمؤمنین در مقابل کفار که قرار نداشت؛ جبهه‌ی مقابل امیرالمؤمنین جبهه‌ای بودند که نماز هم میخواندند، قرآن هم میخواندند، ظواهر در آنها محفوظ بود؛ خیلی سخت بود. کی باید اینجا روشنگری کند و حقائق را به مردم نشان دهد؟ بعضی‌ها حقیقتاً متزلزل میشدند. تاریخ جنگ صفین را که انسان میخواند، دلش میلرزد. در این صف عظیمی که امیرالمؤمنین به عنوان لشکریان راه انداخته بود و تا آن منطقه‌ی حساس - در شامات - در مقابل معاویه قرار گرفته بود، تزلزل اتفاق می‌افتاد؛ بارها این اتفاق افتاد؛ چند ماه هم قضایا طول کشید. یک وقت خبر می‌آوردند که در فلان جبهه، یک نفری شبیه‌ای برایش پیدا شده است؛ شروع کرده است به اینکه آقا ما چرا داریم می‌جنگیم؟ چه فایده دارد؟ چه، چه. اینجا اصحاب امیرالمؤمنین - یعنی در واقع اصحاب خاص و خالصی که از اول اسلام با امیرالمؤمنین همراه بودند و از امیرالمؤمنین جدا نشدند - جلو می‌افتادند؛ از جمله جناب عمار یاسر (سلام الله علیه) که مهمترین کار را ایشان میکرد. یکی از دفعات عمار یاسر - ظاهراً عمار بود - استدلال کرد. ببینید چه استدلالهایی است که انسان میتواند همیشه اینها را به عنوان استدلالهای زنده در دست داشته باشد. ایشان دید یک عده‌ای دچار شبهه شده‌اند؛ خودش را رساند آنجا، سخنرانی کرد. یکی از حرفهای او در این سخنرانی این بود که گفت: این پرچمی که شما در جبهه‌ی مقابل می‌بینید، این پرچم را من در روز احد و بدر در مقابل رسول خدا دیدم - پرچم بنی امیه - زیر این پرچم، همان کسانی آن روز ایستاده بودند که امروز هم ایستاده‌اند؛ معاویه و عمروعاص. در جنگ احد، هم معاویه، هم عمروعاص و دیگر سران بنی امیه در مقابل پیغمبر قرار داشتند؛ پرچم هم پرچم بنی‌امیه بود. گفت: اینهایی که شما می‌بینید در زیر این پرچم، آن طرف ایستاده‌اند، همینها زیر همین پرچم در مقابل پیغمبر ایستاده بودند و من این را به چشم خودم دیدم. این طرفی که امیرالمؤمنین هست، همین پرچمی که امروز امیرالمؤمنین دارد - یعنی پرچم بنی‌هاشم - آن روز هم در جنگ بدر و احد بود و همین کسانی که امروز زیرش ایستاده‌اند، یعنی علی بن ابی‌طالب و یارانش، آن روز هم زیر همین پرچم ایستاده بودند. از این علامت بهتر؟ ببینید چه علامت خوبی است. پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند، در یک جبهه، پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند در جبهه‌ی دیگر، در جبهه‌ی مقابل. فرقی این است که آن روز آنها ادعا میکردند و معترف بودند و افتخار میکردند که کافرند، امروز همانها زیر آن پرچم ادعا میکنند که مسلمند و طرفدار قرآن و پیغمبرند؛ اما آدمها همان آدمهایند، پرچم هم همان پرچم است. خوب، اینها بصیرت است. اینقدر که ما عرض میکنیم بصیرت بصیرت، یعنی این.

از اول انقلاب و در طول سالهایتمادی، کی‌ها زیر پرچم مبارزه‌ی با امام و انقلاب ایستادند؟ آمریکا در زیر آن پرچم قرار داشت، انگلیس در زیر آن پرچم قرار داشت، مستکبرین در زیر آن پرچم قرار داشتند، مرتجعین وابسته‌ی به نظام استکبار و سلطه، همه در زیر آن پرچم مجتمع بودند؛ الان هم همین جور است. الان هم شما نگاه کنید از قبل از انتخابات سال 88، در این هفت هشت ماه تا امروز آمریکا کجا ایستاده است؟ انگلیس کجا ایستاده است؟ خبرگزاری‌های صهیونیستی کجا ایستاده‌اند؟ در داخل، جناحهای ضد دین، از توده‌ای بگیر تا سلطنت‌طلب، تا بقیه‌ی اقسام و انواع بی‌دین‌ها کجا ایستاده‌اند؟ یعنی همان کسانی که از اول انقلاب با انقلاب و با امام دشمنی کردند، سنگ زدند، گلوله خالی کردند، تروریسم راه انداختند. سه روز از پیروزی انقلاب در بیست و دوی بهمین گذشته بود، همین آدمها با همین اسما آمدند جلوی اقامتگاه امام در خیابان ایران، بنا کردند شعار دادن؛ همانها الان می‌آیند توی خیابان، علیه نظام و علیه انقلاب شعار میدهند! چیزی عوض نشده. اسمشان چپ بود، پشت سرشان آمریکا

بود؛ اسمشان سوسیالیست بود، لیبرال بود، آزادی طلب بود، پشت سرشان همه‌ی دستگاه‌های ارتجاع و استکبار و استبداد کوچک و بزرگ دنیا صف کشیده بودند! امروز هم همین است. اینها علامت است، اینها شاخص است؛ و مهم این است که ملت این شاخصها را میفهمد؛ این چیزی است که انسان اگر صدها بار شکر خدا را بکند، حقتش را به جا نیاورده است؛ سجده‌ی شکر کنیم.

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه میکنند به صحنه، میشناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. اینی که من عرض میکنم روز نُه دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ میترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را میکشند جلو، بمباران تبلیغاتی میکنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که میجوشد. یک وقتی هم دندان روی جگر میگذارند، صبر هم میکنند، باید هم بکنند؛ اما یک وقت هم آنجائی که وقت حضور در صحنه است، می‌آیند توی صحنه.

تحلیل حوادث جاری کشورمان تحلیلی نیست که از حوادث عالم جدا باشد. حوادث عالم، حوادث منطقه، اینها به هم متصل است. بخشی هم مربوط به کشور ماست، که البته آن بخش اصلی و اساسی است. علت هم این است که استکبار لنگی کار خود را از اینجا می‌بیند؛ و این نشان میدهد که یک ملت و یک مجموعه‌ی انسانی چه نقشی میتواند ایفاء کند. اینی که امام بزرگوار ما هی خطاب میکرد به امت اسلام، با توجه به این حقیقت است. یک ملت وقتی بیدار میشود، اینجور میتواند همه‌ی محاسبات استکبار را به هم بریزد. کارخانه‌ای که آنها درست کردند، خط تولیدی که برای به ثمر رساندن اهداف استکباری خودشان به وجود آوردند، این خط تولید را بیداری یک ملت اینجور گُند یا متوقف میکند. اگر همه‌ی ملت‌های مسلمان بیایند توی میدان، چه میشود! اگر همه‌ی ملت‌های مسلمان همین بصیرت را، همین آمادگی را، همین حضور را پیدا کنند، چه اتفاقی در دنیا می افتد! از این میترسند. میخواهند صدای من و شما خاموش بشود و به گوش ملت‌های دیگر نرسد. میخواهند کاری کنند که ملت‌های دیگر نفهمند تأثیر بیداری و بصیرت یک ملت در حوادث عالم چقدر است.

بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی 1388/10/19

رحمت خداوند بر روان پاک امام بزرگوارمان که سلسله‌جنبان این حرکت عظیم، او بود؛ و رحمت خداوند بر روان پاک شهدای عزیزمان که آنها بودند که پیشروان و سابقون این حرکت عظیم بودند، که «و السابقون السابقون، اولئک المقربون»؛ اینها هستند که راه را باز کردند، هموار کردند؛ و رحمت خدا بر شما مردم عزیز، بر شما جوانان عزیز، که اینجور بصیرت و آمادگی را از خودتان نشان میدهند و دشمن را از دست اندازی به کشورتان و نظامتان و انقلابتان مأیوس میکنند.

بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 1388/09/22

یک بُعد امروزی قضیه هم آن مناسبت سوم است، که پیوند حوزه و دانشگاه است. اینجا هم مسئله، مسئله‌ی ساختن و رساندن است. ارتباط مجموعه‌ی عظیم دانشجویی کشور با علمای دین، با جوانان شاغل در راه معرفت دینی و تبلیغ دینی، چیزی است که مطلوب در این مناسبت است؛ یعنی این مناسبت برای آن هست. وحدت حوزه و دانشگاه یعنی این. ولاً مراد وحدت عینی و خارجی که نبود. این که معنا ندارد. حوزه، حوزه است، دانشگاه، دانشگاه است؛ یعنی این پیوند حقیقی بین دو مجموعه‌ی اثرگذار و مهمی که تا آن روز که از سوی امام عزیز بیان شد و ابراز شد، سیاستها بر این بود که این دو را از هم دور نگه دارند و جدا نگه دارند: دانشگاه از اسلام دور بماند، حوزه از تحولات جهانی و پیشرفته‌های علمی فاصله بگیرد؛ اینها از هم دور بشوند؛ یعنی این دو بال با هم تلاش نکنند، هماهنگ نباشند. این، برمیگردد به مسئله‌ی تبلیغ. اهمیت تبلیغ، این است. درس هم که میخوانیم، برای این است که بتوانیم پیام الهی را ابلاغ کنیم، برسانیم؛ حالا چه در زمینه‌ی معارف دینی، چه در زمینه‌ی احکام دینی، چه در زمینه‌ی اخلاق الهی.

پس این مناسبت‌ها و این اصل مسئله‌ی تبلیغ، ناظر است به عمل، همراه با بصیرت و یقین. باید بصیرت باشد. یقین، یعنی همان ایمان قلبی متعهدانه، وجود داشته باشد و بر پایه‌ی این بصیرت و یقین، حرکت انجام بگیرد. اگر بصیرت بود، یقین بود، اما کاری انجام نگیرد، این مطلوب نیست؛ تبلیغ نشده است. اگر چیزی تبلیغ شد، اما بدون بصیرت و بدون یقین - هر کدام از اینها کم باشد - یک پایه خراب است و مطلوب به دست نخواهد آمد. این یقین همان چیزی است که «ءامن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کلاً ءامن باللّه و ملائکته و کتبه و رسله»؛ یعنی اول کسی که به پیام، اعتقاد و ایمان عمیق پیدا میکند، خود پیام‌آور است. اگر این نبود، کار دنباله پیدا نخواهد کرد، نفوذ نخواهد کرد. آن ایمان هم باید با بصیرت همراه باشد؛ همچنانی که حالا درباره‌ی بصیرت مطالبی گفته شده است و روشن است. این، میشود عمل صالح. یعنی «انّ الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات»، واقعاً عمل صالح و مصداق اتم عمل صالح، همین تبلیغ است که انجام باید بگیرد. پس در باب تبلیغ، باید فکر کرد، باید کار کرد. این نکته‌ای را که جناب آقای مقتدای اخیراً در بیانشان ذکر کردند، من شنیده بودم و برای من نکته‌ی مهمی است که گفتند مرکزی برای طراحی در باب تبلیغ دین تشکیل شده است. خوب، این همان چیزی است که من خواستم مطالبه کنم که این کار باید انجام بگیرد.

بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 1388/09/22

اگر چنانچه سر دو راهی تابلوتی نباشد که نشان بدهد راه فلان جا از کجاست، طرف راست است یا طرف چپ است، این سیر کننده و رونده، به خطا خواهد افتاد. اگر چند راهی باشد، گمراه خواهد شد. شاخص باید معین کرد، انگشت اشاره را بایستی واضح مقابل چشم همه قرار داد تا بتواند گمراه نشوند. در دنیائی که اساس کار دشمنان حقیقت بر فتنه‌سازی است، اساس کار طرفداران حقیقت بایست بر این باشد که بصیرت را، راهنمائی را، هرچه میتوانند، برجسته‌تر کنند و این شاخصها را، این مایزها را، این معالم‌الطریق را بیشتر، واضح‌تر، روشن‌تر در مقابل چشم مردم قرار بدهند، که مردم بفهمند، تشخیص بدهند و گمراه نشوند.

بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 1388/09/22

یکی از کارهائی که امروز دست‌های فتنه‌انگیز در دنیا بجد دنبال هستند، اختلافات مذهبی در بین مسلمانهاست. چون منطقه‌ای که مسلمانان در آن زندگی میکنند، منطقه‌ی حساسی است، منطقه‌ی پر فایده‌ای است، منطقه‌ی راهبردی است، منطقه‌ی نفت است و آنها به اینجا احتیاج دارند؛ اسلام هم مزاحم است. پس بایستی یک جوری مشکل اسلام را برای خودشان حل کنند. یکی از راه‌های خوبی که پیدا کرده‌اند، ایجاد اختلاف بین مسلمانهاست؛ وسیله‌ی اختلاف هم تعصبات مذهبی. چه چیزی میتواند در مقابل این، ایستادگی بکند؛ بصیرت، روشننگری، تبلیغ صحیح، در دام دشمن نیفتادن.

بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر 1388/09/15

امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه آلاف التّحیّة و السّلام) یک قلعه‌ی مرتفع است؛ هم برای حاکم اسلامی و حکومت اسلامی، هم برای هر فرد مسلمان. جوانی آن بزرگوار، الگوست برای جوانهای امت اسلام؛ آنجور با صفا و صداقت و بصیرت، حقیقت را دیدن، شناختن، به دنبال آن دویدن، از آن با همه‌ی وجود دفاع کردن، میدانهای خطر را طی کردن، خطر را ندیده گرفتن و به هیچ انگاشتن، از راه صحیح یک سر سوزن منحرف نشدن، چشم به پیغمبر داشتن، «یحذو حذو الرّسول»؛ دنبال پیغمبر قدم به قدم حرکت کردن، در مقابل امر الهی و اوامر پیغمبر تسلیم محض بودن، در عین حال لحظه به لحظه بر دانش خود افزودن، عمل را با علم خود منطبق کردن در همه‌ی آنات زندگی.

بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر 1388/09/15

باید بصیر بود؛ باید آگاه بود؛ باید هوشیار بود. ملتها در مسیر خودشان، در موارد حساس باید بفهمند دشمن دارد چه کار میکند. وقتی می‌بینند از عهده‌ی یک ملت با برخورد نظامی بر نمی‌آیند، با برخوردهای تهدیدآمیز و ارباب‌آمیز بر نمی‌آیند، آن وقت شروع میکنند از طرق دیگر اخلال کردن؛ این را بفهمیم. ایجاد اختلاف، ایجاد دشمنی،

تلاش را رها نکنید، جوانان عزیز! کار را رها نکنید، بصیرت را رها نکنید. امیرالمؤمنین الگوست؛ الگوی شما جوانهاست. علم امیرالمؤمنین، تقوای امیرالمؤمنین، پاکدامنی امیرالمؤمنین، الگوست. اینها را رها نکنید. جهاد در راه خدا را، تلاش در راه خدا را - که هر میدانی، جهاد متناسب خودش را دارد - رها نکنید و بدانید که فردای این کشور از امروز این کشور بمراتب ان‌شاءالله بهتر خواهد بود.

بسیج نه به پول وابسته است، نه به عنوان و جاه و جلال وابسته است، نه به دستور از بالا وابسته است. معیار بسیج، بصیرت است و ایمان. ایمان از دل او میجوشد، او را به کار وادار میکند؛ بصیرت هم به او تفهیم میکند که چگونه حرکت کند، معیارها را چگونه تشخیص بدهد، راه را چگونه طی کند. این معنای بسیجی است.

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند؛ یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. اینجور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دل‌های مردم نسبت به یکدیگر؛ یک بهانه‌ای مثل بهانه‌ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست‌آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرح‌های اساسی است. اینجور کاری را دنبال میکنند.

خوب، شما ببینید در یک چنین وضعیتی چه چیزی بیش از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت. بنده بارها بر روی بصیرت تکیه میکنم، به خاطر همین. مردم بدانند چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ ببینند آن دستی را که دارد صحنه‌گردانی میکند، صحنه را شلوغ میکند تا در خلال شلوغی‌های مردم، یک عنصر خائنی، یک عنصر دست‌نشانده و دست‌آموزی بیاورد کاری را که آنها میخواهند، انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد؛ این کاری است که دشمن میخواهد انجام بدهد. هر اقدامی که به بصیرت منتهی بشود، بتواند عنصر خائن را، عنصر بدخواه را از آحاد مردم و توده‌ی مردم جدا کند، او را مشخص کند، این خوب است. هر اقدامی که فضا را مغشوش کند، مشوش کند، انسانها را نسبت به یکدیگر مردد کند، فضای تهمت‌آلود باشد، مجرم و غیر مجرم در آن مخلوط بشوند، این فضا مضر است، مخالف است.

دیدید شما در اوائل همین حوادث بعد از انتخابات - این فتنه‌ی بعد از انتخابات - اولین کاری که شد، تردیدافکنی در کار مسئولین رسمی کشور بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزارت کشور. این تردیدافکنی‌ها خیلی مضر است؛ دشمن این را میخواهد. جوانان بسیجی باید ایمان را، بصیرت را، انگیزه را، رعایت موازین و معیارها را، اینها همه را با هم ملاحظه کنند.

روز 13 آبان را ملت ما و مسئولین ما نامگذاری کردند؛ روز مبارزه‌ی با استکبار جهانی. مبارزه یک امر مهم و پیچیده است. با هر پدیده‌ای یک جور میشود مبارزه کرد. با دشمنی که در مرزها به کشور حمله میکند، یک جور باید مبارزه کرد؛ با دشمنی که شیوه‌های امنیتی را به کار میبرد، یک جور باید مبارزه کرد؛ با دشمنی که اساس یک ملت را، یک جامعه و یک کشور را تهدید میکند و از بن دندان با یک ملت دشمنی میورزد و انواع روشها را به کار میبرد هم یک جور باید مبارزه کرد. یک مبارزه‌ی صحیح، منطقی و معقول و در عین حال قاطع، احتیاج دارد به چند چیز:

یکی انگیزه‌ی برخاسته از ایمان است. با دستور نمیشود ملتی را، جوانانی را وادار کرد به ایستادگی در یک میدان دشوار. باید انگیزه از دل بجوشد؛ آن هم انگیزه‌ی ناشی از ایمان. این در جوانهای ما امروز به حد کافی وجود دارد؛ من با اطلاع عرض میکنم، با آشنائی با نسل جوانان و قشر جوانان عرض میکنم: امروز جوانهای ما از آن روزی که در سال 57، رژیم پهلوی - رژیم دست‌نشانده‌ی آمریکا - به جوانان ما تو همین خیابانها حمله کرد و خون آنها را ریخت، انگیزه‌ی‌شان بیشتر است و کمتر نیست. از آن روزی هم که یک عده جوان رفتند سفارت آمریکا را که مرکز و پایگاه توطئه‌ی علیه انقلاب شده بود تسخیر کردند، امروز جوانان ما انگیزه‌ی‌شان کمتر نیست؛ اگر بیشتر نباشد. علت هم واضح است؛ چون سی سال تجربه، متراکم در تاریخ این ملت ثبت شده است. ذهن بیدار جوان، چشم باز جوان، ولو آن روزها را ندیده است؛ اما این تجربه‌ها را تحویل میگیرد. نسل به نسل تجربه‌های یک ملت غنی‌تر، عمیق‌تر و مفیدتر میشود. پس جوانان امروز ما از لحاظ انگیزه هیچی کسر ندارند. صرف‌نظر از یک عده انقلابی فرسوده‌ی پشیمان که به دلایل گوناگون، زندگی راحت را، سازش را ترجیح دادند، یا به ساز دشمن رقصیدن را عیب ندانستند، جوان کشور، توده‌ی ملت که اکثریت هم جوان هستند، این انگیزه‌ی عمیق را دارند. من به شما عرض کنم: اگر امروز حادثه‌ای مثل جنگ تحمیلی که در سال 59 پیش آمد، در کشور ما بروز کند، هجوم جوانان به جبهه و داوطلبی آنها برای مواجهه‌ی با دشمن آشکار و رو به رو، از سال 59 و 60 بمراتب بیشتر خواهد بود.

یک عنصر دیگری که لازم است، بصیرت است. اینی که ملاحظه میکنید بنده مکرر در دیدار جوانها، دانشجویان، قشرهای مختلف مردم، بر روی بصیرت تکیه میکنم، برای این است که در وضع بسیار مهم امروز دنیا و موقعیت استثنائی کشور عزیز ما - امروز در دنیا که موقعیت ممتازی است - هرگونه حرکت عمومی به یک بصیرت عمومی احتیاج دارد. البته من این را هم به شما بگویم: امروز بصیرت جوانهای ما هم از جوانان آن روزگار اول انقلاب و در اثنای انقلاب، یقیناً بیشتر است. خیلی چیزها را شما امروز میدانید، برای شما جزو واضحات است، که آن روزها باید برای جوانها، آنها را شرح میدادیم، بیان میکردیم؛ اما امروز جوانهای ما اینها را میدانند؛ بصیرت بالاست. در عین حال من تأکید میکنم بر روی بصیرت.

حالا اولین مسئله‌ی بصیرت این است که این استکبار چیست که باید با آن مبارزه کرد.

یک مطلب راجع به مسائل کلی کشور و انقلاب عرض کنم. ببینید برادران و خواهران عزیز! خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه میفرماید: ای پیغمبر! من با بصیرت حرکت میکنم؛ «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی»؛ خود پیغمبر با بصیرت حرکت میکند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت. این مال دوران مکه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه‌ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی. اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت میکنند و قدم برمیدارند، همه‌ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند میشود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمیتواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم میگذارد. شما در جبهه‌ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه میکنید می‌بینید در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط میشود. این قطب‌نما همان بصیرت است.

در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمیشود حرکت کرد. جوانها باید فکر کنند، ببینند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرتها لازم است. وقتی بصیرت بود، آنوقت شما میدانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمیدارید. یک روز شما میخواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپاتی هم میشود رفت تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز میخواهید بروید

قله‌ی دماوند را فتح کنید، او دیگر تجهیزات خودش را می‌خواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه می‌خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید.

بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر 1388/07/15

مخاطب من عموم مردمند، بخصوص جوانان؛ همه‌ی مردم کشورند، بخصوص این مناطق حساس. جوانان عزیز! هر چه می‌توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمؤمنین در یک خطبه‌ای از جمله‌ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد: «آتما بدء الوقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تتدع یخالف فیها کتاب الله». در همین خطبه، امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمیتواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «و لكن یؤخذ من هذا ضعف و من هذا ضعف فیميزان». آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند؛ باطل و حق را آمیخته میکنند، مزوج میکنند، آن وقت نتیجه این میشود که «فهنالك یستولی الشیطان علی اولیائنه»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه میشود. این است که بصیرت میشود اولین وظیفه‌ی ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود.

امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی که فعلاً قله‌ی اسلام‌طلبی در دنیای اسلام است، صفوفی قرار گرفته‌اند؛ استکبار جهانی در قلب آن صفوف است؛ صهیونیست در قلب آن صفوف است. اینها به طور صریح، دشمنان خونی اسلامند، پس دشمنان خونی جمهوری اسلامی‌اند. این شد یک معیار. اگر حرکتی کردیم، کاری کردیم که به نفع این دشمن انجام گرفت، باید بدانیم اگر غافلیم، هوشیار بشویم، بدانیم که داریم راه غلط می‌رویم. اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن را خشمگین میکند، بدانیم که راهمان را درست است. دشمن از پیشرفت ملت ایران خشمگین میشود، از موفقیت‌های شما خشمگین میشود، از استحکام نظام اسلامی خشمگین میشود. شما ببینید از کدامیک از کارهای ما دشمن خشمگین میشود؛ آن چیزی که دشمن را خشمگین میکند، این همان خط درست است. آن چیزی که دشمن را مشعوف میکند، ذوق‌زده میکند، سعی میکند بر روی او هی تکیه کند؛ در تبلیغات، در سیاست‌ورزی، این آن خط کج است؛ این همان زاویه‌داری است. این معیارها را در نظر داشته باشید. این معیارها حقایق را روشن خواهد کرد. در بسیاری از موارد آن جایی که اشتباهی پیش می‌آید، با این معیارها میشود آن اشتباه را برطرف کرد.

به خدای متعال باید توکل کرد، به خدا باید اعتماد کرد، به خدای متعال باید حسن ظن داشت. خدای متعال وعده کرده است: «و لینصرنّ الله من ینصره»؛ آن کسانی که در راه نصرت دین خدا حرکت میکنند، وقتی حرکت کنند، خدا آنها را نصرت میدهد. بله، طرفدار دین خدا باشیم، کاری هم انجام ندهیم، گوشه‌ی خانه بخوابیم، نصرتی وجود ندارد؛ اما وقتی که حرکت میکنیم برای نصرت دین خدا، ممکن است هزینه هم داشته باشد، اما نصرت قطعی است؛ همچنانی که از اول انقلاب تا امروز، در چالش‌های گوناگون، ملت ایران پیروز شده است؛ این نصرت الهی است. در جنگ تحمیلی، هشت سال، تقریباً همه‌ی دنیای مطرح آن روز، پشت سر دشمن ما قرار گرفتند و با ما جنگیدند؛ آمریکا به آنها کمک کرد، شوروی به آنها کمک کرد، ناتو به آنها کمک کرد، همسایگان بی‌انصاف به آنها کمک کردند؛ پول دادند، امکانات دادند و همه‌ی اینها در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفتند و قصدشان تجزیه‌ی ایران بود، قصدشان جدا کردن خوزستان بود، قصدشان تصرف سرزمین بود، که بتوانند جمهوری اسلامی را به بی‌کفایتی متهم کنند و ساقط کنند؛ اما خدای متعال تو دهن آنها زد و ملت ایران با صبر خود، با ایستادگی خود، با بصیرت خود، به دشمنان آنچنان ضربه‌ای وارد کرد که عقب‌نشینی کردند. این امکان همیشه در اختیار شماست.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1388/07/02

امروز مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قوی‌ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناکتر است. این سلاح دشمن را شما در بلوهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه به لحظه، قضایای ما را دنبال میکرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود میداد. «و انّ الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلواکم»؛ دائم به اولیاء خودشان ایحاء میکردند. خوب، این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضح‌تر و روشن‌تر میشود فرض کرد؟

باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبان جامعه و جریانات سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛ آنوقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است.

این محورهایی که عرض شد این خطوط دشمن را ما در عمل خودمان و در اظهارات خودمان باید محاسبه کنیم و باید اینها را در محاسبات خودمان بگنجانیم، که اگر اظهارنظری هم می‌خواهیم بکنیم، با توجه به اینها باشد؛ عمل و اقدامی می‌خواهیم بکنیم، با توجه به اینها باشد؛ ببینیم آیا داریم به دشمن کمک میکنیم یا نه. این به نظر من چیز مهمی است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1388/07/02

ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقیهانه، احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود، حتی در فهم خلل به وجود خواهد آمد. درک روشن از کُبریات و صُغریات؛ گاهی انسان کُبریات را درست می‌فهمد، در صُغریات اشتباه میکند. این درک صحیح از میانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی کُبریات و صُغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ والا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جو، ترس از فضا؛ اگر این حرف را بزنیم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بزنیم، فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترسها فهم انسان را هم مختل میکند. گاهی انسان به خاطر این ترسها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ نمیتواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. لذا «و لا یخشون احدا الا الله» خیلی مهم است؛ در این آیه‌ی شریفه‌ی «الَّذین یلّغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله و کفی بالله حسیبا»؛ معلوم میشود شرط بلاغ و ابلاغ و تبلیغ، همین عدم خشیت است که: «و لا یخشون احدا الا الله». می‌گوئی: آقا! اگر این کار را بکنم، ممکن است در دنیا سرم کلاه برود. خوب، «و کفی بالله حسیبا»؛ محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند. اگر بروای قضاوت‌های مردم، داورهای گوناگون مردم را به جای پروای از خدا گذاشتیم، مشکل درست خواهد شد؛ چون پروای از خدای متعال تقواست. اگر این را کنار گذاشتیم و ترس مردم جایگزین شد، آنوقت فرقانی هم که خدای متعال گفته، پیدا نخواهد شد؛ «ان تتقوا الله یجعل الله لکم فرقانا»؛ این فرقان ناشی از تقواست؛ روشن شدن حقیقت برای انسان، دستاورد تقواست. و به نظر من این مسئله خیلی مهم است؛ مسئله‌ی خشیت از مال و جان و حرف مردم و آبرو و زرمه‌ها و حرفها و حدیثها و تهمت‌ها و اینها، خیلی مهم است؛ اینقدر این مسئله مهم است که خدای متعال به پیغمبرش خطاب میکند و او را برحذر میدارد: «و اذ تقول للذی انعم الله علیه و انعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتق الله و تخفی فی نفسک ما الله مبیدیه و تخشی التیاس و الله احقّ ان تخشاه»؛ ملاحظه‌ی حرف مردم، ملاحظه‌ی این تهمت‌ی که خواهند زد، ملاحظه‌ی چیزی را که خواهند کرد، نباید کرد؛ «و الله احقّ ان تخشاه». به نظر من یکی از چیزهایی که فتوحات گوناگون امام را ارزانی آن بزرگوار داشت، همین شجاعت او بود، که فتوحات علمی، فتوحات معنوی، فتوحات سیاسی، فتوحات اجتماعی، این مجذوب شدن دل‌ها به آن بزرگوار را - که واقعاً چیز عجیبی بود - به وجود آورد. و شجاعت آن بزرگوار این بود که ملاحظه‌ی هیچ چیزی را نمیکرد. بالاخره اهل فتنه مایلند که خشیت خودشان را، خوف از خودشان را در دل نخبان و خواص، به جای خشیت از خدا بنشانند؛ یعنی مایلند که از آنها ترسیده بشود؛ «الَّذین قال لهم التّاس انّ التّاس قد جمعوا لکم فاحشوه فزادهم ایمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل». یعنی اینکه دائماً دارند به ما می‌گویند: آقا! «انّ التّاس قد جمعوا لکم فاحشوه»،

جوابش همین است: «فقالوا حسبنا الله و نعم الوكيل». نتیجه‌اش هم این است: «فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم يمسسهم سوء». نتیجه‌ی این احساس، این درک، این حقیقت روحی و معنوی همین است که: «فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم يمسسهم سوء». بنابراین، بایستی این شجاعت را داشت.

دشمن انواع و اقسام کار را میکند؛ انواع و اقسام فعالیت را میکند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی میکنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظائف اصلی امروز ما و شما، همین است؛ ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاء‌الله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم.

انقلاب اسلامی، خیلی ریشه‌دار است؛ خیلی قوی است؛ خیلی ارکان مستحکمی دارد؛ و خدای متعال هم پشتیبان ماست؛ همین طور که من بارها از قول امام (رضوان الله علیه) نقل کرده‌ام که فرمودند: من از اولی که وارد این قضیه شدیم، دیدم - یا احساس کردم - یک دست قدرتی دارد کارها را پیش میبرد. حقیقتاً همین جور است؛ و این را ایشان به من فرمودند. انسان این دست قدرت الهی را می‌بیند. البته این دست قدرت الهی، قوم و خویشی‌ای با ما ندارد - «من كان لله كان الله له»، «إن تنصروا الله ينصركم»، «و لينصرت الله من ينصره» - باید در خدمت این راه باشیم؛ خالصانه؛ آنچه که داریم، بیاوریم میدان و برای این راه تقدیم کنیم؛ تلاشمان و کارمان را برای این راه تقدیم کنیم. خدای متعال هم تفضل خواهد کرد؛ لطف خواهد کرد؛ امروز هم همین کار شده و خدای متعال تفضل کرده و سنگ دشمن به سوی خودش برگشته؛ تیرش کمانه کرده به طرف خودش؛ و توانستند از توطئه‌ای که کردند، طرفی ببندند.

قطعاً این بلوهای بعد از انتخابات، به نظر آدمهای خیره و آگاه، برنامه‌ریزی شده بود. یعنی انسان با هر کسی از انسانهای فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان می‌گذارد، می‌فهمد. پربروز من به ایشان همین را عرض کردم؛ گفتم اینها برنامه‌ریزی شده بود. ایشان گفتند: قطعاً. یعنی همه این را می‌فهمند که این کار برنامه‌ریزی شده بوده و این یک کار دفعی نبود که بخواهیم بگوئیم یک چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد؛ نه، این کار برنامه‌ریزی شده بود؛ از یک مرکز هدایت میشد. خوب، شکست خوردند دیگر؛ ان‌شاء‌الله این شکست‌شان ادامه هم پیدا خواهد کرد. منتها دائم دارند توطئه میکنند. این را هم عرض بکنیم؛ بعضی‌ها در فضای فتنه، این جمله‌ی «كن في الفتنة كابن اللبون لا ظهر فيركب و لا ضرع فيحلب» را بد می‌فهمند و خیال میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه‌گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فيركب و لا ضرع فيحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود.

در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار یاسر دائم - آثار صفین را نگاه کنید - مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروه‌های مختلف؛ چون آنجا واقعاً فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم فرار گرفتند؛ فتنه‌ی عظیمی بود؛ یک عده‌ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشننگری بود؛ این طرف میرفت، آن طرف میرفت، برای گروه‌های مختلف سخنرانی میکرد - که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست - از آن طرف هم آن عده‌ای که «نفر من اصحاب عبد الله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیرالمؤمنین - یعنی قبول هم داشتند که امیرالمؤمنین است - آتا قد شككنا فی هذا القتال»؛ ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضرعی است که یحلب؛ همان ظهری است که یركب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشننگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند. امیدواریم ان‌شاء‌الله خدای متعال ما را و شما را به آنچه می‌گوئیم، به آنچه نیت داریم، عامل کند؛ موفق کند.

پیام تسلیت در پی حادثه‌ی خونین تروریستی در کردستان 1388/06/26

دست جنایتکار و گنهکار مزدوران استکبار و ارتجاع به خون عالم مجاهد و روحانی خدمتگزار جناب ماموستا شیخ الاسلام نماینده‌ی مجلس خبرگان رهبری آلوده شده و آن مرد شریف و خدوم پس از دهها سال دفاع صریح از حق، بدست جنود باطل به شهادت رسیده است. در این چند روز چند عنصر روحانی ارزشمند دیگر از جمله امام جمعه‌ی موقت سنندج و 2 تن از مسئولان قضائی محترم آن استان که پیش از این بزرگوار مجروح و یا شربت شهادت نوشیده اند، به این زنجیره شقاوت و خونخواری در ماه مبارک رمضان و در آستانه‌ی روز دفاع از ملت فلسطین، نشان دهنده‌ی آن است که این جنایتکاران با وجود ادعای دینداری و تعصب مذهبی، نه فقط احترام شهر الله را هتک می‌کنند، بلکه آماج حمله‌ی آنان در اصل، همان چیزی است که دستگاه استکبار و برخی دولتهای روسیاه منطقه کمر دشمنی با آن بسته اند. دلبستگی به نظام جمهوری اسلامی و دفاع از آرمانهای اسلامی و مسأله‌ی قدس شریف جرم ناخوشدونی این شهیدان و مجروحان عزیز از نظر این مزدوران جنایتکار و اربابان فرعون صفت و قارون منش آنهاست. پس از اردیبهشت معطر امسال کردستان که در آن ندای گوش و دل نواز وحدت اسلامی بیش از همیشه در آن دیار طنین افکند، دستگاه استکبار و استبداد اکنون درصدد انتقام‌گیری از مردم نجیب و مظلوم آن استانند. برای آن دشمنان سنگدل، کرد و فارس و شیعه و سنی تفاوت نمی‌کند. دل پلید و پر کینه‌ی آنان حتی به روحانی کهنسالی چون شهید مظلوم ماموستا شیخ الاسلام نیز با قساوت و شقاوت دست ستم می‌گشاید. لعنت خدا و رسول و مؤمنان بر آن خونخواران و مراکز اصلی پشتیبانی و فرماندهی آنان باد. مردم عزیز کردستان با بصیرت کامل، دشمنان خود را بشناسند و مسئولان امنیت استان مقابله قدرتمندانه با این آدمکشان مجارب را در صدر برنامه‌های خود قرار دهند.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه 1388/06/08

کشور در برهه‌ای از زمان در معرض یک آزمون سیاسی بسیار تعیین کننده‌ای قرار گرفت و همان طور که بعضی از دوستان اشاره کردند، هاضمه‌ی نظام و کشور توانست حوادث را در درون خودش هضم کند و فائق بیاید. من قبلاً هم گفتم، بروز چنین حوادثی برای ما هیچ خلاف انتظار نیست. یعنی حالا. اگر تعبیر دقیقتری بخواهم بکنم، «چندان» نگوئیم؛ «هیچ» خلاف انتظار نیست. یعنی تا حدود زیادی انتظار حوادثی از این قبیل هست، به دلایل گوناگون؛ رسالتی که برای نظام قائلیم، رسالتی که برای اسلام قائلیم، معنایی که برای جمهوری اسلامی در ذهنمان داریم، تعریفی که جمهوری اسلامی از خودش برای ما در طول این سی سال کرده، هوشمندی مردم‌مان و جوانان‌مان که به تجربه رسیده، وجود آزادی‌ناگزیر که به حکم اسلام باید این آزادی در کشور باشد و ما به آن اعتقاد داریم - اعتقاد ما به آزادی یک مسئله‌ی تاکتیکی نیست؛ یک مسئله‌ی واقعی است. آزادی به همان معنایی که جمهوری اسلامی تعریف میکند، نه به معنایی که غربی‌ها تعریف میکنند، که آن، به نظر ما انحراف است. آنجائی که باید آزادی باشد، نیست؛ آنجائی که باید محدودیت باشد، قیدها گسسته است و آزادی هست؛ آن را ما مطلقاً قبول نداریم؛ تو رودر بایستی غرب هم گیر نمی‌کنیم. ما آزادی را با همان مفهوم اسلامی خودش قبول داریم، که البته تو آن آزادی بیان هست، آزادی رفتار هست، آزادی فکر هست - این حوادث چندان خلاف انتظار نیست. آنچه که مهم است این است که یک انسان با شرف، مؤمن، معتقد به اهداف والای جمهوری اسلامی، بداند که در این جور حوادث چه کار باید بکند؛ این، مهم است. این، آن چیزی است که مخاطبه‌ی من با شما دانشگاهیان را در این مسئله‌ی خاص الزامی میکند، که من - البته کوتاه صحبت میکنم، بنا هم ندارم در این زمینه تفصیلاً حرف بزنم - در چند روز پیش هم که جوانهای دانشجو اینجا بودند - حسینی‌ه همین طور که حالا اجتماع هست، اجتماعی بود از جوانها - به آنها گفتم که ما با جنگ نرم، با مبارزه‌ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوانها هم همین را می‌گفتند؛ مکرر قبل از اینکه بنده بگویم، آنها هم می‌گفتند و همه این را میدانستند. آئی که من اضافه کردم این بود که گفتم: در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، باید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده میگوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح فرارگاه‌ها و یگانهای بزرگ، چون آنها

طراحی‌های کلان را میکنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست می‌بینید؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می‌بینند، در چهارچوب هم کار میکنند. خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه‌ای دارد؟ اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی کنید؛ هدفهای دشمن را کشف کنید؛ احياناً به فرارگاه‌های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا میکنند.

خوب، حالا استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته‌ی حال و آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوانهایتان را توجیه کنید. منظورم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی را برایشان معرفی کنید. نه، اصلاً من موافق هم خیلی نیستم. اسم آوردن از زید و عمرو و بکر و ... این چیزها، کمکی به حل مشکل نمیکند. به اینها قدرت تحلیل بدهید. به اینها توان کار و نشاط کار بدهید. چه جور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلائی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. اینکه می‌گویند: آقا! چه فایده دارد؟ فایده‌ای ندارد. این روحیه «فایده‌ای ندارد» - یأس از آینده - سم مهلک همه‌ی فعالیتهاست؛ چه فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، چه حتی فعالیتهای علمی، فعالیتهای پژوهشی. این کسانی که کشفیات بزرگ را در زمینه‌های علوم تجربی و دانشهای گوناگون انجام دادند، اینها اگر ناامید از نتیجه بودند، قطعاً به اینجا نمیرسیدند. امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را پیش میبرد. جوان ما را ناامید کنند از کشورش، از انقلابش، از آینده‌اش، از دولتش، از دانشگاهش، از آینده‌ی علمی‌اش، از آینده‌ی شغلی‌اش. این خیلی مضر است. این کاری است که تو برنامه‌های دشمنان ما و مخالفین نظام وجود دارد. به نظر من یکی از کارهای اساسی این است. محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید.

بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 1388/06/04

مواظب باشید توی این قضایای سیاسی کوچک و حقیر نبادا دانشگاه تحت تأثیر فرار بگیرد؛ نبادا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ نبادا آزمایشگاه‌های ما، کلاسهای ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسائل مهم در پیش روی شما، حفظ حرکت علمی در دانشگاه‌هاست. دشمنها خیلی دوست میدارند که دانشگاه ما یک مدتی لااقل دچار تعطیلی و تشنج و اختلالهای گوناگونی باشد؛ این برایشان یک نقطه‌ی مطلوب است؛ هم از لحاظ سیاسی برایشان مطلوب است، هم از لحاظ بلندمدت؛ چون علم شما از لحاظ بلندمدت به ضرر آنهاست؛ لذا مطلوب این است که دنبال علم نباشید.

حالا شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله‌ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست؛ خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید. یا مقابله‌ی با نفاق جدید، یا تعریف عدالت. من اینجا بیایم بنشینم یک بحث فلسفی بکنم، عدالت چند شعبه دارد، چه جوری است. حالا بامزه این است که ایشان می‌گویند توی یک جمله بیان کنید. معروف است یک نفری زمان شیخ انصاری پسرش را آورده بود نجف. دید طلبه‌ها درس میخوانند و ملا میشوند و شیخ انصاری هم خوب، شخص بزرگی بود؛ هوس کرد پسرش را طلبه کند. آمد به پیش شیخ انصاری، گفت شیخنا! این نوجوان را من آورده‌ام و خواهش میکنم تا فردا که می‌خواهیم راه بیفتیم برویم، شما او را فقیه کنید!

عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه‌ی جنگ نرم، یکی‌اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوشبینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی‌تان به جای پدر بزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوشبینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید - مرکز خوشبینی - مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به دنبالش بی‌عملی، به دنبالش بی‌تحریکی، به دنبالش انزواء است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن میخواهد.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری 1388/05/12

تجربه‌هایی هم این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و مسئولان ما بود که من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه‌مان جدی بگیریم؛ هم مسئولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند. و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرائط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه‌ای وارد شود، چیز خطرناکی است. هشیار باشید. این همان توصیه‌ی امیر مؤمنان (سلام الله علیه) است که فرمود: «و من نام لم ینم عنه». در عرصه‌ی زندگی سیاسی دچار خواب‌آلودگی نشویم؛ در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد. این تحلیل نیست که ما می‌گوئیم، اطلاع است. دشمنان نظام جمهوری اسلامی سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی‌ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کنند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه‌های زیادی را به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران یک عید به حساب می‌آمد، یک جشن بزرگ ملی به حساب می‌آمد، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد. این تجربه بایستی برای ما - همه‌ی ما، همه‌ی آحاد مردم - تجربه‌ی هشداردهنده‌ای باشد. اگر ما در صحنه‌ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد؛ این برای ما تجربه شد.

بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر 1388/05/05

اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت. بلاهاتی که بر ملت‌ها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است. خطاهایی که بعضی از افراد میکنند - می‌بینید در جامعه‌ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه‌ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهایی میکنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کم‌ها هم بیشتر نباشد، کیفیاً بیشتر از خطاهای عامه‌ی مردم است - بر اثر بی‌بصیرتی است؛ خیلی‌هایش، نمی‌گوئیم همه‌اش.

بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله‌ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا و لایحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهائی را میزد که دوست میزد؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین میخواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم - در جنگ جمل و صفین و نهروان - میخواندند. حالا شما باشید، چه کار میکنید؟ به شما می‌گویند: آقا! این طرف مقابل، باطل است. شما می‌گوئید: با این نماز، با این عبادت! بعضی‌شان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی. امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی

دارد با صدای خوشی میخواند: «أمن هو قانت ءاناء اللیل» - آیهی قرآن را نصفه شب دارد میخواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده‌ای - یک نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی میخواند. ای کاش من یک موئی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت میرود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت میروم. این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته‌های دشمن، همین طور عبور میکرد و میگفت بعضی‌ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند، اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مو از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک میخواند! اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) میایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد.

بنده بارها این جبهه‌های سیاسی و صحنه‌های سیاسی را مثال میزنم به جبهه‌ی جنگ. اگر شما تو جبهه‌ی جنگ نظامی، هندسه‌ی زمین در اختیاران نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسائی میروند. یکی از کارهای مهم در عمل نظامی، شناسائی است؛ شناسائی از نزدیک، که زمین را بروند ببینند؛ دشمن کجاست، چه جوری است، مواضعش چگونه است، عوارضش چگونه است، تا بفهمند چه کار باید بکنند. اگر کسی این شناسائی را نداشته باشد، میدان را نشانسد، دشمن را گم بکند، یک وقت می‌بیند که دارد خمپاره‌اش را، توپخانه‌اش را آتش میکند به طرفی، که اتفاقاً این طرف، طرف دوست است، نه طرف دشمن. نمیداند دیگر. عرصه‌ی سیاسی عیناً همین جور است. اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را نشاناسید، دشمن را نشاناسید، یک وقت می‌بینید آتش توپخانه‌ی تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتهدند، نه دشمنان. آدم دشمن را نشاناسد؛ در شناخت دشمن خطا نکنیم. لذا بصیرت لازم است، تبیین لازم است.

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی و بر دل آن گوینده. اینها مضر است. جناح و اینها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود. چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند. همین که حالا امروز به آن جنگ روانی میگویند، این جزو اختراعات جدید نیست، شیوه‌هاش فرق کرده؛ این از اول بوده. خیلی هم ماهر بودند در این جنگ روانی؛ خیلی. آدم نگاه میکند کارهایشان را، می‌بیند که در جنگ روانی ماهر بودند. تخریب ذهن هم آسانتر از تعمیر ذهن است. وقتی به شما چیزی بگویند، سوءظنی یک جا پیدا کنید، وارد شدن سوء ظن به ذهن آسان است، پاک کردنش از ذهن سخت است. لذا آنها شبهه‌افکنی میکردند، سوء ظن را وارد میکردند؛ کار آسانی بود. این کسی که از این طرف، خودش را موظف دانسته بود که در مقابل این جنگ روانی بایستد و مقاومت کند، جناب عمار یاسر بود، که در قضایای جنگ صفین دارد که با اسب از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی میرفت و همین طور این گروه‌هایی را که - به تعبیر امروز، گردانها یا تیپهای جدا جدا از هم - بودند، به هر کدام میرسید، در مقابل آنها می‌ایستاد و مبالغی برای آنها صحبت میکرد؛ حقائق را برای آنها روشن میکرد و تأثیر میگذاشت. یک جا میدید اختلاف پیدا شده، یک عده‌ای دچار تردید شدند، بگو مگو توی آنها هست، خودش را بسرعت آنجا میرساند و برایشان حرف میزد، صحبت میکرد، تبیین میکرد؛ این گره‌ها را باز میکرد.

بنابراین، بصیرت مهم است. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند. آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند؛ نمی‌فهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی بگویم به نفع دشمن می‌براند؛ به نفع جبهه‌ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نفعی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند، آدم‌های بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند؛ اما این است دیگر. بی‌بصیرتی است دیگر. این بی‌بصیرتی را بخصوص شما جوانها با خواندن آثار خوب، با تأمل، با گفتگو با انسانهای مورد اعتماد و پخته، نه گفتگوی تقلیدی - که هر چه گفت، شما قبول کنید. نه، این را من نمیخواهم - از بین ببرید. کسانی هستند که میتوانند با استدلال، آدم را قانع کنند؛ ذهن انسان را قانع کنند. و حتی حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) هم از این ابزار در شروع نهضت و در ادامه‌ی نهضت استفاده کرد. حالا چون ایام مربوط به امام حسین (علیه‌السلام) است، این جمله را عرض کرده باشیم:

امام حسین را فقط به جنگ روز عاشورا نباید شناخت؛ آن یک بخش از جهاد امام حسین است. به تبیین او، امر به معروف او، نهی از منکر او، توضیح مسائل گوناگون در همان منی و عرفات، خطاب به علما، خطاب به نخبگان - حضرت بیانات عجیبی دارد که تو کتابها ثبت و ضبط است - بعد هم در راه به سمت کربلا، هم در خود عرصه‌ی کربلا و میدان کربلا، باید شناخت. در خود عرصه‌ی کربلا حضرت اهل تبیین بودند، میرفتند، صحبت میکردند. حالا میدان جنگ است، منتظرند خون هم را بریزند، اما از هر فرصتی این بزرگوار استفاده میکردند که بروند با آنها صحبت بکنند، بلکه بتوانند آنها را بیدار کنند. البته بعضی خواب بودند، بیدار شدند؛ بعضی خودشان را به خواب زده بودند و آخر هم بیدار نشدند. آنهایی که خودشان را به خواب میزنند، بیدار کردن آنها مشکل است، گاهی اوقات غیر ممکن است.

بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی 1387/10/19

ملت مسلمان ما باید همین عزم راسخ را در ذهن خود، در دل خود نگه دارد؛ این بصیرت را مغتنم بشمارد؛ این آگاهی و بیداری را که نصیب این ملت شده است، مغتنم بشمارد و حضور خود را حفظ کند؛ مواضع خود را آشکارا نشان بدهد و به دنیا اعلام کند که جمهوری اسلامی بر سر مواضع ظلم‌ستیز خود ایستاده است و برای آن، مقاومت و فداکاری خواهد کرد و مسلماً آنچه که به دست خواهد آورد، از آنچه که از دست خواهد داد، برتاب گرانبهارت و ارزشمندتر خواهد بود. و مطمئناً روح مطهر شهیدان عزیز ما و روح مطهر امام بزرگوار ما پشتیبان ملت ایران و پشتیبان این مجاهدتها و دفاعهای جانانه خواهند بود و ان‌شاءالله پیروزی را همه‌ی ملت‌های مسلمان در آینده‌های نه چندان دوری جشن خواهند گرفت.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 1387/09/24

نهضت عظیم اسلامی، همت مردم، رهبری شخصیت بی‌نظیری مثل امام - که حقاً و انصافاً شخصیت بی‌نظیری بود - کار خودش را کرد. «صبر» و «بصیرت». بنده بارها از کلام امیرالمؤمنین (علیه‌الصّیلة و السّلام) این را نقل کرده‌ام: «لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصّبر»؛ بصیرت - آگاهی - و صبر؛ یعنی استقامت، پافشاری، خسته نشدن. این دو خصوصیت در ملت ایران پیدا شد و کار خودش را کرد و انقلاب پیروز شد. در واقع تشکیل نظام جمهوری اسلامی، پاسخی بود به نیاز بلندمدت تاریخی ملت ایران. ملت ایران از دل آرزوهای تاریخی خودشان، جمهوری اسلامی را علم کردند و سر پا کردند. خوب، بدیهی است وقتی که یک نظامی اینجور در آرزوهای دیرین مردم ریشه دارد، این نظام ماندنی است؛ این نظام قابلیت بقاء دارد، قابلیت رشد دارد، ریشه میدواند و دشمنی با این نظام آسان نیست. و این اتفاق افتاد.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان 1387/08/08

فردای این کشور، فردای این ملت، به احساس مسئولیت امروز شما نیازمند است. احساس مسئولیت کنید که چه بشود؟ که خود را بسازید؛ از لحاظ علمی بسازید، از لحاظ ایمان و تقوا بسازید، بصیرت خودتان را زیاد کنید، آگاهی‌های خودتان را نسبت به امروز و دیروز و فردا افزایش بدهید. ده سال دیگر، دوازده سال دیگر، همه‌ی شما جمعیتی که اینجا هستید و نژاتر شما در سرتاسر کشور، جوانان تحصیل‌کرده‌ای هستند که وارد میدان عرصه‌ی زندگی ملت ایران خواهند شد و بسیاری از شماها مسئولیتهایی در اختیاران خواهد بود. رؤسای جمهور آینده، وزرای آینده، مدیران آینده و برجستگان گوناگون بخش‌های مختلف آینده - آن کسانی که طراحند، برنامه‌ریزند، متفکرند، تئوریسین اداره‌ی کشور هستند - از میان شماها پدید می‌آیند؛ از میان شماها برمی‌خیزند. این مدیران و این برنامه‌ریزان، هم باید عالم باشند، هم به معنای حقیقی کلمه باید متدین،

خطبه‌های نماز جمعه تهران 1387/06/29

دنیاطلبان برای اینکه به مقاصد خودشان برسند، در جامعه فتنه ایجاد میکنند؛ جنگها، تبلیغات دروغین، سیاست‌بازی‌های ناجوانمردانه؛ اینها ناشی از همین دنیاطلبی‌هاست. در محیط فتنه - محیط فتنه به معنای محیط غبارآلود است - و وقتی فتنه در جامعه‌ای به وجود آمد، فضای ذهنی مردم مثل محیط غبارآلود و مه‌آلود است که گاهی انسان نمیتواند دو متری خودش را هم ببیند. یک چنین وضعی به وجود می‌آید. در یک چنین وضعیتی است که خیلی‌ها اشتباه میکنند، بصیرتشان را از دست میدهند. تعصبهای بیخود، عصبیتهای جاهلی در چنین فضائی رشد پیدا میکند. آن وقت می‌بینید محور دنیاطلبانند، اما یک عده کسانی که اهل دنیا هم نیستند، به خاطر فتنه در جهت هدفهای آنها حرکت میکنند؛ وضع دنیا اینجور میشود. بنابراین «الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ». حب دنیا، دل بستن به دنیا، در رأس همه‌ی خطایا و همه‌ی گناهان است.

پیام به پانزدهمین نشست سراسری تشکلهای مرتبط با جنبش عدالت‌خواه دانشجویی 1387/05/22

بسم الله الرحمن الرحيم

جوانان عزیز

پرچم عدالت‌خواهی را همواره پیامبران الهی و پیروان راستین آنان بر دوش کشیده‌اند.

امروز و همیشه مجاهدت در زیر این پرچم، صادقانه‌ترین نشانه‌ی پیروی از رسولان الهی است. آنچه در کنار همه‌ی الزامات این حرکت، ضروری و حیاتی است آن است که اولاً مراقبت شود کسانی با انگیزه‌های دیگر، این شعار حق را ابزار نکنند؛ و ثانیاً به نام عدالت‌طلبی، حرکتی غیر منصفانه از سر جهل یا غفلت انجام نگیرد. صبر و بصیرت را برای شما و دیگر تشکلهای عزیز دانشجویی از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

پیام به کنگره اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان 1387/05/10

امیدواریم این گردهمایی، شما را به بصیرت و صبر که نیاز جوان دانش‌ور امروز است، هرچه نزدیکتر کند. از این فرصت‌ها و از فرصت جوانی برای اعتلای معنوی و فکری بهره بگیرید. کشور شما به نسل جوان مومن و اندیش‌مند و پرتوان، از همه چیز و از همیشه بیش‌تر نیازمند است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت میثت حضرت رسول اعظم (ص) 1387/05/09

زندگی پیغمبر را میلی متری باید مطالعه کرد. هر لحظه‌ی این زندگی یک حادثه است؛ یک درس است؛ یک جلوه‌ی عظیم انسانی است؛ تمام این بیست‌وسه سال همینجور است. جوانهای ما بروند تاریخ زندگی پیغمبر را از منابع محکم و مستند بخوانند و ببینند چه اتفاقی افتاده است. اگر شما می‌بینید امتی به این عظمت به وجود آمد - که امروز هم بهترین حرفها، بهترین راهها، بزرگترین درسها، شفاف‌بخش‌ترین داروها برای بشریت توی همین مجموعه‌ی امت اسلامی است - این جور به وجود آمد، گسترش پیدا کرد و ریشه‌دار شد. و الاً صرف اینکه حق با ما باشد، ما پیش نمی‌رویم؛ حق همراه با ایستادگی. امیرالمؤمنین - بارها من این جمله را از آن بزرگوار نقل کردم - در جنگ صفین فرمود: «لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». این پرچم را کسانی میتوانند بلند کنند که اولاً بصیرت داشته باشند، بفهمند قضیه چیست، هدف چیست؛ ثانیاً صبر داشته باشند. صبر یعنی همین استقامت، ایستادگی، پابرجایی. این را ما باید از بعثت درس بگیریم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت میثت حضرت رسول اعظم (ص) 1387/05/09

امروز امت اسلامی باید احساس بعثت بکند؛ خود را مبعوث بداند؛ آگاهانه و با بصیرت حرکت و اقدام کند؛ بر علم خود اضافه کند، بر توانیهای خود اضافه کند، بر انسجام ملی و انسجام بین‌الملل اسلامی خود اضافه کند. و بین ایشان توحید کلمه خیلی مهم است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت میثت حضرت رسول اعظم (ص) 1387/05/09

امروز ملت ایران قابل مقایسه‌ی با ملت ایران بیست سال قبل نیست و علمش، فناوری‌اش، تجربه‌اش، مهارت‌های گوناگونش، توسعه‌ی عظیم همه‌جانبه‌ی ملی و اجتماعی و اقتصادی و کشوری‌اش، نفوذ و اقتدارش در منطقه، قابل مقایسه‌ی با بیست سال پیش و بیست‌وپنج سال پیش نیست. این، بر اثر همین استقامت است. این درس بعثت است؛ این را بایستی تک تک ما بدانیم و بفهمیم؛ با تاریخ پیغمبر آشنا شویم؛ بدانیم که آن روز بعثت نبی مکرم بود، امروز بعثت امت اسلامی است. امروز امت اسلامی باید احساس بعثت بکند؛ خود را مبعوث بداند؛ آگاهانه و با بصیرت حرکت و اقدام کند؛ بر علم خود اضافه کند، بر توانیهای خود اضافه کند، بر انسجام ملی و انسجام بین‌الملل اسلامی خود اضافه کند. و بین ایشان توحید کلمه خیلی مهم است. این پیام ملت ایران، پیام انقلاب اسلامی، پیام نظام جمهوری اسلامی است. و افق هم برای ما روشن است. به توفیق الهی میدانیم چه کار داریم میکنیم، میدانیم به کجا خواهیم رسید و میدانیم که راه رسیدن به آن نقطه، رفتن است؛ نه ایستادن و نه عقبگرد کردن.

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر 1385/08/02

اهمیت انتخابات خبرگان - که شاید هیچ کدام از انتخاباتهای کشور به این درجه‌ی از اهمیت و حساسیت نباشد - در این است که با این انتخابات، مردم افراد خبره‌ی مورد اعتماد خودشان را انتخاب می‌کنند تا اینها آماده‌ی به کار باشند برای لحظه‌ی حساس فقدان رهبری در کشور. این مجموعه‌ی مورد اعتماد ملت باید بنشینند و با بصیرت کامل، رهبری را که قادر بر ادا تکالیف رهبری می‌داند، انتخاب کنند و به مردم معرفی کنند.

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر 1385/08/02

در دوره‌ی قبل - یعنی هشت سال قبل که انتخابات مجلس خبرگان بود - از چند ماه قبل از انتخابات، رادیوهای بیگانه تبلیغات خود را شروع کردند تا مردم را نسبت به این انتخابات دل‌سرد کنند، تا آنان در انتخابات شرکت نکنند. هدف آنها همین بود که این معضل و گره بزرگ را در کشور به وجود آورند تا این دستگاه صاحب صلاحیت در کشور وجود نداشته باشد. مردم ما به توفیق الهی و به دستگیری و هدایت الهی، برخلاف آنچه که دشمنان می‌خواستند، با یک حضور قوی و پرشور در عرصه‌ی انتخابات شرکت کردند و این اعضای مجلس کنونی خبرگان را - که در آخر دوره‌ی خود به سر می‌برد - انتخاب کردند. برادران و خواهران بدانید: امروز هم این انتخابات بسیار مهم است و شرکت در آن، به مصالح اساسی ملت و کشور ارتباط پیدا می‌کند. هر چه این مجلس قویتر، معتبرتر، پایدارتر، بصیرتر و بیناتر باشد، آینده‌ی کشور بیشتر تضمین شده است. در این انتخابات، با شور تمام و با بصیرت کامل شرکت کنید؛ افراد موردی اعتمادی را که خودتان می‌شناسید یا اشخاص مورد اعتماد آنها را معرفی می‌کنند و بر صلاحیت آنها شهادت می‌دهند، آنها را به مجلس خبرگان بفرستید؛ تا این مجلس همواره با همان استحكام و اقتداری که قانون برای آن معین کرده است، بماند و آینده‌ی کشور تضمین شود. البته امروز هم تبلیغاتی در گوشه و کنار هست، اما نه به حجم هشت سال قبل؛ چون از اینکه حرف آنها در مردم اثر بگذارد، مأیوس شده‌اند. همه از روی احساس تکلیف و وظیفه شرکت کنند.

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر 1385/08/02

هرکس حق دارد از خود و نامزد انتخاباتی خود دفاع و حمایت کند؛ این مانعی ندارد. تبلیغات در حد متعارف و بدون اسراف و زیاده‌روی، خیلی خوب است؛ اما اهانت، تخریب و بدگویی - این کارهایی که جزو رسوم زشت بعضی از کشورهای غربی است - را کنار بگذارند؛ بگذارند مردم در یک فضای آرام، با تشخیص، با بصیرت و بدون سراسیمگی انتخاب کنند.

هیچ کشوری هم نیست - از جمله کشور ما - که در داخل، عناصری که دلشان با نظام حاکم نیست، وجود نداشته باشند؛ همه جا هستند؛ در کشور ما هم هستند؛ از اول انقلاب هم بوده‌اند؛ کم و زیاد و پیدا و پنهان و جوراجور دارد؛ لیکن اصلش همیشه بوده، بعد از این هم خواهد بود. عده‌ی با نظام ما خوب نیستند. چشم امید دشمن به کسانی است که در داخل هستند؛ منتها برای پارگیری و سربازگیری، دشمن روش‌های گوناگونی دارد. این‌طور نیست که همه‌ی کسانی که به دشمن کمک می‌کنند، کسانی باشند که دشمن را شناخته‌اند و نقشه‌ی کلی و مهندسی کلان او را نسبت به نظام دانسته‌اند و عالماً و عامداً به او کمک می‌کنند؛ نه، عده‌ی هم هستند که اگر به آنها گفته شود شما دارید به دشمن کمک می‌کنید، حاضرند یقه‌ی خودشان و شما را بگیرند و پاره کنند و بگویند این حرفها چیست! اینها واقعا هم با دشمن مخالف و بدند. اگر شما مهندسی کلی و کلان نظام را در نظر داشته باشید، از این پرهیز خواهد شد. هر کس متوجه و مراقب خود و رفتارش باشد، از این‌که نادانسته و ناخواسته کمک دشمن باشد، پرهیز خواهد کرد. وقتی حروف کلمه یا جمله‌ی در جدول گذاشته می‌شود، باید عبارتی درست شود. بعضی‌ها نمی‌دانند حرفی که دارند در این خانه می‌گذارند، مکمل آن عبارت است. تمهیداتی فراهم می‌شود و اینها می‌آیند این حرف را در این خانه می‌گذارند - «و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا» - دلیل و استدلالی هم برایش درست می‌کنند؛ اما توجه ندارند که این حرف، آن کلمه یا جمله‌ی پانزده حرفی جدول را یک قدم به تحقق نزدیک کرد؛ درست مثل یک پازل که جاها معین است و معلوم است که چه قطعه‌ی کجا باید گذاشته شود. نادانسته از من نوعی می‌خواهند که این قطعه را این‌جا بگذارم؛ من هم فکر می‌کنم اشکالی ندارد؛ غافل از این‌که وقتی این جزء با آن نود جزء دیگر همراه شد، آن شکل، ظاهر می‌شود و من کمک کننده‌ی به تشکیل آن بوده‌ام! بعضی این‌طور عمل می‌کنند. مثلاً اگر دشمن بخواهد برای تحقق آرزوی بزرگ خود - که ریشه‌کنی جمهوری اسلامی و پایین آوردن پرچم اسلام از قله‌ی این کشور است - طراحی کند، طبیعتاً طراحی، اجزا و مقدماتی دارد. ایجاد اختلاف، ایجاد بی‌ایمانی، ایجاد مشکلات برای مردم، عمیق کردن فاصله‌ی طبقاتی، ترویج فساد، بدبین کردن مردم به مسؤولان، و دستگاه‌های ضابط و انضباطبخش را از حیثیت انداختن - مثل از حیثیت انداختن قوه‌ی قضاییه، از حیثیت انداختن شورای نگهبان، از حیثیت انداختن مجلس، از حیثیت انداختن دستگاه‌های گوناگون - همه جزو اجزاء اینهاست. بعضی‌ها به این بخش کمک می‌کنند، بدون این‌که به ارتباط این بخش با دیگران توجه کنند؛ این بر اثر عدم بصیرت است.

ما بارها عرض کرده‌ایم که امیرالمؤمنین در جنگ صفین - شاید این جمله را درباره‌ی عمار هم فرموده باشد - مکرر این جمله را می‌فرمود: «و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر». چه عبارت زیبایی هم هست؛ حروف بصر و صبر یکی است، ترکیبش دوتاست؛ و چه زیبا! فقط اهل بصیرت و پایداری می‌توانند این پرچم را بردارند. بصیرت را باید در خودمان تقویت کنیم. اگر این معنا حاصل شود و شما به عنوان نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی - که جایگاه و موقعیت مهمی در روشنگری مردم نسبت به نقشه‌های دشمن دارید - اثرگذاری کنید، بسیاری از این خلأها و تاریکی‌ها و غبارها برطرف خواهد شد.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1383/12/27

جمهوری اسلامی باید بیدار باشد. بیداری ما یک شعار نیست؛ باید حواسمان جمع باشد. در تعیین دولتها، در انتخاب رئیس جمهور - که تا زمان برگزاری انتخابات، چند صباح دیگر بیشتر باقی نمانده - و در گزینش کسانی که در صحنه‌ی سیاسی کشور بناست فعالیت کنند، باید حواسمان جمع باشد. هر یک از اشخاص و شخصیت‌ها و مسؤولانی که در رأس یک مجموعه‌ی کاری قرار دارند، تعیین‌کننده‌اند؛ هم ایمان آنها، هم عزم و اراده‌ی آنها، و هم کاردانی و کفایت آنها تعیین کننده است. فرض بفرمایید اگر راجع به فلان مسأله‌ی فرهنگی ایراد دارید، یا اگر به فلان مسأله‌ی فنی کشور ایراد دارید، همه‌ی اینها برمی‌گردد به مدیریت‌های گوناگون؛ نه فقط مدیریت در رأس و بالا؛ نه، گاهی مدیریت بالا خوب است، منتها مدیریت‌های متوسط و میانی - که اشراف و نظارت مسؤولان عالی‌رتبه بر کار آنها لازم است - گاهی نمی‌گذارند کار به نتیجه‌ی مطلوب برسد. بنابراین، این گزینش‌ها تعیین‌کننده است. در این زمینه‌ها باید با احساس مسؤولیت و ملاحظه‌ی جوانب و با چشم باز و بصیرت کامل وارد شد.

بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر 1383/08/24

این وحدت و این یکپارچگی و این تمسک شما به ارزشهای معنوی، بزرگترین دستاوردی است که به شما کمک می‌کند که بتوانید در مقابل افزون‌طلبی و زیاده‌خواهی و تعدی و تجاوز استکبار ایستادگی کنید؛ این را حفظ کنید؛ این بسیار ارزش دارد. همین نمازهای عید، همین اجتماعات عظیم، همین راهپیمایی‌های پُرشکوه، همین جوانهای پُرانگیزه و همین ملت آماده‌ی برای حرکت، قیام، دفاع و جهاد در راه اسلام، توانسته است به همه‌ی امت اسلامی عزت ببخشد. عزت و قدرت شما مردم در گرو تمسک به همین وحدت، همین یکپارچگی، همین بصیرت و روشن‌بینی است؛ این را حفظ کنید. مسؤولان در خدمت مردم، مردم در کنار مسؤولان، همه به فکر مصالح این کشور و این ملت، و همه با اهتمام فراوان به آن چیزی که ضامن اصلی نجات امت اسلامی است، یعنی تمسک به اسلام، باشند که می‌تواند دنیا و آخرت مردم را آباد کند. امروز از خدا بخواهید این روحیه و این ایمان و این نشاط و شادابی را در شما حفظ کند.

بیانات در دیدار مردم قزوین 1382/09/25

مجلس جایگاه بسیار مهمی است؛ خانه‌ی ملت است؛ تجلیگاه عزت ملی ماست؛ می‌تواند عزت اسلامی و عزت ملی ما را به دنیا نشان دهد؛ تأمین‌کننده‌ی منافع عمومی است. با قوانین مجلس است که مسؤولان می‌توانند حرکت کنند و پیش بروند. مجلس می‌تواند حافظ امنیت ملی باشد؛ می‌تواند سدّ مستحکمی در برابر تعرض دشمنان و طمع‌ورزی بیگانگان باشد. خصوصیات یک مجلس مطلوب این است. وقتی مردم در انتخابات شرکت کنند و با چشم باز و با بصیرت، کسی را که شرایط لازم را در او می‌بینند، انتخاب کنند و به مجلس بفرستند، مجلس خواهد توانست چنین نقش بزرگی را ایفا کند. مجلس - همان‌طور که امام فرمودند - عصاره‌ی فضایل ملت است. وقتی مردم در انتخابات بیشتر شرکت کنند، کارآمدی و اعتبار مجلس بیشتر می‌شود و توان خدمت‌رسانی پیدا می‌کند.

بیانات در دیدار بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا 1382/06/29

آنچه که بصیرت و بینش انسان را در قضایای مختلف و در حوادث گوناگون و زیر غبار تبلیغات جنجال‌آمیز دشمنان تضمین و حفظ می‌کند، دل مؤمن و پاک و نورانی است. حجم تبلیغاتی که دشمنان در طول سالها علیه انقلاب با ترفندهای گوناگون تبلیغاتی به کار برده‌اند، حقیقتاً حیرت‌انگیز است. جوان مؤمن ما که جان بر کف گرفته و آماده‌ی مجاهدت است، در معرض تندباد این تبلیغات قرار دارد؛ اما این تبلیغات گمراه کننده و لغزنده نمی‌تواند او را بلغزاند، زیرا حقیقت را می‌بیند و در ورا‌ی تبلیغات رنگارنگ دشمنان، باطن ظلمانی و خبیث محورها و مراکز که این تبلیغات را به راه می‌اندازند، برای او روشن است. این، نقطه‌ای است که دشمن نمی‌تواند به هیچ کیفیتی آن را نسبت به جوان مسلمان و مؤمن انقلابی علاج و با آن مقابله کند. دلی که از ایمان برخوردار است و منشأ تقوا در اندیشه و عمل است، با تبلیغات دشمنان گمراه نمی‌شود. تبلیغات دشمن غالباً بر روی این متمرکز شده است که بتواند روح ایستادگی و مقاومت را در ملت بزرگ ایران تضعیف کند. آنها خیلی خوب فهمیده‌اند که وقتی یک ملت تصمیم می‌گیرد در مقابل زیاده‌خواهی استکبار بایستد، هیچ نیرویی در مقابل او کارایی ندارد؛ این را فهمیده‌اند و درست هم فهمیده‌اند. سعی‌شان این است که روح ایستادگی و مقاومت را در ملت ایران از بین ببرند.

بیانات در دیدار بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا 1382/06/29

نباید برای ایفای نقش، منتظر جنگ بود. امروز خطر جنگ بیش از بقیه‌ی زمانها در سالهای عمر مبارک جمهوری اسلامی نیست؛ همیشه خطر توطئه‌ی دشمن علیه ما وجود داشته است. آنچه مانع از توطئه، جنگ و غلبه‌ی دشمن می‌شود، ایستادگی و بیداری و حاضر بودن در میدان مقاومت است و شما عزیزان سپاه و بسیج یکی از برجسته‌ترین مظهرهای این ایستادگی و مقاومت هستید. این مقاومت به برکت ایمان است؛ ایمان‌تان را هرچه می‌توانید تقویت کنید. به برکت بصیرت است؛ بصیرت و

خودآگاهی را هرچه می‌توانید بیشتر کنید. به برکت وحدت و همبستگی است؛ این عامل بزرگ را هرچه می‌توانید بیشتر دنبال کنید. پرچم اسلام در ایران به اهتزاز درآمده و دنیای اسلام و دل صدها میلیون انسان را به خود جذب کرده است. این پرچم را از دست ندهید؛ مستحکم نگهدارید.

بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر 1381/09/15

وظیفه‌ی ما به عنوان نظام اسلامی، ریشه‌کن کردن فقر در جامعه است. نباید در جامعه محرومیت باشد. این تکلیف ماست به عنوان دولت، به عنوان نظام اسلامی، به عنوان آحاد مردم. «کَلِّم راع و کَلِّم مسؤول عن رعیت»؛ این وظیفه‌ی همه است. هر کدام به نحوی تجمیل و اسراف و زیاده‌روی را کم کنیم. این درس ماه رمضان است. این کار، همت و گذشت و بصیرت و آگاهی می‌خواهد. از خدای متعال کمک بخواهیم.

بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی 1381/04/05

قوه قضاییه ضامن صحت عمل مسئولان نظام و آحاد مردم و تأمین حقوق آنها در نظام اسلامی است. اگر ما تشنه عدالتیم، تضمین تحقق عدالت، با سلامت و کارآمدی قوه قضاییه میسر است. اگر ما برای مردم و حقوق آنها ارزش درجه‌ی یک قائلیم، تأمین این حقوق، در گرو این است که قوه قضاییه بتواند کار خود را با قوت، شجاعت و بصیرت انجام دهد. نقش قوه قضاییه، این چنین بی‌بدیل و عظیم است.

بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی 1381/04/05

از نفوذ پول و پولدار در داخل قوه قضاییه باید به شدت برحذر باشید و پرهیز کنید. یکی از خطرات بسیار بزرگ این است. در دنیا ثابت شده است که زور پول از خیلی چیزهای دیگر بیشتر است. امروز خیلی از هدفهای صهیونیستی در دنیا با قدرت پول اعمال می‌شود. یکی از بزرگترین خطرات حکومتی که معتقد به مبنای هستند، این است که صاحبان پول بتوانند در ارکان حکومت اعمال نفوذ کنند. اینها همه چیز را خراب می‌کنند. هر بخشی از نظام اگر تحت تأثیر زرمندان و ثروتمندان قرار گرفت، ضایع خواهد شد. در این زمینه، از همه بدتر قوه قضاییه است. باید خیلی مراقب باشید خدای نکرده چنین چیزی برای این قوه پیش نیاید و پول و پولدار و ثروتمند، با روشهایی که دارند، نتوانند اعمال نفوذ کنند. این هم یکی از وسایل استحکام است. نفوذهای سیاسی هم همین‌طور است. دستگاههای سیاسی، انگیزه‌های سیاسی و جریانات سیاسی نباید بگذارند نفوذ ایجاد شود. دستگاه قضایی اگر به دانش و بصیرت و پاک‌ی و طهارت در عمده‌ترین ارکان خود متکی باشد، همان مقصودی را که دستگاه قضایی به دنبال آن است، به میزان زیادی تأمین خواهد کرد. به این نکته باید توجه داشت.

بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی 1381/04/05

آنطور که از مجموع فراین به دست می‌آید، از مردان رزم‌آور - غیر از کودک شش ماهه، یا بچه‌ی یازده ساله - ابوالفضل العباس آخرین کسی است که قبل از امام حسین به شهادت رسیده است؛ و این شهادت هم باز در راه یک عمل بزرگ - یعنی آوردن آب برای لب‌تشنگان خیمه‌های اباعبدالله الحسین - است. در زیارات و کلماتی که از ائمه علیهم‌السلام راجع به ابوالفضل العباس رسیده است، روی دو جمله تأکید شده است: یکی بصیرت، یکی وفا. بصیرت ابوالفضل العباس کجاست؟ همه‌ی یاران حسینی، صاحبان بصیرت بودند؛ اما او بصیرت را بیشتر نشان داد. در روز تاسوعا، مثل امروز عصری، وقتی که فرصتی پیدا شد که او خود را از این بلا نجات دهد؛ یعنی آمدند به او پیشنهاد تسلیم و امان‌نامه کردند و گفتند ما تو را امان می‌دهیم؛ چنان بر خورد جوانمردانه‌ای کرد که دشمن را پشیمان نمود. گفت: من از حسین جدا شوم؟! وای بر شما! اف بر شما و امان‌نامه‌ی شما! نمونه‌ی دیگر بصیرت او این بود که به سه نفر از برادرانش هم که با او بودند، دستور داد که قبل از او به میدان بروند و مجاهدت کنند؛ تا این‌که به شهادت رسیدند. می‌دانید که آنها چهار برادر از یک مادر بودند: ابوالفضل العباس - برادر بزرگتر - جعفر، عبدالله و عثمان. انسان برادرانش را در مقابل چشم خود برای حسین بن علی قربانی کند؛ به فکر مادر داغدارش هم نباشد که بگوید یکی از برادران برود تا این‌که مادرم دلخوش باشد؛ به فکر سرپرستی فرزندان صغیر خودش هم نباشد که در مدینه هستند؛ این همان بصیرت است.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) 1377/11/13

بعد از آن‌که انقلاب پیروز شد، هم کسانی که در مجموعه‌ی امام بودند و هم کسانی که خارج از مجموعه‌ی امام بودند، آمدند و کارها را قبضه کردند و مشغول تصدک کارها شدند - با تغییرات و اصلاحاتی که به مرور انجام گرفت - لیکن این را توجه داشته باشید که امام راهشان روشن بود، شیوه‌شان معلوم بود و می‌دانستند که چه می‌خواهند. شیوه‌ی امام عبارت بود از شیوه‌ای که پیامبران آن را می‌پیمودند؛ یعنی تزیین ایمان و باور عمیق، همراه با بصیرت و آگاهی و تأمل و فکر در مخاطبان خود. چنین روشی به‌طور طبیعی استعدادها را شکوفا می‌کند و کادرها را پرورش می‌دهد.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) 1377/11/13

در سالهای آینده و در همه‌ی دوره‌های عمر شما جوانان - که ان‌شاءالله طولانی باد و طولانی خواهد بود - با بسیاری از مسائل مواجه خواهید شد. هر انسان زنده‌ای طبعاً با مسائل فراوانی مواجه می‌شود. حالا آیا این مسائلی که در سالهای آینده وجود خواهد داشت، دشوارتر از مسائلی خواهد بود که ما آن را فرضاً در دهه‌های گذشته تجربه کردیم، یا آسانتر خواهد بود؛ این هم قابل تشخیص نیست. یعنی نمی‌شود الان گفت که مسائلی آینده‌ی ما دشوارتر خواهد بود از آنچه که در گذشته داشتیم؛ خیر، ما این را نمی‌توانیم یقیناً بگوییم - ممکن است باشد، اما آن‌که من می‌توانم به شما جوانان سفارش کنم، این است که جوان اولاً باید احساس مسؤولیت کند؛ یعنی واقعاً خودش را مسؤول بداند و بخواهد که زندگی را با پای خودش پیش ببرد و حرکت کند و مثل پر کاهی در امواج حوادث نباشد. ثانیاً با ایمان حرکت کند - ایمان نقش بسیار مهمی در پیشرفت در همه‌ی میدانها و نیز پیروزی بر همه‌ی موانع دارد - ثالثاً بصیرت و آگاهی داشته باشد. اگر جوانان این سه خصوصیت را در خودشان تأمین کنند - که البته کار چندان آسانی نیست؛ اما بسیار ممکن هست - من خیال می‌کنم که هر وضعی دنیا پیدا کند - ارتباطات پیشرفت کند، تمدنهای گوناگون به عرصه‌ی بازار تمدن‌ها در دنیا پا بگذارند، قدرت بزرگی در دنیا از بین برود، قدرت جدیدی به‌وجود آید؛ ایران چالشهای گوناگونی در مسائل اقتصادی و سیاسی و غیره با دیگران داشته باشد، نداشته باشد - در همه‌ی زمینه‌ها شما می‌توانید موفقیت خودتان را تضمین کنید. سعی کنید این سه خصوصیتی را که من گفتم، در خودتان به‌وجود آورید. ببینید؛ من که می‌گویم سعی کنید به‌وجود آورید، اعتقاد این است که سعیها یک اندازه نیست، یک اندازه هم موفق نیست؛ اما اعتقاد دیگر این است که هر کسی سعی کند، بالاخره توفیقی خواهد داشت.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) 1377/11/13

در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به‌وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم، همین‌طور بوده که حالا اینها بحثهای تفسیری زیادی دارد. در دوره‌های گوناگون دیگر هم همین‌طور است. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشممان جلوه دهد.

بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر 1377/10/28

برادران و خواهران عزیز! این انقلاب و این اسلام و این عزت و این الگو شدن برای جهان اسلام را قدر بدانید؛ این به برکت اسلام است. آنچه که شما را عزیز کرد، اسلام بود.

آنچه که شما را عزیز کرد، مجاهدت در راه خدا بود. آنچه که شما را عزیز کرد، وحدت کلمه بود. دستها را به یکدیگر بدهید، دلها را به خدا بسپرید، چشمها و بصیرتها را باز کنید و در راه خدا قدم بردارید. ملت ایران در سایه وحدت و اتفاق کلمه، پشت سر مسؤولان دلسوز و مؤمن و خداترس و عاشق خدمت، انشاءالله خواهد توانست از همه راههای دشوار و پیچ و خمهای دشوار بگذرد. راه خدا، راه روشنی است؛ اگر زحمت و رنجی هم در آن باشد، آن زحمت و رنج هم ملحوظ لطف و عنایت الهی است و خدا به آن هم اجر خواهد داد. اگر صبر و مقاومت باشد، رنجها و مشکلات از پیش پای شما بر خواهد خاست. امسال بحمدالله احساس می شود که مردم مسلمان ما - مؤمنین و آحاد مردم این کشور - با همان شور و نشاطی که در طول سالهای گذشته داشته اند، این وحدت را پاس خواهند داشت. البته بعضیها وحدت را خدشه دار می کنند، به آن صدمه می زنند، بیهوده می نویسند، بیهوده می گویند؛ اما بحمدالله متن ملت، برگزیدگان ملت، برجستگان ملت، راهنمایان کشور و امت، با وحدت کلمه راه خود را ادامه می دهند.

بیانات در خطبه های نماز جمعه 1377/10/18

تفاوت عمده امیرالمؤمنین در دوران حکومت خود با پیامبر اکرم در دوران حکومت و حیات مبارکش، این بود که در زمان پیامبر، صفوف مشخص وجود داشت: صف ایمان و کفر، منافقین می ماندند که دائماً آیات قرآن، افراد را از منافقین که در داخل جامعه بودند بر حذر می داشت؛ انگشت اشاره را به سوی آنها دراز می کرد؛ مؤمنین را در مقابل آنها تقویت می کرد؛ روحیه آنها را تضعیف می کرد؛ یعنی در نظام اسلامی در زمان پیامبر، همه چیز آشکار بود. صفوف مشخص در مقابل هم بودند: یک نفر طرفدار کفر و طاغوت و جاهلیت بود؛ یک نفر هم طرفدار ایمان و اسلام و توحید و معنویت. البته آنجا هم همه گونه مردمی بودند - آن زمان هم همه گونه آدمی بود - لیکن صفوف مشخص بود. در زمان امیرالمؤمنین، اشکال کار این بود که صفوف، مشخص نبود؛ به خاطر این که همان گروه دوم - یعنی «ناکثین» - چهره های موّجهی بودند. هرکسی در مقابله با شخصیتی مثل جناب زبیر، یا جناب طلحه، دچار تردید می شد. این زبیر کسی بود که در زمان پیامبر، جزو شخصیتها و برجسته ها و پسر عمّه ی پیامبر و نزدیک به آن حضرت بود. حتی بعد از دوران پیامبر هم جزو کسانی بود که برای دفاع از امیرالمؤمنین، به سقیفه اعتراض کرد. بله؛ «حکم مستوری و مستی همه بر عاقبت است!» خدا عاقبت همه مان را به خیر کند. گاهی اوقات دنیا طلبی، اوضاع گوناگون و جلوه های دنیا، آنچنان اثرهایی می گذارد، آنچنان تغییرهایی در برخی از شخصیتها به وجود می آورد که انسان نسبت به خواص هم گاهی اوقات دچار اشکال می شود؛ چه برسد برای مردم عامی. بنابراین، آن روز واقعاً سخت بود. آنهایی که دور و بر امیرالمؤمنین بودند و ایستادند و جنگیدند، خیلی بصیرت به خرج دادند. بنده بارها از امیرالمؤمنین نقل کرده ام که فرمود: «لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». در درجه اول، بصیرت لازم است. معلوم است که با وجود چنین درگیریهایی، مشکلات امیرالمؤمنین چگونه بود. یا آن کجرفتهایی که با تکیه بر ادعای اسلام، با امیرالمؤمنین می جنگیدند و حرفهای غلط می زدند. در صدر اسلام، افکار غلط خیلی مطرح می شد؛ اما آیهی قرآن نازل می شد و صریحاً آن افکار را رد می کرد؛ چه در دوران مکه و چه در دوران مدینه. شما ببینید سوره ی بقره که یک سوره ی مدنی است، وقتی انسان نگاه می کند، می بیند عمده تاً شرح چالشها و درگیریهای گوناگون پیامبر با منافقین و با یهود است؛ به جزئیات هم می پردازد؛ حتی روشهایی که یهود مدینه در آن روز برای ادبیت روانی پیامبر به کار می بردند، آنها را هم در قرآن ذکر می کند: «لاتقولوا راعنا» و از این قبیل. و باز سوره ی مبارکه ی اعراف - که سوره های مکی است - فصل مشیعی را ذکر می کند و با خرافات می جنگد. این مسأله ی حرام و حلال کردن گوشتها و انواع گوشتها که اینها را نسبت به محرّمات واقعی، محرّمات دروغین و محرّمات پوچ تلقی می کردند: «قل ائما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن». حرام اینهاست، نه آنهایی که شما رفتید «سائیه» و «بیحیره» و فلان و فلان را برای خودتان حرام درست کردید. قرآن با این گونه افکار صریحاً مبارزه می کرد؛ اما در زمان امیرالمؤمنین، همان مخالفان هم از قرآن استفاده می کردند؛ همانها هم از آیات قرآن بهره می بردند. لذا کار امیرالمؤمنین به مراتب از این جهت دشوارتر بود. امیرالمؤمنین دوران حکومت کوتاه خود را با این سختیها گذراند.

بیانات در خطبه های نماز جمعه 1377/10/18

در مقابل اینها، جبهه ی خود علی است؛ یک جبهه ی حقیقتاً قوی. کسانی مثل عمّار، مثل مالک اشتر، مثل عبدالله بن عباس، مثل محمد بن ابی بکر، مثل میثم تمّار، مثل حُجربن عدی بودند؛ شخصیتهای مؤمن و بصیر و آگاهی که در هدایت افکار مردم چقدر نقش داشتند! یکی از بخشهای زیبای دوران امیرالمؤمنین - البته زیبا از جهت تلاش هنرمندانه ی این بزرگان؛ امدار عین حال تلخ از جهت رنجها و شکنجه هایی که اینها کشیدند - این منظره ی حرکت اینها به کوفه و بصره است. وقتی که طلحه و زبیر و امثال اینها آمدند صف آرای کردند و بصره را گرفتند و سراغ کوفه رفتند، حضرت، امام حسن و بعضی از اصحاب را فرستاد. مذاکراتی که آنها با مردم کردند، حرفهایی که آنها در مسجد گفتند، محاجّه هایی که آنها کردند، یکی از آن بخشهای پرهیجان و زیبا و پرمغز تاریخ صدر اسلام است. لذا شما می بینید که عمده ی تهاجمهای دشمنان امیرالمؤمنین هم متوجه همینها بود. علیه مالک اشتر، بیشترین توطئه ها بود؛ علیه عمّار یاسر، بیشترین توطئه ها بود؛ علیه محمد بن ابی بکر، توطئه بود. علیه همه ی آن کسانی که از اول کار در ماجرای امیرالمؤمنین امتحانی داده بودند و نشان داده بودند که چه ایمانهای مستحکم و استوار و چه بصیرتی دارند، از طرف دشمنان، انواع و اقسام سهام نهمت پرتاب می گردید و به جان آنها سوء قصد می شد و لذا اغلبشان هم شهید می شدند. عمّار در جنگ شهید شد؛ لیکن محمد بن ابی بکر با حیلای شامیها به شهادت رسید. مالک اشتر با حیلای شامیها شهید شد. بعضی دیگر هم ماندند، اما بعدها به نحو شدیدی به شهادت رسیدند. این وضع زندگی و حکومت امیرالمؤمنین است. اگر بخواهیم جمع بندی کنیم، این گونه باید عرض کنیم که دوران این حکومت، دوران یک حکومت مقتدرانه و در عین حال مظلومانه و پیروز بود. یعنی هم در زمان خود توانست دشمنان را به زانو درآورد، هم بعد از شهادت مظلومانه اش، در طول تاریخ توانست مثل مشعلی بر فراز تاریخ باشد. البته خون دلهای امیرالمؤمنین در این مدت، جزو پرمحتترین حوادث و ماجراهای تاریخ است.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان 1377/09/02

برای مقابله با عامل پول که انسانها را برده می کند، با عامل سلاح که انسانها را می ترساند و مرعوب می کند و با عامل تبلیغات که انسانها را خام می کند و فریب می دهد، چه کار باید کرد. چه چیزی می تواند در مقابل اینها بایستد؟ ایمان روشن، ایمان با بصیرت. این همان چیزی است که ملت ما دارد و از اول انقلاب هم داشته است؛ همان چیزی است که بسیجی به آن متمیز است. مسأله در کشور ما این است که این ملت به برکت اسلام توانسته است یک طلسم غیر قابل شکست را بشکند؛ طلسم سلطه ی بیگانه، سلطه ی امریکا. بعضی از کشورها هستند که از سلطه ی امریکا می نالند؛ اما نمی توانند آن را از بین ببرند. شما خیال نکنید کشورهایی که زیر سلطه ی امریکایند، همه ی مردم و حتی دولتتایشان خوشحالند - البته بعضی خوشحالند؛ چون منافعتشان در این است و رشوه می گیرند - خیلی از آنها ناراحتند و نمی توانند این بختی افتاده روی بدنشان - این لاشه ی سنگین تسلط امریکا - را از بین ببرند؛ اما این ملت توانسته است کلاً این طلسم را بشکند و دست دشمن را کوتاه کند.

ایران جای حسّاسی است؛ سرشار از منابع غنی است؛ سرشار از ثروت است؛ سرشار از ثروت فرهنگی است و موقعیت بسیار مهمّ سوق الجیشی دارد؛ لذا به این آسانی دلشان نمی آید که از آن دست بکشند. تلاش می کنند که برگردند و مجدداً سلطه پیدا کنند و همان منافع نامشروع را از این کشور ببرند. پول و عامل نظامی و عامل تبلیغاتی را به کار انداخته اند. ملت هم ایستاده است، بسیج هم ایستاده است، نیروهای مؤمن هم ایستاده اند، دولت هم ایستاده است، مسؤولان هم ایستاده اند؛ همه ایستاده اند. مگر امروز کسی جرأت می کند بر خلاف نظر این مردم - که اسلام را می خواهند و با دشمن اسلام دشمنند - حرکتی انجام دهد؟ امروز همه ی جوانان ما، پیران ما، دانشجویان ما، روحانیون ما، بزرگان ما، کوچکان ما و قشرهای مختلف ما - مگر من شد و ندی که دل به زندگهای رنگ و لعابی دروغین غرب بسته باشند - فهمیده اند که سعادتشان در این است که اسلام را با بصیرت و با روشن بینی و خردمندی بفهمند و آن را به کار گیرند تا بتوانند از دشمنیها بکاهدند، دشمنیها را دفع کنند. این همان بسیج است؛ حقیقت بسیج یعنی این. ارتش بیست میلیونی که امام فرمودند، یعنی این.

بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان 1377/08/12

شخصیتهای عظیم تاریخ، غالباً از دوران جوانی، بلکه از دوران نوجوانی، برخی از خصوصیات را با خود همراه داشته اند و یا در خود به وجود آورده اند. برجستگی انسانهای

برجسته و بزرگ، معمولاً به یک تلاش بلند مدت متکی است و این را ما در زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام می بینیم. من در جمع بندی این زندگی پرفراز و نشیب، این نکته را مشاهده می کنم و به شما عرض می کنم که امیرالمؤمنین علیه السلام از اوایل نوجوانی تا هنگام مرگ، دو صفت «بصیرت» و «صبر» - بیداری و پایداری - را با خود همراه داشت. او یک لحظه دچار غفلت و کج فهمی و انحراف فکری و بد تشخیص دادن واقعیتها نشد. از همان وقتی که از غار حرا و کوه نور، پرچم اسلام به دست پیامبر برافراشته شد و کلمه‌ی «لا اله الا الله» بر زبان آن بزرگوار جاری شد و حرکت نبوت و رسالت آغاز گردید، این واقعیت درخشان را علی بن ابی طالب علیه السلام تشخیص داد؛ پای این تشخیص هم ایستاد و با مشکلات آن هم ساخت؛ اگر تلاش لازم داشت، آن تلاش را هم انجام داد؛ اگر مبارزه لازم داشت، آن مبارزه را کرد؛ اگر جانفشانی می خواست، جان خود را در طبق اخلاص گذاشت و به میدان برد و اگر کار سیاسی و فعالیت حکومت داری و کشورداری می خواست، آن را انجام داد. بصیرت و بیداری او، یک لحظه از او جدا نشد. دوم، صبر و پایداری کرد و در این راه استوار و صراط مستقیم، استقامت ورزید. این استقامت ورزیدن، خسته نشدن، مغلوب خواسته ها و هواهای نفس انسانی - که انسان را به تنبلی و رها کردن کار فرا می خواند - نشدن، نکته ی مهمی است.

بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان 1377/08/12

آری؛ عصمت امیرالمؤمنین علیه السلام قابل تقلید نیست. شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام قابل مقایسه با هیچ کس نیست. هر کدام از انسانهای بزرگی که ما در محیط و یا در تاریخ خودمان هم مشاهده کرده ایم، اگر بخواهند با امیرالمؤمنین علیه السلام مقایسه شوند، مثل مقایسه ی ذره با آفتاب است - قابل مقایسه نیستند - اما این دو خصوصیت در امیرالمؤمنین علیه السلام قابل تقلید و قابل پیروی است. کسی نمی تواند بگوید که اگر امیرالمؤمنین علیه السلام صبر و بصیرت - یعنی بیداری و پایداری - داشت به خاطر این بود که امیرالمؤمنین بود. همه در این خصوصیت باید سعی کنند که خودشان را به امیرالمؤمنین علیه السلام نزدیک کنند؛ هر چه همت و استعدادشان باشد.

بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان 1377/08/12

عزیزان من! تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می آید، بر اثر یکی از این دو است: یا عدم بصیرت، یا عدم صبر. یا دچار غفلت می شوند، واقعیتها را تشخیص نمی دهند، حقایقها را نمی فهمند، یا با وجود فهمیدن واقعیتها، از ایستادگی خسته می شوند. لذاست که به خاطر یکی از این دو، یا هر دو، تاریخ بشر پر از محتضای بزرگ ملتهاست؛ پر از غلبه ی زورگویان عالم بر ملت های ضعیف التمس و غافل است. ده ها سال - گاهی صدها سال - یک ملت مقهور سیاست یک جهانخوار و یک قدرت بزرگ بوده است. چرا؟ مگر اینها انسان نبوده اند؟ بله، انسان بوده اند؛ لیکن یا بصیرت نداشته اند، یا اگر بصیرت داشته اند، در راه آن آگاهی خود، فاقد صبر لازم را بوده اند؛ یعنی یا بیداری نداشته اند، یا پایداری نداشته اند.

بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان 1377/08/12

در طول سالهای قبل از انقلاب، هرچه شما عقب بروید، محنت، ذلت، بدبختی، فشارهای گوناگون از طبقات حاکم و سلطه و زورگویی و تحقیر از طرف قدرتهای بیگانه را در کشور ما می بینید. در این کشور، سالهای متمادی انگلیسیها، سالهای متمادی روسها، سالهای متمادی هر دو، و در نهایت سالهای متمادی امریکاییها، هرچه تصمیم گرفتند، نسبت به این ملت انجام دادند. ملت ما همین ملت بود و همین استعدادهای را داشت - که امروز بحمدالله در میدانهای گوناگون، استعدادهای شما جوانان مثل ستاره و خورشید می درخشد - اما به خاطر حکومت های ناپاب و به خاطر تربیتهای غلط، بصیرت و صبرش کم بود. وقتی در برهه های از زمان، آگاهان جامعه، بزرگان جامعه، دانایان جامعه و کسی مثل امام بزرگوار پیدا شدند، در مردم بصیرت دمیدند، مردم را به صبر وادار کردند، «و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» را در جامعه رایج کردند، این دریای خروشان به وجود آمد و توانست آن تاریخ سرتاپا ذلت و محنت را قطع کند و تسلط بیگانگان را بر این کشور از میان بردارد.

بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان 1377/08/12

شما امروز وقتی در افق سیاسی جهان نگاه می کنید، اگر یک ملت وجود داشته باشد که هیچ سلطه ی خارجی بر آن نیست، آن ملت، ملت ایران است. اگر تعدادی ملتها و کشورها با این خصوصیت وجود داشته باشند، باز در رأس آن کشورها، ایران و ملت ایران است. چرا؟ چون به وسیله ی این مردم، به وسیله ی جوانان این ملت، به وسیله ی مسؤولان این ملت، به وسیله ی رهبران و هدایتگران این ملت، بصیرت و صبر از امیرالمؤمنین علیه السلام آموخته شد. این دو خصوصیت این قدر مهم است! امروز هم در دنیا کسانی که در رأس قدرتهای سیاسی زورگو و مداخله گر، یا در رأس کمپانیهای اقتصادی، یا در رأس دستگاههای سرطانی گونه ی تبلیغاتی و شبکه های عظیم سودجوی تبلیغات قرار گرفته اند، از طریق یکی از این دو خصوصیت بر ملتها حکم می رانند و زورگویی می کنند. یا سعی می کنند ملتها را در غفلت نگه دارند و بصیرت آنها را از آنها بگیرند - اگر هم نتوانند به طور کلی از آنها بصیرت را سلب کنند، در یک مورد که یک مسأله ی خاص برایشان مهم است، سعی می کنند بیداری ملتها و بصیرت انسانها را در آن جامعه سلب نمایند - یا آنها را دچار بی صبری کنند. گاهی یک ملت و یک مجموعه ی انسان، در یک راه درست دچار بی صبری می شوند. این بی صبری هم یک امر تلقینی است؛ می شود به ملتها تلقین کرد. امروز شما بدانید که در شبکه های تبلیغاتی، میلیاردها دلار خرج می شود، برای تلقین همین چیزها در ملتها، که آنها را یا از تشخیص درست، یا از صبر صحیح و کامل دور بیندازند و دور کنند. علت این که استکبار و در رأس قدرتهای استکباری، رژیم ایالات متحده ی امریکا با انقلاب اسلامی و با جمهوری اسلامی مخالف است، این است که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، یک بیداری جهانی را طرأحی و زمینه سازی کرد. شاید شما شنیده باشید که تحلیلگران بخشهای سیاسی امروز کشور امریکا، در سمینارهای تخصصی و در جلسات ویژه، این کلمه را بر زبان آورده اند که امروز بزرگترین مشکل برای ما «انقلاب اسلامی» است. چرا بزرگترین مشکل است؟ حداکثر این است که ملتی راه خودش را از راه این دولت زورگو جدا کرده است؛ اما مشکل بودنش به خاطر چیست؟ مشکل بودن به خاطر این است که استکبار از غفلت ملتها استفاده می کند. وقتی نقطه ای در دنیا به وجود آمد که بیداری را در جهان پراکنده کرد، ملتها بیدار شدند، به راهی رهنمایی شدند، یک تجربه ی عملی به دست آوردند، آن مرکز می شود دشمن آن سیاستهایی که می خواهند ملتها در خواب و در غفلت بمانند. بله؛ حقیقت همین است. ملت ایران و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی موجب شدند که ملتهای دیگر بیدار شوند. در آن زمانی که این انقلاب عظیم پیش نیامده بود و این ملت این طور رها و آزاد و با نشاط و پرتوان وارد صحنه نشده بود، خیلی از کشورهایی که امروز فریاد اسلامخواهی بلند کرده اند، فریاد دشمنی با امریکا بلند کرده اند و از دخالت های امریکا در کشورشان بیزار شده اند، این طور نبودند؛ سرهایشان را پایین انداخته بودند و زندگی می کردند! اگر یک وقت هم روشنفکر و عالمی در میان آنها پیدا می شد و به آنها یک کلمه حرفی می زد، می گفتند: آقا نمی شود، فایده ای ندارد؛ مگر می شود از زیر سلطه ی امریکا کسی خودش را نجات دهد؟ می گفتند نمی شود؛ مأیوس بودند. انقلاب اسلامی ایران این ابر یأس را از افق زندگی و دید ملتها زدود؛ بسیاری از ملتها بیدار و امیدوار شدند و جوانان به سمت اسلام گرایش پیدا کردند. وقتی ملتها به اسلام رو بیاورند، چه ضرری برای استکبار دارد؟ معلوم است؛ اسلام با سلطه ی یک قدرت استکباری بر ملت مسلمان مخالف است. اسلام نمی گذارد؛ کمالین که در ایران این طور است.

پیام به مناسبت برگزاری دومین کنگره جامعه اسلامی دانشجویان 1377/07/08

در این شرایط وظیفه ی شما سنگین، پُرهیجان و پُرآجر است. شما و دیگر تشکلهای اسلامی دانشگاه، به کار خود نظم دهید، آن را با هدفهای روشن که از بنیات و محکمت انقلاب گرفته شده، جهت بخشید، بصیرت لازم و دید نافذ را برای شناخت دشمن و روشهای کینه ورزانه اش برای خود و عموم دانشجویان فراهم سازید، فتنه گریها و فتنه گرها را بخصوص در محیط دانشجویی شناسایی و خنثی کنید، اختلافات درون سازمانی و برون سازمانی را به حداقل برسانید، خدا را در همه حال حاضر و ناظر اعمال و نیات خود بدانید، و بدانید که هیچ هدفی برای انسان، شایسته تر و والاتر از رضای الهی نیست.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان 1376/09/05

دفاع هم همیشه، با آلات فهریه نیست؛ با مشت نیست، با تفنگ نیست. گاهی دفاع، با فهمیدن است. گاهی دفاع، با زبان است. گاهی دفاع از حقیقت، با حضور در جایی است. شاید یکی از بزرگترین خدماتی که انقلاب به ملت ایران کرد، این بود که ذهنها را باز کرد، ذهنها را سیاسی کرد، چشمها را باز کرد، و همه را با مسائل کشور آشنا کرد. این آشنایی و این بصیرت، باید روزبه‌روز بیشتر و زیادت‌تر شود. اگر این بشود، دشمن هیچ‌کاری نمی‌تواند انجام دهد. شما بدانید مسؤولین کشور، همه آماده هستند برای این‌که وظایف خودشان را به بهترین وجهی انجام دهند.

بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس 1376/02/03

ملت ایران به خاطر این‌که گذشته‌ی خود را با بصیرت نگاه می‌کند، چشم خود را بر گذشته نمی‌بندد. مسائل تاریخ خود، تاریخ نزدیک خود، از صد سال پیش، از پنجاه سال پیش، از سی سال پیش را با دقت نگاه می‌کند. ملت ایران به این نتیجه رسیده است که رژیم استکبار - و در وضع فعلی، رژیم ایالات متحده‌ی امریکا - در طول شاید قریب سی و پنج سال که در زمان رژیم منحوس پهلوی بر این کشور تسلط سیاسی داشته، به او خیلی بدی کرده است. ملت ایران، این را فهمیده و دانسته و دیده است. دست اینها به خون مردم آغشته است.

بیانات در دیدار مردم قم 1375/10/19

ملت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارد و پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورند. اگر کسی خیال کند که در مسجد، فقط چند رکعت نماز می‌خواند و بیرون می‌آید و این چه تأثیری دارد، خطاست. این‌طور نیست. اولاً اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود، خود نماز که به زبان مُشَرِّع مقدّس نماز و اذان، خیرالعمل و فلاح است، مابهی برکات زیادی می‌شود. نماز یک ملت را به قیام لله وادار می‌کند. نماز انسانها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می‌کند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان 1375/08/09

ملت ایران، شعار مبارزه با استکبار را باید به عنوان پرچم و مشعلی حفظ کند. چرا؟ چون اگر این علم برافراشته حفظ نشود و این شعار، افسرده و گم شود، راه ملت گم خواهد شد. استدلال واضحی هم دارد. چون دشمنی آن دشمن، آشکار است و برای اهل بصیرت، مخفی نیست و دشمن آشکار هم، با وجود این‌که دشمنی آشکار است، شیوه‌هایی برای فریب دارد. غالب ملت‌هایی که فریب خوردند و دولت‌هایی که اشتباه کردند، از این‌جا اشتباه کردند که روش‌های دشمن را درست نشناختند. اگر ما روش‌های دشمن را نشناختیم و مبارزه با دشمنی که می‌خواهد ما را نابود کند، به فراموشی سپردیم، بدیهی است که راهی را خواهیم رفت که دشمن می‌پسندد؛ یعنی راه نابودی، راه ویرانی، راه فساد.

بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی 1375/03/29

مجلس پنجم در شرایطی تشکیل شد که دشمنان این ملت و این کشور، با تنگ کردن دایره‌ی حمله‌های تبلیغاتی و سیاسی خود، بیش از همیشه می‌خواستند و می‌خواهند که جمهوری اسلامی را به نحوی مورد تضعیف و کید و مکر خودشان قرار دهند. آرزو می‌کردند که این مجلس، سر وقت تشکیل نشود، یا حضور مردم در انتخابات آن، حضور چشمگیری نباشد، یا در مراحل انتخاب نمایندگان، درگیری‌هایی میان مردم، میان خواص و میان طرفداران چهره‌های معروف واقع شود و یا فضای کشور به خاطر انتخابات، تیره و تار گردد و جوّ کینه‌ورزی نسبت به یکدیگر، راه را بر بصیرتها و دلسوزیها ببندد. اینها آرزوهای دشمن بود، با همه‌ی وجود باید خدای متعال را شکر کنیم که هیچ یک از اینها تحقق پیدا نکرد. مردم از همیشه بیشتر شرکت کردند و با وجود حضور جناح‌های فکری و سلیقه‌های مختلف، میدان انتخابات، میدانی پاک و بدون گرد و غبارهای معمولی انتخابات گوناگون در دنیا انجام گرفت. در آن جایی که احاد و خواص مردم و گروه‌های حزبی ادعا می‌کنند که از تمدّن و نزاکت برخوردارند، ملاحظه می‌کنید و می‌شنوید که مردم به خاطر انتخابات، با ساطور به جان یکدیگر می‌افتند! قتلها می‌شود، تشنّجها صورت می‌گیرد و کشورها تا مدّتی، رهین حوادث انتخابات می‌شوند. در کشور ما بحمدالله این امتحان الهی به بهترین وجهی انجام گرفت و مردم از این امتحان سربلند بیرون آمدند و یک بار دیگر نظام مقدّس اسلامی ثابت کرد و نشان داد که کارایی اداره‌ی کشور، همراه با نظم و انضباط و خویشننداری افراد و به کارگیری حدّاکثر فکر و حوصله و منش انسانی و بزرگواریه را داراست.

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر 27 محمد رسول‌الله (ص) 1375/03/20

جزو «عوام» قرار نگرفتن، بدین معنا نیست که حتماً در پی کسب تحصیلات عالی باشید؛ نه! گفتم که معنای «عوام» این نیست. ای بسا کسانی که تحصیلات عالی هم کرده‌اند؛ اما جزو عوامند. ای بسا کسانی که تحصیلات دینی هم کرده‌اند؛ اما جزو عوامند. ای بسا کسانی که فقیر یا غنی‌اند؛ اما جزو عوامند. عوام بودن، دست خود من و شماست. باید مواظب باشیم که به این جرگه نیفتیم. یعنی هر کاری می‌کنیم از روی بصیرت باشد. هر کس که از روی بصیرت کار نمی‌کند، عوام است. لذا، می‌بینید قرآن دربارہی پیغمبر می‌فرماید: «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعْتِي.» یعنی من و پیروانم با بصیرت عمل می‌کنیم، به دعوت می‌پردازیم و پیش می‌رویم. پس، اول ببینید جزو گروه عوامید یا نه. اگر جزو گروه عوامید، به سرعت خودتان را از آن گروه خارج کنید. بکوشید قدرت تحلیل پیدا کنید؛ تشخیص دهید و به معرفت دست یابید.

بیانات در اجتماع زائران مرقد امام خمینی(ره) 1375/03/14

یک وقت به کسی می‌گویند: «این راه را نرو؛ ممکن است شکنجه شوی.» خوب؛ انسان قوی می‌گوید: «شکنجه شوم! چه مانعی دارد؟! راه را می‌روم.» یا می‌گویند: «نرو! ممکن است کشته شوی.» انسان بزرگ می‌گوید: «خوب؛ کشته شوم! چه اهمیت دارد؟!» اما یک وقت صحبت کشته شدن و شکنجه شدن و محرومیت کشیدن نیست. می‌گویند: «نرو؛ ممکن است که گروهی از مردم، به خاطر این حرکت تو کشته شوند.» این‌جا دیگر پای جان دیگران در بین است: «نرو؛ ممکن است بسیاری از زنان و مردان و کودکان، به خاطر پیش رفتن تو، سختی بکشند.» این‌جا دیگر کسانی که کشته شدن برایشان مهم نیست، پایشان می‌لرزد. آن کسی پایش نمی‌لرزد که اولاً در حد اعلی بصیرت داشته باشد و بفهمد چه کار بزرگی انجام می‌دهد. ثانیاً قدرت نفس داشته باشد و ضعف نفس نگیرد. این دو خصوصیت را امام حسین علیه‌السلام در کربلا نشان داد. لذا، حادثه‌ی کربلا مثل خورشیدی بر تارک تاریخ درخشید؛ هنوز هم می‌درخشد، و تا ابدالذّهر هم خواهد درخشید.

بیانات در اجتماع زائران مرقد امام خمینی(ره) 1375/03/14

روزی به امام گفتند: «اگر این راه را ادامه دهید، ممکن است همه‌ی علمای بزرگ و مراجع را علیه شما بشورانند و تحریک کنند.» یعنی اختلاف در عالم اسلام پیش آید. پای خیلی کسان، این‌جا می‌لرزد. اما پای امام نلرزد و راه را ادامه داد تا به نقطه‌ی پیروزی انقلاب رسید. بارها به امام گفته شد: «شما ملت ایران را به ایستادگی در مقابل رژیم پهلوی تشویق می‌کنید. جواب خون‌هایی را که بر زمین می‌ریزد چه کسی می‌دهد؟» یعنی در مقابل امام رضوان‌الله علیه، خونها را - خونهای جوانان را - قرار دادند. یکی از علمای بزرگ، در سال 42 یا 43، به خود بنده این مطلب را گفت. گفت: «در پانزده خرداد که ایشان - یعنی امام - این حرکت را کردند، خیلی کسان کشته شدند که بهترین جوانان ما بودند. جواب اینها را چه کسی خواهد داد؟» این طرز فکرها بود. این طرز فکرها فشار می‌آورد و ممکن بود هر کسی را از ادامه‌ی حرکت منصرف کند. اما امام، استقامت ورزید. عظمت روح او و عظمت بصیرتی که بر او حاکم بود، در این‌جاها دیده می‌شد.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج 1375/02/04

آنان که تحرک و جامعیت حج را نفی و رد می‌کنند، در واقع عزت و استقلال مسلمانان و نجات آنان از پنجه‌ی خونین استکبار و صهیونیسم را رد می‌کنند. هر گونه فتوی و نظریه‌ی دینی در این باره، حکم به غیر ما انزل الله است که به گمان زیاد، از روی جهل به حقایق جهان و محیط و نداشتن چشم باز و بصیرت لازم در امور مسلمین صادر می‌شود.

در جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این توانایی و قدرت را پیدا کرده که در مدتی بسیار کوتاه، حضوری همه جانبه و قوی در نقطه‌ی مورد نظر داشته است. این، مایه‌ی افتخار است. این، به برکت ایمان و در سایه‌ی اراده‌ای است که از عشق و ایمان برمی‌خیزد. این، همان روحیه‌ی میدان جنگ، همان روحیه‌ی «کربلای پنج» و «والفجر هشت» است. این، همان اراده‌ی عبور از «اروند» است؛ همان «فتح‌المبین»، «بیت‌المقدس» و شکستن حصر آبادان است. مایه، همان است. تفاوتی که پیدا شده، این است که امروز سازماندهی قویتر و منظمتر و فرماندهی، آگاهتر و بصیرتر است و نیروها، به طبیعت کار نظامی، آشناتر و علاقه‌مندترند. آن روز حضور دشمن در صحنه، هر کسی را به حرکت فرا می‌خواند. امروز، چیزی که همه را به حرکت فرا می‌خواند، حضور «وظیفه» است. آیه‌ی قرآن است که «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل». این، مرتبه‌ی افضل آن چیزی است که کشور و ملت ما، در دوران جنگ تحمیلی مشاهده کردند. این، دشمنان را می‌ترساند و دوستان را خرسند، امیدوار و مطمئن می‌کند. این، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی را دیگر نمی‌توان غافلگیر کرد. این، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی، گل خوشبوی معطر زیبا را، آن چنان بی‌دفاع نگذاشته‌اند که دست دشمن، از هر طرف به تطاول دراز شود و آن را پرپر کند. این، شمشیر ذوالفقار است؛ شمشیر دودمی که هم خوشحال‌کننده‌ی دوستان است، هم ترساننده‌ی دشمنان. هم برای ایجاد آمادگی لازم در هنگام خطر است و هم برای پیشگیری از طمع‌ورزی دشمن. هر ساعتی که شما در این‌جا در صف سان، در هنگام رژه، در هنگام تمرین و مانور می‌گذرانید (یعنی از وقتی که از خانه و شهر خود خارج شدید، تا وقتی که ان‌شاءالله با سلامت کامل به آن‌جا برگردید)، همه‌اش حسنه و صدقه است. هر قدم شما حسنه و صدقه و برای آن نیت و هدف است. وجود همه‌ی آن جماعت عظیم رزمنده‌ی منتشر در سراسر این کشور - که امام عزیز این امت درباره‌شان فرمود «مملکتی که اسلامی است، همه‌ی افرادش باید به این معنا نظامی باشند» - حسنه و صدقه است. این، در راه آن هدف و برای آن کار است. رزمندگان، بسیج در همه جا حاضر و سپاه و ارتش، باید در همه‌جا این آمادگیها را داشته باشند. این، از جنبه‌ی شکلی قضیه است و تا به حال هم خوب انجام شده است. ان‌شاءالله، تا آخر مانور هم، با دقت و هوشیاری شما، به بهترین وجه انجام می‌گیرد و این برای شما یک ذخیره در راه ایجاد آن نیروی مسلحی می‌شود که جنبه‌ی الهی و فنی را با هم دارد.

پیام به نشست سالانه‌ی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان (دفتر تکمیل وحدت) 1374/02/06

هر کس در مسائل جاری جهانی و مسائل کنونی انقلاب، بصیرتی داشته باشد به روشنی می‌فهمد که انقلاب اسلامی ایران در حال حاضر از یک معبر دشوار و حائل و البته تعیین کننده در حال عبور است. اگر بخواهیم این مسائل را در چند جمله خلاصه کنیم باید بگویم در سطح جهان مراکز استکباری و صهیونیستی به این نتیجه قطعی رسیده‌اند که اگر نتوانند این انقلاب را در مرحله کنونی‌اش شکست بدهند به احتمال زیاد، سر رشته کار را از دست داده و دیگر نخواهند توانست موج فزاینده‌ی بیداری اسلامی و حتی گرایش ملت‌های غیر مسلمان را به معنویت بلکه به مفاهیم معنوی اسلامی مهار کنند. و این موج عظیم که در این شانزده سال، عمق کافی هم یافته است تهدیدی جدی علیه حاکمیت استکباری و مشخصاً علیه سلطه فرهنگی غربی خواهد بود.

بیانات در دیدار کارگزاران حج 1374/01/16

چیزهایی هست که نوشتن ندارد. هر جا که شما به اثری از دین نگاه کنید، این را به وضوح می‌بینید. البته انسان باید بصیرت، فهم، معرفت و قدرت درک داشته باشد. کیست که، توحید - شعاع معنویت و وحدت مسلمین - را در حج ببیند و نفهمد که این اجتماع عظیم، برای این است که اسلام و توحید به رخ کفر کشیده شود؟! به خلاف آنچه امروز دشمنان می‌خواهند، در حج، توحید در مقابل شرک سینه سپر می‌کند.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون کهگیلویه و بویراحمد 1373/03/17

امروز عموم جوانان کشور - از دختر و پسر گرفته تا زن و مرد، و حتی غیرجوانان - ذهنشان باز است. اگر دیروز - قبل از انقلاب - جوانان دانشجویان از این ویژگی برخوردار بودند، امروز مخصوص آنها نیست و همه، مسائل را با چشم بصیرت و با استیصار نگاه می‌کنند و می‌خواهند بفهمند. یک بخش مهم از حادثه‌ی فرهنگی در جامعه‌ی امروز ما این است که اینها در معرض شبهات قرار می‌گیرند. یعنی دشمنان شبهه القا می‌کنند. دشمنان هم نه؛ منکرین فکر من و شما به القای شبهه می‌پردازند. مگر می‌شود گفت هرکس فکر ما را قبول ندارد، لال شود، حرف نزنند، و هیچ شبهه‌ای القا نکند؟ مگر می‌شود این‌طور گفت؟ به‌هرحال حرف می‌زنند، مطلب می‌پراکنند، به ایجاد تردید می‌پردازند و شبهات درست می‌کنند. مهم این است که مطلبی که شما می‌گویید، برطرف کننده‌ی شبهه باشد و آن را زیاد نکند.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج 1371/08/27

اساس بسیج در جمهوری اسلامی، بر آگاهی است. در این‌جا نظام جمهوری اسلامی هرگز نخواسته است عده‌ای بیابند و چشم‌هایشان را ببندند و با اطاعت کورکورانه و بی‌خبر از آنچه که اتفاق می‌افتد، به میدان بروند و اسلحه‌ها را بکشند و بنای جنگیدن بگذارند. این را ما نخواستیم. جمهوری اسلامی و امام این جمهوری - رضوان و رحمت خدا بر او - عکس این حرکت کردند. ملت ما با آگاهی راه‌افتاد، میدان را انتخاب کرد و در آن میدان جنگید. کسانی که در جبهه‌های نبرد، در هشت سال جنگ تحمیلی و قبل از آن و مقداری بعد از آن ایستادند و جنگیدند، علی بصیرت جنگیدند. فهمیدند که چه می‌کنند، با چه کسی می‌جنگند، چرا می‌جنگند و از چه دفاع می‌کنند. جوانان بسیجی ما، اگر شهری بودند، اگر روستایی بودند، اگر علی‌الظاهر مدرک تحصیلی نداشتند، اگر دانشگاهی نبودند، اگر متخصص عالی‌رتبه نبودند - هرکه بودند - مکرر در مکرر از زبانشان شنیدیم که «ما برای خاک نمی‌جنگیم؛ ما برای یک وجب زمین نمی‌جنگیم؛ ما برای اهداف و آرمانهایمان می‌جنگیم». این، همان معرفت است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج 1371/08/27

جوانان عزیز! بسیجیان عزیز! هر جای کشور که هستید، این بصیرت را روزبه‌روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلو بصیرت‌ها را بگیرد. بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد. دشمن سعی می‌کند آرزوهای انقلابی را در نظر یک ملت مؤمن، کوچک کند. سعی می‌کند نیازهای مادی و کوچک را در نظر او بزرگ کند. نیاز مادی هم نیاز است، اما از جان که بالاتر نیست! ملتی که در راه خدا، جان برایش نثار کردنی است، آنجایی که میدان مبارزه با دشمن است، نیازهای دیگر چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟! شما الان نگاه کنید! سیاست‌های امروز و دیروز دنیا را مشاهده کنید! ببینید چه هنگام بوده است که علیه این نظام مقدس اسلامی، توطئه‌هایی در آستین استکبار و استبداد جهانی نباشد؟ آنها از شیوع اسلام می‌ترسند. علناً اظهار می‌کنند که احساسات انقلابی اسلامی، در کشورهای اسلامی رو به گسترش است. خود ما هم این را می‌بینیم. این، یک واقعیت است. امروز ملت ایران یک ملت منزوی نیست. به کشورهای گوناگون در دنیا، مثلاً به قلب اروپا نگاه کنید و از کسانی که به آن‌جا رفته‌اند بپرسید و بشنوید که چطور ملتی مثل ملت بوسنی هرزگوین که در محاصره‌ی دشمنان انسانیت قرار گرفته است، به نام شما جوانان ایرانی، شعار می‌دهد و چطور از شما، در بستن پیشانی‌بندها تقلید می‌کند! ببینید چطور احساس کرده است که راه، آن راهی است که شما رفتید و باید همان راه را برود تا دشمن را شکست دهد! این، احساسات اسلامی است که روزبه‌روز گسترش پیدا می‌کند. کانون این احساسات، همین کشور مقدس اسلامی شما بود و الان هم هست. از این روست که استکبار، به طور مداوم برنامه‌ریزی می‌کند. برنامه‌هایش هم برنامه‌هایی است که انسان اگر با بصیرت نگاه کند، می‌تواند آنها را بشناسد.

بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا 1371/04/22

عاشورا پیامها و درس‌هایی دارد. عاشورا درس می‌دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس می‌دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس می‌دهد که در

میدان نبرد حق و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و وضع و امام و رعیت، با هم در یک صف قرار می‌گیرند. درس می‌دهد که جبهه دشمن با همه تواناییهای ظاهری، بسیار آسیب‌پذیر است. (همچنان که جبهه بنی‌امیه، به وسیله کاروان اسیران عاشورا، در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید، و بالأخره هم این ماجرا، به فای جبهه سفیانی منتهی شد.) درس می‌دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرتها فریب می‌خورند. بی‌بصیرتها در جبهه باطل قرار می‌گیرند؛ بدون این‌که خود بدانند. همچنان که در جبهه ابن‌زیاد، کسانی بودند که از فساق و فجار نبودند، ولی از بی‌بصیرتها بودند. اینها درسهای عاشورا است. البته همین درسها کافی است که یک ملت را، از ذلت به عزت برساند. همین درسها می‌تواند جبهه کفر و استکبار را شکست دهد.

بیانات در دیدار اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس 1370/12/04

شورای نگهبان مطمئن‌ترین دستگاه و ارگانی است که انقلاب به نظام کشور بخشیده است. ما برای این‌که به طور کلی از سلامت نظام مطمئن باشیم، مهمترین و رساترین و فعالترین و مؤثرترین مجموعه ما همین شورای نگهبان است. در قانون اساسی ما، شورای نگهبان حتمی نقشی مهمتر از طراز اولی که در صدر مشروطیت گذاشته شد، دارد. اولاً طراز اول، به مسائل قانون اساسی و امثال اینها کاری نداشت؛ فقط به مسأله‌ی شرع کار داشت؛ ثانیاً این کسانی که امروز در شورای نگهبان هستند، با مسائل کشور و مسائل انقلاب و مشکلاتی که بر سر راه انقلاب هست، واقفترند، تا آن کسانی که در آن روز می‌خواستند در نقش طراز اول کار کنند. البته دیدیم که در آن روز دشمنان اسلام و دشمنان آزادی ایران نتوانستند طراز اول را تحمل کنند و چه زود آنها را از صحنه خارج کردند؛ اول وجودشان را، بعد خود اعیانشان را بی‌اثر کردند و این ارگان را بکلی حذف کردند! بدون طراز اول، دهها سال مشروطیت ادامه پیدا کرد و شد آنچه شد؛ مشروطه به استبدادی از طراز استبدادهای درجه‌ی اول تبدیل شد؛ یعنی از استبداد ناصرالدین شاهی بالاتر! هیچ کس نمی‌تواند بگوید که استبداد رضاخان از استبداد ناصرالدین شاه کمتر است؛ بلکه بلاشک بیشتر از آن است. ناصرالدین شاه در قضیه‌ی تنباکو وقتی که حرکت مردم را دید، عقب نشست؛ اما رضاخان در سال 1314 هنگامی که حرکت مردم و علما را دید، حرکت مردم را سرکوب کرد و علما را دستگیر نمود و واقعه‌ی مسجد گوهرشاد را پیش آورد! به اعتقاد ما، همه‌ی اینها ناشی از عدم حضور طراز اول در آنجاست؛ و الا اگر علمای پیش‌بینی شده‌ی در متمم قانون اساسی - که همان طراز اول باشند - حضور می‌داشتند و می‌توانستند نقش خودشان را ایفا کنند، ما امروز از آنچه که هستیم، خیلی جلوتر بودیم. خوشبختانه حضور امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) در انقلاب، با آن قاطعیت و آن بصیرت و آن حزم و آن حکمتی که در ایشان بود، اجازه نداد که دشمنان بخواهند نسبت به شورای نگهبان همان کاری را بکنند که با طراز اول کردند.

امروز هم بحمدالله شورای نگهبان در اوج اقتدار قانونی و معنوی است؛ و هم در قضیه‌ی قوانین، و هم در قضایای فرعی - از قبیل این قضیه‌ی که امروز شما به آن دچار هستید - مورد قبول مردم و مورد اعتماد و توجه دستگاهها و پشتیبان نظام است. هرکس که این موقعیت را برای شورای نگهبان نپسندد و با آن معارضه و مقابله بکند، آگاهانه و یا ناآگاهانه در همان خطی قرار گرفته که یک روز قبل از رضاخان و در زمان رضاخان، در راه حذف آن طراز اول اقداماتی انجام گرفت و نتایجی به بار آورد. شورای نگهبان در حرف و اقدام و کار خودش، امین و مؤتمن است و همه موظفند که به چشم امین به آن نگاه کنند. هر قاضی عادل هم وقتی که قضاوت می‌کند، ممکن است یک نفر در دلش به او اعتراض داشته باشد - چون بین ماها عصمت که نیست - و آن اعتراض بحق هم باشد؛ اما حکم قاضی، حکم یک امین مؤتمن است و بایستی عملاً مورد اعتماد قرار بگیرد. امروز وضع شورای نگهبان این‌طور است؛ هم در قوانین، هم در تصرفات اجرایی و شبه اجرایی - از این قبیلی که ما در باب انتخابات مشاهده می‌کنیم - بایستی مورد اعتماد و قبول و ائتمان مردم باشد و بحمدالله هست و هیچ کس نباید به خودش اجازه بدهد که از این موقعیت و مقام شامخ معنوی‌ی که قانون برای شورای نگهبان معین کرده، حتمی انجام بدهد و نسبت به آن خدشه‌ی وارد کند. با علم و معرفت و بصیرت به این موقعیت است که ما در باب تصرفات شورای نگهبان حرف می‌زنیم و نسبت به آن تصمیم‌گیری می‌کنیم.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه 1370/11/18

خدای متعال نعمتهای معنوی را هم مثل نعمتهای مادی، آسان و ارزان نمی‌دهد؛ و اگر بدهد، آن را آسان و ارزان برای ما حفظ نمی‌کند. همچنان که همه‌ی دستاوردهای بشر به تبع تلاش و پیگیری است، حفظ آنها هم به تبع تلاش و مجاهدت و فداکاری است. اگر مشاهده می‌کنید که ملت‌هایی پیشرفتهای علمی و تکنولوژیکی یا سیادت سیاسی و اقتصادی پیدا کرده‌اند - ثروتمند شده‌اند و عزتی پیدا کرده‌اند - هرچه هست، تابع تلاش است. این یکی از اصول اسلامی است که «من کان یرید العاجلة عجلنا له فیها ما نشاء لمن نرید»؛ این مربوط به کسانی است که دنیا را می‌خواهند. آن کسانی که دنیا را ارزشها هستند و دنیای ارزشی را که همان آخرت است، و آخرت الهی را که همان ثواب الهی است، می‌خواهند، آنها هم همین‌طورند؛ «و من اراد الآخرة و سعی لها سعیها و هو مؤمن فاولئک کان سعیمم مشکورا». بعد می‌فرماید: «کلاً نمذ هؤلاء و هؤلاء»؛ ما همه را کمک می‌کنیم؛ اینها را و آنها را. هرکس که تلاش کرد، در همان راهی که تلاش کرده است، خدا به او کمک می‌کند. تلاش، معیار و میزان برای به دست آوردن دستاوردهاست. حفظ دستاوردها هم همین‌طور است؛ یعنی بی‌تلاش نمی‌شود. تاریخ در مقابل ماست. قرآن - معلم بصیرت‌بخش بشریت - در مقابل ماست. در چند جای قرآن خداوند به بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «و اتی فُضِّلْتُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ من شما را بر همه‌ی عالمین فضیلت بخشیدم؛ اما همین بنی‌اسرائیل کاری کردند که خدای متعال فرمود: «و ضربت علیهم الذلّة و المسکنة و بانو بغض من الله»؛ خداوند قوم و خویشی با کسی ندارد؛ این تلاش انسانهاست که تعیین کننده‌ی سرنوشت آنهاست؛ لذا در سوره‌ی جمعه می‌بینید که درباره‌ی همین بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «مِثْلَ الَّذِينَ حَمَلُوا الثَّوْبَةَ ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوهَا». تورات را بر آنها حمل کردند؛ یعنی بر دل و جان و زندگی و ذهن آنها وارد کردند - پس اینها از تورات بهره بردند - اما «ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوهَا»؛ لیکن بعداً امتداداً اینها تورات را با خودشان برنداشتند و آن را از ذهن و دل و واقع‌زندگیشان خارج کردند. ظاهر تورات وجود داشت، اما باطن تورات دیگر نبود؛ آن وقت «کمثل الحمار یحمل اسفار»

بیانات در دیدار مردم استان بوشهر 1370/10/11

در فضای زندگی ما باید قرآن حکومت کند و برکات قرآنی موج بزند. در سایه‌ی قرآن است که معرفت و بصیرت و شجاعت و اقدام ما معنا پیدا می‌کند و به سمت هدفهای درست متوجه می‌شود. قرآن به مؤمنین می‌گوید: ای مؤمنین! وقتی خدا و پیامبر خدا شما را به حیات و به زندگی واقعی دعوت می‌کنند، به ندای آنها پاسخ بدهید. این چه حیاتی است که خدا و پیامبر، ما را به آن دعوت می‌کنند؟ در یک کلمه، این حیات شایسته‌ی انسان است.

بیانات در دیدار مردم استان بوشهر 1370/10/11

امروز بحمدالله زنان ما در میدانهای گوناگونی پیشرفت داشته‌اند. نباید زنان و دختران را از تحصیل علم باز داشت؛ باید کمک کرد تا تحصیل کنند و معرفت و بصیرت پیدا نمایند. زنان می‌توانند در همه‌ی مسائل، دوشادوش مردان باشند؛ البته باید حدود الهی و احکام الهی حفظ بشود.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه 1370/06/27

دوران دشوار هر انقلابی، آن دورانی است که حق و باطل در آن ممزوج بشود. ببینید امیرالمؤمنین از این می‌نالد: «ولکن یؤخذ من هذا ضعف و من هذا ضعف فیمزجان فهنا لک یستولی الشیطان علی اولیائه». در دوران پیامبر، این‌طوری نبود. در دوران پیامبر، صفوف صریح و روشنی بود. آن طرف، کفار و مشرکان و اهل مکه بودند؛ کسانی بودند که یکی‌یکی مهاجرین از اینها خاطره داشتند؛ او من را در فلان تاریخ زد، او من را زندانی کرد، او اموال من را غارت کرد؛ بنابراین شبهه‌ی نبود. یهود بودند؛ توطئه‌گرانی که همه‌ی اهل مدینه - از مهاجر و انصار - با توطئه‌های آنها آشنا بودند. جنگ بنی‌قریظه اتفاق افتاد، پیامبر دستور داد عده‌ی کثیری آدم را سر بردند؛ خم به ابروی کسی نیامد و هیچ‌کس نگفت چرا؛ چون صحنه، صحنه‌ی روشنی بود؛ غباری در صحنه نبود. این‌طور جایی، جنگ آسان است؛ حفظ ایمان هم آسان است. اما در دوران امیرالمؤمنین، چه کسانی در مقابل علی(ع) قرار گرفتند؟ خیال می‌کنید شوخی است؟ خیال می‌کنید آسان بود که «عبداللّه بن مسعود»، صحابی به این بزرگی - بنا به نقل عده‌ی - جزو

پابندهای به ولایت امیرالمؤمنین نماند و جزو منحرفان به حساب آمد؟ همین «ربیع بن خثیم» و آنهایی که در جنگ صفین آمدند گفتند ما از این قتال ناراحتیم، اجازه بده به مرزها برویم و در جنگ وارد نشویم، در روایت دارد که «من اصحاب عبداللّه بن مسعود!» این جاست که قضیه سخت است.

وقتی غبار غلیظتر می‌گردد، می‌شود دوران امام حسن؛ و شما می‌بینید که چه اتفاقی افتاد. باز در دوران امیرالمؤمنین، قدری غبار رقیقتر بود؛ کسانی مثل عمار یاسر - آن افشاگر بزرگ دستگاه امیرالمؤمنین - بودند. هرجا حادثه‌ی بی‌اتفاق می‌افتاد، عمار یاسر و بزرگانی از صحابه‌ی پیامبر بودند که می‌رفتند حرف می‌زدند، توجیه می‌کردند و لاف‌ها را برای عده‌ی غبارها زدوده می‌شد؛ اما در دوران امام حسن، همان هم نبود. در دوران شبیه و در دوران جنگ با کافر غیرصریح، جنگ با کسانی که می‌توانند شعارها را بر هدفهای خودشان منطبق کنند، بسیار بسیار دشوار است؛ باید هوشیار بود.

البته بحمدالله ما هنوز در چنان دورانی نیستیم. هنوز صفوف روشن است؛ هنوز خیلی از اصول و حقایق، واضح و نمایان است؛ اما مطمئن نباشید که همیشه این‌گونه خواهد بود. شما باید آگاه باشید. شما باید چشم بصیرت داشته باشید. شما باید بدانید بازویان در اختیار خداست یا نه. این، بصیرت می‌خواهد؛ این را دست کم نگیرید.

من یک وقت در دوران زندگی تقریباً پنجساله‌ی حکومت امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة والسّلام) و آنچه که پیش آمد، مطالعات وسیعی داشتم. آنچه من توانستم به عنوان جمع‌بندی به دست بیاورم، این است که «تحلیل سیاسی» ضعیف بود. البته در درجه‌ی بعد، عوامل دیگری هم بود؛ اما مهمترین مسأله این بود. والاّ خیلی از مردم هنوز مؤمن بودند؛ اما مؤمنانه در پای هودج ام‌المؤمنین در مقابل علی (علیه السلام) جنگیدند و کشته شدند! بنابراین، تحلیل غلط بود.

موضع خود را شناختن و در آن قرار گرفتن، هوشیاری سیاسی، شمس سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی - البته به دور از ورود در دسته‌بندیهای سیاسی - خودش یکی از آن خطوط ظریفی است که من در پیام هم به شما عرض کردم؛ امام هم که مکرر در مکرر فرموده بودند.

البته یک عده خوششان نمی‌آمد؛ نه، چرا در کارهای سیاسی دخالت نکنند؟! همان وقت من یادم هست که بعد از گذشت چند ماه از فرمایش امام، یک حادثه‌ی انتخاباتی در پیش بود و زیدی به یکی از شهرها رفته بود - که نمی‌گویم کجا، چون نمی‌خواهم نزدیک بشوم - و سخنرانی کرده بود. آن وقتها نوارش را آوردند و من گوش کردم. او می‌گفت: نه آقا، چرا می‌گویید سپاه در سیاست دخالت نکند؟ باید بکند؛ از شماها چه کسی بهتر؟! (؟)

ببینید، اینها حرفهای خوشایند و دلنشینی است که این جوان مبارز پُر از خون انقلابی، به هیجان بیاید؛ بله، چه کسی از ما بهتر؟ امام این موضوع را صریحاً گفته بودند؛ اما اینها بین آگاهی سیاسی و حضور سیاسی در صحنه‌ی انقلاب - که این خوب است - و بین دخالت در معارضات سیاسی و جناح‌بندیهای سیاسی و به نفع یکی و به ضرر دیگری کار کردن - که این همان چیز بد و بسیار خطرناکی است که امام هیأتی را مأمور کردند و گفتند ببینید چه کسی این‌طور است، از سپاه بیرونش کنید - خلط می‌کردند.

بیانات در دیدار مسئولان دفتر هنر و ادبیات مقاومت 1370/04/25

من کتابهایی را که می‌خوانم، معمولاً پشتش یادداشت یا تقریظی می‌نویسم؛ یعنی اگر چیزی به ذهنم آمده، پشت آن یادداشت می‌کنم. این کتاب «فرمانده‌ی من» را که خواندم، بی‌اختیار پشتش بخشی از زیارتنامه را نوشتم: «السّلام علیکم یا اولیاءالله و احبّاته». واقعاً دیدم که در مقابل این عظمتها انسان احساس حقارت می‌کند. من وقتی این شکوه را در این کتاب دیدم، در نفس خودم حقیقتاً احساس حقارت کردم.

چه کسی می‌تواند این شکوه را به ما نشان بدهد؟ این شکوه وجود دارد، ولی یک نفر باید آن را به ما نشان بدهد. او، چه کسی است؟ او، شماست. یعنی اگر شما قدر خودتان را بدانید، می‌توانید حامل آنچنان نورانیتی باشید که انسانها را تکان می‌دهد. آنطور حقایق واقعاً ماها را منقلب می‌کند. آن حقیقت اتفاق افتاد و یک لحظه از بین رفت. البته در ملکوت باقی است؛ اما در عالم ناسوت و در مادّیت و حساب زمان و مکان ما، در یک لحظه حادثه‌ی بی‌اتفاق افتاد و تمام شد و رفت. چه چیزی می‌تواند این حادثه را ماندگار کند؟ چه چیزی می‌تواند آن را به گونه‌ی که حتّی چشم عادی در حضور نمی‌بیند، در غیاب آن حادثه، به دل و بصیرت انسان تفهیم بکند؟ آن، هنر است. هنر این نقش را دارد و می‌تواند این کار را انجام بدهد.

بیانات در دیدار کارگزاران حج 1370/04/23

جمهوری اسلامی حج را شناخت. این، بصیرت امام بود. امام درست در سربندهای اساسی انگشت گذاشته بود. در اسلام خیلی واجب وجود دارد، روزه هم یک واجب اساسی است؛ اما امام روی نماز جمعه و روی حج - یعنی آن بخشهای حساس و سربندهای مهم - خیلی تکیه کرد و دایم از سال اول نسبت به حج حرف داشت و پیام می‌داد. البته من یادم است که ایشان از قبل هم - یعنی سال 41 - به حجاج پیام می‌دادند. بعد از آن مبارزات اولیه‌ی مربوط به انجمنهای ایالتی و ولایتی، و بعد از آن که دولت انجمنها را قبول کرد، فاصله‌ی شد.

پیام به کنگره عظیم حج 1370/03/26

خدا را شکر که هیچیک از تلاشهای استکباری - چه عملی و چه تبلیغاتی - کارگر نیفتاد و شعله‌ی امیدی که با پیروزی انقلاب اسلامی و چهره‌ی مصمم و تسلیم‌ناپذیر آن، بر دنیای اسلام و جانهای مسلمین پرتو افکنده بود، کار خود را کرد و نتیجه آن است که امروز در تعدادی از کشورهای اسلامی، به صورت حرکت‌های عظیم مردمی در طلب حکومت اسلامی مشاهده می‌شود. لیکن این‌جانب به عنوان برادری دلسوز و مجرب، وظیفه‌ی خود می‌دانم به این ملتها و مخصوصاً به رهبران و هوشمندان و روشنفکران و علمای دینی آنان یادآوری کنم؛ اولاً، در این راه که خطرات زیادی از ناحیه‌ی بی‌صبری یا بی‌بصیرتی حرکت را تهدید می‌کند، بر دو عنصر صبر و بصیرت بیش از همه چیز تأکید بورزید.

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) 1370/03/14

آنچه امام بزرگوار و ملت شجاع ما را در راه این مبارزه‌ی بزرگ موفق کرد، بصیرت و صبر بود - مقاومتی همراه با بصیرت - همان‌طور که امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة والسّلام) فرمود: «و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر». علت آن هم این است که امروز مبارزه با کفر خالص و شرک خالص نیست، تا مطلب روشن، و صف‌بندیها مجزا و جدای از هم باشد؛ بلکه امروز مبارزه با نفاق و دورویی و تزویر و شعارهای توخالی و دروغ‌نویسی و لاف‌نویسی است که بلندگوهای استکبار را در همه‌ی انحاء عالم پُر کرده است. بسیاری دم از طرفداری از حقوق بشر می‌زنند و دروغ می‌گویند. بسیاری دم از اسلام می‌زنند و دروغ می‌گویند. اسلام آنها، اسلام باب طبع و میل سردمداران استکبار است. بسیاری دم از مساوات و برابری انسانها می‌زنند و می‌زنند و دروغ می‌گویند و دروغ می‌گویند. بنابراین، مبارزه در دوران کنونی، مبارزه‌ی دشوار است؛ هم به خاطر قدرت زر و زور

استنکبار، و هم به خاطر قدرت تبلیغاتی و توجیه‌گر دروغ‌گوئیها و نفاقهای استنکبار و ایادیش.

انسانهای بی‌بصیرت، زود فریب می‌خورند. همین امروز هم در دنیا آدم‌های دلسوزی هستند که فریب خورده‌اند؛ دشمن را نشناخته‌اند و صف را تشخیص نداده‌اند. در ایران، امام عظیم‌الشان ما، به برکت بصیرت مردم - که با صبر و مقاومت آنها همراه بود - این راه را طی کرد و به موفقیت رسید. خود او، در ایجاد این بصیرت و صبر در مردم، بزرگترین مؤثر بود. هرچا در انحای عالم مبارزه‌پی صورت می‌گیرد، حرکتی می‌شود، انسان دلسوزی در پی نجات توده‌های مردم حرکت می‌کند، باید بداند که این راه، با هوشمندی و بصیرت و نیز با صبر و مقاومت طی‌شدنی است، و لاغیر.

چند توصیه به ملت عزیزمان: مواظب باشید صبرتان را از دست ندهید. ما با صبر پیروز شدیم؛ باز هم باید با صبر پیشروی بکنیم. مواظب باشید بصیرتتان را از دست ندهید، دشمن را بشناسید و دشمنیها و ترفندهای او را درست تشخیص بدهید. تبلیغاتی که دشمن می‌کند، حرفی که دشمن می‌زند و شایعه‌پی که دشمن می‌اندازد، به چشمتان بیاید. توجه کنید که دشمن با چه انگیزه‌پی این حرف را می‌زند، این شایعه را می‌پراکند، این خبر دروغ را نقل می‌کند و این اظهار منافقانه را بر زبان جاری می‌نماید. به‌هرحال، دشمن، دشمن است.

صبر و بصیرت و وحدتتان را حفظ کنید. نگذارید به بهانه‌های گوناگون، آدم‌های کم‌بصیرت، یا کم‌صبر، یا خودخواه، یا بی‌توجه به مصالح عمومی مردم، میان صفوف مستحکم شما فاصله بیندازند و شما را نسبت به یکدیگر، یا نسبت به مسؤولان دل‌چرکین و نگران کنند. آگاه باشید و بدانید که این راه به هدف خواهد رسید؛ چون راه پیامبران و راه اوصیا و آرزوی مؤمنان صالح در طول همه‌ی زمانهای گذشته است. ملت‌های دیگر به شما نگاه می‌کنند و می‌خواهند از شما بیاموزند.

پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) 1370/03/13

با اعتماد و اطمینان به هوشیاری و قدرت تحلیل که بحمدالله به برکت انقلاب در میان اقشار مردم ما رایج است، لازم می‌دانم اعلام کنم که برخلاف ادعا و میل سخنگویان استنکبار، خطوط اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی - که پایه‌ی عمده‌ی آن، اصل «نه شرقی و نه غربی» است - تغییر نیافته و هرگز هم قابل تغییر نیست و جنجال هوجبگرایه‌ی دشمنان قادر نیست دولت و ملت ایران اسلامی را از راهی که با بصیرت انتخاب کرده و با معرفت پیموده است، منحرف سازد.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم 1370/01/26

این جمله‌ی که امیرالمؤمنین فرمودند، چیز عجیبی است: «إِنَّمَا النَّاسُ بِنَظَرِ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَامٌ عَلَيْهِمْ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ فَنَ شَغِبَ شَاغِبِ اسْتَعْتَبَ»؛ اگر کسی در مقابل این مسیر صحیحی که من در پیش گرفته‌ام، فتنه‌گری و آشوبگری بکند، نصیحتش می‌کنیم که برگردد؛ اما اگر ابا کرد، رویش شمشیر می‌کشیم؛ «فان ابی قوتل». اگر کسی از این طریق تخطی بکند، با شمشیر علوی مواجه می‌شود. در همین خطبه می‌فرماید: «أَلَا وَاتَّي أَقَاتِل رَجُلِينَ»؛ من با دو کس می‌جنگم: «رجلا ادّعی ما لیس له و اخر منع الّذی علیه»؛ یکی آن کسی که چیزی را که متعلق به او نیست - مالی را، مقامی را، حقی را که به او تعلق ندارد - بخواهد دست بیندازد و بگیرد؛ نفر دوم کسی است که حقی را که برگردن اوست و باید ادا بکند، ادا نکند. مثلاً باید به جهاد برود، اما نرود؛ باید ادای مال بکند، اما نکند؛ باید در اجتماع مسلمین شرکت کند، اما نکند. او قاطعانه این مطالب را می‌فرمود. «و قد فتح باب‌الحرب بینکم و بین اهل‌القبلة و لایحمل هذا العلم الاّ اهل‌البصر و الصّبر»؛ باب جنگ با اهل قبله بر روی شما باز شد. زمان پیامبر، چه موقع چنین چیزی بود؟

عمار یاسر در جنگ صفین ملتفت شد که در یک گوشه‌ی لشکر همه‌مه است. خودش را رساند، دید یک نفر آمده و سوسه کرده که شما با چه کسانی دارید می‌جنگید؛ طرف مقابل شما مسلمانند و نماز می‌خوانند و جماعت دارند!

یادتان است که در جنگ تحمیلی، وقتی بچه‌های ما می‌رفتند سنگرهای دشمن را می‌گرفتند و آنها را اسیر می‌کردند و به داخل سنگر می‌آوردند، وقتی جیب‌هایشان را می‌گشتمند، مهر و تسبیح پیدا می‌کردند! آنها جوانان مسلمان شیعه‌ی عراقی بودند که مهر و تسبیح در جیبشان بود؛ اما طاغوت و شیطان از آنها استفاده می‌کرد. این دست مسلمان تا وقتی ارزش دارد و دست مسلمان است، که به اراده‌ی خدا حرکت کند. اگر این دست به اراده‌ی شیطان حرکت کرد، همان دستی می‌شود که باید قطعش کرد. این را امیرالمؤمنین خوب تشخیص می‌داد.

علی‌اک‌حال، این سوسه را چند بار در لشکر صفین به وجود آوردند و هر دفعه هم به گمانم عمار بود که خودش را رساند و فتنه را افشا کرد. عمار جمله‌ی با این مضمون گفت که جنجال نکنید، حقیقت را بشناسید. این پرچمی که در مقابل شماسست، من دیدم که به جنگ پیامبر آمد و زیر این پرچم، همان کسانی ایستاده بودند که الان ایستاده‌اند؛ و پرچمی را دیدم - اشاره به پرچم امیرالمؤمنین - که در مقابل آن پرچم بود و زیر آن پیامبر و همان کسانی که امروز ایستاده‌اند - یعنی امیرالمؤمنین - بودند؛ چرا اشتباه می‌کنید؟ چرا حقیقت را نمی‌شناسید؟

این، بصیرت عمار را نشان می‌دهد. بصیرت، چیز خیلی مهمی است. من در تاریخ هرچه نگاه کردم، این نقش را در عمار یاسر دیدم. مواردی را که عمار یاسر خودش را برای روشننگری رسانده بود، من در جایی یادداشت کرده‌ام؛ اما دم دستم نبود که بخواهم پیدا کنم و در این‌جا مطرح نمایم. خدای متعال، این مرد را از زمان پیامبر برای زمان امیرالمؤمنین ذخیره کرد، تا در این مدت به روشننگری و بیان حقایق بپردازد.

من از سابق مکرر گفته‌ام که اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد، فریب و شکست خواهد خورد. اصحاب امام حسن، قدرت تحلیل نداشتند؛ نمی‌توانستند بفهمند که قضیه چیست و چه دارد می‌گذرد. اصحاب امیرالمؤمنین، آنهاپی که دل او را خون کردند، همه مغرض نبودند؛ اما خیلی از آنها - مثل خوارج - قدرت تحلیل نداشتند. قدرت تحلیل خوارج ضعیف بود. یک آدم ناباب، یک آدم بدجنس، یک آدم زبان‌دار پیدا می‌شد و مردم را به یک طرف می‌کشاند؛ شاخص را گم می‌کردند. در جاده، همیشه باید شاخص مورد نظر باشد. اگر شاخص را گم کردید، زود اشتباه می‌کنید. امیرالمؤمنین می‌فرمود: «و لایحمل هذا العلم الاّ اهل‌البصر و الصّبر»؛ اول، بصیرت، هوشمندی، بی‌نایی، قدرت فهم و تحلیل، و بعد صبر و مقاومت و ایستادگی. از آنچه که پیش می‌آید، انسان زود دلش آب نشود. راه حق، راه دشواری است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام 1369/09/14

امام(ره) به معنای واقعی کلمه، یک حکیم بود. خدای متعال، حکمت به همان معنای حقیقی «ولقد اتینا لقمان‌الحکمة» را به این مرد داده بود. او واقعاً بصیرتی داشت. خیلی از چیزهایی که ماها حتی گاهی با دقت نمی‌دیدیم، او آنها را در نگاه عادی مشاهده می‌کرد. حرف‌های او، برخاسته‌ی از چنین دلی و چنان حکمتی بود.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان و افشار مختلف مردم 1369/07/11

ممشای امام را اهل بصیرت و اهل خبره و کسانی که معاشر و محشور با ایشان بودند، می‌دانند؛ نه این‌که هر کس بیاید حرف بزند که اگر امام(ره) بود، چنین می‌کرد و چنان

من همه را توصیه می‌کنم که این خط صحیح را دنبال کنند. مواظب باشید، در حالی که ما دنیای اسلام را به وحدت دعوت می‌کنیم، دشمن نتواند در میان صفوف خود جمهوری اسلامی، اختلاف و تفرقه ایجاد کند. شرط پیروزیها این است که جناحهای مختلف در جمهوری اسلامی، احترام هم را حفظ کنند و با هم باشند. در جمهوری اسلامی، انتخاب، انتخاب اصلح است؛ نه رقابت انتخاباتی. این دعوای و رقابتها، متعلق به دمکراسیهای غربی است که از خدا و دین، هیچ چیزی به مشامشان نرسیده است.

کارهایی که بعضیها انجام می‌دهند، باب جمهوری اسلامی نیست. در اینجا ممشا، ممشای اسلامی است و انتخاب، انتخاب اصلح. مردم باید با چشم باز و با بصیرت وارد بشوند و آدمهایی را که اطمینان پیدا می‌کنند، انتخاب کنند. گیرم حالا زید و عمرو در این جمع نباشند؛ این نباید موجب تعارض بشود.

به‌هرحال، همه‌ی برادران و خواهران عزیز از خدای متعال کمک بخواهند، برای این‌که راه صحیح و بصیرت در این راه را ان‌شاءالله به همه‌ی ما تلقین کند و همه‌ی ما را هدایت نماید. امروز، حفظ حیثیت و آبروی انقلاب و نظام اسلامی و حفظ وحدت، بر همه واجب است و اگر کسی تخلف و تخطی بکند، بداند که از انقلاب تخطی کرده و مطمئناً برای مردم و این جوانان پُرشور و کسانانی که احساس مسؤولیت می‌کنند، قابل تحمل نخواهد بود.

بیانات در دیدار جمعی از فرزندان ممتاز شاهد و جانبازان مشهد و تهران و استان کردستان 1369/06/21

ملت در انتخاب خبرگان، باید با بصیرت عمل کند. چشم‌پایان را باز کنید، از خدا مدد بخواهید و ببینید که چه کسانی را انتخاب می‌کنید. افراد صالح، مؤمن، لایق، افرادی که می‌توانند مصلحت دین و دنیای مردم را تشخیص بدهند، افرادی که دارای تقوای کافی هستند و آنها را از لغزش باز می‌دارد، افراد عالم، انقلابی و کسانانی را که تجربه‌ی سالهای گذشته نشان داده است که در خط درست حرکت کرده‌اند و راه درست را شناخته‌اند، انتخاب کنید. این، چیز خیلی مهمی است.

سخنرانی در دیدار با مسؤولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها و افشار مختلف مردم 1369/05/24

بالاخره ملت‌ها تا کی باید وسیله‌ی برای هوسرانی اشخاص و انسانهای قدرتمند باشند؟ این نظام جهنمی سلطه‌ی که بر دنیا حاکم است، تا کی باید حاکم باشد؟ امروز بازی صدام با کویت است که وارد این کشور بشود و ملت عراق و ملت کویت، زیر فشار قرار بگیرند؛ فردا طور دیگری خواهد بود. دولت‌های وابسته به استکبار جهانی و امریکا و غرب، تا کی باید بدون در نظر گرفتن مصالح ملت‌ها، هر کاری که می‌خواهند، با ملت‌های خودشان بکنند؟ راه نجات چیست؟ آیا راه نجاتی نیست؟ راه نجات وجود دارد. راه نجات در کشورهای اسلامی، بازگشت به اسلام است. راه نجات، بصیرت نسبت به دشمن واقعی است. ملت‌های مسلمان باید دشمن واقعی را بشناسند و ترفند و خدعه‌ی استکبار را درک کنند.

بیانات در دیدار مسئولان صدا و سیما 1369/05/07

از تولید - بخصوص در سیما - باید مراقبت بشود. آقایانی که مسؤول این کار هستند، به این اکتفا نکنند که به یک تهیه‌کننده بگویند مثلاً فیلم بیست دقیقه‌ی، یک ساعتی، یا ده ساعتی در این موضوع تهیه کن. نه، باید در تمام طول مدت کار، ابزارها و چشم‌ها و بینش‌های سرشار از بصیرتی مراقبت داشته باشند، ببینند چه چیزی از آب در می‌آید. اگر خدای نکرده یک تهیه‌کننده، مسؤولیتش یک ذره ضعیف باشد، کار خراب خواهد شد. اگر شما مراقبت نکردید، ممکن است در فیلمنامه چیزی گنجانده بشود که آن کارگردان و آن بازیکن بیچاره هم همان را اجرا بکند. چیز بدی از آب در می‌آید؛ کمالین که گاهی چنین چیزی هم مشاهده می‌شود. اینهایی که مطرح می‌کنم، از بر نیست؛ از روست؛ یعنی چیزهایی است که دیده و مشاهده شده است و می‌شود نمونه‌هایی را ذکر کرد.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) 1369/03/10

امروزه گرچه مغزهای علیل تحلیگران ماڈی، هنوز عاجز از فهم و تحلیل حوادث اسلامی در ده‌سال اخیر است و آنان بدرستی نمی‌توانند بفهمند، که چه شد که پس از تلاش دوپست‌ساله‌ی استعمار در کشورهای اسلامی و پس از هزاران شیوه‌ی موفق برای راندن اسلام از صحنه‌ی زندگی و حتی از صفحه‌ی ذهن و دل مردم در این کشورها و مهمتر از آن، پس از قرن‌ها بدمؤوری قدرتهای استبدادی و ایادی آنان و پس از تحریف‌های بی‌شماری که به وسیله‌ی وعاظ السلاطین و آخوندهای درباری در دین پدید آمده و صفا و خلوص آن را مخدوش ساخته و به دارویی بی‌اثر و جسمی بی‌جان بدل کرده بود، امروز دوباره اسلام در قلب میهن اسلامی پروبال گشوده و سایه‌ی رحمت خود را بر سرتاسر جهان اسلام گسترده و چون خورشیدی روشنگر در دل همه‌ی مسلمین تافته و به آنان روح و نشاط و امید بخشیده است؟ و چگونه اسلام که بتدریج به دست فراموشی سپرده می‌شد و هرگز هیچ امیدی را در دل جستجوگر انسانهای دردمند و بی‌تاب بر نمی‌انگیخت، اکنون به یگانه امید روشن ملت‌های مسلمان، مخصوصاً جوانان و بیدارلان و دردمندان تبدیل یافته است؟ آری، فهم و تحلیل درست این حوادث شگفت‌آور، اگرچه برای مغزها و ذهن‌های بیگانه از حقیقت اسلام و بی‌خبر از سرگذشت واقعی اسلام ناممکن است، لیکن برای صاحبان بصیرت، پاسخ در یک کلمه است: معجزه‌ی انقلاب. ملت ایران بخوبی دانسته است که نقطه‌ی قوت و پایداری او، درست همان است که دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابله با آن مصروف می‌کند؛ یعنی توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب (رضوان‌الله‌علیه) بر آن تأکید شده است. خشم و غیظ عنادآمیزی که در به‌کاربردن واژه‌ی «بنیادگرایی» در اظهارات خصمانه‌ی رسانه‌های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پابندی رهبر و ملت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است. چه‌قدر ساده‌لوح و سطحیند کسانانی که گمان می‌کنند دشمنی امریکا و جبهه‌ی استکبار و دارودسته‌ی وسیع صهیونیستی که اکثر خبرگزاریها و رسانه‌های خبری و تبلیغی جهان را در اختیار دارند، ناشی از آن است که جمهوری اسلامی، بموقع تلاش لازم را برای کسب دوستان انجام نداده و یا در مسائل جهانی دچار تندروی شده است. این گمان، حاکی از عدم تعمق در حوادث و جریان‌های داخلی و جهانی و عدم بصیرت در دشمن‌شناسی است.

سخنرانی در دیدار با افشار مختلف مردم (روز سی‌ام ماه مبارک رمضان) 1369/02/06

بی‌مورد نیست که امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) فرمود: هیچ‌کس نمی‌توانست این کاری را که من کردم، بکند و این فتنه را بخواباند. این کار، واقعاً شمشیر و آگاهی و آن ایمان علی به خودش و راه خودش را می‌خواست. حتی گاهی خواص متزلزل می‌شدند. امیرالمؤمنین(ع) به آن صحابه‌ی خود فرمود - طبق این نقلی که شده است - فردا به تو خواهم گفت. فردا وقتی که جنگ تمام شد و کمتر از ده نفر از مجموعه‌ی خوارج زنده ماندند و بقیه در جنگ کشته شدند، حضرت به عنوان وسیله‌ی عبرت و موعظه‌ی یاران و اصحاب خودش، در بین کشته‌ها راه افتاد و با بعضی از آنان به مناسبتی حرف زد. به یکی از این کشته‌ها که به پشت افتاده بود، رسیدند. حضرت گفت، این را برگردانید؛ برگردانید. شاید فرمود، او را بنشانید؛ نشانند. بعد به همین کسی که از یاران نزدیکش بود، فرمود: او را می‌شناسی؟ گفت: نه، یا امیرالمؤمنین. فرمود: او همان کسی است که دیشب آن آیات را می‌خواند و دل تو را روده بود!

این، چه قرآن خواندنی است؟! این، چه نوع عبادت کردنی است؟! این، دوری از روح عبادت است. اگر انسان با روح عبادت و نماز و قرآن آشنا باشد، می‌فهمد که وقتی موجودیت و حقیقت و لب اسلام - که در علی‌بن‌ابی‌طالب مجسم است - در یک طرف قرار گرفته است، همه‌ی شبهه‌ها را از خودش دور می‌کند و به او می‌پیوندد. این دوری

از قرآن و دوری از دین است که کسی نتواند این موضوع را تشخیص بدهد و نتیجتاً به روی علی(ع) شمشیر بلند کند.

پس، یک طرف قضیه، همین تجررها و نیندیشیدنها و اشتباههای عمده و بزرگ است که ما در طول دوران خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس، آن را مشاهده می‌کنیم. بعضیها آدمهای مقدس‌مآب و متدین و اهل عبادت و اهل زهد بودند و در کتابها اسمشان در شمار عبّاد و زهاد و اخلاقیون و آدمهای حسابی ثبت شده است؛ اما اشتباه می‌کردند؛ اشتباهی به عظمت اشتباه جبهه‌ی حق با باطل. بزرگترین اشتباهها این است. اشتباههای کوچک، قابل بخشش است. آن اشتباهی که قابل بخشش نیست، این است که کسی جبهه‌ی حق را با جبهه‌ی باطل اشتباه کند و نتواند آن را بشناسد.

عظمت امثال عمار یاسر، به همین است. عظمت آن اصحاب خاص امیرالمؤمنین(علیه‌الصّلاة‌والسّلام) در همین است که در هیچ شرایطی دچار اشتباه نشدند و جبهه را گم نکردند. من در موارد متعدد در جنگ صفین، این عظمت را دیده‌ام؛ البته مخصوص جنگ صفین هم نیست. در بسیاری از آن‌جاهایی که برای جمعی از مؤمنین، نکته‌ی مورد اشتباه قرار می‌گرفت، آن کسی که می‌آمد و با بصیرت نافذ و با بیان روشنگر خود، شبهه را از ذهن آنها برطرف می‌کرد، عمار یاسر بود. انسان در قضایای متعدد امیرالمؤمنین - از جمله در صفین - نشان وجود این مردِ روشنگرِ عظیم‌القدر را می‌بیند.

جنگ صفین ماهها طول کشید؛ جنگ عجیبی هم بود. مردم افراد مقابل خود را می‌دیدند که نماز می‌خوانند، عبادت می‌کنند، نماز جماعت و قرآن می‌خوانند؛ حتی قرآن سرنیزه می‌برند! خیلی دل و جرأت می‌خواست که کسی روی این افرادی که نماز می‌خوانند، شمشیر بکشد.

در روایتی از امام صادق(علیه‌الصّلاة‌والسّلام) نقل شده است که اگر امیرالمؤمنین(ع) با اهل قبله نمی‌جنگید، تکلیف اهل قبله‌ی بد و طغیانگر تا آخر معلوم نمی‌شد. این علی‌بن‌ابی‌طالب بود که این راه را باز نمود و به همه نشان داد که چه کار باید کرد. بچه‌های ما، وقتی که به بعضی از سنگرهای جبهه‌ی مهاجم وارد می‌شدند و آنها را اسیر می‌گرفتند، در سنگرهایشان مهر و تسبیح پیدا می‌کردند! بله، درست مثل همان کسانی که مقابل امیرالمؤمنین(ع) قرار داشتند و نماز هم می‌خواندند و نتیجتاً یک عده هم به شبهه می‌افتادند. آن کسی که سراغ اینها می‌رفت، عمار یاسر بود. این، هوشیاری و آگاهی است و کسی مثل عمار یاسر لازم است.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1369/01/10

نقطه‌ی مقابل تقوا، غفلت و بی‌توجهی و حرکت بدون بصیرت است. خدا، ناهوشیاری مؤمن را در امور زندگی نمی‌پسندد. مؤمن باید در همه‌ی امور زندگی، چشم باز و دل بیدار داشته باشد. این چشم باز و دل بیدار و هوشیار در همه‌ی امور زندگی، برای انسان مؤمن این اثر و فایده را دارد که متوجه باشد، کاری که می‌کند، برخلاف خواست خدا و طریقه و ممشای دین نباشد. وقتی این مراقبت در انسان به وجود آمد که گفتار و عمل و سکوت و قیام و قعود و هر اقدام و تصرف او، برطبق خط مشی‌پی است که خدای متعال معین کرده، اسم این حالت هوشیاری و توجه و تنبه در انسان تقواست، که در فارسی به پرهیزگاری ترجمه شده، و مقصود از پرهیزگاری این است که حالت پرهیز و برحذر بودن، همیشه در انسان زنده باشد. فایده‌ی روزه این است.

بیانات در دیدار جمع کثیری از علما و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مدارس علمیه‌ی تهران 1368/12/02

روحانیون و بخصوص بیدارترها و بصیرترها و دلسوزترها - که در قشرهای مختلف روحانی، بحمدالله این خصوصیات به وفور پیدا می‌شود - ببینند شرایط تأثیر کامل حضور روحانیت برای انقلاب و پیشرفت هدفهای آن چیست؛ آن شرایط را تأمین کنند. آفات چیست؛ از آن آفات پیشگیری کنند و اگر هست، آن را رفع نمایند. این نکته، جدی است و شعار نیست. این، حرکتی است که اگر شد، پیروزی تداوم پیدا خواهد کرد و روزه‌روز بر اوج اسلام و قدرت جمهوری اسلامی و سعه‌ی میدان این ندای ملکوتی در عالم افزوده خواهد شد.

بیانات در دیدار جمع کثیری از علما و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مدارس علمیه‌ی تهران 1368/12/02

اگر روحانیون، به آینده با چشم یک میدان کار ننگرند و برای آن برنامه‌ریزی نکنند و آفات مسیر را از سر راه بر ندارند، دنبال این غفلت، ضربه است. در این هیچ شکی نیست. اگر روحانیون، آینده را با چشم باز و بصیر نگاه کنند و خود را برای ادامه‌ی حمل این بار آماده نمایند و وظایفشان را پیش‌بینی و خودشان را آماده‌ی عمل به آن بکنند، اسلام در سطح جهان روزه‌روز قوت خواهد گرفت. در این هم هیچ تردیدی نیست.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1368/11/20

اگر امروز، دولت یا یکی از مسؤولان بخواهد حرکتی را انجام بدهد که مردم آن را نپسندند، می‌توانند جلوش را بگیرند. همه جا مردم حضور دارند. این، خصوصیت انقلاب ماست. هیچ انقلابی در دنیا، این گونه نیست. این نکته را از روی بصیرت و اطلاع از نزدیک می‌گویم و این استثنایی است.

بیانات در دیدار فرمانده و جمع کثیری از پرسنل نیروی هوایی ارتش 1368/11/19

دشمنی سردمداران قدرت - و بیش از همه آمریکا - با چنین ملت و دولت و رهبری و با چنین شعارهایی، یک دشمنی تمام نشدنی است. این دشمنیها، از روز اول علیه انقلاب و اسلام و امام وجود داشته و در طول این یازده سال هم ادامه پیدا کرده است و همین، یکی از صحنه‌های عبرت و معرفت برای کسانی است که دارای دیدگی بصیرتند.

بیانات در دیدار میهمانان شرکت‌کننده در کنفرانس وحدت اسلامی 1368/07/24

شما بعضی از کشورهای اسلامی مدعی اسلامیت و ترویج اسلام را ببینید؛ بعضیها آن قدر پُرو و وقیح هستند که خودشان را بانی و صاحب و مروج اسلام هم به حساب می‌آورند و معرفی می‌کنند درعین‌حال که کپسول فساد و انحطاط و منشأ محرّمات و گناهان کبیره هستند!! این را مردم دنیا می‌بینند. مسلمانانی که بصیرند، اینها را می‌فهمند و می‌دانند که در این صورت، اگر پرچم وحدت اسلامی بلند شد، دل‌های مسلمانان به طور قهری به آن‌جایی متوجه خواهد شد که حقیقتاً اسلام حاکم است و ملاکها و معیارها از اسلام گرفته شده و ملاک حاکمیت و مدیریت و مسؤولیت، مسلمان بودن است و این آیه‌ی شریفه که: «الَّذِينَ ان مَكْتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» صادق است. مردم دنیا، این را می‌بینند و دل‌هاشان متوجه ایران اسلامی خواهد شد.

بیانات در مراسم بیعت فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد 1368/04/20

حوزه‌های علمیه باید بر سه مینا تحرک خودشان را افزایش دهند و سازماندهی و نوآوری کنند:

مبنای اول، فقه سنتی و جواهری است، که تعبیر امام بزرگوارمان بود. صاحب جواهر، مظهر یک فقیه مقید به مقررات فقاقت و قواعد اصولی و فقهی است.

مبنای دوم، تزکیه‌ی اخلاقی است، که اگر در افراد حوزوی نباشد، همان مسأله‌ی دزدی است که با چراغ می‌آید و کار را مشکلت‌ر می‌کند. این قسمت، مستغنی از بیان است.

مبنای سوم، آگاهیهای سیاسی است. اگر شما اعلم علما هم باشید، ولی زمانتان را نشناسید، مجال است بتوانید برای جامعه اسلامی امروز مفید واقع شوید. اگر ندانیم که استکبار چه کار می‌خواهد بکند و دشمنان ما چه کسانی هستند و از کجا نفوذ می‌کنند، و اگر متوجه نباشیم که در جامعه ما چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد و علاجش چیست، و اگر اطلاع نداشته باشیم که در جبهه‌بندیهای امروز جهان چه جایگاهی داریم، نمی‌توانیم نقش واقعی خود را ایفا کنیم.

همیشه کتک و توسری را کسانی می‌خورند که بین دو جناح بازیگر قرار گیرند و ندانند چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد و چه عواملی صحنه بازی را به نفع خود تغییر می‌دهند. بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیتها برای هر عاملی - چه اعلم‌العلماء باشد، و چه کسی که در یک محله احکام دین را به چند نفر تعلیم می‌دهد - ضروری است؛ منتها هرچه مقام بالاتر باشد، آگاهیهای بیشتر و وسیعتری مورد لزوم است.

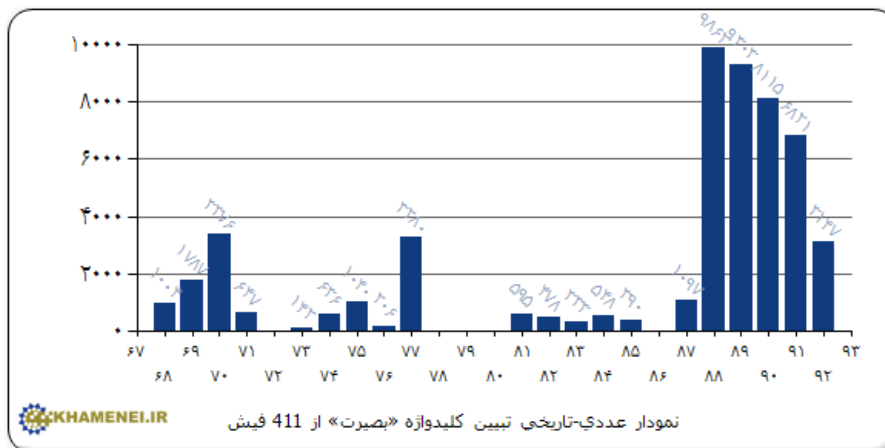
ما در طول تاریخ تشیع، به خاطر عدم آگاهی علما از حقایق جریانات دنیا، خیلی ضربه خوردیم؛ بخصوص در دویست سال اخیر که دنیا شکل جدیدی پیدا کرد و استعمار پدید آمد و سیاستها عوض شد و دولتهای اروپایی وارد میدان سیاست جهانی شدند و به کشورهای اسلامی تعرض کردند.

هرگاه ما عالم دین و تقوی و باهوش و زرنگ و دقیقی مثل میرزای شیرازی و شیخ انصاری داشتیم، از شر دشمن محفوظ می‌ماندیم و برنده بودیم؛ ولی آنجا که قدری غفلت و ناآگاهی در کار بوده است، ضرر می‌کردیم، که آن ضرر، به یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و چند سال محدود نمی‌شد؛ بلکه در برخی موارد اثرش تا پنجاه سال تمام، جامعه اسلامی را تحت فشار قرار می‌داد.

دیگر نباید تسلیم ناآگاهیها شویم. باید آگاهی و بصیرت را در خودمان تقویت کنیم. باید برآن سه مینا، حوزه‌ها را بازسازی کنیم و توسعه دهیم. امروز دشمنها منتظرند تا به ما ضربه زنند؛ ما باید حواسمان جمع باشد. خوشبختانه امروز طوری است که نوظه‌های استکبار جهانی از نظر ملتها افشا شده است و این جمله منسوب به امام سجاد(ع): «الحمد لله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء»، واقعاً در مواردی صدق می‌کند.

بیانات در مراسم بیعت معلمان و دانش آموزان 1368/03/26

این مصیبت و ضایعه، برای مردم ما و همه اقشار این ملت بزرگ و قهرمان و مقاوم، ابتلای الهی هم است. کسانی از این امتحان سربلند بیرون می‌آیند که با حسن انتخاب خود، از حوادث مصیبت‌بار و تلخ، پله‌یی در راه تعالی و تکامل خویش بسازند. اگرچه این مصیبت، سخت و تلخ است، اما کسانی که با این مصیبت روبه‌رو می‌شوند، چنانچه بتوانند با تصمیم و انتخاب و حرکت درست، کار صحیح و صواب انجام دهند، همین حادثه‌ی تلخ و مصیبت‌بار، وسیله‌ی تعالی و تکامل آنها خواهد شد. اما بعکس، اگر با امتحان و ابتلای الهی برخورد بد بشود و جامعه با عدم بصیرت و ضعف اراده و سردرگمی و عدم استفاده از فرصتهای الهی و روآوردن به ضعفها و نقصهای بشری با حادثه مواجه شود، مصیبت وارده، آنها را نخواهد ساخت و پیش نخواهد برد؛ بلکه مصیبت مضاعفی را به بار خواهد آورد.



مقالات مرتبط

عنصر بصیرت در شخصیت حضرت امام (ره) نویسنده: عباس جوارشکیان